



پژوهشنامه

تبلیغ اسلامی



دو فصلنامه علمی - تخصصی

سال چهارم، شماره دهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

ویژه همایش یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم

۱۰

صاحب امتیاز: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

معاونت فرهنگی و تبلیغی

مدیر مسئول: سعید روستا آزاد

سر دبیر: مصطفی آزادیان

دبیر تحریریه: احمد فلاح زاده

کارشناس امور اجرایی: اکبر اسماعیل پور

مترجم چکیده: محمدرضا عموحسینی

نشریه «پژوهشنامه تبلیغ اسلامی» بر اساس پروانه انتشار به شماره ثبت ۸۵۵۷۰ تاریخ ۱۳۹۸/۵/۱۴ معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان دو فصلنامه تخصصی در زمینه الهیات و معارف اسلامی منتشر می شود.

دو فصلنامه پژوهشنامه تبلیغ اسلامی در بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran.com)؛ پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags.ir)؛ پایگاه استنادی سیویلیکا (Civilica.com) پرتال نشریات دفتر تبلیغات اسلامی (<http://journals.dte.ir>) نمایه می شود.

هیئت تحریریه در اصلاح و ویرایش مقاله ها آزاد است. دیدگاه های مطرح شده در مقالات صرفاً نظر نویسندگان محترم است.

آدرس نشریه: قم، چهارراه شهدا، معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، گروه تولید محتوا، کدپستی: ۳۷۱۵۷۹۱۸۱۱

تلفن: ۰۲۵ - ۳۱۱۵۱۲۴۷ سامانه نشریه: <http://jip.dte.ir>

ایمانامه: tabligh@dte.ir

قیمت: ۱۶۰/۰۰۰ تومان

چاپ: مؤسسه بوستان کتاب

اعضای هیئت تحریریه

(به ترتیب حروف الفبا)

مصطفی آزادیان

(دانش آموخته حوزه علمیه قم و دکتری ادیان و عرفان)

محمدتقی انصاری پور

(عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب)

حجت الله بیات

(عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و حدیث)

عباس پسندیده

(عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث)

حسین جوان آراسته

(عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

کریم خان محمدی

(عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم)

ناصر رفیعی محمدی

(عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه)

سعید روستا آزاد

(عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)

ابوالفضل ساجدی

(عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی علیه السلام)

شیوه‌نامه تدوین مقالات

۱. مقاله باید پیش از این، جایی منتشر نشده و یا همزمان به مجله دیگری ارسال نشده باشد.
۲. پذیرش اولیه مقاله منوط به رعایت راهنمای تدوین مقالات و برخورداری از حداقل استاندارد پژوهشی و پذیرش نهایی آن منوط به تأیید داوران و هیئت تحریریه است.
۳. در صورتی که مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد یا رساله دکتری است، ذکر نام استاد راهنما الزامی است.
۴. مقالات ترجمه‌ای تنها در صورت داشتن نقد مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.
۵. مقاله در محیط World (با قلم B Lotus ۱۴ برای متن فارسی و با قلم Times New Roman ۱۱ برای متن انگلیسی) حروف چینی گردد.
۶. مقاله باید شامل: عنوان، چکیده فارسی، کلید واژگان، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه، کتابنامه و چکیده انگلیسی باشد.
۷. چکیده مقاله باید شامل هدف، روش و نتایج به دست آمده باشد.
۸. چکیده باید بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه و تعداد کلید واژه‌ها باید بین ۴ تا ۷ کلمه باشد.
۹. مقدمه مقاله باید شامل تعریف مسئله، پیشینه اجمالی پژوهش، ضرورت و اهمیت طرح، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی باشد.
۱۰. بدنه اصلی مقاله باید محصول مطالعه، تجربه و پژوهش‌های دست اول نویسنده و متضمن دست آورد علمی جدید با تکیه بر نتایج عملی باشد.
۱۱. نتیجه‌گیری مقاله بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد.
۱۲. حجم مقاله نباید از ۴۰۰۰ کلمه کمتر و از ۶۰۰۰ کلمه بیشتر باشد.
۱۳. اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ارجاعات توضیحی در پانویس ذکر شود.
۱۴. استنادها در مقاله به شیوه (APA) تنظیم شود.
۱۵. استناد درون‌متن، داخل پرانتز، شامل (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، شماره صفحه) باشد.

۱۶. در صورتی که از یک نویسنده در یک سال، دو اثر چاپ شده باشد و در متن مورد استناد قرار گرفته باشد پس از ذکر سال انتشار با حروف (الف و ب) یا (a , b) از هم متمایز گردند.

۱۷. اگر تعداد نویسنده‌ها بیش از سه نفر باشد، تنها نام خانوادگی نویسنده اول ذکر شده و پس از آن، از عبارت " و دیگران " استفاده شود.

۱۸. اگر در متن به بیش از یک منبع استناد شده باشد با نقطه ویرگول؛ از هم جدا می‌شوند.

۱۹. کتابنامه در پایان متن بر اساس حروف الفبا و به صورت زیر تنظیم شود:

- مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال انتشار). عنوان مقاله. عنوان مجله (به صورت ایتالیک)، دور (شماره)، شماره صفحات آغازین و پایانی مقاله.
- کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال انتشار). عنوان کتاب (به صورت ایتالیک)، مترجم/ ویراستار/ گردآورنده، چاپ ...ام، محل نشر: ناشر.
- کتاب ترجمه یا تصحیح شده: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده. (سال انتشار). عنوان کتاب (به صورت ایتالیک). (نام و نام خانوادگی مترجم/ مصحح). محل انتشار: ناشر. (در صورت ترجمه، سال انتشار کتاب به زبان اصلی).
- کتاب چند جلدی: نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال انتشار). عنوان کتاب (به صورت ایتالیک). (شماره جلد). چاپ ...ام، محل انتشار: ناشر.
- مقاله در مجموعه مقالات یا فصلی از یک کتاب دارای ویراستار یا گردآورنده: نام خانوادگی، نام. (سال انتشار). عنوان مقاله/ فصل. نام گردآورنده یا ویراستار. عنوان مجموعه مقالات (به صورت ایتالیک). شماره صفحات آغازین و پایانی مقاله. چاپ ...ام، محل نشر: ناشر.
- منابع اینترنتی: نام خانوادگی، نام. عنوان مقاله/ کتاب، تاریخ دریافت، آدرس سایت.

۲۰. مسئولیت مقاله

- مسئولیت صحت و سقم مطالب بر عهده نویسنده/ نویسندگان است. از این رو مقالات بیانگر دیدگاه اعضاء هیئت تحریریه نیست.
- فصلنامه در رد یا قبول و ویرایش علمی و ادبی مقالات، آزاد است.
- در صورتی که مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد محتوای مقاله باید مورد تأیید همه نویسندگان باشد.
- نقل و اقتباس از مقاله‌های مجله با ذکر مأخذ آزاد است.
- در صورتی که نویسنده از دستاوردهای پژوهشی دیگران یا بخشی از پژوهش‌های خود، بدون ذکر منبع، استفاده کند، سرقت علمی به حساب آمده و مقاله پذیرفته نمی‌شود.

فهرست مطالب

- ۸ حوزه علمیه قم و تبلیغ بین الملل در صد سال اخیر
مجید مشکی / عادل رمضان
-
- ۳۶ تطورات سازمانی تبلیغ دینی در دوران جمهوری اسلامی
اباذر جعفری / حمیدرضا مطهری
-
- ۷۲ بررسی نقش حوزه‌های علمیه در تبلیغات دینی عصر قاجار؛ با تأکید بر تهران
حامد قرائتی
-
- ۱۰۴ رویکردهای پژوهشی حوزه علمیه عصر آیت الله حائری (۱۳۰۱-۱۳۱۵ش)
احمد فلاح زاده / سیدعباس رضوی
-
- ۱۲۸ حوزه‌های علمیه و رویکرد تمدن‌سازی؛ تأملی در یک نقش تاریخی
مصطفی محسنی
-
- ۱۴۸ روش‌ها و دغدغه‌های تبلیغی حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ مرتضی انصاری
ناصرالدین انصاری قمی



Journal of Islamic Propagation

Volume 4 ● No 10 ● Autumn & Winter 2024

Islamic Seminary of Qom and International Propagation in the Last Hundred Years

Majid Meshki*

Adel Ramezani**

Abstract

Propagation of Islam and the teachings of the Ahl al-Bayt schools of thought has long been a constant focus of Shia Islamic seminaries and a part of the identity of this religious-scientific institution. In the last century, the role of the Shia Islamic seminaries, especially Qom seminary, in propagating religious knowledge and promoting the Islamic lifestyle increased with the revival of the Islamic seminary of Qom by the late Grand Ayatollah Haeri Yazdi and renewing scientific-educational activities and the gradual promotion of this seminary, as well as the increasing acceptance of generations to acquire religious sciences, especially after the victory of the Islamic Revolution of Iran and apart from intra-religion and intra-denomination dimensions, it took on extra-religious and international dimensions. The symbol and manifestation of the international activities of Islamic seminary of Qom was illustrated in the two areas of "education" and "propagation", and this article has dealt with the propagational activities of Islamic seminary of Qom and related centers and affiliates of this institution in the last century. The international activity of Shia Islamic seminaries in the last century started by the actions of Marjas Taqlid (the great authorities) in the international arena. An activity that can be considered person-oriented. However, with the victory of the Islamic revolution of Iran and the formation of the Shia system in Iran and the formation of educational, religious and propagational organizations, propagation activities gained wider dimensions, to the extent that in this field, we have also witnessed the presence of private institutions and concerned persons.

Key words

Islamic seminary of Qom, Propagation in the international arena, 100th anniversary of Islamic seminary of Qom, Propagation.

* Former director general of Propagation at International Organization of Islamic Culture and Communications and PhD student in Shia studies.

** Level Four (PhD) Graduate, The specialized Center for Shia Studies, Islamic Seminary of Qom.

حوزه علمیه قم و تبلیغ بین‌الملل در صد سال اخیر

مجید مشکی*

عادل رضانی**

چکیده

تبلیغ شریعت اسلام و معارف مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام، از دیرباز به‌عنوان رکن ثابت کارکرد حوزه‌های علمیه شیعه و بخشی از هویت این نهاد علمی - دینی بوده است. در سده اخیر، با احیای حوزه علمیه قم به دست با برکت مرحوم آیت‌الله العظمی حائری یزدی و جان گرفتن فعالیت‌های علمی - آموزشی و رونق تدریجی این حوزه و نیز استقبال فزاینده نسل‌ها برای کسب علوم دینی، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نقش آفرینی حوزه‌های علمیه شیعه، به‌خصوص حوزه علمیه قم در تبلیغ معارف دینی و ترویج سبک زندگی اسلامی، بیش از پیش گردید و غیر از ابعاد درون‌دینی و درون‌مذهبی، ابعاد برون‌دینی و بین‌المللی به خود گرفت. نماد و نمود فعالیت‌های بین‌المللی حوزه علمیه قم، در دو پهنه «آموزش» و «تبلیغ» تبلور یافت که مقاله حاضر، به فعالیت‌های تبلیغی حوزه علمیه قم و نیز مراکز مرتبط و همکار این نهاد در قرن اخیر پرداخته است.

آغاز فعالیت بین‌المللی حوزه‌های علمیه شیعه در سده اخیر، با اقدامات مراجع عظام تقلید در عرصه بین‌الملل رقم خورد؛ فعالیتی که می‌توان آن را فردمحور قلمداد نمود؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام شیعی در ایران و تشکیل سازمان‌های آموزشی، دینی و تبلیغی، فعالیت‌های تبلیغی ابعاد گسترده‌تری یافت؛ تا جایی که در این عرصه، حضور مؤسسات خصوصی و اشخاص دغدغه‌مند را نیز شاهد هستیم.

کلیدواژه‌گان: حوزه علمیه قم، تبلیغ در عرصه بین‌الملل، یکصدسالگی حوزه علمیه قم، تبلیغ^۱.

* مدیر کل سابق تبلیغ بین‌الملل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی.

** دانش‌آموخته سطح چهار مرکز تخصصی شیعه‌شناسی حوزه علمیه قم.

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و نکوداشت آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله‌علیه تالیف شده است.

مقدمه

حوزه علمیه شیعه، همواره دارای ابعاد بین المللی است. در طول تاریخ، مراکز علمی شیعی از مدینه و کوفه گرفته تا قم و اصفهان و مشهد، محل رجوع و دانش افزایی جویندگان علم از سراسر نقاط جهان بوده است؛ چه اینکه معارف شیعی، جهان شمول است.

این حرکت، برگرفته از آموزه های حضرات ائمه شیعه علیهم السلام است؛ چه در زمان ایشان که از مناطق مختلف جغرافیایی جهت علم آموزی به محضرشان می رسیدند و حضرات معصومین نیز نمایندگان و وکلای خود را جهت حل و فصل مشکلات و پاسخگویی امور دینی مردم به نقاط گوناگون اعزام می نمودند و چه در دوره های بعد که این رویه ادامه داشته و سنت تبلیغ در پهنه جهانی را در میان جامعه شیعه نهادینه نموده است.

در همین راستا، حوزه علمیه قم در صد سال اخیر، فعالیت خود در عرصه بین الملل را ادامه و گسترش داده است. بعد از حضور آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، از سال ۱۳۰۱ش حوزه قم حیات تازه ای یافت و محلی برای سیراب نمودن تشنگان دانش شد. این حوزه در ابتدای سده اخیر، به علت فشارهای حکومت پهلوی با محدودیت بیشتر مواجه بود و پس از انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷، با سرعت و توسعه ای قابل توجه در امر تربیت طلاب، و به تبع آن، ارتقای سطح معرفتی مردم فعالیت کرده است و به همین میزان، نشر معارف اهل بیت علیهم السلام نیز گام به گام رو به فزونی گذاشته است.

تبلیغ در عرصه بین الملل، قبل و صد البته بعد از انقلاب اسلامی ایران، مورد توجه بوده که نظر به شرایط پیش از انقلاب، با گستره ای کوچک تر و محدود سامان یافته و بعد از انقلاب اسلامی ایران، به صورت وسیع تر امر تبلیغ در عرصه های خارج از کشور و تربیت مبلغانی ویژه صورت پذیرفته که به عنوان نمونه های شاخص، می توان به فعالیت های بین المللی آیت الله بروجردی قبل از انقلاب و اقدامات سازمان یافته نهادهایی چون: دفتر تبلیغات اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی بعد از انقلاب اسلامی ایران اشاره کرد.

این مقاله، بر آن است تا فعالیت های یکصد سال اخیر حوزه علمیه قم را در عرصه های آموزشی، تربیتی و تبلیغی که مرتبط با عرصه بین الملل می باشند، مورد بررسی قرار دهد و نقش این حوزه را در نشر علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام در جهان معاصر تبیین نماید.

الف. فعالیت‌های بین‌المللی حوزه علمیه قم پیش از انقلاب اسلامی ایران

در دوره قبل از انقلاب اسلامی ایران که بخشی از آن تحت زعامت «آیت‌الله بروجردی» سپری شد، تربیت مبلغ بین‌الملل و اعزام به خارج از ایران، بیشتر به صورت فردی صورت می‌پذیرفته و به غیر از مواردی انگشت‌شمار، تربیت مبلغ و تبلیغ در عرصه بین‌المللی، در قالب سازمان‌ها و مؤسسات نبوده است. نکته قابل توجه دیگر اینکه در دوره پیش از انقلاب و حتی تا دو دهه بعد از آن، تربیت مبلغ، به معنای فراگیری زبان‌های خارجی توسط طلاب و فضیله‌های حوزوی بوده است که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، تقریباً در تمام موارد، طلاب و فضیله‌ها به صورت شخصی به امر زبان‌آموزی می‌پرداختند. جالب توجه است که در آن زمان، فراگیری زبان در حوزه، مخالفانی داشته است؛ به گونه‌ای که برخی بر این عقیده بودند که:

«خواندن زبان، به معنای پشت کردن به امام زمان علیه السلام است. لذا طلبه‌های علاقه‌مند، در ساعات غیر متعارف و گاه مخفیانه، تمرین زبان می‌کردند.» (پرتو آفتاب؛ خاطرات آیت‌الله علی عراقچی، ص ۱۲۳).

آموزش‌های تخصصی تربیت مبلغ بین‌الملل، از اواخر دهه هشتاد شمسی در بعضی از مراکز آغاز گردید. در این بخش، به بررسی شیوه فعالیت افراد و مؤسسات فعال عرصه تبلیغ بین‌الملل پیش از انقلاب می‌پردازیم.

یکم. مراجع، علما و فضیله‌های فعال در عرصه بین‌الملل پیش از انقلاب

پیش از انقلاب اسلامی ایران، محدودیت‌های رژیم وقت، حوزه و به تبع آن، تبلیغ بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده بود. به همین جهت، دایره فعالیت‌های بین‌المللی حوزه وسیع نبود. در عین حال، پیش از انقلاب، اعظام و فضیله‌ها هم بودند که به صورت انفرادی یا با تأسیس مرکز، به تبلیغ بین‌الملل اهتمام داشته‌اند که در ذیل، به آنها اشاره خواهد شد.

۱. آیت‌الله العظمی بروجردی

آیت‌الله العظمی بروجردی، در عرصه تبلیغ بین‌الملل فعالیت‌های ذیل را انجام داده است:

۱-۱. فعالیت تبلیغی درون‌دینی و ارتباط با مذاهب اسلامی

از جمله فعالیت‌های مهم این مرجع بزرگ، سعی در برقراری ارتباط درون‌دینی بین اهل سنت و

شیعه به عنوان دو شاخه مهم از درخت تنومند اسلام است. در دوره زعامت آیت الله بروجردی، ملاقات‌ها و مکاتبه‌های فراوانی با علمای دانشگاه الأزهر مصر، به‌ویژه «شیخ محمود شلتوت»، رئیس وقت آن دانشگاه انجام گرفت که با استقبال ایشان و شیخ شلتوت، این ارتباطات باعث گردید کتاب‌هایی در مصر در مورد شیعه چاپ شود و شیخ الأزهر نیز به رسمیت داشتن فقه جعفری فتوا دهد که تا آن زمان، این مسئله، بی سابقه بوده است؛ چرا که بنا بر اعتقاد علمای اهل سنت، باب اجتهاد انسداد داشته و منحصر به همان چهار فقه مشهور اهل سنت می‌باشد. همچنین، آیت الله بروجردی اهتمام زیادی به موضوع «تقریب» شیعه و سنی داشت و در این زمینه، تا پایان عمر شریف خود از «شیخ محمدتقی قمی»^۱ که از مؤسسان دارالتقریب مصر بود، حمایت می‌نمود (آذرشب، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۸۲).

در همین راستا و به جهت برقراری ارتباط حوزه علمیه قم با مراکز علمی جهان اسلام، آیت الله بروجردی سید محمدتقی طالقانی^۲ را به عربستان، محمد شریعت اصفهانی^۳ را به

۱. شیخ محمدتقی قمی، از علمای وحدت‌گرای شیعه بود که در زمان زعامت آیت الله بروجردی و با جلب حمایت ایشان و رئیس وقت دانشگاه الأزهر مصر، در سال ۱۳۶۰ قمری «دارالتقریب مذاهب اسلامی» را تأسیس کرد. در نظر وی، راه گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز بین علمای مذاهب، موجب وحدت اسلامی بود. تلاش‌های او باعث فتوای معروف شیخ شلتوت در به رسمیت شناختن مذهب شیعه شد (ر.ک: امیردهی، «علامه شیخ محمدتقی قمی؛ همزیست دارالتقریب»، ۱۳۸۷ ش).

۲. سید محمد طالقانی، روحانی محبوب، برادر جلال آل احمد، امام جماعت مسجد پاچنار تهران و همچنین نماینده آیت الله بروجردی در مدینه و به‌ویژه بین شیعیان نخواستله بود. ایشان تلاش‌های بسیاری برای رفع موانع وحدت، و همچنین بازسازی قبور ائمه بقیع داشت که در مورد بازسازی توفیقی نیافت. سرانجام در سال ۱۳۳۲ شمسی در مدینه از دنیا رفت و در کنار قبور ائمه بقیع به خاک سپرده شد (ر.ک: شمس آل احمد، جلال از چشم برادر، تهران، بدیهه، ۱۳۷۶ ش).

۳. شیخ محمد شریعت اصفهانی، متوفای ۱۳۹۸ ق، از علمای مسلم ایران و عراق بود که پس از تأسیس کشور پاکستان به آنجا رفت و نماینده آقایان: آیت الله حکیم، آیت الله بروجردی و آیت الله خمینی بود و سرپرستی شیعیان پاکستان را به عهده داشت (ر.ک: سید حسن عارف نقوی، تذکره علمای امامیه پاکستان، ترجمه: دکتر محمدهاشم، تهران، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰).

پاکستان و سید محمدحسین ناشر الاسلام^۱ را به کویت اعزام می‌نماید که این حرکت، درحقیقت، نقطه آغازین فعالیت‌های تبلیغی - بین‌المللی حوزه علمیه شیعه در سده اخیر محسوب می‌گردد (طلایه داران عرصه تبلیغ، ص ۱۴۲؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷ش، ص ۳۴۴).

۲-۱. فعالیت تبلیغی برون‌دینی

آیت‌الله بروجردی معتقد بود که مردم دارای فطرت پاکی هستند و اگر معارف با بیان شیوا و مستدل برایشان گفته شود، تأثیرگذار خواهد بود. ازاین‌رو، در کنار فعالیت‌های درون‌دینی، مرکز اسلامی هامبورگ را تأسیس نمود و شاید بتوان گفت ایشان اولین فردی است که به‌صورت روشمند به کار تبلیغ بین‌الملل به‌عنوان یک مرجع تقلید شیعه اقدام کرد.

مسجد و مرکز اسلامی هامبورگ

مسجد امام علی علیه السلام یا همان مرکز اسلامی هامبورگ، به‌عنوان مرجعی برای پاسخگویی به سؤالات دینی و انجام مراسم و مناسک مذهبی، به درخواست مردم و با تلاش‌های حجت‌الاسلام دکتر محمد محقق^۲ و حمایت آیت‌الله بروجردی، در سال ۱۳۳۲ش تأسیس شد و توانست به‌صورت رسمی ثبت شود. آیت‌الله بروجردی در ابتدا آقای ابوالقاسم محمدی گلپایگانی^۳ را به آنجا فرستاد. بعد از یک دوره شش‌ماهه، آقای «محمد محقق لاهیجی» از طرف آقای بروجردی به هامبورگ رفت. ایشان با علوم روز مثل: فیزیک، شیمی و ریاضی آشنایی داشت و زبان فرانسه و روسی را در دارالفنون خوانده بود. ازاین‌رو، توانست

۱. سید محمد ناشر الاسلام، از علمای معاصر که سفرهای متعددی به کشورهای مختلف از طرف آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله بروجردی، از جمله هند و کشورهای آفریقایی (ماداگاسکار و زنگبار) داشت. ایشان همواره مشغول امر ترویج و تبلیغ دین بود و کتاب‌های متعددی به زبان‌های محلی منتشر کرد.

۲. حجت‌الاسلام دکتر محمد محقق، متوفای ۱۳۸۸ق، از فضیلت معاصر بود که علاوه بر علوم حوزوی، بر علوم طبیعی از جمله: فیزیک، طبیعیات، ریاضیات و زبان فرانسه نیز تسلط داشت. ایشان در سال ۱۳۵۷ق از طرف آیت‌الله بروجردی به هامبورگ رفت و تلاش‌های وی با حمایت آیت‌الله بروجردی، منجر به شروع بنای مسجد هامبورگ شد (ر.ک: سید علیرضا ریحان یزدی، آینه دانشوران).

۳. شیخ ابوالقاسم محمدی گلپایگانی، از روحانیون و فضیلت شهر گلپایگان و امام‌جمعه این شهر بود. ایشان پدر حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی، رئیس فعلی دفتر مقام معظم رهبری است. شیخ ابوالقاسم، قبل از آقای محقق، نماینده آیت‌الله بروجردی در مسجد هامبورگ بود.

فعالیت خوبی داشته باشد.

آیت الله شهید دکتر بهشتی، فرد بعدی اعزامی به مسجد و مرکز اسلامی هامبورگ بود. آقای بهشتی نظر داشت که این مسجد با حفظ رویکرد شیعی، باید مرجعیت اسلامی داشته و برای همه اقشار مردم، اعم از شیعه و سنی و حتی پیروان سایر ادیان برنامه داشته باشد. به این ترتیب، برنامه برای سه گروه بود:

۱. شیعیان ایرانی؛ ۲. سایر مسلمانان؛ ۳. پیروان ادیان، به ویژه مسیحیت.

از جمله فعالیت‌هایی که در زمان آقای بهشتی شروع شد، ارتباط مستمر با دانش‌آموزان، معلمان و مراکز آموزشی و بازدید ایشان از مسجد امام علی علیه السلام و مرکز اسلامی هامبورگ بود (ر.ک: پایگاه اینترنتی نشر اندیشه‌های شهید بهشتی، خاطرات سید محمد خاتمی).

برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های مختلف در مسائل اسلامی، از جمله «حج»، راه‌اندازی کتابخانه و مجلاتی چون «الفجر» و «بچه‌ها سلام» به زبان آلمانی، برگزاری مراسم و مناسک دینی از قبیل: نماز جمعه، دعا، شب‌های قدر، اعتکاف و برگزاری کلاس‌های آموزشی، از دیگر فعالیت‌های این مسجد است. این مرکز، واحدی با عنوان «امور اجتماعی» دارد که به ارائه خدمات مشاوره درباره ازدواج، تشریف به اسلام و طلاق می‌پردازد. پس از انقلاب اسلامی ایران، این مسجد و مرکز با هدایت و حمایت نظام جمهوری اسلامی به فعالیت پرداخت و پس از رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، نمایندگان معظم له به عنوان امامان مسجد به هدایت مردم پرداختند.

نام و تاریخ حضور امامان جمعه و جماعت مسجد امام علی هامبورگ از ابتدا تا کنون، عبارت‌اند از:

۱. ابوالقاسم محمدی گلپایگانی، ۱۳۳۲ش؛

۲. شیخ محمد محقق لاهیجی، از ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۰ش؛

۳. سید محمد حسینی بهشتی، تا ۱۳۴۹ش؛

۴. شیخ محمد مجتهد شبستری، تا ۱۳۵۶ش؛

۵. سید محمد خاتمی، تا ۱۳۵۹ش؛

۶. شیخ محمد مقدم، تا ۱۳۷۱ش؛

۷. شیخ محمدباقر انصاری، تا ۱۳۷۸ق؛
۸. سید رضا حسینی نسب، تا ۱۳۸۲ش؛
۹. سید عباس قائم مقامی، تا ۱۳۸۸ش؛
۱۰. شیخ رضا رمضان‌گیلانی، تا ۱۳۹۷ش؛
۱۱. شیخ محمدهادی مفتاح، از ۱۳۹۷ش تا کنون (همان).

به جز مرکز و مسجد هامبورگ که از برجسته‌ترین کارهای این مرجع بزرگ بوده و همواره در دروس خود از این برنامه یاد می‌کرد، ایشان در سایر بلاد هم مبلغ و نمایندگان داشت. آیت‌الله شیخ مهدی حائری یزدی، فرزند دوم آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی، نماینده ایشان در آمریکا بود که به نسبت آیت‌الله بهشتی فعالیت محدودتری داشت (پرتوآفتاب، خاطرات آیت‌الله شیخ علی عراقچی، ص ۱۲۰-۱۲۱). همچنین، مرحوم حجت‌الاسلام صدر بلاغی، از خطبای مشهور آن دوره نیز به صورت سیار در کشورهای مختلف از طرف آیت‌الله بروجردی حضور می‌یافت و اقدام به تبلیغ می‌نمود (طلایه‌داران عرصه تبلیغ، ۱۳۹۷، ص ۱۴۸).

۲. فعالیت‌های بین‌المللی آیت‌الله سید محمدرضا گلپایگانی

مرکز جهانی اسلامی لندن

مرکز اسلامی لندن در سال ۱۳۵۳ شمسی توسط آیت‌الله سید محمدرضا گلپایگانی تأسیس شد. در آن زمان، جوانان مسلمانی که در غرب زندگی می‌کردند، آرام‌آرام در فرهنگ اروپا غرق شده و باورها و عقاید خود را از دست می‌دادند. از این رو، آیت‌الله گلپایگانی رحمته‌الله علیه بر آن شد تا مرکزی را در اروپا به جهت حفظ و تقویت دین‌داری جوانان مسلمان راه‌اندازی کند. فرزند ایشان، مرحوم حجت‌الاسلام سید مهدی گلپایگانی، مأمور شد مکانی را انتخاب نماید که نام‌برده با مسافرت به آن کشور اروپایی و پس از مشاهدات میدانی و تحقیق و مشورت با پدر بزرگوار خود، شهر لندن را انتخاب کرد. ابتدا سالن کتابخانه شهرداری اجاره شد و از مسلمانان دعوت گردید و سپس، مکانی خریداری شد و به مرور این مرکز گسترش یافت و برنامه‌هایی از قبیل: نماز عید فطر، دعای کمیل، دعای ندبه و نماز جمعه در آنجا برقرار گردید که همواره سعی شد از خطبا و مبلغان توانمند برای برنامه‌ها استفاده شود. این مسئله، موجب شهرت این مرکز شده است (مجله افق حوزه، ۱۳۹۰، ش ۳۱۲، «گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین سید جواد گلپایگانی»).

در این مرکز، محیط مناسبی برای کسانی که می‌خواستند به دین مبین اسلام مشرف شوند، فراهم شده و در این خصوص، به ایشان مشاوره داده می‌شد. به موجب تلاش و کوشش چندین ساله این نهاد اسلامی، تعداد زیادی از اشخاص به آیین اسلام مشرف شدند. تأسیس کتابخانه، کلاس‌های معرفتی، ارسال نشریه به مجامع علمی و امور عام‌المنفعه، از دیگر فعالیت‌های این مرکز به شمار می‌رود (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز جهانی اسلامی لندن).

۳. امام موسی صدر

به جرئت می‌توان گفت، یکی از درخشان‌ترین نام‌ها در عرصه تبلیغ بین‌الملل قبل از انقلاب اسلامی ایران، امام موسی صدر است؛ چنان‌که شیعه در لبنان توسط ایشان احیا شد. امام موسی صدر متولد سال ۱۳۰۷ شمسی در قم و فرزند آیت‌الله سید صدرالدین صدر است. او از اساتیدی چون: آیت‌الله بروجردی، امام خمینی و آیت‌الله سید محمد محقق داماد بهره برد و در دوران تحصیل، با بزرگانی مانند شهید آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله شبیری زنجانی مباحثه‌های علمی داشته است. امام موسی صدر، علاوه بر تسلط به زبان عربی، به فراگیری دو زبان انگلیسی و فرانسه هم اهتمام داشت و توانایی‌های علمی و جاذبه شخصیتی ایشان، همراه با مهارت‌های زبانی، منشأ تحولات مهمی در لبنان شد (خسروشاهی، ۱۳۹۳، ص ۴۹). او هنگام حضور در شهر قم، از ابزار نوین جهت ترویج دین استفاده می‌کرد؛ مثلاً تأسیس مجله مکتب اسلام با همراهی تعدادی از فضلا و نوشتن مقاله در آن، یا تأسیس دبستان و دبیرستان در شهر قم که توأمان علوم روز و دروس اسلامی را در آنها تدریس می‌نمود، از جمله فعالیت‌های ایشان به حساب می‌آید. همین رویه، توسط ایشان در لبنان نیز ادامه یافت (همان، ص ۵۱ و ۵۴). امام موسی صدر در سال ۱۳۳۵ برای رهبری شیعیان لبنان از طرف آیت‌الله بروجردی به این کشور رفت و البته پیش از آن به اروپا و آفریقا سفرهای تبلیغی داشت. حضور ایشان در لبنان ۲۰ سال طول کشید (همان، ص ۱۰۷-۱۲۳).

شیوه تبلیغی امام موسی صدر در لبنان، جالب توجه بود؛ وی مشاهده کرد شیعیان در اقلیت به سر برده و از لحاظ فرهنگی، وضع مناسبی ندارند. از این رو، با تأسیس مدرسه صنعتی جبل عامل برای بچه‌های بی‌سرپرست با همکاری نخبگانی مانند دکتر چمران، سعی در تقویت مهارت‌های ایشان نمود. جوانان در این مدرسه، علاوه بر تقویت مهارت‌های متنوع، در

کلاس‌های دینی نیز شرکت می‌کردند. «جمعیت خیریه برّ و احسان»، «بیت الفتاه؛ مؤسسه بهداشتی - درمانی مدینه الطب» و «معهد الدراسات الاسلامیه»، از دیگر خدمات و اقدامات عام‌المنفعه امام موسی صدر بود. علاوه بر شیعیان و اهل سنت، مسیحیان هم از این مراکز استفاده می‌کردند. هدف امام موسی صدر، آن نبود که برای شیعه نسبت به سایر مذاهب و ادیان تفوق و برتری ایجاد نماید؛ بلکه می‌خواست ایشان در کنار یکدیگر با مسالمت زندگی کنند و هیچ‌یک حس برتری نسبت به دیگری نداشته باشد (همان، ص ۲۰-۲۵ و ۱۰۷-۱۴۰).

دوم. مؤسسات و مدارس فعال در عرصه بین‌الملل پیش از انقلاب

۱. دارالتبلیغ اسلامی

نظر به اینکه در دهه چهل هجری شمسی، سیلی از شبهات چه از ناحیه مکتب مارکسیست و چه از سوی غربگرایان به جانب جامعه ایران و به خصوص جوانان هجوم آورده بود، به نظر برخی از عالمان آن دوره، لازم شد که طلاب در مؤسسه‌ای به صورت ویژه آموزش ببینند و با زبان روز و زبان‌های خارجی آشنا گردند تا بتوانند در مقابل هجمه‌های فرهنگی مقابله نمایند. این اندیشه، با تأسیس دارالتبلیغ اسلامی وابسته به آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری در ۱۷ مهر ۱۳۴۴ اجرایی گردید (آیت‌الله شریعتمداری به روایت اسناد، ۱۳۸۹ ش، ص ۳۹).

صرف نظر از انگیزه‌ها، اهداف و چگونگی پشتیبانی مالی این مؤسسه،^۱ این مرکز از محدود مراکزی بود که یکی از وظایفش تربیت طلاب زبان‌دان برای خارج از کشور بود. در این مؤسسه، اساتید برجسته حوزوی و نام‌آشنا، مشغول به تدریس و تربیت طلاب شدند که در کنار ایشان، از اساتید دانشگاهی متدین نیز استفاده می‌شد (جعفریان، ۱۴۰۰ ش، ص ۳۲۸). عمده موضوعات درسی این مؤسسه، علاوه بر دروس جاری حوزه‌های علمیه، تاریخ، تفسیر، عقاید، آشنایی با ادیان و مذاهب، حفظ احادیث و زبان خارجی بود. این مدرسه، طرح درسی نیز برای طلاب

۱. برخی بر این باور هستند که تأسیس دارالتبلیغ توسط آقای شریعتمداری، تحت حمایت دولت وقت پهلوی بوده تا حوزه جهت‌گیری انقلابی خود را به سمت‌وسویی دیگر ببرد (ر.ک: خاطرات آیت‌الله مسعودی خمینی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۲۹۰؛ خاطرات آیت‌الله محمد یزدی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۸۳؛ جعفریان، ۱۴۰۰ ش، ص ۳۳۲).

خارجی علاقه‌مند به تحصیل در حوزه‌های علمیه شیعی تدوین کرد (همان). از ویژگی‌های دیگر این مؤسسه، حضور طلاب خارجی بود که با هزینه‌های شخصی برای تحصیل به قم می‌آمدند و این مدرسه، آموزش‌ها را به شیوه‌ای نوین و بی‌سابقه به ایشان عرضه می‌نمود.

۲. مدرسه علمیه حقانی

مدرسه حقانی، مدرسه‌ای است که پیش از انقلاب با روشی نظام‌مند و جدید، اقدام به جذب و آموزش طلاب نمود و آموزش زبان به‌عنوان بخشی از مأموریت این مدرسه محسوب می‌شد. به یاد داشته باشیم که یکی از مهم‌ترین اجزای تبلیغ در عرصه بین‌الملل در آن زمان، فراگیری زبان خارجی بوده است. این مدرسه، از اساتید برجسته‌ای همچون: آیت‌الله شهید بهشتی، آیت‌الله مشکینی و آیت‌الله شهید قدوسی بهره می‌برد («زندگی شهید بهشتی از زبان خودش»، ۸ تیر ۱۳۶۱، کیهان، ش ۱۱۶۱۴).

مدیریت مدرسه را ابتدا محمد مجتهد شبستری، و سپس محمدعلی شیخ‌زاده، و از سال ۴۷ تا ۵۷ شهید آیت‌الله قدوسی به عهده داشتند که در امور تنظیم دروس، آیت‌الله مصباح یزدی هم همکاری داشته‌اند. در این مدرسه، دوره تحصیل هجده سال برنامه‌ریزی شده بود که آزمون ورودی و نظارت دائم بر امر حضور در کلاس، مباحثات و پیشرفت درسی طلاب، از برنامه‌های این مدرسه بود. از جمله ابتکارات مدرسه حقانی، گنجاندن دروسی چون: تاریخ، جامعه‌شناسی، طبیعیات، فلسفه غرب، اقتصاد و زبان انگلیسی به مواد درسی بود («آینده‌نگری در حوزه‌ها»، تیر ۱۳۷۵، نامه شهیدین، پیش‌شماره ۱).

نکته جالب توجه اینکه برای طلابی که زبان می‌خواندند، شهریه تعیین شده بود که تا آن زمان، چنین اقدامی بی‌سابقه بوده است. شهید بهشتی معتقد بود زبان‌آموزی برای طلبه، امر مهمی است و طلاب باید نظرات دیگران را با زبان اصلی مطالعه کنند؛ چراکه زبان واسطه، بعضی مواقع مانع فهم صحیح از یک مکتب است. او درس فلسفه هگل را به زبان آلمانی تدریس می‌کرد («شهید بهشتی و مدرسه حقانی قم»، تیر ۱۳۸۵، نشریه شاهد یاران، ش ۸). این مدرسه بعد از انقلاب، به نام شهیدین (شهید بهشتی و شهید قدوسی) تغییر نام داد؛ هرچند در سال‌های اخیر، از یکدیگر جدا شده و مدرسه حقانی در همان مکان قبلی به ارائه دروس معمول حوزه می‌پردازد و مدرسه شهیدین به همراه دروس عادی خود، برنامه آموزش زبان نیز برای طلاب

دارد. حضرات آیات: خزعلی، جنتی و محی‌الدین حایری شیرازی، از دیگر اساتید این مدرسه به شمار می‌آمدند.

۳. دفتر ارتباطات اسلامی بین‌المللی

در سال ۱۳۵۱، حجت‌الاسلام محمداقبر انصاری از فضلالی حوزه قم، اقدام به تأسیس دفتر ارتباطات اسلامی کرد. آقای انصاری، زاده ۱۳۲۵ هجری شمسی در محلات است که برای ادامه تحصیل، به قم مهاجرت نمود و در کنار دروس رایج حوزه علمیه، به فراگیری زبان‌های: روسی، انگلیسی و آلمانی پرداخت. این مؤسسه، پیش از انقلاب ارتباطات خوبی با مراکز فرهنگی دنیا برقرار می‌کرد و در سال ۱۳۶۳، در معاونت بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی ادغام شد (تاریخچه مسجد هامبورگ، ص ۴۱).

ب. فعالیت‌های بین‌المللی حوزه علمیه قم پس از انقلاب اسلامی ایران

بعد از انقلاب اسلامی، نگاه به تبلیغ در خارج، صورتی جدید پیدا کرد و حرکتی که به‌صورت بسیار محدود و موردی قبل از انقلاب اسلامی وجود داشت، با شکلی تازه سرعت گرفت. انقلاب ایران، با دیگر انقلاب‌های دنیا تفاوت داشت؛ زیرا یک حرکت دینی به رهبری عالم دینی و شخصیتی بسیار معنوی و تأثیرگذار به نام آیت‌الله العظمی «سید روح‌الله الموسوی خمینی» بود که علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی فعالیت داشت و با طرح دکترین «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»، در جهان سیاست و دنیای معاصر، افق جدیدی را گشود. شخصیت حضرت امام و نیروهای انقلابی و خود داستان انقلاب، آن‌قدر جذاب بود که نگاه‌ها را به سوی ایران سوق دهد و آنچه مورد توجه قرار گرفت، پشتوانه معنوی این تغییر بود؛ یعنی «مکتب تشیع» برگرفته از عدالت علوی، خط سرخ حسینی و امید به آینده‌ای روشن، یعنی قیام سبز مهدوی. شناخت این مکتب و تحصیل در آن، به‌ویژه در مرکز تولید این اندیشه، یعنی حوزه علمیه قم، موجب شد طلبه‌های خارجی بیش از پیش رهسپار ایران شوند و از سوی دیگر، مجامع علمی و حتی عموم مردم برای شناخت مذهب تشیع اشتیاق نشان دهند. بنابراین، پس از انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۵۷، ضرورت کار جدی، نهادینه و سازمانی در موضوع تربیت طلاب زبان‌دان و تبلیغ اسلام و مذهب شیعه، بیش از پیش احساس گردید.

در ادامه، به معرفی نهادهایی خواهیم پرداخت که در این زمینه، وارد عمل شدند:

یکم. مؤسسات و نهادهای حوزوی یا وابسته به حوزه

منظور از مؤسسه و نهاد، مراکزی است که به شیوه روشمند به امر تربیت و یا اعزام طلاب زبان‌دان به خارج از ایران اشتغال داشتند؛ با این ویژگی که تربیت مبلّغ بین‌المللی، از اوایل انقلاب اسلامی تا پایان دهه هشتاد هجری شمسی، منحصر به آموختن زبان از سوی فضایی حوزوی تعریف می‌شده است.

۱. مرکز جهانی علوم اسلامی

پیش از این، بیان شد که ندای انقلاب اسلامی آن‌قدر جذاب و انگیزه‌بخش بود که از اقصی نقاط عالم، انسان‌هایی آزاده با وجود همه سختی‌ها برای فراگیری علوم اسلامی به ایران مراجعه کنند. از سال ۵۸، آموزش این طلاب خارجی به نهادی با عنوان «شورای سرپرستی طلاب خارجی» واگذار گردید که در این شورا، بزرگانی همچون آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی و آیت‌الله علی مشکینی حضور داشتند (مصاحبه خبرگزاری مهر با آیت‌الله اعرافی، ۹۶/۵/۸).

این شورا بعدها به «مرکز جهانی علوم اسلامی» تغییر نام داد و تحت اشراف مقام معظم رهبری علیه‌السلام و تعیین هیئت امنای توسط ایشان، به کار تربیت طلاب غیرایرانی ادامه داد و فعالیت‌های خود را در دو محور سامان‌دهی نمود: محور اول، تربیت عالمان و محققان علوم دینی در میان غیرایرانیان، و محور دوم، تبیین و نشر معارف شیعی توسط همین تربیت‌شدگان و دانش‌آموختگان بود. از جمله سیاست‌های این مرکز، می‌توان به فعالیت رسمی و قانونی، گسترش ارتباط با مراکز علمی، استفاده از تجارب نوین بشری و تأکید بر پژوهش و تربیت اشاره کرد (حسینی، بهار ۱۳۸۶، ش ۱۱۴). برنامه‌های این مرکز، در سطوح مختلف از کاردانی تا دکترا و همچنین دروس حوزوی تا سطح عالی و خارج فقه و اصول، ترتیب داده شد. این مرکز، با محوریت شهر مقدس قم، در شهرهای دیگر همچون: اصفهان، گرگان و مشهد هم شعبه‌هایی را تأسیس کرد (همان).

۲. سازمان مدارس و حوزه‌های علمیه خارج از کشور

اشاره شد که پیش از انقلاب ایران، حضور طلاب خارجی در قم به صورت اندک بوده و تربیت آنان توسط دارالتبلیغ اسلامی انجام می‌شد و پس از انقلاب اسلامی، مرکز جهانی علوم اسلامی عهده‌دار این مهم گردید؛ اما در مورد طلابی که علاقه داشتند علوم دینی را در کشور خودشان

آموزش ببینند، نهاد دیگری نیاز بود تا به این خواسته پاسخ دهد که این نهاد، «سازمان مدارس و حوزه‌های علمیه خارج از کشور» نام گرفت و در کنار مرکز جهانی علوم اسلامی فعالیت نمود. این دو مرکز، با هیئت امنایی مشترک مدیریت می‌شدند. سازمان مدارس به مرور گسترش یافت و در بیش از ۴۵ کشور ایجاد نمایندگی کرد که با نظر کارشناسان و درخواست از «مقام معظم رهبری»، این دو مرکز، یعنی سازمان مدارس و حوزه‌های علمیه خارج کشور و مرکز جهانی علوم اسلامی، در سال ۱۳۸۶ با یکدیگر ادغام و «جامعة المصطفی العالمیة» تأسیس گردید و مأموریت هر دو نهاد را تحت مدیریت واحد و با اشراف دفتر مقام معظم رهبری به انجام می‌رساند («مرکز جهانی علوم اسلامی در یک نگاه (مصاحبه با آیت الله اعرافی)»، پگاه حوزه، ۱۳۸۲، ش ۶).

۳. جامعة المصطفی العالمیة

جامعة المصطفی العالمیة، یک نهاد علمی - حوزوی است که با ادغام مرکز جهانی علوم اسلامی و سازمان مدارس و حوزه‌های علمیه خارج از کشور تشکیل یافت و با شیوه‌های نوین، به تربیت عالمان دینی غیرایرانی همت می‌گمارد. هدف از تأسیس این نهاد، جذب طلاب علوم دینی و تشنگان معارف اهل بیت علیهم‌السلام از سراسر دنیا و تربیت ایشان به‌عنوان مبلغان، مجتهدان، پژوهشگران، مدیران و مترجمانی است که بتوانند معارف عالی اهل بیت علیهم‌السلام را به سراسر دنیا انتقال دهند. جامعة المصطفی، تحت نظارت عالی رهبر معظم جمهوری اسلامی بوده و عزل و نصب رئیس این نهاد علمی، به عهده ایشان است. اعضای حقوقی این نهاد، علاوه بر ریاست جامعة المصطفی، نماینده شورای عالی حوزه‌های علمیه، مسئول امور بین‌الملل دفتر مقام معظم رهبری، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشند (اساسنامه نهاد علمی و آموزشی جامعة المصطفی العالمیة، مصوب جلسه ۶۳۵).

در این دانشگاه، کلیه رشته‌های علوم انسانی - اسلامی در سطوح مختلف از کاردانی تا دکترا در کنار دروس حوزه از مقدماتی تا سطوح عالی ارائه می‌شود. این مرکز آموزشی، دارای گروه‌های علمی در رشته‌های مختلف و هیئت علمی متخصص در این گروه‌هاست که امر آموزش و تربیت طلاب را بر عهده دارند.

یکی دیگر از مراکز تابعه جامعة المصطفی، مؤسسه زبان و فرهنگ است که به امر آموزش زبان اشتغال دارد. در این مرکز، طلاب ایرانی و خارجی می‌توانند ۶ زبان زنده دنیا را آموزش

بینند. این زبان‌ها شامل: انگلیسی، عربی، روسی، چینی، فرانسه و ترکی استانبولی است. دانشگاه مجازی المصطفی نیز به جهت سهولت دسترسی جویندگان دانش دینی از سراسر دنیا، در رشته‌های مختلف از جمله: علوم قرآن و حدیث، مطالعات اسلامی، اخلاق، فلسفه و عرفان، مطالعات فرهنگی و ادبیات فارسی سامان یافته و از ابتدای دهه هشتاد شمسی، مشغول به ارائه آموزش‌های غیرحضوری بوده است (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی جامعه المصطفی العالمية).

۴. دفتر تبلیغات اسلامی

این دفتر، مؤسسه‌ای دینی، فرهنگی و انقلابی است که در سال ۱۳۵۹ با هدف ترویج معارف قرآنی و مبارزه با گروه‌های انحرافی، در شهر قم تشکیل شد. این مجموعه علمی، آموزشی و تبلیغی، نقش مهمی در روند انقلاب، دوران دفاع مقدس و پس از آن داشته است. این دفتر، در سال ۱۳۶۱ با «دارالتبلیغ آیت‌الله شریعتمداری» ادغام شد (جعفریان، ۱۴۰۰، ص ۳۸۰-۳۸۳). دفتر تبلیغات، از همان اوان تأسیس، به تبلیغ در عرصه بین‌الملل نظر داشته و به امر تربیت طلاب زبان‌دان و اعزام ایشان مبادرت ورزیده است. یکی از اهدافی که در اساسنامه این دفتر ذکر شده، «جذب و سازماندهی نیروهای مفید و آموزش افراد مستعد و اعزام واجدان شرایط برای تبلیغات در داخل و خارج کشوری باشد» (دانشنامه جهان اسلام، مدخل «دفتر تبلیغات»).

ارکان دفتر تبلیغات اسلامی، عبارت است از: هیئت امناء، رئیس دفتر و هیئت نظارتی. هیئت امناء، بالاترین مرجع سیاست‌گذاری در دفتر تبلیغات اسلامی و متشکل از شخصیت‌های علمی و فرهنگی است که رهبر جمهوری اسلامی ایران آنان را برای پنج سال منصوب می‌نماید (همان). دانشگاه باقر العلوم علیه السلام نیز از مؤسسات آموزشی ذیل دفتر تبلیغات است که در سال ۱۳۸۴ به رتبه دانشگاه رسمی تحت اشراف وزارت فرهنگ و آموزش عالی ارتقا یافته و در همان سال، به صورت رسمی کار خود را آغاز نمود. مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا علیه السلام و مؤسسه آموزش عالی معصومیه (ویژه خواهران)، از دیگر مؤسسات تابعه دفتر تبلیغات اسلامی هستند. دفتر تبلیغات، دارای شعبه‌های مستقل در شهرهای: تهران، اصفهان، مشهد و استان سیستان و بلوچستان است و تمام شعب دفتر تبلیغات، در امر آموزش زبان به طلاب فعال می‌باشند.

گفته شد که آموزش زبان به طلاب، از همان شروع تأسیس دفتر تبلیغات مورد توجه بوده و

در حال حاضر، این آموزش‌ها تحت نظارت دانشگاه باقرالعلوم به صورت دوره‌های رسمی، و همچنین دوره‌های آزاد برقرار است (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی اینترنتی دفتر تبلیغات اسلامی). شعبه‌های دیگر دفتر، از جمله دفتر مشهد مقدس نیز به امر زبان‌آموزی به خصوص زبان‌های عربی و انگلیسی اهتمام دارند.

آموزش زبان به طلاب در شعبه اصفهان جهت تبلیغ در خارج از کشور، به سال ۱۳۷۱ بازگشت دارد. در این زمان، واحد زبان‌های خارجی دفتر راه‌اندازی شد و کار با آموزش زبان انگلیسی به طلاب آغاز گردید و بعد از آن، زبان‌های: عربی، فرانسه، چینی و اسپانیولی نیز اضافه شد. هم‌اینک، آموزش زبان دفتر تبلیغات اصفهان به عنوان یک گروه علمی زبان خارجی با گرایش تبلیغ فعالیت دارد (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی اینترنتی دانشگاه باقرالعلوم، مؤسسه آموزش عالی علامه مجلسی، دفتر تبلیغات شعبه اصفهان).

۵. طلاب خواهر و آموزش و تبلیغ در عرصه بین‌الملل

فضای فرهنگی مدارس و دانشگاه‌ها پیش از انقلاب اسلامی، به گونه‌ای بود که خانواده‌های متدین و مذهبی از حضور فرزندان دختر خود در این مراکز جلوگیری می‌نمودند و از سوی دیگر، همواره دغدغه آموزش و ارتقای سطح علمی آنان را داشتند. در این فضا، به همت برخی فضیلاي حوزه علمیه قم، مدرسه عالی دخترانه‌ای با نام «مکتب توحید» راه‌اندازی شد تا اندکی از دغدغه‌های تحصیلی دختران خانواده‌های مذهبی، به‌ویژه خانواده‌های روحانی را کاهش دهد. پس از انقلاب اسلامی، این مدرسه به مجموعه‌ای بزرگ‌تر با نام «جامعه الزهراء (ع)» تبدیل گردید و هم‌اکنون نیز این مرکز به عنوان قطب آموزش حوزوی بانوان در شهر مقدس قم مشغول به فعالیت می‌باشد.

گرچه به دلیل محدودیت‌های تبلیغی بانوان در خارج از مرزهای جمهوری اسلامی ایران، موضوع تربیت مبلغان خواهر بسیار کم‌رنگ بوده است، در سال‌های اخیر برای جبران این خلأ اقداماتی توسط مؤسسات و مراکزی چون: «جامعه الزهراء (ع)»، «مرکز بنت الهدی» وابسته به جامعه المصطفی، «مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران» و «مؤسسه بین‌المللی المرتضی (ع)» انجام پذیرفته است و بحث زبان‌آموزی در حوزه خاوران، مورد توجه جدی‌تری قرار گرفته است.

در این مراکز، عمدتاً زبان‌های «عربی» و «انگلیسی» آموزش داده می‌شود. مرکز جامعه الزهراء علیها السلام برای ارتقای سطح مهارتی طلاب، دوره‌های تکمیلی مانند ارائه دروس تخصصی به زبان انگلیسی هم برگزار می‌نماید و در این دوره‌ها، طلاب فرهیخته و آشنا با زبان، دروس را به زبان تخصصی توسط اساتید خبره فرا می‌گیرند (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی اینترنتی جامعه الزهراء علیها السلام). در سال‌های اخیر نیز مرکز آموزش‌های غیرحضوری مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، دوره‌های آموزش زبان انگلیسی و اسپانیولی را به برنامه‌های خود اضافه نموده و در این مسیر، پیشرفت‌های قابل توجهی نیز حاصل شده که به‌عنوان نمونه می‌توان به فعالیت تبلیغی خواهران در فضای مجازی و دفاع برخی پایان‌نامه‌ها به زبان‌های انگلیسی و اسپانیولی اشاره کرد (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی اینترنتی حوزه‌های علمیه خواهران کشور).

در همین راستا، مؤسسه بین‌المللی المرتضی علیه السلام هم با توسعه روزافزون فضای مجازی، اقدام به گسترش آموزش‌های زبان و تربیت مبلّغ خود برای طلاب خواهر نمود. این آموزش‌ها، در فضای مجازی و با استفاده از اساتید خواهر برگزار می‌شود که طلاب زبان‌دان می‌توانند با تقویت مهارت گفت‌وگو، به زبان دوم در عرصه‌های «تبلیغ توریسم» و «شبکه‌های اجتماعی» فعالیت تبلیغی داشته باشند.

۶. مؤسسه بین‌المللی مطالعات اسلامی

در اواخر دهه ۸۰ شمسی، عده‌ای از فضایی حوزه علمیه قم در دیداری که با مقام معظم رهبری داشتند موضوع ایجاد مدرسه‌ای جهت تربیت مبلّغ برای خارج از کشور را مطرح می‌نمایند که در پی این دیدار و با تأیید و تأکید معظم‌له، دو مجموعه «مؤسسه بین‌المللی مطالعات اسلامی» و «جامعه المرتضی علیه السلام» یا همان مؤسسه بین‌المللی المرتضی، ایجاد می‌گردند.

در سال ۱۳۸۸، «مؤسسه بین‌المللی مطالعات اسلامی» وابسته به مرکز مدیریت حوزه علمیه قم تأسیس شد. این مرکز با توجه به خلأ حضور فضایی زبان‌دان حوزوی که باید علاوه بر مهارت در زبان عمومی، به زبان تخصصی تسلط داشته باشند، راه‌اندازی گردید تا از بین طلاب نخبه و فرهیختگان زبان‌دان، افرادی را از طریق آزمون و مصاحبه پذیرش کرده، با ارائه دروس تخصصی زبان و برگزاری اردوهای تمهیدی خارجی، ایشان را برای عرصه‌های تبلیغی خارجی مهیا نماید. این مؤسسه، با زبان انگلیسی کار خود را آغاز نمود و سپس، زبان عربی هم به

برنامه‌های آموزشی اضافه شد. دوره‌های سطح سه و سطح چهار مؤسسه مطالعات، مصوب شورای عالی حوزه‌های علمیه گردید و اساتید برجسته زبان‌دان، در دوره‌های آموزشی مشغول به تدریس شدند. این مرکز، اعزام‌های بلندمدت نیز به کشورهای مختلف اروپایی و آفریقایی داشته است. مؤسسه بین‌المللی مطالعات اسلامی هم‌اکنون تحت نظارت و پشتیبانی مجتمع آموزشی مرکز ارتباطات و بین‌الملل حوزه‌های علمیه قم، به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه بین‌المللی مطالعات اسلامی).

۷. مؤسسه بین‌المللی المرتضیٰ علیه السلام

همان‌گونه که بیان شد، مؤسسه بین‌المللی المرتضیٰ علیه السلام، یکی از دو مجموعه‌ای است که پس از تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر راه‌اندازی مدرسه‌ای تخصصی برای تربیت مبلغ خارج از کشور، تأسیس گردید. این مجموعه نیز علاوه بر تقویت مهارت‌های زبانی، به امر تربیت مبلغ هم‌اهتمام داشته است. پیش از این، بیان شد که تا اواخر دهه هشتاد شمسی، امر تربیت مبلغ بین‌الملل مساوی با زبان‌آموزی بود که در این زمان، با توجه به نقصان‌های موجود، ایده آموزش‌های تخصصی در حوزه تربیت مبلغ بین‌الملل مطرح شد و در همین راستا، ابتدا مؤسسه مطالعات اسلامی و سپس در سال ۱۳۹۰، جامعه المرتضیٰ علیه السلام یا «مؤسسه بین‌المللی المرتضیٰ علیه السلام» فعالیت خود را آغاز کرد.

هدف و چشم‌انداز این مؤسسه، تربیت مبلغان کارآمد در عرصه بین‌الملل با استفاده از ابزار و شیوه‌های نوین، و همچنین با برنامه‌های کارورزی تبلیغی در حین آموزش بود که نتیجه آن، تربیت ده‌ها مبلغ به زبان‌های مختلف است.

مؤسسه المرتضیٰ علیه السلام ابتدا در سال ۱۳۹۰ شمسی، کار آموزش خود را با زبان انگلیسی آغاز کرد. طلاب گزینش شده از طریق آزمون و مصاحبه، با همکاری اساتید خبره، دروس خود را به زبان انگلیسی فرا می‌گرفتند. این مؤسسه، در سال‌های بعد، زبان‌های: «چینی»، «روسی»، «اسپانیولی» و «پرتغالی» را هم به دوره‌های آموزشی خود اضافه نمود که پیش از این، در حوزه‌های علمیه شیعه کم‌سابقه یا در برخی از موارد، بی‌سابقه بوده است. اساتید زبان‌آموز این مرکز در سطوح عالی، اساتید باتجربه دانشگاهی، و در سطوح مقدماتی و متوسط، نوعاً فارغ‌التحصیلان برتر دوره‌های این مؤسسه هستند.

مؤسسه بین المللی المرتضیٰ علیه السلام، در امر تبلیغ نیز فعال است. اعزام ده‌ها نفر برای سفرهای تمهیدی و تبلیغی به اقصی نقاط دنیا، تبلیغ مداوم در عرصه «گردشگران» خارجی در فصول خاص و تبلیغ در فضای مجازی، از دیگر برنامه‌های این مؤسسه می‌باشد. اخیراً مؤسسه المرتضیٰ علیه السلام در حوزه تولید و نشر محتوای آموزشی و تبلیغی به زبان‌های مختلف نیز فعال شده که حاصل آن، تولید چند اثر فقهی و کلامی، ویژه مخاطبان خارجی است که این تولیدات، به شیوه‌های مناسب در اختیار مخاطبان خارجی قرار خواهد گرفت (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه بین المللی المرتضیٰ علیه السلام، بخش «معرفی مؤسسه»).

۸. مرکز زبان حوزه علمیه قم

مرکز زبان حوزه علمیه قم، یک مؤسسه حوزوی است که با هدف توسعه سرمایه‌های انسانی در عرصه‌های تبلیغ، تدریس و پژوهش، اقدام به آموزش زبان به طلاب علوم دینی نموده است. پیشینه فعالیت این مرکز، به سال ۱۳۶۸ باز می‌گردد و از سال ۱۳۸۸ شمسی، با رویکردی جدید تحت نظر معاونت آموزش حوزه علمیه قم فعالیت خود را گسترش داده است. این مرکز، ابتدا با آموزش زبان عربی آغاز به کار کرد و بعدها زبان‌های دیگری از جمله: انگلیسی، اسپانیولی و فرانسه هم به برنامه آموزشی این مرکز اضافه شد.

این مرکز به‌عنوان بازوی حوزه علمیه در تربیت زبان‌دانانی است که بتوانند در ارتباطات و تبلیغ بین الملل فعالیت کنند. در سال‌های اخیر، حوزه‌های علمیه شهرهای دیگر نیز اقدام به تأسیس مراکز حوزوی آموزش زبان نموده و به امر تربیت زبان‌آموز مبادرت کرده‌اند.

مهم‌ترین برنامه‌های این مرکز، عبارت است از:

۱. برگزاری دوره‌های زبانی در سطوح مختلف در قالب ترم‌های آموزشی؛

۲. برگزاری دوره‌های تخصصی ویژه اساتید؛

۳. طراحی محصولات آموزشی در سطوح مختلف؛

۴. ارائه مشاوره به طلاب در زمینه فراگیری زبان.

شایان یادآوری است که سابقه آموزش زبان در مدارس دینی پس از انقلاب اسلامی، به سال ۱۳۶۸ و تأسیس مدرسه معصومیه باز می‌گردد. در این مدرسه، زبان عربی برای طلاب به‌عنوان فوق برنامه درسی لحاظ گردید و به‌صورت جدی و عملیاتی، از سوی مدیران وقت پیگیری شد؛

به گونه‌ای که بعضی از علوم حوزه، به زبان عربی برای طلاب تدریس می‌شده است. در این طرح و در راستای افزایش کیفیت خدمات آموزشی، از طلاب عرب‌زبان غیرایرانی استفاده شده و با گسترش فعالیت‌ها و استقبال طلاب، در مرحله بعد، زبان انگلیسی نیز در برنامه آموزشی قرار می‌گیرد (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز زبان حوزه‌های علمیه قم).

۹. مؤسسه اندیشه شرق

در جهان معاصر، بیش از ۱۸ کشور به زبان اسپانیولی تکلم می‌نمایند که با توجه به گستره جمعیتی این زبان، نیاز به ایجاد مرکز تخصصی آموزشی - تبلیغی در مناطق اسپانیولی‌زبان احساس می‌شد. این احساس نیاز، منجر به تأسیس مؤسسه‌ای با نام «اندیشه شرق» در شهر قم گردید که هدف آن، تربیت مبلغان مسلط به زبان و فرهنگ کشورهای اسپانیولی‌زبان، به‌ویژه در منطقه آمریکای لاتین است؛ منطقه‌ای که از لحاظ روحیات اجتماعی و ویژگی‌های اخلاقی مردمان ساکن آن سرزمین، پذیرش بهتری در برابر معارف دینی دارند. این مرکز، از ابتدا با اجرای فرایند پذیرش از بین طلاب مستعد، جذب نیرو نمود و شیوه‌های آموزشی خود را نیز مبتنی بر درگیر کردن کامل دانش‌پژوه با امر زبان‌آموزی و آشنایی با فرهنگ منطقه تنظیم کرد (ر.ک: خبرگزاری رسا، مهر ۱۳۹۱، مصاحبه با مسئول آموزش وقت).

مؤسسه اندیشه شرق، در دوران فعالیت آموزشی خود، طلاب مسلط به زبان اسپانیولی را تربیت کرد و برگزیدگان را به منطقه اعزام نمود. از اواخر دهه نود شمسی، این مؤسسه با تغییر رویکرد، به امر نشر معارف شیعی و ترجمه متون دینی در قالب کتاب، آثار مناسب کودکان و مجلات علمی در حوزه کشورهای اسپانیولی‌زبان پرداخته است (ر.ک: خبرگزاری کتاب ایران، ۱۳۹۴/۱/۲۳؛ پایگاه خبری - تحلیلی حلقه وصل، ۱۴۰۰/۵/۲۳).

۱۰. مؤسسه نسیم رحمت

گفته شد که از اواخر دهه نود، فعالیت‌های مؤسسه اندیشه شرق، بر انتشارات متمرکز شد (ر.ک: خبرگزاری حوزه، ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۰) و امور تبلیغی مربوط به کشورهای اسپانیولی‌زبان، به مؤسسه دیگری با نام «نسیم رحمت» واگذار گردید. این مرکز که مدیران آن نوعاً به زبان اسپانیولی و ویژگی‌های فرهنگی آمریکای جنوبی آشنا هستند، مأموریت ترویج و تبلیغ در مناطق آمریکای لاتین را با رویکردی جدیدتر ادامه دادند. این مؤسسه، با استفاده از متخصصان آشنا به منطقه،

اقدام به برگزاری دوره‌های تکمیلی زبان و آشنایی با فرهنگ کشورهای هدف نموده و به تولیدات رسانه‌ای و انتشار کتاب به زبان اسپانیولی نیز اقدام کرده است.

۱۱. مرکز تخصصی - فقهی امام موسی کاظم علیه السلام تحت اشراف آیت الله العظمی مکارم شیرازی
مدرسه تخصصی امام کاظم علیه السلام تحت اشراف مرجع عالی قدر، آیت الله مکارم شیرازی، در سال ۱۳۹۴ با هدف جذب، آموزش و تربیت طلاب نخبه فعالیت خود را آغاز نمود و از همان سال‌های ابتدایی، به برگزاری کلاس‌های زبان خارجی برای طلاب به صورت حضوری و مجازی مبادرت ورزید که در این راستا، این مرکز موفق به تربیت طلاب زبان‌دان شده است (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی مدرسه تخصصی - فقهی امام کاظم علیه السلام).

۱۲. مؤسسه فجرنا

مؤسسه فجرنا، تحت اشراف دفتر آیت الله العظمی سیستانی، از سال ۱۳۹۸ در شهر قم کار خود را آغاز نموده است. هدف از تأسیس این مرکز، تربیت نیروی انسانی مسلط به زبان‌های عربی و انگلیسی است تا بتوانند در عرصه‌های مختلف، از جمله: تولید محتوای پژوهشی به زبان‌های مذکور، تدریس معارف در کرسی‌های علمی بین‌المللی، ترجمه متون و تبلیغ ایفای نقش کنند. این مؤسسه، تحت برنامه‌های رسمی مرکز آموزش‌های تخصصی حوزه‌های علمیه بوده و پس اتمام دوره، مدارج رسمی (سطح سه) به طلاب اعطا می‌شود. دروس در این مرکز، به زبان انگلیسی و عربی ارائه می‌شود (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه فجرنا).

دوم. سازمان‌ها و اشخاص همکار حوزه علمیه

مؤسسات، سازمان‌ها و نهادهایی هم هستند که به علت مأموریت‌های سازمانی و ارتباط با حوزه‌های مختلف بین‌المللی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، مشغول مسئله تبلیغ بین‌الملل شده‌اند. از این رو، از دانش‌آموختگان و زبان‌دان حوزوی استفاده کرده‌اند. در ذیل، به این نهادها اشاره خواهد شد.

۱. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

پیش از سال ۱۳۷۵، نهادها و سازمان‌های مختلفی متکفل امر تبلیغ دینی خارج از کشور بودند که از آن جمله، می‌توان به سازمان تبلیغات اسلامی و مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام اشاره نمود. بر

اساس بخشی از شرح وظیفه این نهادها، شناخت طلاب دارای صلاحیت و اعزام ایشان به کشورهای هدف، در دستور کار آنان قرار داشت. پس از تشکیل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در اواخر سال ۱۳۷۴ و به جهت منسجم شدن اعزامها، مقرر گردید که اعزام مبلغ به خارج از کشور، فقط از طریق «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» انجام پذیرد. از آن زمان تا کنون، اداره کل تبلیغ سازمان مذکور با برگزاری آزمون و مصاحبه‌های تخصصی، ضمن شناسایی طلاب فرهیخته و زبان‌دان، برای ایشان تشکیل پرونده داده و در فرصت مقتضی، بر مبنای توانایی این مبلغان، به اعزام ایشان اقدام می‌نماید (دستورعمل اجرایی نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۵/۱۰/۱۲).

این سازمان، همه‌ساله بین پنجاه تا یکصد و پنجاه نفر را در موسسه‌های تبلیغی «رمضان»، «محرم» و همچنین سایر مناسبت‌ها، به کشورهای مختلف اعزام می‌نماید. مبلغان اعزامی، به دو دسته زبان‌دان و غیرزبان‌دان تقسیم می‌شوند که طلاب زبان‌دان، بیشتر برای غیرایرانی‌ها و مبلغان غیرزبان‌دان، برای فارسی‌زبان‌های مقیم خارج از کشور برنامه سخنرانی، وعظ و خطابه و کلاس‌های آموزشی دارند.

همچنین، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، قاریانی را در فصول تبلیغی، به‌ویژه ماه مبارک رمضان، به خارج اعزام می‌کند تا ایشان در جمع‌های اسلامی ایرانی و غیرایرانی، به تلاوت آیات الهی بپردازند و از طریق تلاوت نورانی و روح‌بخش قرآن، اهداف تبلیغی را نیز پیش ببرند.

۲. مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام

احیا و گسترش معارف شیعه با تفسیر و قرائت اهل بیت علیهم‌السلام در جهان، از طریق شناخت گروه‌های شیعه و حمایت‌های گوناگون از ایشان و همچنین نشر علوم و فرهنگ شیعی در قالب‌های مختلف از جمله: کتاب، مجلات علمی - آموزشی، تولیدات برای کودکان، تولید کلیپ، برگزاری دوره‌های معرفتی حضوری و مجازی و تولید محتواهای دانشنامه‌ای (ویکی شیعه) به زبان‌های مختلف، از برنامه‌های این مجمع است. بر اساس اهداف این مرکز، طلاب زبان‌دان در عرصه‌های گوناگون مذکور به‌کارگیری شده و در حین انجام فعالیت‌های فرهنگی، کارآزموده‌تر می‌شوند. مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام ده‌ها عنوان کتاب را به زبان‌های مختلف تولید و ترجمه کرده و در اختیار مخاطبان قرار داده است.

این مجمع، در سال ۱۳۶۹ پس از برگزاری اجلاس جهانی با شرکت ۳۰۰ نفر از اندیشمندان و با تصویب ایشان و تأیید و موافقت مقام معظم رهبری ایجاد شد.

مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، دارای ارکانی است که عبارت است از: مجمع عمومی متشکل از نخبگان و فرهیختگان مسلمان سرتاسر جهان و همچنین شورای عالی با حضور شخصیت‌ها و نخبگان شیعه از مناطق جغرافیایی مختلف که طی برگزاری جلسات سالانه، موظف به تصویب سیاست‌ها و نظارت بر اجرای برنامه‌ها هستند و از بدو تأسیس، به ترتیب: آیت‌الله ابراهیم امینی از ۱۳۶۹ تا خرداد ۱۳۷۶، سپس آیت‌الله مصباح یزدی تا آبان ۱۳۹۱، بعد از ایشان آیت‌الله مجتهد شبستری تا ۱۳۹۸ و در حال حاضر هم آیت‌الله اختری، ریاست این شورا را برعهده داشته‌اند.

عالی‌ترین مقام اجرایی مجمع جهانی، دبیرکل آن بوده که معاونت‌های مختلف ایشان را در اجرای برنامه‌ها یاری می‌کنند و به ترتیب: آیت‌الله محمدعلی تسخیری از ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۸، سپس دکتر علی اکبر ولایتی تا ۱۳۸۱، بعد از ایشان آیت‌الله محمد مهدی آصفی تا ۱۳۸۳، آیت‌الله محمدحسن اختری تا ۱۳۹۸ و در حال حاضر، آیت‌الله رمضان‌ی عهده دار این سمت بوده‌اند.

طبق اساسنامه، هر چهار سال یکبار، اجلاسیه‌ای با حضور اعضای مجمع عمومی برگزار می‌شود که اولین اجلاس در بهمن ۱۳۷۲، و بعد از آن تا کنون، هفت اجلاس برگزار شده است (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام).

این مجمع، نمایندگانی در سرتاسر دنیا دارد که ایشان در فصول و موسم‌های مختلف تبلیغی، با دعوت از اساتید خیره، به صورت حضوری یا مجازی به برگزاری کلاس و جلسات معرفتی در موضوعات گوناگون اقدام نموده و از این طریق، به امر تبلیغ اهتمام دارند.

۳. مجمع تقریب مذاهب اسلامی

تلاش برای نزدیک شدن مذاهب اسلامی حول محور توحید و انسجام درونی مسلمانان، یکی از محورهای مهم فعالیت عالمان برجسته شیعی در تاریخ و به‌ویژه در صدساله اخیر بوده که تأسیس دارالتقریب در سال ۱۳۱۷ شمسی و مجمع تقریب مذاهب در سال ۱۳۶۹، از نمونه‌های بارز و برجسته این امر به شمار می‌رود. اولین نیاز رسیدن به این هدف، استفاده از طلابی است که علاوه بر فضل مناسب، توانایی تکلم به زبان‌های مختلف را داشته باشند. این مجمع، در طول

سال‌های فعالیت خود، در کنفرانس‌ها و جلسات داخلی و خارجی، از طلبه‌هایی که مسلط به زبان، به‌ویژه انگلیسی و عربی بوده‌اند، برای ایجاد ارتباطات بین‌المللی استفاده کرده و برای ارتقای علمی ایشان و آشنایی با بحث وحدت و تقریب، همواره کارگاه‌های متنوعی را برگزار نموده است (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی مجمع تقریب مذاهب اسلامی).

در موضوع تبلیغ، این مجمع فعالیت‌های ویژه‌ای دارد؛ از جمله می‌توان به دعوت از نخبگان جهان اسلام برای شرکت در اجلاس سالانه کنفرانس وحدت اسلامی اشاره کرد که در آن، اندیشمندان شیعه و سنی گرد هم آمده و به بررسی مسائل جهان اسلام با محوریت رفع تنش‌ها و اختلافات و همگرایی بیشتر می‌پردازند. همچنین این مجمع، اعزام‌های تبلیغی، حتی از میان فضیلتی اهل سنت به سایر کشورها دارد که این مبلغان در کشورهای مقصد، به ترویج معارف اسلامی اهتمام دارند.

۴. بنیاد مطالعات اسلامی روسیه

آثار تخصصی در حوزه نشر، به‌ویژه اینکه با اقتضانات کشور هدف به چاپ برسند، قطعاً با کیفیت بالا و تأثیرگذاری عمیق‌تری همراه خواهد بود. به همین منظور، پژوهشگاهی با عنوان «بنیاد مطالعات اسلامی» در شهر مسکو با هیئت مؤسسانی متشکل از اساتید روسی شرق‌شناس و اساتید اسلام‌شناس ایرانی تشکیل شده است. هدف این بنیاد، پژوهش و نشر معارف شیعی بر اساس فرهنگ روسیه در جامعه و محیط‌های علمی است که در کنار آن، برگزاری نشست‌های مشترک، دوره‌های آموزشی، ایجاد کرسی‌های تدریس دانشگاهی، امر تبلیغ و ترویج مذهب اهل بیت علیهم‌السلام صورت می‌پذیرد. از جمله آثار منتشرشده به زبان روسی، شامل دوره‌های: قرآن‌شناسی، اسلام‌شناسی، شرق‌شناسی، پیامبران و صحابه برای کودکان، اهل بیت پیامبر و خانواده و تربیت در اسلام است (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد مطالعات اسلامی ابن‌سینا در مسکو).

۵. انتشارات آیت‌الله موسوی لاری

بعضی انسان‌ها، مصداق بارز «یکی مرد جنگی، به از صد هزار» بوده‌اند که به جرئت می‌توان آیت‌الله سید مجتبی موسوی لاری را مصداقی برجسته از این مصرع دانست. ایشان با اراده‌ای پولادین و با کمترین امکانات، اقدام به ترجمه و تولید محتوا بر اساس فرهنگ غنی شیعه نمود و

آنها را به گوشه‌گوشه جهان ارسال کرد. این آثار، حتی به دست زندانیان کشورها از جمله آمریکا رسید. ایشان در ۱۳۱۴ شمسی پا به عرصه وجود نهاد و در سال ۱۳۳۲ برای تکمیل تحصیلات به قم آمد (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر فرهنگ اسلامی، مصاحبه با آیت‌الله موسوی لاری).

آیت‌الله موسوی لاری، پیش از انقلاب با عرصه بین‌الملل آشنا بوده که دیدارهای ایشان با امام موسی صدر، سفر به آلمان و تهیه گزارش از مسجد هامبورگ و ارائه آن به امام خمینی علیه السلام و نیز سفر به آمریکا و ملاقات و مباحثات با زندانیان آمریکایی، مؤید این مطلب است (مصاحبه دفتر نشر فرهنگ اسلامی با حضرت آیت‌الله لاری). بعد از انقلاب، آیت‌الله لاری را می‌توان یکی از پیشروان مبارزه با فرهنگ غرب معرفی کرد (ر.ک: موسوی لاری، ۱۳۹۱ ش).

از ویژگی‌های قلم آیت‌الله لاری می‌توان به: بینش توحیدی، طرح مسائل کلی اسلام و پرهیز از بیان اختلافات اشاره کرد که در آثار ایشان قابل توجه می‌باشد. ایشان «مرکز نشر معارف اسلامی» را در شهر قم تأسیس کرد و از جمله فعالیت‌های آن می‌توان به: پاسخ به صدها نامه از سرتاسر دنیا، ارسال کتاب به زبان‌های مختلف به نقاط مختلف جهان و ترجمه قرآن و نهج البلاغه اشاره نمود (همان).

شیوه ایشان در ترجمه آثار شیعی، استفاده از بهترین مترجمان بوده است. کتاب ایشان با عنوان مبانی اعتقادات در اسلام، توسط پرفسور حامد الگار ترجمه گردید و بارها در آمریکا با تیراژ بالا تجدید چاپ شد. غنای فرهنگ شیعی و استفاده از مترجمان خبره، موجب می‌شد که آثار ایشان، حتی در مراکز مسیحی، به‌عنوان موعظه در روز یکشنبه خوانده شود و در کتابخانه‌های ایشان جای بگیرد؛ برای نمونه، می‌توان ترجمه رساله حقوق امام سجاد علیه السلام را نام برد.

همچنین، کتاب اعتقادات آیت‌الله موسوی لاری به زبان آذری، آن‌قدر مورد توجه قرار گرفت که از سوی دانشگاه باکو، به ایشان دکترای افتخاری اعطا گردید.

همان‌طور که اشاره شد، آیت‌الله موسوی لاری، یک مرد بود که به اندازه یک نهاد، فعالیت می‌کرد و در عرصه بین‌الملل اثر داشت.^۱

۱. ر.ک: نگرشی کوتاه بر عملکرد ۲۲ ساله مرکز نشر معارف اسلامی در جهان، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۳-۱۴. در این کتاب، ترجمه مجموعه‌ای از نامه‌های رسیده به «مرکز نشر معارف اسلامی در جهان» گردآمده است.

۶. انتشارات انصاریان

مرحوم «محمدتقی انصاریان»، مؤسس انتشارات انصاریان در قم، زاده ۱۳۲۵ هجری شمسی بود که پیش از انقلاب ایران، در دارالتبلیغ اسلامی مشغول به کار شد. پس از انقلاب اسلامی، ایشان به صورت مستقل اقدام به ترجمه و نشر آثار شیعی به زبان‌های مختلف نمود. انتشارات انصاریان در دوران فعالیت خود، ۱۲۰۰ عنوان کتاب را به ۹ زبان ترجمه کرده و برخی از این عناوین را برای کشورهای چوچون: عراق، مالزی، روسیه، سودان، مراکش، پاکستان و افغانستان ارسال و توزیع نموده است (ر.ک: خبرگزاری مهر، ۱۴۰۱/۵/۲۷، «حاج محمدتقی انصاریان درگذشت»).

نتیجه

با فراهم شدن زیرساخت‌ها و توسعه کمی و کیفی نهاد حوزه علمیه قم، فعالیت تبلیغی در عرصه‌های بین‌المللی پا گرفته و به صورت روزافزون، ابعاد تازه‌تری پیدا می‌نماید. امر تبلیغ در عرصه بین‌الملل که در زمان مرجعیت آیت‌الله العظمی بروجردی، تنها با یکی - دو نماد دارالتبلیغ مصر و مسجد و مرکز امام علی علیه السلام هامبورگ شناخته می‌شد و به فعالیت چند مبلغ زبان‌دان محدود می‌گردید، با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، ابعاد تازه‌تری یافت و با نهادسازی، از حالت فردی به حالت سازمانی تبدیل گردید و ترویج علوم دینی و معارف مکتب اهل بیت علیهم السلام به صورتی سازمان‌یافته، در حال پیشرفت است؛ هرچند این حرکت نوپا تا رسیدن به نقطه مطلوب، فاصله‌ای جدی و معنادار در پیش رو دارد.

منابع

۱. آذرشب، محمدعلی، ۱۳۸۴ ش، پیشینه تقریب، ترجمه: رضا حمیدی، تهران، انتشارات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۲. ۱۳۷۷ ش، نگرشی کوتاه بر عملکرد ۲۲ ساله مرکز نشر معارف اسلامی در جهان.
۳. ۱۳۸۹ ش، آیت الله شریعتمداری به روایت اسناد، تهران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴. ۱۳۸۹ ش، پرتو آفتاب؛ خاطرات آیت الله علی عراقچی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۵. ۱۳۹۷ ش، طلایه داران عرصه تبلیغ، معاونت بین الملل حوزه های علمیه.
۶. انصاری، محمدباقر، ۱۳۷۴ ش، تاریخچه مسجد و مرکز اسلامی هامبورگ، نشر مرکز اسلامی هامبورگ.
۷. بهشتی، محمد، ۱۳۷۵ ش، «آینده نگری در حوزه ها»، نامه شهیدین، سال ۱، پیش شماره ۱، تیرماه.
۸. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، ۱۳۷۷ ش، همبستگی مذاهب اسلامی.
۹. جعفریان، رسول، ۱۴۰۰ ش، جریان ها و سازمان های مذهبی - سیاسی ایران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
۱۰. حسینی، علیرضا، ۱۳۸۶، ماه دین، سال دهم، بهار.
۱۱. خسروشاهی، سید هادی، ۱۳۹۳ ش، امام موسی صدر؛ مصلح بزرگ، به کوشش: سید محمود خسروشاهی، چاپ اول، نشر ادیان.
۱۲. ریحان یزدی، سید علیرضا، ۱۳۷۲ ش، آینه دانشوران، تعلیقات و تصحیح: ناصر باقری بیدهندی، چاپ سوم، قم، مرعشی نجفی.
۱۳. علوی، محمدحسین، ۱۳۴۱، خاطرات زندگانی آیت الله بروجردی، نشر.
۱۴. موسوی لاری، ۱۳۹۱ ش، اسلام و سیمای تمدن غرب، انتشارات اسلامی.
۱۵. پایگاه اطلاع رسانی بنیاد مطالعات اسلامی مسکو: islamfond.ru
۱۶. پایگاه اطلاع رسانی جامعه المصطفی العالمیه: miu.ac.ir
۱۷. پایگاه اطلاع رسانی دفتر نشر فرهنگ اسلامی: daftarnashr.org

۱۸. پایگاه اطلاع‌رسانی مجمع تقریب مذاهب اسلامی: taqrib.ir
۱۹. پایگاه اطلاع‌رسانی مجمع جهانی اسلامی لندن: arafeh.co.uk
۲۰. پایگاه اطلاع‌رسانی مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام: ahl-ul-bayt.org
۲۱. پایگاه اطلاع‌رسانی مدرسه تخصصی فقهی امام کاظم علیه‌السلام: hosoon.ir
۲۲. پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه بین‌المللی مطالعات اسلامی: IIIs.ir
۲۳. پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه فجرنا: fajrona.ir
۲۴. پایگاه اینترنتی جامعه الزهراء علیها‌السلام: jz.ac.ir
۲۵. پایگاه اینترنتی حوزه‌های علمیه خاوران کشور: whc.ir
۲۶. پایگاه اینترنتی دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، مؤسسه آموزش عالی علامه مجلسی، دفتر تبلیغات شعبه اصفهان: bou.ac.ir
۲۷. پایگاه اینترنتی دانشنامه جهان اسلام: rch.ac.ir
۲۸. پایگاه اینترنتی دفتر تبلیغات اسلامی: dte.ir
۲۹. پایگاه اینترنتی نشر اندیشه‌های شهید بهشتی، خاطرات سید محمد خاتمی: beheshti.org
۳۰. پایگاه خبری - تحلیلی حلقه وصل، ۱۴۰۰/۵/۲۳: hvasl.ir
۳۱. پایگاه مرکز زبان حوزه‌های علمیه قم: hawzahnews.com
۳۲. پایگاه مؤسسه بین‌المللی المرتضی علیه‌السلام: murtaza.ir
۳۳. کیهان (ویژه‌نامه)، ۸ تیرماه ۱۳۶۱، شماره ۱۱۶۱۴.
۳۴. مجله افق حوزه، خرداد ۱۳۹۰، شماره ۳۱۲.
۳۵. مجله نورعلم، آبان ۱۳۶۴، شماره ۱۲.
۳۶. نشریه پگاه حوزه، فروردین ۱۳۸۲، شماره ۶.
۳۷. نشریه شاهد یاران، تیرماه ۱۳۸۵، شماره ۸.
۳۸. وبگاه خبرگزاری رسا، مهرماه ۱۳۹۱ ش.
۳۹. وبگاه خبرگزاری کتاب ایران، ۱۳۹۴ ش.
۴۰. وبگاه خبرگزاری مهر، ۱۳۹۶/۵/۸ و ۱۴۰۱/۵/۲۷.



Journal of Islamic Propagation

Volume 4 ● No 10 ● Autumn & Winter 2024

Organizational Developments of Religious Propagation During the Islamic Republic of Iran

Abazar Jafari*

Hamid Reza Motahari**

Abstract

Religious propagation is a social phenomenon that was formed with the emergence of religions, including the religion of Islam, and as the main duty of the Islamic seminary, it has undergone changes in different periods. The victory of the Islamic Revolution of Iran with its religious leadership provided the context for the growth and development of religious propagation. The present article aims to answer the question, what organizational and structural developments religious propagation has had after the Islamic revolution, and what are the concrete examples of these developments in religious propagation? This research is done through the library research method, and by examining the documents related to propagation during the period of the Islamic Republic and before, we will identify the changes in propagation and examine its different types. Considering the political developments and the new possibilities of religious propagators and those in charge of propagation in the Islamic Republic, in addition to the capacities and traditional methods of propagation, new capacities and tools have also been used in religious propagation and as a result, the structure of propagation has also changed. The formation of special organizations and institutions in charge of propagation, such as Islamic Propagation Office of Qom Seminary, Islamic Propagation Organization, Seminary Propagation Deputyship Office and expanding the scope of propagation from the public to government and educational institutions, shows a serious development in religious propagation during the Islamic Republic.

Keywords

Religious propagation, Islamic Propagation Office, Islamic Propagation Organization, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Owqaf (endowment) and Charitable Affairs Organization, Organization of Islamic Culture and Communications.

* PhD in Islamic Studies, Qur'an and Islamic texts.

** Associate professor, Islamic Sciences and Culture Academy.

تطورات سازمانی تبلیغ دینی در دوران جمهوری اسلامی

اباذر جعفری*

حمیدرضا مطهری**

چکیده

تبلیغ دینی، پدیده‌ای اجتماعی است که با ظهور ادیان، از جمله دین مبین اسلام شکل گرفت و به عنوان وظیفه اصلی نهاد حوزه علمیه، در دوره‌های مختلف تحولاتی داشته است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران با رهبری دینی، زمینه رشد و تکامل تبلیغ دینی را فراهم ساخت. هدف نوشتار پیش رو، پاسخ به این پرسش است که تبلیغ دینی پس از انقلاب اسلامی، چه تطورات سازمانی و ساختاری داشته است و مصادیق عینی این تطورات در تبلیغ دینی کدام است؟ این تحقیق، به روش پژوهش کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد و با بررسی اسناد مرتبط با تبلیغ در دوره جمهوری اسلامی و پیش از آن، تغییرات حاصل شده در تبلیغ را شناسایی کرده و گونه‌های مختلف آن را بررسی خواهیم کرد. با توجه به تحولات سیاسی و امکانات جدید مبلغان دینی و متولیان تبلیغ در جمهوری اسلامی، علاوه بر ظرفیت‌ها و روش‌های سنتی تبلیغ، ظرفیت‌ها و ابزارهای جدیدی نیز در تبلیغ دینی استفاده شده و در پی آن، ساختار تبلیغ نیز متحول گردیده است. شکل‌گیری سازمان‌ها و تشکیلات ویژه تبلیغ، مانند: دفتر تبلیغات اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت تبلیغ حوزه‌های علمیه و گسترش دامنه تبلیغ از عموم مردم به نهادهای دولتی و آموزشی، نشان از تحولی جدی در عرصه تبلیغ دینی در دوران جمهوری اسلامی است.

کلیدواژگان: تبلیغ دینی، دفتر تبلیغات اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت تبلیغ حوزه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.^۱

* دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش قرآن و متون اسلامی.

** دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و نکوداشت آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله‌علیه تالیف شده است.

مقدمه

خدای متعال کسانی از جنس بشر را در میان ایشان برانگیخت تا رسالت ابلاغ پیام خود به مردم را بر عهده گیرند. قرآن کریم، وظیفه پیامبر را رساندن پیام دین می‌داند (مانده، آیه ۹۹). تبلیغ دین، ویژه پیامبران نیست؛ چنان‌که قرآن کریم در دستوری عام از مؤمنان می‌خواهد تا جمعی برای کسب معارف دینی سفر کنند و پس از آن، به انداز قوم خود پردازند (توبه، آیه ۱۲۲). بر این اساس، پیامبران الهی و جانشینان آنان، وظیفه تبلیغ دین و تعلیم و تزکیه مردم را بر دوش داشتند و پرورش‌یافتگان مکتب آنان، شامل فقها و عالمان دینی نیز در طول تاریخ، این رسالت را دارند. از نظر فقهی، تبلیغ دین واجب کفایی است (انصاری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۷۷؛ خویی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۲۱) و شرط مقدم جهاد است (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۵۱-۵۲). در نگاه تاریخی نیز گسترش اسلام بیش از هر عاملی، بر اثر فعالیت‌ها مبلغان دینی است (واکر آرنولد، ۱۳۵۸، ص ۲۷) و در فرهنگ اسلامی نیز قرار گرفتن منبر در کنار محراب مسجد، نمادی از جایگاه تبلیغ دینی را به تصویر می‌کشد.

عالمان دینی در دوره‌های مختلف، به تبلیغ دین اهتمام فراوانی داشته‌اند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، این مسئله جایگاه و اهمیت مضاعفی یافت (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۴۹). بررسی تطورات و تحولات سازمانی و ساختاری تبلیغ دینی در دوران جمهوری اسلامی ایران، موضوع اصلی این نوشته است.

مفهوم‌شناسی

«تبلیغ» از ریشه «ب-ل-غ» و به معنای رسیدن به چیزی است. مصدر باب تفعیل آن، متعدی و به معنای رساندن است (مقایس اللغة، ج ۱، ص ۳۰۱-۳۰۲؛ مفردات، ص ۱۴۴؛ التحقيق، ج ۱، ص ۳۳۳، ذیل ماده «بلغ»). واژه تبلیغ، در قرآن به کار نرفته است؛ اما مشتقات از ریشه این واژه، ۷۷ بار در قرآن آمده است که ۲۷ مورد از آن، با کاربرد واژه‌های: بَلَّغْ، بَلِّغْ، بَلِّغْتِ، بِالْعَةِ، أَبْلَغْكُمْ، أَبْلَغْتُكُمْ، أَبْلَغُهُ، يُبَلِّغُونَ و أَبْلَغُوا، معنایی متناسب با اصطلاح دینی تبلیغ دارند (التبلیغ فی الكتاب والسنة، ص ۱۵). در میان این واژه‌ها، «بلاغ» بیشترین بسامد را دارد (آل‌عمران، آیه ۲۰؛ مانده، آیه ۹۲؛ رعد، آیه ۴۰ و...).

واژه «تبلیغ» در زبان فارسی، کاربردی اصطلاحی یافته و به رساندن پیام‌ها و آموزه‌های دینی

اطلاق می‌شود (لغتنامه، ج ۴، ص ۵۵۹۸، «تبلیغ»). شاید مناسب‌ترین تعریف برای این اصطلاح، «رساندن پیام الهی به شیوه روشنگرانه که از طریق ایجاد ارتباط و تشویق به پذیرش محتوای موردنظر با استفاده از ابزارهای مشروع هر عصر صورت می‌پذیرد» باشد (رهبر، پژوهشی در تبلیغ، ص ۱۰۴). تبلیغ مبتنی بر سه عنصر اصلی: پیام‌دهنده، پیام‌گیرنده و محتوای پیام است (همان، ص ۸۰). مفاهیم قرآنی دیگری مانند: ارشاد، دعوت، هدایت، موعظه، تبشیر، انذار، تخویف، امر به معروف و نهی از منکر، با مفهوم تبلیغ پیوند دارند.

تطور، به معنای تغییرات و تکامل یک پدیده است (دهخدا، لغتنامه، ذیل ماده «تطور»؛ عمید، فرهنگ فارسی، ذیل ماده «تطور») و تبلیغ نیز به عنوان یک پدیده اجتماعی، سیر تحولی و دگرگونی را طی کرده است که ابعاد مختلف این تحولات و سیر تکاملی آن در دوره زمانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا زمان تألیف مقاله در سال ۱۴۰۲ موضوع این نوشته می‌باشد.

پیشینه تحقیق

با توجه به جایگاه تبلیغ دینی، آثار متعددی درباره جایگاه قرآنی و روایی، آداب سخنوری و روش‌های تبلیغ، محتوای خطابه و برخی تجارب سخنوران نگاشته شده است (فاطمی، «کتاب شناسی تبلیغ و سخنوری»، مجله مبلغان، ۱۳۸۷، ش ۱۰۷). همچنین، منابع متعددی به بررسی فن خطابه از یونان باستان تا کنون پرداخته‌اند؛ اما در خصوص تاریخ تبلیغ دینی و سیر تطورات آن، آثار چندانی نگاشته نشده است. محمد تقی رهبر در دو مقاله با عناوین «سیر تاریخی تبلیغ» و «پیشینه تبلیغ در اسلام» که بعدها در کتابی با نام پژوهشی درباره تبلیغ گردآورد، به تاریخ تبلیغ در تمدن بشری، ادیان و اسلام پرداخته است (رهبر، «سیر تاریخی تبلیغ»، کیهان اندیشه، ۱۳۷۰، ش ۳۶؛ همو، «پیشینه تبلیغ در اسلام»، ش ۳۷). همچنین، با توجه به ابتنای مذهب اسماعیلیه بر دعوت و تشکیل دولت فاطمیان با محوریت داعیان، پژوهش‌های تاریخی متعددی در این باره نگاشته شده است (ر.ک: حمزه علی بهرامی، «ساختار سازمان دعوت فاطمیان مصر»، سخن تاریخ، بهار ۱۳۸۹، ش ۸). در خصوص تاریخ تبلیغ در دوران اخیر، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به رغم برخی اشارات در مقالات و کتب تاریخ معاصر یا مرتبط با تبلیغ، اثر مستقلی تألیف نشده است و مجموعه مقالات یکصدمین سال بازتأسیس حوزه علمیه قم، اولین تلاش در این عرصه است.

انقلاب اسلامی و نقش آن در تبلیغ دینی

انقلاب اسلامی ایران با رهبری امام خمینی و مجاهدت‌های چندین‌ساله مردم ایران، توانست نظام شاهنشاهی در ایران را نابود کرده و با تأسیس حکومت دینی و جمهوری اسلامی، تأثیر عظیمی در اوضاع ملی و جهانی بگذارد. ماهیت انقلاب و حکومت مبتنی بر آن، اسلامی بوده و جنبه‌های فرهنگی و دینی، مقوم اصلی آن است و تبلیغ دینی، از عناصر جدی در شکل‌گیری و قوام آن می‌باشد و به همین جهت، تبلیغ دینی در جمهوری اسلامی، تحولات فراوانی داشته که در این نوشتار، به بررسی تطورات ساختاری و سازمانی آن می‌پردازیم.

تطورات سازمانی تبلیغی

پیشینه سازمان تبلیغ در ایران

به رغم جایگاه و سابقه تبلیغ دینی در جوامع اسلامی، به غیر از دوران اسماعیلیه و حکومت فاطمیان، ساختار نظام‌مندی بر تبلیغ حکفرما نبوده است (عبدالرحمان سیف‌آراد، تاریخ خلفای فاطمی، ص ۲۵ و ۲۶، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۸ ش) و این امر، با تلاش‌های فردی عالمان دینی در تبیین و تفسیر قرآن، بیان احکام و آداب اسلامی، تدوین کتب دینی و تدریس مباحث علمی آن، سوگواری شیعیان و تبلیغ در قالب خطابه و سخنرانی، همچنین به صورت مردمی و احساس مسئولیت آحاد مردم، اعم از بازرگانان و حتی اسیران، در سایر ملل انجام می‌یافته است.

در جامعه ایرانی، سال‌های پیش از انقلاب نیز تبلیغ جنبه فردی داشت و با فعالیت شخصی مبلغان و عالمان دینی و بهره‌گیری از پشتیبانی وقف و تبرعات صورت می‌گرفت. عمده عالمان دینی و مراجع تقلید، اهتمام جدی به امور شرعی جامعه داشتند و از جایگاه پدری معنوی عالمان دینی برای مردم و تبلیغ دینی برخوردار بودند؛ به‌ویژه در مناسبت‌های مذهبی و برای افرادی که دسترسی به روحانی ندارند (محمد رضا احمدی، خاطرات آیت‌الله محمدعلی گرامی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۴۶)؛ ولی این امر در کنار سایر شئون مرجعیت دینی و عمدتاً فاقد تشکیلات اختصاصی بود. در خصوص نمونه اندک فعالیت‌های جمعی و تشکیلاتی حوزه تبلیغ در سده اخیر، می‌توان از شکل‌گیری جمعی برای انتشار مجله مکتب اسلام یا تأسیس مؤسسه در راه حق با هدف تولید و نشر رایگان کتب دینی نام برد (علی شیرخانی و عباس زارع، تحولات حوزه علمیه قم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۱، تهران، ۱۳۸۴ ش). البته نظام شاهنشاهی با

تأسیس سازمان پرورش افکار (ر.ک: سینا واحد، قیام گهرشاد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶)، مؤسسه وعظ و خطابه (ابوالفضل شکوری، «معرفی اجمالی مؤسسه وعظ و خطابه»، مجله یاد، ش ۷۸، ص ۳۵-۳۶) یا تأسیس سازمان اوقاف (سید علی خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۴/۸/۱۰، farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2772)، تلاش‌هایی برای مداخله در امور فرهنگی و کنترل تبلیغ دینی داشت که توفیقی نیافت. تنها تشیکلات قابل ذکر در عرصه تبلیغ پیش از انقلاب اسلامی، «دار التبلیغ اسلامی» است (ابومحمد وکیلی قمی، حوزه علمیه قم، ج ۱، ص ۴۸-۴۹، تهران، ۱۳۴۸ش) که با هدف تربیت مبلغ و توجه به تبلیغ اسلام در میان مسلمانان ایرانی مقیم کشورهای دیگر و تبلیغ اسلام در میان غیرمسلمانان شکل گرفت. راه‌اندازی و فعالیت این مجموعه در شرایط انقلابی حوزه و جامعه آن زمان نیز نقدهای جدی را در حوزه علمیه به دنبال داشت (خمینی، مقدمه کتاب کوثر، ج ۱، ص ۳۹ و ۴۰؛ همچنین ر.ک: historydocuments.ir/?page=post&cid=3420).

سازمان‌ها و نهادهای تبلیغی پس از انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی و ماهیت فرهنگی آن، فعالیت‌های تبلیغ دینی نیز گسترش یافت و نهادها و مؤسسات متعددی در این راستا به وجود آمد که با احتساب مؤسسات، کانون‌ها، گروه‌های تبلیغی و سایر تشکلهای خرد تبلیغی، تعداد آنها بیش از چند هزار خواهد بود. پرداختن به همه این مراکز، خارج از مجال این نوشته است و فهرست‌واره‌هایی برای معرفی آنها در مقاطع مختلف منتشر شده است (ر.ک: کتاب زرد، بشیر ۱۳۷۹، راهنمای جامع مؤسسات فرهنگی اسلامی استان قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۹ش؛ همان، بشیر ۱۳۸۰؛ معاونت پژوهشی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۳ش؛ سلطانی، راهنمای پرسش: معرفی مراکز پاسخگویی به پرسش‌های دینی، قم، ایده گستر، ۱۳۸۴ش).

در ادامه، به بررسی مهم‌ترین ساختارهای تبلیغی دوران جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت.

۱. دفتر تبلیغات اسلامی

نخستین نهاد رسمی در حوزه علمیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه

علمیه قم است. پیرو فعالیت‌های تبلیغی برخی روحانیان و ارائه طرحی محضر امام خمینی علیه السلام و پس از جلسات متعدد بررسی آن در محضر ایشان، در شانزدهم اردیبهشت سال ۱۳۵۸ ش، امام خمینی علیه السلام حکم تأسیس دفتر را صادر نمود (محسن محمودی، «دفتر تبلیغات»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۷، ص ۹۳) و بودجه‌ای برای فعال کردن آن تخصیص داد (ر.ک: «دفتر تبلیغات اسلامی»، دانشنامه امام خمینی، ج ۵، ص ۴۲۳-۴۲۹). دفتر در آغاز با نام «دایره تبلیغات امام» و به عنوان محور فعالیت‌های تبلیغی انقلاب اسلامی آغاز به کار کرد و سپس، «دفتر تبلیغات امام» و سرانجام از اسفند سال ۱۳۶۱ با عنوان «دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم» فعالیت کرد (رزمنگیر، نهادها و ارگان‌هایی که به حکم امام خمینی تأسیس شده‌اند، ص ۳۳۷؛ روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، کارنامه چهارده‌ساله دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ص ۱۶). با انحلال «دار التبلیغ اسلامی» در سال ۱۳۶۱، کلیه امکانات آن با حکم دادستانی (صحیفه امام خمینی، ج ۱۹، ص ۱۹۱، ۲۹ اسفند سال ۱۳۶۱) و موافقت شفاهی حضرت امام (موسوی تبریزی، گفتگو، ص ۷۴) و سپس، تنفیذ کتبی ایشان، به دفتر تبلیغات اسلامی واگذار گردید (صحیفه امام خمینی، ج ۱۹، ص ۱۹۱).

در سال ۱۳۶۲ هیئت مدیره دفتر با عضویت نماینده ولی فقیه تشکیل شد و تصمیم‌گیری در همه امور دفتر، طبق اساسنامه بر عهده این هیئت گذاشته شد (روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، کارنامه چهارده‌ساله دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ص ۲۴). در سال ۱۳۶۴، محمد عبایی خراسانی که از سال‌های آغازین دفتر مدیریت اجرایی دفتر را به عهده داشت، به عنوان نماینده امام خمینی علیه السلام در دفتر تبلیغات اسلامی منصوب گردید و ریاست دفتر را عهده‌دار شد (صحیفه امام خمینی، ج ۱۹، ص ۲۶۳). حمایت‌های امام خمینی از دفتر تبلیغات اسلامی در زمان حیاتشان، همواره ادامه داشت و آن را منشأ خدمات شایان تقدیری به اسلام و جمهوری اسلامی و حوزه‌های علمیه می‌دانست (صحیفه امام خمینی، ج ۱۹، ص ۴۹۴؛ همان، ج ۲۰، ص ۱۸۸). پس از رحلت امام خمینی، هیئت امنا و ریاست دفتر تبلیغات اسلامی، از سوی مقام رهبری منصوب می‌شوند.

شکل‌گیری دفتر تبلیغات اسلامی، برای امر تبلیغ دینی بوده و طی بیش از چهار دهه فعالیت، اکنون در ابعاد مختلف توسعه یافته و دارای معاونت‌های آموزش، پژوهش، فرهنگی و تبلیغی، و فضای مجازی به همراه چندین مرکز مستقل، از جمله مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی و

بوستان کتاب می باشد که هرکدام بخشی از پشتیبانی تبلیغ دینی را بر عهده دارند. پروژه های تحقیقاتی دفتر تبلیغات اسلامی، از سال ۱۳۶۳ در قالب مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی آغاز شد. سال ۱۳۷۳ در قالب معاونت پژوهشی و از سال ۱۳۸۴ با اخذ مجوز رسمی تحت عنوان «پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی» سامان یافت. فعالیت های آموزشی دفتر نیز از سال ۱۳۶۳ با عنوان «مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع)» و از سال ۱۳۸۴ در قالب «دانشگاه باقرالعلوم (ع)» استمرار دارد. مراکز آموزشی حوزوی امام رضا (ع)، معصومیه و علامه مجلسی (ع)، ذیل معاونت آموزشی هستند. (ر.ک: bou.ac.ir/Portal/home/?generaltext/573733/562819/434932 معرفی دانشگاه باقرالعلوم (ع)). معاونت آموزش و معاونت پژوهش دفتر، با رویکرد فرهنگی ایجاد شده و امروز در عرصه های مختلف فرهنگی و علوم انسانی فعالیت دارند.

دفتر تبلیغات اسلامی تا دو دهه در ۸۳ شهر ایران نمایندگی هایی را جهت پیگیری فعالیت های تبلیغی ایجاد کرد و در سال ۱۳۶۶ جهت مدیریت آنها واحدی با عنوان «امور استان ها» ایجاد نمود (روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، کارنامه چهارده ساله دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ص ۲۷۷-۲۷۹). با محول شدن توزیع مبلغ در کشور به سازمان تبلیغات اسلامی، این دفاتر کاهش یافت و اکنون تنها شعبی از دفتر در مشهد، اصفهان، ایران شهر و نمایندگی هایی در تهران و اهواز فعال هستند.

شاکله اصلی تبلیغ دینی، در معاونت فرهنگی و تبلیغی بوده و فعالیت های دیگر و سایر مراکز، از آن منشعب شده است.

۱.۱. معاونت فرهنگی و تبلیغی

با اعزام روحانیانی جهت تبیین آرمان های انقلاب اسلامی و معرفی نظام جمهوری اسلامی در اولین روزهای انقلاب از سوی دفتر تبلیغات اسلامی و درخواست های مردمی برای حضور روحانیون در مناسبت های مختلف مذهبی و انقلابی، ساماندهی اعزام روحانیان ضرورت یافت و دفتر تبلیغات اسلامی در این زمینه فعال گردید. با آغاز جنگ تحمیلی و نیاز به حضور مبلغان دینی در جبهه ها، این مسئله نیز از سوی دفتر مدیریت گردید. تنها در اولین سال فعالیت دفتر، قریب به ۵ هزار حکم تبلیغی در مناسبت های مختلف برای مبلغان صادر شد. تشکیل پرونده

تبلیغی برای مبلغان، دریافت درخواست‌های تبلیغی از سراسر کشور و معرفی و اعزام مبلغ، بخش «امور اعزام مبلغان» دفتر را شکل داد. آموزش مهارت‌ها و دانش‌های مقدماتی تبلیغ دین به روحانیان مرد و زن، و در امتداد فعالیت‌های تبلیغ دینی، مطالعات آماری و برنامه‌ریزی تبلیغی، اطلس فرهنگی، تولید محتوای تبلیغی و توانمندسازی مبلغان، ایجاد مرکز آموزش‌های کاربردی، اداره آمار و اطلاعات، و اداره تأمین محتوا را ضروری ساخت و مجموع این بخش‌ها، معاونت فرهنگی تبلیغی را شکل داد که اداره ویژه‌ای برای مبلغان خواهر، مرکز ویژه‌ای برای آموزش و انجام امور فرهنگی و هنری مکتوب و رسانه‌ای، اداره‌ای جهت نشریات فرهنگی و بخشی نیز برای مشارکت‌های فرهنگی ایجاد کرده بود.

ساختار فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی، طی دوره ۴۴ ساله از زمان تأسیس تغییرات متعددی داشته است؛ ولی شاکله اصلی آن در ارکان زیر، همچنان فعال است.

۲-۱. اداره کل تبلیغ عمومی

این اداره که شکل ساختاریافته بخش اعزام مبلغان است، در سال ۱۳۵۸ با صدور قریب به ۵ هزار حکم تبلیغی فعالیت خود را آغاز کرد (گزارش اعزام مبلغان از آغاز تا سال ۱۳۸۲؛ سند داخلی دفتر برنامه‌ریزی و بودجه، معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم). تبلیغ به روش سنتی و سخنرانی و فعالیت‌های گروه‌های تبلیغی، از سوی این بخش مدیریت می‌شود و در مناسبت‌های مختلف مذهبی و ملی، به اعزام مبلغ و سخنران به سراسر کشور و امداد فرهنگی در حوادث غیرمترقبه می‌پردازد. در سال ۱۳۶۱ و با تشکیل ستاد اعزام به جبهه در دفتر تبلیغات اسلامی، دفتر وظیفه اعزام روحانیان قم و شهرستان‌ها را به جبهه بر عهده گرفت (روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مجموعه عملکرد دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ص ۱۶). تشکیل پرونده تبلیغی مبلغان عمومی، مدیریت درخواست‌های تبلیغی و اعزام مبلغان و حمایت از فعالیت گروه‌های تبلیغی، بر عهده این اداره می‌باشد.

۳-۱. مرکز آموزش‌های کاربردی

اولین فعالیت‌های منظم آموزش تبلیغی در دفتر، با همت و مدیریت محمدحسن راستگو^(ع) از سال ۱۳۶۰ در واحدی با عنوان «مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان» آغاز شد. فعالیت آموزشی این واحد، منحصر به قم نبوده و در سراسر کشور از جمله شهرهای: مشهد، اصفهان،

شیراز و سایر شهرها و حتی سایر کشورها، بیش از ۱۰ هزار مربی را آموزش داده است. برنامه‌های تبلیغ دینی با روش جذاب برای کودکان و نوجوانان از سوی محمدحسن راستگوراستگویی طی ۳۵ سال در سراسر کشور و ده‌ها کشور خارجی، به‌خصوص اجرای تلویزیونی در دهه شصت، از خاطرات شیرین کودکان آن دوران می‌باشد (isca.ac.ir/Portal/home/?news/799673/693989) (178643/). با تجمیع آموزش‌های فرهنگی تبلیغی دفتر در سال ۱۳۸۵، تربیت مربی کودک و نوجوان اکنون در قالب یک اداره ذیل مرکز آموزش‌های کاربردی فعال است (el.balagh.ir/kids/2227 و isca.ac.ir/Portal/home/?news/178643/693989/799673).

سایر آموزش‌های مبلغان دینی در قالب دوره‌های پودمانی، کارگاه‌های تبلیغی - ترویجی، تولید درسنامه‌های آموزشی و طراحی نظام‌نامه جامع آموزشی، در مرکز آموزش‌های کاربردی دفتر پی گرفته می‌شود. علاوه بر آموزش مبلغان، آموزش روحانیون حج نیز تا مدت‌ها از سوی مرکز آموزش‌های کاربردی دفتر برگزار می‌گردید (irna.ir/news/4426486 و rasanews.ir/0000WR) (iqna.ir/007Qe4). در حال حاضر نیز علاوه بر مبلغان و طلاب، سایر سازمان‌ها و نهادها نیز از آموزش‌های فرهنگی این مرکز استفاده می‌کنند. این مرکز، بیش از ۲۱۲ عنوان دوره متناسب با نیازهای روز تبلیغی طراحی و ارائه کرده است که امروزه بخش عمده آن، به صورت مجازی نیز در دسترس مبلغان دینی می‌باشد (el.balagh.ir/about). تا سال‌ها این مرکز از نظر ساختاری، ذیل معاونت آموزش دفتر بوده (dte.ir/Portal/home/?generaltext/140964/161388/13242) و اکنون ذیل معاونت فرهنگی و تبلیغی قرار دارد و آموزش‌های آن، نه تنها در شعب و نمایندگی‌های دفتر، بلکه در سراسر کشور امتداد دارد.

۴-۱. گروه تولید محتوای تبلیغی

تدوین و نشر محتوای تبلیغی در قالب جزوات، از سال‌های ابتدایی شکل‌گیری دفتر و اعزام مبلغان، آغاز گردید؛ به‌ویژه در حوزه تربیت دینی کودک و نوجوان و طرح‌های تابستانی (هجرت) که به جهت مدت زمان طولانی‌تر، مبلغان اعزامی به پشتیبانی محتوایی بیشتری نیاز داشتند. اولین سری از این مکتوبات، در سال ۱۳۷۴ در قالب ره‌توشه راهیان نور از سوی مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان منتشر گردید (ره‌توشه راهیان نور، مقدمه، ص ۸). در سال‌های نخست، معمولاً هر سال ره‌توشه‌هایی برای مناسبت‌های تبلیغی محرم الحرام، ماه رمضان و طرح تابستانی در سه

نسخه ویژه کودک، نوجوان و جوان تهیه و منتشر می‌گردید. در سال‌های اخیر علاوه بر این ره‌توشه‌ها، ره‌توشه‌ای ویژه تبلیغ بانوان و خانواده تولید شده که اخیراً با عنوان فصلنامه تبلیغ و خانواده و ره‌توشه تبلیغ در مناطق مشترک (شیعه و سنی‌نشین) با عنوان فصلنامه تبلیغ و تقریب منتشر می‌گردد. همچنین، گروه تولید محتوای تبلیغی دفتر، مجله پژوهشنامه تبلیغ اسلامی (ر.ک: پژوهشنامه تبلیغ اسلامی، ش ۸، مهر ۱۴۰۲) و مجموعه‌ها و تکراری متعددی در موضوعات مرتبط با تبلیغ منتشر می‌کند (ر.ک: balagh.ir/category/9).

دفتر تبلیغات اسلامی در کنار ره‌توشه، ۴۸ عنوان نشریه علمی و فرهنگی منتشر می‌کند که بیش از ۲۲۰۰ شماره از آنها منتشر شده است و البته انتشار برخی از مجلات فرهنگی نظیر مجله معارف اسلامی نیز با سابقه بیش از ۲۰ سال سابقه متوقف شده است. در این میان، مجله پاسدار اسلام از قدیمی‌ترین نشریات دفتر است که از سال ۱۳۶۰ و با مقالاتی از علمای انقلابی تراز اول در قم منتشر شد. این مجله در ماه‌های اولیه سال ۱۳۵۹ با عنوان پاسدار انقلاب در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قم منتشر می‌شد؛ اما با توقف انتشار آن در آبان ۱۳۶۰، به دفتر تبلیغات اسلامی منتقل شد و با نام پاسدار اسلام منتشر گردید. استقبال از این نشریه، کم‌نظیر بود. شمارگان آن در سال‌های اول و دوم، به ۱۰۰ هزار نسخه و ۲۴ شماره اول آن به چاپ دوم رسید و حدود ۲۰ هزار مشترک داخلی و خارجی داشت («گفتگو با مؤسس و مدیر مسئول پاسدار اسلام در چهلمین سال انتشار مجله»، مجله پاسدار اسلام، ص ۳۱؛ گلی زواره، «از پاسدار انقلاب تا پاسدار اسلام»، ص ۴۲). انتشار این ماهنامه به صورت نسبتاً مستقل از بخش فرهنگی دفتر، همچنان ادامه دارد (برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: pasdareeslam.com).

۵-۱. مرکز فرهنگی و هنری

در سال ۱۳۶۰ با هدف تبلیغ دین به زبان هنر در قالب خوشنویسی و تذهیب، فیلم و عکس، هنرهای تجسمی، ادبیات و تئاتر، «مرکز فرهنگی و هنری» دفتر تبلیغات اسلامی تشکیل شد (روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، کارنامه چهارده ساله دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ص ۱۶۱-۲۰۲؛ همو، مجموعه عملکرد دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ص ۴۴) و دوره‌های آموزشی متعددی را در رشته‌های: ادبی (نویسندگی، ویرایش، داستان‌نویسی، ادبیات رسانه)، هنرهای تصویری (فیلم‌نامه‌نویسی، نقد و تحلیل فیلم)، هنرهای تجسمی (طراحی، نقاشی و گرافیک) و

خوشنویسی و فلسفه هنر را در شعب و نمایندگی‌های دفتر با استفاده از اساتید تراز اول این رشته‌ها در سراسر کشور برگزار کرد (dte.ir/Portal/home/?generaltext/140964/161388/13242). چهره‌های هنری شاخصی در این مرکز تدریس داشته‌اند و فراگیران آن دوره‌ها، امروز جایگاه فرهنگی و هنری درخوری دارند. از سال ۱۳۹۰، انجمن‌های فرهنگی و هنری با مشارکت هنرمندان عرصه‌های مختلف زیر نظر این مرکز تأسیس شد. انجمن‌های شعر، داستان‌نویسی، هنرهای تجسمی، خوشنویسی، مبانی نظری هنر و سواد رسانه، با حضور طلاب در این زمینه‌ها فعالیت می‌نمایند (farsnews.ir/news/13920705000016). این مرکز از نظر ساختاری، ابتدا ذیل معاونت آموزش دفتر بوده (dte.ir/Portal/home/?generaltext/140964/161388/13242) و سپس، ذیل معاونت فرهنگی و تبلیغی قرار گرفته و در مقطعی نیز به عنوان مرکز مستقل و تا حد معاونت توسعه یافت. اکنون این مرکز، ذیل معاونت فضای مجازی، رسانه و هنر فعالیت می‌کند.

۶-۱. اداره کل تبلیغ نوین

دفتر تبلیغات اسلامی که از ابزارهای مختلف هنر، رسانه و فضا مجازی برای فعالیت‌های تبلیغی و فرهنگی بهره می‌گرفت، در سال ۱۳۹۰ با هدف شناسایی و جذب فعالان حوزوی در عرصه‌های نوین تبلیغ رسانه‌ای، مجازی و هنری، سازماندهی آنها در قالب گروه‌های تبلیغی و حمایت از طرح‌های تبلیغی آنان، اداره کل تبلیغ نوین را در معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر ایجاد گردید. این اداره کل، با جذب و فعال‌سازی بیش از ۳۰۰۰ مبلغ در عرصه‌های فضای مجازی، رسانه، مکتوب و هنر، در هویت‌بخشی تبلیغی به این فعالیت‌ها نقش بسزایی داشت. در سال ۱۳۹۸ و جهت تقویت فعالیت‌های تبلیغ در عرصه‌های نوین، اداره کل تبلیغ نوین و مرکز فرهنگی و هنری دفتر که به صورت مرکز مستقلی از معاونت فرهنگی فعالیت می‌کرد، در یکدیگر ادغام شده و «معاونت فضای مجازی، هنر و رسانه» را شکل دادند.

۷-۱. اداره کل تبلیغ تخصصی

در سال ۱۳۹۸ و با هدف شناسایی، جذب و ساماندهی مبلغان تخصصی، به‌کارگیری و فعال‌سازی آنان به منظور پاسخگویی به نیاز سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی کشور و کمک به حل مسائل فرهنگی و اجتماعی، اداره کل تبلیغ تخصصی در معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تأسیس گردید (roshd.balagh.ir/content/3733). این اداره کل، با توجه به نیاز جامعه و توانمندی مبلغان

دینی، به جذب و فعال‌سازی مبلغان در بیش از ۴۰ حوزه تخصصی اقدام کرده و تاکنون برای قریب به ۳۵۰۰ مبلغ تخصصی از سراسر کشور پرونده تبلیغی تشکیل داده و ۱۲۹ گروه تبلیغ تخصصی را در سراسر کشور سامان داده است. پاسخگویی به نیازهای تخصصی مخاطبان و نهادهای متقاضی و کمک به حل مسائل اعتقادی، تربیتی، و آسیب‌های اجتماعی، از کارکردهای عمده این اداره کل است.

۸-۱. معاونت فضای مجازی، رسانه و هنر

این معاونت در سال ۱۳۹۸ و با هدف ارتقای فعالیت‌های فرهنگی در عرصه‌های مجازی، رسانه‌ای و هنری از ادغام مرکز فرهنگی و هنری دفتر و اداره کل تبلیغ نوین تأسیس گردید که شامل اداره کل فضای مجازی، مرکز هنر و رسانه، و اداره انجمن‌های فرهنگی و هنری است و جشنواره اشراق در این حوزه‌ها را برگزار می‌نماید. آموزش‌های هنری و ادبی از سوی این معاونت صورت گرفته و مجلات: سلام بچه‌ها، پوپک، سنجاقک و پیام زن نیز از سوی این معاونت تولید و منتشر می‌گردد.

۹-۱. مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی

پاسخگویی به سؤالات دینی، از فعالیت‌های اصیل دفتر تبلیغات اسلامی است. از همین رو، از سال ۱۳۶۲ واحد پاسخ به سؤالات دینی، از نخستین مراکز پاسخگویی به سؤالات و شبهات در بخش پژوهش دفتر ایجاد گردید و با رسمیت یافتن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ذیل آن به فعالیت پرداخت. این واحد که به صورت تلفنی، صندوق پستی اختصاصی (قم، ص.پ: ۱۹۷-۳۷۱۸۵) و در مواردی حضوری، به سؤالات و شبهات پاسخگویی می‌کرد، آثار متعددی را در موضوعات پرتکرار مانند: توبه، ارتداد، روابط دختر و پسر در اسلام، موسیقی، بُرد و باخت در مسابقات، زنان و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، تدوین کرد.

به جهت جایگاه دفتر، شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۱ طی مصوبه شماره ۵۰۰، وظیفه ساماندهی پاسخگویی دینی در کشور را به دفتر واگذار کرد و قریب به ۱۰۰ مرکز پاسخگویی در کشور با حمایت دفتر، سامان یافت (dte.ir/Portal/home/?generaltext).(140964/161388/13242)

همچنین، دفتر در اواسط دهه هشتاد با توسعه واحد پاسخ به سؤالات دینی خود و تبدیل آن

به مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی، بزرگ‌ترین مرکز پاسخگویی در جهان اسلام را با هدف پاسخ تخصصی در کمترین زمان ممکن، تأسیس کرد. این مرکز با همکاری بیش از ۳۰۰ نفر از اساتید و فضیلابی حوزه علمیه قم در گروه‌های تخصصی: علوم قرآن، حدیث، کلام و اعتقادات، ادیان و مذاهب، اخلاق، تاریخ اسلام، فقه و احکام شرعی و مشاوره، سالانه قریب به یک میلیون پرسش را از طریق: مکتوب، تلفنی، پست صوتی، پاسخگویی زنده اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی، پاسخ می‌دهد.

۱-۱۰. بوستان کتاب

مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، در سال ۱۳۶۱ با هدف ترویج آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام تأسیس شد و علاوه بر چاپ کتب و شروح حوزوی، کتاب‌های دینی را برای مخاطبان در سه گروه: عمومی، تخصصی و کودک و نوجوان منتشر می‌کند. این مرکز از سال ۱۳۷۷ با عنوان «بوستان کتاب» فعالیت می‌کند و با انتشار بیش از ۸۰۰۰ کتاب و بیش از ۳۵۸ عنوان کتاب برگزیده در جشنواره‌های مختلف، و بیش از ۳۰۰ جایزه ملی و بین‌المللی، به عنوان پُرافتخارترین ناشر کشور فعالیت می‌نماید. سالانه بیش از ۵۰۰ نویسنده، متقاضی انتشار آثار خود در این مؤسسه هستند که پس از بررسی آثار، ۴۰ تا ۵۰ اثر چاپ و منتشر می‌شود. این مؤسسه تاکنون با انتشار بیش از ۳۸۰۰ عنوان کتاب با شمارگان ۱۳ میلیون نسخه در حوزه دین و معارف اسلامی، در خدمت تبلیغ دینی است (hawzahnews.com/news/396486).

۲. شورای عالی تبلیغات اسلامی

پس از پیروزی انقلاب و احساس نیاز مبرم جامعه انقلابی به یک مرجع مشخص برای تبلیغات اسلامی با مشورت جامعه مدرسین و همکاری دفتر تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۵۹، شورای عالی تبلیغات اسلامی به عنوان نهاد عالی تبلیغ تشکیل شد و مورد تأیید امام خمینی رحمته‌الله قرار گرفت (صحیفه امام خمینی رحمته‌الله، ج ۱۴، ص ۱۱۰ به بعد، ۲۵ بهمن ۱۳۵۹؛^۱ رزمگیر، نهادها و ارگان‌هایی که به حکم امام خمینی تأسیس شده‌اند، ص ۳۳۷). این شورا برای هماهنگ ساختن فعالیت‌های تبلیغی ارگان‌های انقلابی در برگزاری مراسم و مناسبت‌های ملی، سیاسی و انقلابی که امروزه ۲۰ نهاد

۱. در این نامه، هنوز ذکری از سازمان تبلیغات اسلامی نیامده است.

در آن عضویت دارند، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی را به وجود آورد و این شورا نیز مورد تأیید امام قرار گرفت (همان، ج ۱۶، ص ۳۷۰-۳۷۱).^۱ پس از برگزاری اولین نشست این شورا، غلامحسین حقانی به عنوان دبیر آن برگزیده شد (hamshahrionline.ir/news/102077). با شهادت ایشان در سال ۱۳۶۰، احمد جنتی به ریاست شورای هماهنگی تبلیغات برگزیده شد (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، فرهنگنامه نهادهای انقلابی، ص ۲۳۰-۲۳۴). طبق اساسنامه مصوب دولت و مجلس، این شورا نهادی عمومی غیردولتی است که رییس آن، نماینده ولی فقیه است و با حکم رهبر انقلاب اسلامی منصوب می‌گردد (rc.majlis.ir/fa/law/show/136062).

از دیگر اقدامات شورای عالی تبلیغات اسلامی برای نیل به اهداف خود، تأسیس سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۶۰ بود که تأسیس آن، خدمت امام علیه السلام گزارش گردید (صحیفه امام خمینی علیه السلام، ج ۱۶، ص ۳۷۰-۳۷۱) و بعدها شورای عالی در آن ادغام شد.

۱-۲. سازمان تبلیغات اسلامی

شورای عالی تبلیغات برای نیل به اهداف تبلیغی مدنظر خود، در اوایل سال ۱۳۶۰ سازمان تبلیغات اسلامی را تأسیس کرد (قاسم‌پور، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۱۲۶؛ رزمگیر، نهادها و ارگان‌هایی که به حکم امام خمینی تأسیس شده‌اند، ص ۳۶۱). در تیر ۱۳۶۱ گزارش آن محضر امام خمینی علیه السلام ارائه و مورد تأیید ایشان قرار گرفت (صحیفه امام خمینی علیه السلام، ج ۱۶، ص ۳۷۰-۳۷۱). این سازمان در ابتدا زیر نظر شورایی متشکل از: غلامحسین حقانی، عباس شیرازی، احمد جنتی، محمد رضا مهدوی کنی و محمد امامی کاشانی اداره می‌شد و سرپرستی آن از سوی شورای عالی تبلیغات به غلامحسین حقانی واگذار شد (مرکز بررسی اسناد تاریخی، یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید حقانی، ۱۳۸۴ش، ج ۳۴، ص هفده؛ روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۱ تیر ۱۳۷۴، ص ۱۲). با شهادت ایشان در تیرماه سال ۱۳۶۰، احمد جنتی که دبیری شورای عالی تبلیغات را بر عهده داشت، دبیری سازمان تبلیغات اسلامی را در کنار اداره شورایی آن، بر عهده گرفت. اداره شورایی سازمان، نابسامانی‌های اجرایی و مالی برای آن ایجاد می‌کرد. از این رو، امام خمینی علیه السلام در اواخر ۱۳۶۷ به درخواست اعضای شورا، با سپردن مسئولیت سازمان به احمد جنتی موافقت کرد

۱. در نامه شورا که مبنای این تأیید امام است، تأسیس شورای عالی تبلیغات، در تیرماه سال ۱۳۶۰ ذکر شده است.

(صحیفه امام خمینی علیه السلام، ج ۲۱، ص ۲۷۰) و چند ماه بعد، ایشان را به عنوان ریاست سازمان تبلیغات اسلامی منصوب نمود (همان، ص ۳۳۹-۳۴۰) و مصرف سهم امام در تبلیغات این سازمان را اجازه فرمود (صحیفه امام خمینی علیه السلام، ج ۲۱، ص ۳۸).^۱ به این ترتیب، شورای عالی تبلیغات اسلامی که تا آن زمان عنوان مستقلاً داشت (صحیفه امام، ۱۳۸۹ ش، ج ۱۶، ص ۲۵۰-۲۵۴؛ rc.majlis.ir/en/law/show/99783)، در سازمان تبلیغات اسلامی که آن را ایجاد کرده بود، هضم گردید (همان، ج ۲۱، ص ۳۳۹) و سازمان مستقیماً زیر نظر مقام رهبری قرار گرفت و امروزه نیز هیئت امناء و رئیس آن، از سوی ایشان منصوب می‌شوند.

در اوایل شکل‌گیری سازمان تبلیغات، ۱۲۰ صفحه اساسنامه برای آن تدوین شد که حیطة فعالیت آن بسیار گسترده بود و حتی صدا و سیما و وزارت ارشاد را هم به‌نوعی تحت پوشش قرار می‌داد. این امر، هرگز محقق نشد (rbo.ir): بخش تاریخچه تأسیس و فعالیت پژوهشکده باقر العلوم). دومین اساسنامه سازمان، در سال ۱۳۶۸ به نظر امام علیه السلام رسید (موسوی هوایی، «مصاحبه با معاونت آموزشی و پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی»)، روزنامه اعتماد ملی، ۱۳۸۵/۸/۲۷ ش) و اساسنامه جدید، در سال ۱۳۸۷ به تصویب رسید (rc.majlis.ir/fa/law/show/135530). فعالیت‌ها و ساختار سازمان برای تحقق اهداف مدنظر، به شرح ذیل است (برای اطلاع بیشتر از رسالت و وظایف این سازمان، ر.ک: (nehzat.ir/fa/clist/173,1):

۱-۱-۲. اعزام مبلغ و استقرار روحانی

سازمان تبلیغات اسلامی، از زمان تأسیس با هماهنگی دیگر نهادهای تبلیغی، به‌خصوص دفتر تبلیغات اسلامی، در مناسبت‌های تبلیغی، سخنرانان و مبلغان دینی را به مناطق داخل و خارج از کشور اعزام کرده‌است. در سال‌های اخیر، «سامانه شمع» به عنوان سامانه معرفی و دعوت از مبلغان سنتی و سخنرانان برای عموم مردم قابل دسترسی است (shabaketabligh.ir).

از سال ۱۳۶۶، سازمان زمینه حضور روحانیان در دهستان‌ها و روستاهای بدون روحانی و امکانات فرهنگی را در قالب «طرح روحانی مستقر» فراهم ساخت (سازمان تبلیغات، مروری بر

۱. خمس، به دو بخش مساوی تقسیم می‌شود: سهم سادات که جهت سادات فقیر هزینه می‌شود و سهم امام که بر اساس نظر مرجع تقلید هزینه می‌گردد.

پانزده سال حضور سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۳۴). این طرح اکنون به طرح «امام محله» ارتقا یافته و از سوی بنیاد هدایت زیر نظر سازمان پشتیبانی می‌شود (bonyadehedayat.com).

گسترش کمی و کیفی تبلیغات دینی مردمی، از اهداف سازمان تبلیغات اسلامی است. این نهاد، در بیشتر شهرها و مناطق کشور، دفاتر نمایندگی دارد. علاوه بر آن، در بسیاری از کارخانه‌ها، ادارات و مراکز عمومی، نمایندگانی دارد که وظیفه پشتیبانی و حمایت تبلیغی را بر عهده دارند. پشتیبانی از انجمن‌های اسلامی، هیئت‌های مذهبی و تشکیل کانون‌های فرهنگی مساجد و دیگر مراکز، از فعالیت‌های این سازمان است.

سازمان افزون بر داخل کشور، مبلغانی را به خارج از کشور، از جمله مناطق مختلف آمریکا، آفریقا، آسیا و اروپا اعزام کرده و در مراکزی که زمینه فعالیت بیشتر است، نظیر مرکز اسلامی هامبورگ، سوئد، کانادا، انگلستان، باکو، آرژانتین، اوگاندا و زامبیا مراکزی را دایر کرده است. همچنین، در حمایت از انجمن‌های اسلامی، ایرانیان و نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج کشور، با اعزام مبلغ و ارسال اقلام فرهنگی حمایت می‌کند (سازمان تبلیغات، مروری بر پانزده سال حضور سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۳۴ و ۴۲-۴۵).

همچنین، سازمان با هدف سازماندهی، آموزش و خدمات رفاهی و اجتماعی مداحان و فعالان هیئت‌های مذهبی و تبلیغات در زمینه گسترش فرهنگ عزاداری و مداحی، «بنیاد دعبل خزاعی» را در سال ۱۳۸۴ تأسیس کرد و تاکنون به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

۲-۱-۲. پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقر العلوم علیه السلام

دهه شصت، دوره شکل‌گیری مراکز پژوهشی در قم بود و طیّ رصدی که تا سال ۱۳۶۷ صورت گرفت، ۲۷ بخش پژوهشی ذیل مراکز مختلف در قم شناسایی شد. از سال ۱۳۶۵، بخش پژوهش در معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی فعال شد. تا اواسط دهه هفتاد، برنامه کلان و جامعی برای آن در سازمان وجود نداشت و برنامه‌ها با هماهنگی میان رئیس پژوهشکده ریاست و معاونت سازمان پیش می‌رفت؛ حتی در مقطعی پیشنهاد انتقال آن به اوقاف نیز مطرح شد. در دهه هفتاد و ریاست محمود محمدی عراقی، طرح سازمانی پژوهشکده طراحی شد و طیّ دهه هشتاد و نود، با وجود آنکه ثبت پژوهشکده ذیل مجموعه آموزش عالی توفیق نیافت، پژوهشکده، هویت مستقل یافت که با سازمان تبلیغات اسلامی همکاری می‌کند

(rbo.ir): بخش تاریخچه تأسیس و فعالیت پژوهشکده باقرالعلوم).

برنامه پژوهشکده، تربیت مؤلف و نویسنده برای تولید منابع مطالعاتی، ویژه امر تبلیغ و نیز پاسخگویی به نیازهای معارفی جامعه و جوانان است و فعالیت‌های پژوهشی و نشر، از کتابچه‌های کوچک چهل حدیث آغاز شد و اکنون در حال تألیف موسوعه‌ها و دانشنامه می‌باشد.

۳-۱-۲. سازمان دارالقرآن الکریم

با هدف استانداردسازی، گسترش و تعمیق فعالیت‌ها و فرهنگ قرآنی در سطح جامعه، در سال ۱۳۶۱ بخش قرآن سازمان تبلیغات اسلامی تأسیس شد و به تبع آن، کانون‌های قرآن در دفاتر استانی ایجاد شد. در سال ۱۳۷۶، رده تشکیلاتی آن به «اداره کل» ارتقا یافت و سال ۱۳۸۱ با تغییر ساختار، به «سازمان دارالقرآن الکریم» تبدیل گردید.

اعزام کاروان‌های قرآنی به جبهه‌های جنگ، تصحیح و نظارت بر چاپ و نشر قرآن، برگزاری دوره‌های تربیت معلم، مدرّس و داور قرآن کریم در رشته‌های: قرائت، حفظ، مفاهیم و تفسیر قرآن، اعزام قاریان قرآن به اقصی نقاط کشور و سایر کشورها، اجرای گسترده آموزش‌های قرآن کریم در سطح کشور در قالب طرح‌هایی نظیر: بسیج قرآن‌آموزی، طرح رمضان، نهضت قرآن‌آموزی، برگزاری مسابقات متنوع قرآنی، راه‌اندازی بیش از ۲۵۰ دارالقرآن الکریم در سراسر کشور، هدایت و ساماندهی بیش از ۲۵۰۰ اتحادیه و مؤسسه قرآنی مردمی و ده‌ها فعالیت دیگر، از خدمات تبلیغ و ترویجی قرآن کریم در این سازمان است (تاریخچه-سازمان: telavat.ir/home).

۴-۱-۲. مرکز مشاوره و پاسخگویی به سؤالات دینی

در سال‌های آغازین نظام جمهوری اسلامی، پاسخگویی به سؤالات دینی مورد توجه نهادهای تبلیغی بوده و سازمان تبلیغات اسلامی نیز با قرار دادن صندوقی در مدارس کشور، سعی در پاسخ‌دهی به پرسش‌های دانش‌آموزان داشت (بخش تاریخچه تأسیس و فعالیت پژوهشکده باقرالعلوم: rbo.ir). در سال ۱۳۸۲ مرکز مشاوره و پاسخگویی به سؤالات دینی ذیل معاونت پژوهشی سازمان آغاز به کار کرد و در سال ۱۳۸۶، با گرفتن شماره خدمات کشوری ۰۹۶۵۰، فعالیت خود را توسعه داد. شیوه پاسخگویی این مرکز، به صورت پست صوتی و غیر زنده بود. در سال‌های بعد، مؤسسه فرهنگی و هنری دین‌پژوهان پرتو نور، تحت نظارت و حمایت سازمان

تبلیغات اسلامی، این خدمت تبلیغی دینی را ارائه می‌کرد که به تدریج از رونق آن کاسته شد و در سال ۱۳۹۵، فعالیت آن به طور کامل قطع شد (snn.ir/fa/news/530256).

۵-۱-۲. سازمان مدارس معارف اسلامی صدرا

آموزش مستقیم، یکی از شکل‌های تبلیغ است. در این راستا، سازمان مدارس صدرا از سال ۱۳۸۱ با هدف تربیت دانش‌آموزان نخبه و مهذب، تأسیس شد. این سازمان، بیشترین مدارس علوم و معارف اسلامی در کشور را داراست و تاکنون در ۲۰۰ شعبه در ۳۱ استان کشور بیش از ۱۴ هزار دانش‌آموز دختر و پسر در حال تحصیل، و بیش از ۱۵ هزار دانش‌آموخته و ۳ هزار و ۸۰۰ کادر و معلم دارد (nehzat.ir/fa/clist/186,1).

۶-۱-۲. فعالیت‌های هنری و مجازی

با توجه به اهمیت بهره‌گیری از زبان هنر در تبلیغ دین و اهداف انقلاب اسلامی، در بحبوحه انقلاب اسلامی «کانون نهضت فرهنگی اسلامی» به پیشنهاد طاهره صفارزاده و همکاری جمعی از هنرمندان متعهد تأسیس شد (farsnews.ir/news/8708060528) و پس از پیروزی انقلاب، به «حوزه اندیشه و هنر اسلامی» تغییر نام یافته و در ابتدای دهه ۱۳۶۰، به عنوان «حوزه هنری» به سازمان تبلیغات اسلامی پیوست. اکنون این مجموعه در عرصه‌های: تئاتر، موسیقی، عکس، هنرهای تجسمی، ادبیات پایداری، شعر و داستان و طنز مکتوب، با نام «حوزه هنری انقلاب اسلامی» فعالیت می‌کند (hozechonari.ir).

همچنین، با توجه به ضرورت تربیت هنرمندان متعهد و آگاه، در سال ۱۳۷۲ «مؤسسه آموزشی سوره» با برگزاری دوره‌های آزاد شکل گرفت. در سال ۱۳۸۹، به «دانشگاه سوره» تغییر نام داد؛ ولی مجوز رسمی دانشگاه، در سال ۱۳۹۲ به آن اعطا شد. این دانشگاه، در مقاطع کارشناسی تا دکتری سه دانشکده: هنر، دانشکده معماری و شهرسازی، و دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشجو می‌پذیرد (soore.ac.ir/Page/AboutMe).

۷-۱-۲. مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تیبان

مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تیبان، در سال ۱۳۸۰ با هدف حمایت از تولیدکنندگان محصولات فرهنگی در حوزه فناوری اطلاعات تأسیس شد. این مؤسسه در دهه هشتاد،

خدمات مختلف اینترنت رایگان، میزبانی وبسایت، کافی نت، بانک CD و ISP را ارائه می‌کرد و بدین منظور، تا پایان سال ۸۱ در مراکز ۲۶ استان پایگاه داشت (hawzah.net/fa/Magazine/View/34480/4476/4473). در حال حاضر، این مؤسسه در دو استان تهران و قم فعالیت دارد و در حوزه‌های تولید محتوای دیجیتال و انیمیشن، ساخت بازی، تولید ویژه مخاطب کودک و نوجوان، و ارائه خدمات زیرساختی هوشمندسازی مبتنی بر اینترنت، فعالیت می‌کند (nehzat.ir/fa/news/29).

فعالیت شاخص این مؤسسه، وبگاه چندزبانه «تبیان» است که از سال ۱۳۸۱ خدمات آموزشی - فرهنگی گوناگونی به بازدیدکنندگان ارائه می‌دهد و به دنبال رسیدن به جایگاه دستیاری هوشمند خانواده‌های ایرانی است (tebyan.net).

۸-۱-۲. حوزه نشر در سازمان تبلیغات اسلامی

سازمان تبلیغات اسلامی در حوزه نشر و بهره‌گیری از آن برای ترویج فرهنگ و معارف دینی، دو مجموعه بزرگ در اختیار دارد؛ گروه انتشاراتی امیرکبیر، از بزرگ‌ترین واحد انتشاراتی ایران که در سال ۱۳۲۸ تأسیس شده بود، در سال ۱۳۵۸ مدیریت آن به سازمان تبلیغات اسلامی محول گردید و اکنون در قالب مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر فعالیت می‌کند. علاوه بر آن، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، در اوایل دهه شصت تأسیس شد و به چاپ و انتشار آثار نویسندگانی چون: علامه طباطبایی، شهید مطهری، شهید بهشتی و دیگر علمای معاصر و سایر آثار دینی به زبان فارسی و غیرفارسی، چاپ قرآن کریم به زبان‌های: انگلیسی، روسی و چینی می‌پردازد. فروشگاه کتاب این شرکت، به عنوان بزرگ‌ترین مرکز عرضه و توزیع کتب دینی در تهران فعالیت دارد (nashrebeynolmelal.ir).

همچنین، مجموعه «کتابشهر ایران»، با هدف تسهیل دسترسی به منابع مکتوب و دسته‌بندی محصولات مرتبط با کتاب، در قالب ایجاد فروشگاه‌های زنجیره‌ای کتاب، از سوی سازمان تبلیغات اسلامی تأسیس شده است. این مجموعه، بیش از ۲۲ شعبه فروشگاهی در کشور دارد (irna.ir/news/85193075 - snn.ir/fa/news/1111473).

۳. معاونت تبلیغ حوزه

در اسفند ماه سال ۱۳۵۹، امام خمینی علیه السلام جهت نظام‌مند کردن فرآیند آموزشی و تربیتی طلاب

علوم دینی، دستور تأسیس شورای مدیریت حوزه علمیه را صادر کرد و از اوایل سال ۱۳۶۰، تشکلی ۹ نفره از نمایندگان امام خمینی علیه السلام و آیت الله العظمی گلپایگانی علیه السلام و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، با تشکیلاتی محدود و در عین حال منسجم، آغاز به فعالیت کرد (اساسنامه شورای عالی حوزه در نشانی: schowzeh.ir/fa/law/22). این شورا، به مدت ۱۰ سال امور حوزه‌های علمیه را تدبیر و هدایت می‌کرد.

در سال ۱۳۷۰، مقام معظم رهبری در دیدار با طلاب و فضلاء قم، دستگاه مدیریت را برای حوزه لازم دانست و پیشنهاد مفصلی از جمله تفکیک مدیریت اجرایی از شورای عالی را مطرح کرد (farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2587). یکی از معاونت‌های مورد تأکید ایشان، معاونت تبلیغ بود که وظیفه تربیت مبلّغ برای داخل و خارج کشور و نیز تأمین مبلّغان ثابت و فصلی برای مناطق گوناگون کشور را انجام دهد (همان؛ شیرخانی و زارع، ص ۲۴۴-۲۴۹). پیرو آن در سال ۱۳۷۱، شورای عالی سیاست‌گذاری حوزه به عنوان نهاد بالادستی و مرکز مدیریت حوزه علمیه متکفل امور اجرایی حوزه گردید. در سال ۱۳۸۸ شورای عالی حوزه، راه‌اندازی شوراهای مدیریت‌های استانی با معاونت‌های مرتبط آن را تصویب کرد که زیر نظر مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه فعالیت می‌کنند (ismc.ir: بخش معرفی مرکز).

۱-۳. مرکز آموزش‌های تخصصی تبلیغ

مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، از سال ۱۳۷۱ با تأسیس «مرکز آموزش‌های تخصصی تبلیغ»، وارد عرصه میدانی تبلیغ گردید. این مرکز که با نظر شورای مدیریت حوزه علمیه قم و کمیته برنامه‌ریزی تشکیلات تبلیغی آن ایجاد گردید، مأموریت یافت مبلّغانی که بتوانند به وسیله ابزارهای نوین، پیام‌ها و آموزه‌های اسلامی و شیعی را به مردم داخل و خارج از کشور برسانند، تربیت کند. با تدوین عناوین دروس و آیین‌نامه‌های اجرایی و تصویب آن در شورای عالی حوزه‌های علمیه، فعالیت آموزشی مرکز در سطح: دو، سه و چهار حوزوی آغاز شد.

برنامه آموزشی «سفیران هدایت» این مرکز در قم و شعب آن در استان خوزستان، قزوین، رفسنجان، مازندران، تهران و شهرهای: تبریز، آزادشهر و ماهان راه‌اندازی شده (hawzah.net/fa/Magazine/View/29780/3859/2689) و پس از پنج سال‌ونیم آموزش، مدرک سطح

دو حوزه با عنوان «تبلیغ و معارف اسلامی» به فراگیران اعطا می‌کند. در این مقطع، عمدتاً به آموزش‌های عمومی تبلیغ توجه شده است. در مقطع سطح سه (برابر با کارشناسی ارشد)، تبلیغ با گرایش تبلیغ خارج کشور، کودک و نوجوان، هنر و نویسندگی آموزش داده شده و امکان ادامه تحصیل تخصصی در مقطع سطح چهار (معادل دکتری) نیز وجود دارد (hawzah.net/fa/Magazine/View/27423/4225/4210).

۲-۳. اعزام مبلغ و طرح هجرت

پیرو توصیه مقام معظم رهبری در سفر به قم در سال ۱۳۷۴ در خصوص هجرت طلاب از قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم با ارائه طرحی به دفتر ایشان، ستاد اجرایی «هجرت کوتاه‌مدت» را تأسیس کرد و روحانیون را در اوقات فراغت و تابستان به مناطق مختلف اعزام می‌کرد. پیش از این، دفتر تبلیغات اسلامی و سازمان تبلیغات اسلامی طرح‌هایی را جهت اعزام کوتاه‌مدت و استقرار سالانه طلاب در مناطق تبلیغی عملیاتی می‌کردند. طرح هجرت در آغاز فعالیت خود، طرح هجرت کوتاه‌مدت را آغاز کرد و در ادامه، از سال ۱۳۸۰ با طرح هجرت بلندمدت در مناطق فاقد روحانی، فعالیت خویش را تکمیل نمود (hawzah.net/fa/Magazine/View/29780/3859/2689). پیرو تقسیم کار مراکز تبلیغی، معاونت تبلیغ حوزه متکفل اعزام بلندمدت روحانیون است (dana.ir/339003)؛ ولی در سال‌های اخیر در مناسبت‌های مذهبی کوتاه‌مدت نیز اقدام به اعزام مبلغ می‌کند.

معاونت تبلیغ حوزه از سال ۱۴۲۰ قمری (۱۳۷۸ ش)، ماهانه مجله مبلغان را به عنوان مجله تخصصی حوزه تبلیغ منتشر می‌کند. همچنین، با توجه به اهمیت عرصه‌های نوین تبلیغی، نسبت به تبلیغ در فضای مجازی و تبلیغ رسانه‌ای و مکتوب نیز اهتمام کرده است. این معاونت، بخش ویژه‌ای را نیز برای تبلیغ تخصصی و تبلیغ در عرصه مقابله با فرق انحرافی فعال کرده است.

۳-۳. مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات

در سال ۱۳۷۸ با هدف پاسخگویی به شبهات دینی، تأسیس مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات دینی، به تصویب شورای عالی حوزه علمیه قم رسید. این مرکز، از طریق بررسی منابع رسانه‌ای و مجازی با شناسایی شبهات دینی، به پاسخگویی آنها اقدام می‌کند. البته پاسخگویی

به سؤالات پستی یا الکترونیکی رسیده از عموم مردم و مراکز و نهادها نیز در حیطه فعالیت‌های این مرکز می‌باشد. این مرکز، پاسخ شبهات را از طریق سایت «اندیشه قم» که به سایت «پاسخ» تغییر نام داده، در معرض استفاده عموم قرار می‌دهد (pasokh.org). نشر مکتوب نیز در قالب بیش از ۵۰ تک‌نگاری مرتبط با شبهات، انتشار در قالب مجله صبح (تا سال ۱۳۹۵)، دوفصلنامه پاسخ (از سال ۱۳۶۹) و ماهنامه شبهه‌پژوهی صورت می‌گیرد. همچنین، تولیدات رسانه‌ای نیز برای پاسخ به شبهات تولید شده است (فصلنامه علمی تخصصی پاسخ، سال اول، شماره دوم، سال ۱۳۹۵، ص ۷-۱۳).

۴. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از متولیان اصلی حوزه فرهنگ و هنر، در نظام جمهوری اسلامی است. این وزارتخانه، با نام‌های: وزارت ارشاد ملی (سال ۱۳۵۸)، ارشاد اسلامی (سال ۱۳۵۹) و در نهایت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (سال ۱۳۶۵)، از ترکیب وزارت فرهنگ و هنر با وزارت اطلاعات و جهانبگردی پیش از انقلاب، تشکیل شد (farhang.gov.ir/fa/intro/history). این وزارتخانه، وظیفه سیاست‌گذاری در زمینه‌های: اطلاع‌رسانی، اشاعه فرهنگ اسلامی و تبلیغات برای را بر عهده دارد که از طریق سازمان‌ها و مراکز متعدد زیرمجموعه خود، از جمله: سازمان‌های اوقاف و امور خیریه، فرهنگ و ارتباطات اسلامی، حج و زیارت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، همچنین سازمان سینمایی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، سازمان چاپ و انتشارات، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای و بنیاد بین‌المللی فرهنگی - هنری امام رضا علیه السلام به این امر می‌پردازد (farhang.gov.ir/fa/intro/subordinate).

۵. سازمان اوقاف و امور خیریه

تا پیش از انقلاب مشروطه، امور اوقاف همواره زیر نظر علما و روحانیون معتمد بود. پس از انقلاب مشروطه، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه تأسیس شد و اداره موقوفات، به آن واگذار گردید. در سال ۱۳۴۳، اوقاف مستقل و ذیل نخست‌وزیری قرار گرفت و تلاش‌هایی برای مدیریت تبلیغ دینی در این سازمان صورت گرفت که توفیقی نیافت. پس از انقلاب اسلامی، در

سال ۱۳۶۳ سازمان حج و اوقاف و امور خیریه به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وابسته گردید و در ۱۳۸۰ امور اوقاف از سازمان حج جدا شد و به شکل‌گیری سازمان اوقاف و امور خیریه انجامید.

این سازمان، مدیریت امامزادگان و موقوفات مرتبط با مراسم عزاداری و قرآنی را بر عهده دارد و با بهره‌گیری از ظرفیت مبلغان، به تبلیغ دینی در این اماکن می‌پردازد و در دهه اخیر، با اجرای برنامه «آرامش بهاری» در بقاع متبرکه در مناسبت‌های مختلف، نسبت به تبلیغ معارف دینی و امور فرهنگی فعالیت می‌کند. علاوه بر آن، این سازمان در سال ۱۳۷۰ با تأسیس انتشارات اسوه و ایجاد بزرگ‌ترین چاپخانه قرآن کریم در خاورمیانه، به چاپ کتب دینی و مذهبی و قرآن کریم پرداخت. در سال ۱۳۷۳، مرکزی را جهت ترجمه قرآن مجید به زبان‌های خارجی تأسیس کرد و تاکنون ترجمه ترکی و فرانسه قرآن کریم را منتشر کرده است («آشنایی با مرکز ترجمه قرآن کریم»، مجله بینات، سال ۱۳، ش ۴۹، ص ۲۹۲-۳۰۳). در حوزه تبلیغ دینی در فضای مجازی نیز این سازمان با هدف تولید و انتشار محتوای دینی، از سال ۱۳۸۶ مؤسسه و سایت راسخون را راه‌اندازی کرده است (rasekhoon.net/home/aboutus).

۶. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، از سازمان‌های وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. این سازمان، با هدف فعالیت‌های فرهنگی و ادغام بخش‌های فرهنگی و تبلیغی نهادها و مؤسسات دولتی و عمومی فعال در خارج از کشور، در سال ۱۳۷۴ تأسیس شد. این سازمان، زیر نظر شورای عالی متشکل از: وزیر امور خارجه، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان صدا و سیما و شخصیت‌های مهم فرهنگی اداره می‌شود. این سازمان، به عنوان مرکز دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی با داشتن ۶۷ نمایندگی در کشورهای مختلف، تلاش دارد تا شناخت، علاقه و باور نسبت به اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، گفتمان انقلاب اسلامی، اندیشه امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و مقام معظم رهبری را ارتقا دهد.

اداره کل بین‌المللی تبلیغ و مرکز ساماندهی ترجمه و نشر معارف اسلامی و علوم انسانی، انتشارات بین‌المللی الهدی و بخش‌های دیگری از این سازمان، در زمینه تبلیغی و دینی فعالیت می‌کنند و به اعزام سخنران و چهره‌های دینی و قرآنی، برگزاری همایش‌های مختلف و برنامه‌های

قرآنی و انتشار کتب دینی می‌پردازند (icr.ir).

۷. مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام

شرکت کنندگان «اجلاس جهانی پیروان اهل بیت علیهم‌السلام»، در سال ۱۳۶۹ از مقام معظم رهبری خواستار تشکیل مجمعی با همین عنوان شدند و در همان سال، مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان یک تشکل بین‌المللی و غیردولتی زیر نظر رهبری با مأموریت احیا و گسترش فرهنگ و معارف اسلام، حمایت و پشتیبانی از حقوق مسلمانان جهان، توسعه زیرساخت‌های مادی و معنوی شیعیان و همین‌طور کمک به رشد و اصلاح وضعیت فکری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شیعیان در سراسر جهان تأسیس شد. مجمع اکنون دارای ۱۴۱ دفتر و نمایندگی فعال در مناطق مختلف جهان است و علاوه بر آن، با مجامع محلی و کانون‌های فرهنگی شیعیان در اکثر کشورهای جهان مرتبط است.

معاونت فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام که در قم مستقر است، وظیفه تحقیق و تبلیغ دینی را از طریق: اداره کل پژوهش، سایت ویکی‌شیعه، اداره ترجمه، کتابخانه و مرکز اسناد، اداره مجلات و اداره کل همکاری‌های فرهنگی بر عهده دارد. برگزاری همایش‌های علمی، اعزام مبلغان دینی و حمایت‌های علمی، فرهنگی و مالی از پیروان اهل بیت علیهم‌السلام، انتشار کتاب و مجلاتی به ۲۲ زبان، و محتوای اینترنتی به ۹ زبان مهم دنیا و نیز حمایت از تشکل‌های پیروان اهل بیت علیهم‌السلام در سراسر جهان، جزو فعالیت‌های این مرکز است (مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام، آشنایی با مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۴ ش، ص ۸).

مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام، علاوه بر اعزام مبلغ در راستای بومی‌سازی فعالیت‌های تبلیغی در نقاط مختلف جهان با بهره‌گیری از فارغ‌التحصیلان مدارس علمیه شیعه، آنان را تحت پوشش شبکه مبلغان بومی قرار می‌دهد و با کمک به ساخت مساجد، حسینیه‌ها، مراکز دینی، مدارس، کتابخانه‌ها، مراکز درمانی و دارالایتام، اقدامات تبلیغی و فرهنگی را تعمیق می‌بخشد (همان، ص ۲۶).

۸. مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

پس از برگزاری چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی در سال ۱۳۶۹، مجمع جهانی تقریب بین

مذاهب اسلامی با هدف آشنایی و تفاهم بیشتر علما، متفکران و پیشوایان مذهبی مسلمان و گسترش اندیشه تقریب بین ایشان تأسیس شد. مجمع، سازمانی غیردولتی و زیر نظر مقام رهبری است که شورای عالی آن، متشکل از شخصیت‌های بین‌المللی جهان اسلام است.

برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی تقریب در کشورهای مختلف، از جمله: کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی در ایران، تأسیس دانشگاه مذاهب اسلامی، پژوهشگاه مطالعات تقریبی، خبرگزاری تقریب به زبان‌های: فارسی، عربی، انگلیسی، اردو و فرانسه، انتشار ۱۲۶ عنوان کتاب به زبان عربی و فارسی و انتشار مجله‌های: رساله‌التقریب، رساله‌الاسلام، ثقافة‌التقریب، پیک تقریب و اندیشه تقریب، از فعالیت این مجمع می‌باشد (taghrib.org/fa/world-meeting: بخش درباره مجمع). همچنین، این مجمع دوره‌هایی را جهت تربیت مبلغان تقریبی و انتقال نگاه تقریبی به سایر مبلغان برگزار می‌کند و در مناسبت‌های مختلف تقریبی نیز مبلغانی را به نقاط مختلف اعزام می‌نماید (taghrib.org/fa/world-meeting/pdf/30).

۹. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی

با توجه به ماهیت دینی انقلاب اسلامی و ضرورت تسری آن در نهاد علم و دانش، پس از انقلاب فرهنگی و بازگشایی دانشگاه‌ها، روحانیان آگاه و خوش‌فکر، در دانشگاه‌ها حضور پیدا کردند. امام خمینی علیه‌السلام نیز برای دانشگاه‌های مهم کشور مانند دانشگاه شهید بهشتی (farsnews.ir/news/9004131373) و دانشگاه الزهراء علیها‌السلام (thinker.irc.ir/thinker/index/show/+4446) نمایندگانی را تعیین کرد. تا پیش از عزل شیخ حسینعلی منتظری از قائم‌مقامی رهبری، ایشان روحانیانی را به عنوان نماینده در دانشگاه‌ها منصوب می‌نمود که پس از عزل، این مسئولیت از سوی امام خمینی علیه‌السلام به شورای عالی انقلاب فرهنگی محول شد و آن شورا با ایجاد شورایی از آقایان: محمدی گیلانی، احمد جنتی و عباس محفوظی، این مسئولیت را به ایشان سپرد (فرهنگنامه نهادهای انقلابی، ص ۲۲۶-۲۳۰ و ص ۳۰۸ و ۳۰۹). پس از ارتحال امام خمینی علیه‌السلام، اساسنامه‌ای برای این شورا که «شورای نمایندگان ولی فقیه در دانشگاه‌ها» خوانده می‌شد، مصوب گردید (sccr.ir/pro/517). با توجه به توسعه دانشگاه‌ها، مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۲ دستور تجدید نظر در این اساسنامه را داد و در پی آن، شورای عالی انقلاب فرهنگی، اساسنامه

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها را تصویب کرد و شورای نمایندگان را به عنوان شورای سیاستگذاری این نهاد قرار داد (rc.majlis.ir/fa/law/show/100307؛ همچنین ر.ک: sccr.ir/pro/757).

نهاد نمایندگی ولی فقیه، در دانشگاه‌های دولتی، آزاد اسلامی، پیام نور و علمی کاربردی سراسر کشور دفتر دارد و در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نیز از طریق بخش فرهنگی و گروه معارف اسلامی فعالیت می‌کند. انجام وظایف روحانیت در محیط دانشگاه، اجرای برنامه‌های فرهنگی، هدایت فکری و حمایت معنوی تشکل‌های دانشجویی، گزینش علمی اساتید معارف، نظارت بر رعایت موازین اسلامی و ارزش‌های انقلاب در اداره دانشگاه‌ها، از وظایف نهاد در دانشگاه‌ها می‌باشد.

یکی از اصلی‌ترین فعالیت‌های این نهاد، مدیریت گروه معارف در دانشگاه‌ها و تدوین کتب درسی آن، و همچنین گزینش و تربیت اساتید مورد نیاز برای تدریس دروس معارف اسلامی دانشگاهی است. در این راستا، نزدیک به ۵۰ عنوان کتاب برای تدریس معارف اسلامی تدوین کرده و با تأسیس «نشر معارف»، علاوه بر کتب درسی، سایر آثار مناسب برای دانشگاهیان را منتشر می‌کند. این نهاد، روحانیون دارای تحصیلات تخصصی متناسب با عناوین درسی را به عنوان اساتید معارف ساماندهی و به‌کارگیری می‌کند. همچنین، دانشگاهی را جهت تربیت مدرس معارف اسلامی در گرایش‌های مختلف تأسیس نموده است.

اعزام مبلغان توانمند متناسب با نیاز دانشجویان به دانشگاه‌های سراسر کشور (جهت اطلاعات بیشتر، ر.ک: nahad.ir)، حضور اساتید حوزوی و روحانیون متخصص در دانشگاه‌ها جهت سخنرانی مذهبی، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ عمومی و اختصاصی در دانشگاه‌ها، و همچنین مشاوره اسلامی، از فعالیت‌های فرهنگی این نهاد است. مقام معظم رهبری تا دهه دوم رهبری، خود نیز در برنامه‌های تبلیغی و پرسش و پاسخ دانشجویان شرکت می‌کرد (farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2887). پاسخگویی به سؤالات دینی دانشگاهیان، اعم از اساتید و دانشجویان، از دیگر فعالیت‌های جدی نهاد است. بدین منظور، علاوه بر اعزام مبلغ، به صورت ستادی نیز مرکز مشاوره و پاسخگویی در نهاد راه‌اندازی شده و به شکل مکتوب و اینترنتی، به سؤالات دانشگاهیان پاسخ می‌دهد. سایت «پرسمان دینی» این مرکز، دارای بانک

جامعی از پرسش‌های دانشجویان و پاسخ‌های ارائه‌شده است که در قالب کتاب، نرم‌افزار و مجله پرسمان دانشجویی به صورت مکتوب نیز منتشر می‌شود.

۱۰. نمایندگی ولی فقیه در نیروهای مسلح، نهادهای انقلابی و سازمان‌های دولتی

نیروهای مسلح، از ارکان اقتدار نظام جمهوری اسلامی و تابع دستور فرماندهی کل قوا و امام انقلاب است. با پیروزی انقلاب، اولین تلاش انقلابی در ارتش، تشکیل «کمیته نظامی امام خمینی» بود که با استقرار برخی از روحانیون انقلابی در آن، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای به عنوان عضو شورای انقلاب، دستور طرح سیاسی - ایدئولوژیک در ارتش و اقدام‌های لازم برای پیاده کردن آن را صادر کرد و تصویب چنین نهادی را از شورای انقلاب گرفت. در پی اختلاف بنی‌صدر و تلاش برای مدیریت بخش عقیدتی و سیاسی ارتش در سال ۱۳۵۹، امام خمینی علیه‌السلام رئیس اداره سیاسی ایدئولوژیک ارتش را منصوب و خط‌مشی آن را صرفاً تابع ولایت فقیه اعلام کرد. این نهاد تازه‌تأسیس که با عنوان اداره سیاسی ایدئولوژیک (۱۳۶۰-۱۳۶۲) و اداره عقیدتی سیاسی (۱۳۶۲-۱۳۶۶) خوانده می‌شد، نهایتاً به «سازمان عقیدتی سیاسی» تغییر نام داد. تا قبل از تصویب قانون ارتش در سال ۱۳۶۶، عقیدتی سیاسی وزارت دفاع نیز در تابعیت سازمان عقیدتی سیاسی ارتش بود و سپس مستقل شد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در اولین روزهای سال ۱۳۵۸ به عنوان نخستین نهاد نظامی رسمی انقلابی شکل گرفت و امام خمینی از همان ابتدا فضل‌الله محلاتی را به نماینده خود در آنجا منصوب کرد. هم‌زمان محی‌الدین انواری را در ژاندارمری و امامی کاشانی را در شهربانی به عنوان نماینده خود منصوب نمود و خواهان ارائه گزارش‌های هفتگی ایشان شد (صحیفه امام، ج ۱۲ ص ۴۵۰-۴۵۲). گسترده‌گی سپاه و ضرورت توجه به مسائل عقیدتی و فکری پاسداران، موجب شد امام خمینی نماینده دیگری نیز در سپاه منصوب کند و از وی خواست با کمال دقت، در تطبیق قوانین و تصمیمات شورای سپاه پاسداران با احکام اسلام کوشش کند و بر خط فکری و اعتقادی سپاه در سراسر ایران نظارت دقیق داشته باشد و با کمال قاطعیت از انحرافات و تخلفات جلوگیری کند (همان، ج ۱۵، ص ۴۳۶). انتصاب نمایندگانی از سوی امام خمینی علیه‌السلام در سپاه پاسداران در زمان حیات ایشان استمرار داشت (همان، ج ۱۶، ص ۴۳۹؛ ج ۱۷، ص ۵۱۰؛ ج ۲۰، ص ۴۳۲ و ۴۶۸؛ رفیق‌دوست، برای تاریخ می‌گوییم، ص ۱۲۰) و پس از آن نیز مقام معظم رهبری نماینده

خود در سپاه را به صورت دوره‌ای منصوب می‌نماید.

در ساختار سایر نیروهای مسلح نیز پس از ادغام شهربانی، ژاندرمری و کمیته انقلاب اسلامی، در ساختار جدید نیروی انتظامی در سال ۱۳۷۰، سازمان‌های عقیدتی سیاسی آنها نیز ادغام شده و سازمان عقیدتی سیاسی فراجا شکل گرفت (ر.ک: محمدنبی ابراهیمی، در پرتو ولایت: سازمان عقیدتی سیاسی از نگاه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری از آغاز تا امروز، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۱).

در سایر نهادهای انقلابی نظیر: جهاد سازندگی (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۶۵۲)، کمیته امداد امام خمینی و وزارت اطلاعات، عمدتاً در بدو تأسیس نمایندگانی از سوی امام خمینی منصوب می‌شدند. امروزه در اکثر نهادها، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی، نمایندگی ولی فقیه یا بخشی مرتبط با امور روحانیت وجود دارد.

وظیفه سازمان عقیدتی سیاسی و نمایندگی ولی فقیه در این نهادها، عبارت است از: آموزش عقیدتی و سیاسی پرسنل جهت رشد مذهبی آنها، انجام فعالیت‌های تبلیغی در اشکال مختلف سخنرانی و سایر برنامه‌های فرهنگی، نظارت بر حفظ و عمل به موازین اسلامی، بررسی و ارزیابی شایستگی پرسنل جهت انتصابات و مسئولیت‌های سازمانی (فرهنگنامه نهادهای انقلابی، ص ۲۴۹-۲۵۳). در این راستا، با جذب و به‌کارگیری روحانی در برنامه‌های فرهنگی خود، به تبلیغ دینی و رشد معنوی پرسنل و مخاطبان سازمانی نهاد مربوطه اقدام می‌کنند. همچنین، در زمینه انتشار کتب دینی برای پرسنل یا مخاطبان سازمانی خویش یا در سطح جامعه اقدام می‌نمایند.

۱۱. مؤسسات و تشکل‌های فرهنگی - تبلیغی

با توجه به ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی، در کنار ساختارهای رسمی دولتی، مجموعه‌های مذهبی متعددی مانند: آستان قدس رضوی، حرم حضرت معصومه علیها السلام و سایر امامزادگان و مساجدی مانند مسجد مقدس جمکران نیز به عنوان قطب‌های فرهنگ دینی، به تبلیغ دینی می‌پردازند و در این زمینه، از ظرفیت سخنرانان و مبلغان دینی نیز کاملاً بهره می‌گیرند و حتی در مواردی در عرصه پاسخگویی دینی نیز به صورت حضوری، تلفنی و اینترنتی فعالیت کرده و آثار دینی فراوانی را نیز در انتشارات خود منتشر می‌کنند.

علاوه بر آن، تشکل‌ها و ستادهای متعددی مانند: ستاد اقامه نماز، ستاد امر به معروف و

نهی از منکر، ستاد مهدویت، ستاد ترویج زکات، مؤسسه احیای خمس، ستاد ترویج احکام و بنیاد مهدویت، برای اشاعه فرهنگ و تبلیغ دینی فعالیت می‌نمایند.

در زمینه ترویج و تقویت فرهنگ دینی و قرآنی، بیش از چند هزار مؤسسه قرآنی و فرهنگی تک‌منظوره و چندمنظوره، از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز فعالیت گرفته‌اند و در کنار آنها، هیئات و مجموعه‌های مردمی فراوانی تحت ساماندهی سازمان تبلیغات اسلامی یا اوقاف یا حتی بدون آن، فعالیت‌های دینی و تبلیغی می‌نمایند و عمدتاً در برنامه‌های خود از روحانیون و مبلغان دینی بهره می‌گیرند.

برخی از مبلغان دینی جهت فعالیت مؤثرتر و هم‌افزایی تبلیغی، علاوه بر فعالیت گروهی، اقدام به ایجاد مؤسسات و تشکل‌های تبلیغی کرده‌اند. مؤسسه «امیر بیان» به عنوان مؤسسه غیردولتی، در زمینه آموزش محتوا و مهارت‌های تبلیغی در قم و چندین شهر دیگر فعالیت می‌کند (amirebayan.ir) و برنامه‌های تبلیغی متعددی نیز اجرا می‌نماید (hawzahnews.com/news/1028613). همچنین، جمعی از گروه‌های تبلیغی، از اواخر سال ۱۳۸۹، اقدام به ایجاد تشکلی خودجوش برای هماهنگی و هم‌افزایی گروه‌های تبلیغی کردند (hawzahnews.com/news/414605).

منابع

الف. کتاب و مقاله

۱. ابراهیمی، محمدنبی، ۱۳۸۱، در پرتو ولایت: سازمان عقیدتی سیاسی از نگاه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری از آغاز تا امروز، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۲. ابن فارس، ۱۳۹۹ق، مقایس اللغة، بیروت، دار الفکر.
۳. احمدی، محمدرضا، خاطرات آیت‌الله محمدعلی گرامی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴. آذرشب، محمدعلی، ۱۳۸۴ش، پیشینه تقریب، ترجمه: رضا حمیدی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

۵. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۸۹ش، صحیفه امام، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. انصاری، مرتضی، ۱۴۱۱ق، المکاسب، قم، دار الذخائر.
۷. بستان (نجفی)، حسین، اسفند ۱۴۰۱ق، «ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و آسیب‌های نقش تبلیغی روحانیت در ایران معاصر»، دوفصلنامه دین و سیاست فرهنگی، ش ۱۹.
۸. بهرامی، حمزه علی، بهار ۱۳۸۹، «ساختار سازمان دعوت فاطمیان مصر»، سخن تاریخ، ش ۸.
۹. پاسدار اسلام، دی و بهمن ۱۳۹۹، «گفتگو با مؤسس و مدیر مسئول پاسدار اسلام»، چهلمین سال انتشار مجله، ش ۴۶۵ و ۴۶۶.
۱۰. پژوهشنامه تبلیغ اسلامی، مهر ۱۴۰۲، ش ۸.
۱۱. پیام حوزه، بهار ۱۳۷۵، ش ۹.
۱۲. «پیشینه تبلیغ در اسلام»، ۱۳۷۰، کیهان اندیشه، ش ۳۶ و ۳۷.
۱۳. خمینی، سید احمد، ۱۳۷۱ش، مقدمه کتاب کوثر، مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۴. خوجه گی، مهدی، ۱۴۰۱ق، تاریخ شفاهی شکل‌گیری و گسترش مجله سلام بچه‌ها، تهران، راه یار.
۱۵. خویی، ابوالقاسم، ۱۳۸۲ش، مصباح الفقاهة، قم، سید الشهداء.
۱۶. دهخدا و دیگران، ۱۳۷۳ش، لغت‌نامه، تهران، مؤسسه لغت‌نامه و دانشگاه تهران.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۳۵ش، لغت‌نامه، تهران، لغت‌نامه دهخدا.
۱۸. دوفصلنامه تبلیغ و خانواده، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ش ۱.
۱۹. راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، مفردات، دمشق و بیروت، دار القلم.
۲۰. رزمگیر، سید محمد، ۱۳۸۹ش، نهادها و ارگان‌هایی که به حکم امام خمینی تأسیس شده‌اند، چاپ‌شده در رسول آفتاب، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۱. رنجبر عیسی‌آبادی، احسان، ۱۳۹۲ش، پیام‌آوران نجات: رسالت مبلغان دینی در زمینه

- پیشگیری و درمان اعتیاد و نقد یکی از روش‌های درمان اعتیاد، چاپ اول، قم، نشر ذکری.
۲۲. رهبر، محمدتقی، ۱۳۹۱ش، پژوهشی در تبلیغ، بوستان کتاب، قم.
۲۳. ره‌توشه حج، ۱۳۸۰، چاپ اول، تهران، انتشارات مشعر.
۲۴. ره‌توشه راهیان نور؛ متون علمی و آموزشی مبلغان، ویژه محرم الحرام ۱۴۴۱ق/۱۳۹۸ش، چاپ اول، قم، انتشارات بوستان کتاب.
۲۵. ره‌توشه راهیان نور، تیرماه ۱۳۷۴، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۶. ره‌توشه؛ فصلنامه علمی تخصصی ویژه مبلغان، رمضان ۱۴۴۱ق/بهار ۱۳۹۹ش، شماره اول.
۲۷. روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹ش، آشنایی اجمالی با دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم.
۲۸. _____، ۱۳۷۳ش، کارنامه چهارده ساله دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، قم.
۲۹. _____، ۱۳۶۴ش، مجموعه عملکرد دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در سال‌های ۱۳۶۱-۱۳۶۰ و نه ماه اول ۱۳۶۴، قم.
۳۰. روزی طلب، محمدحسن، ۱۳۹۲ش، صخره سخت، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۱. سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ش، مروری بر پانزده سال حضور سازمان تبلیغات اسلامی در عرصه فرهنگی - تبلیغی نظام مقدس جمهوری اسلامی، تهران.
۳۲. سلطانی، مجتبی، ۱۳۸۴ش، راهنمای پرسش: معرفی مراکز پاسخگویی به پرسش‌های دینی، قم، ایده گستر.
۳۳. شکوری، ابوالفضل، «معرفی اجمالی مؤسسه وعظ و خطابه»، مجله یاد، ش ۷۸.
۳۴. عبدالرحمن، سیف آزاد، ۱۳۶۸ش، تاریخ خلفای فاطمی، تهران، دنیای کتاب.
۳۵. علامیان، سعید، ۱۳۹۲ش، برای تاریخ می‌گویم، تهران، سوره مهر.
۳۶. شیرخانی، علی و زارع، عباس، ۱۳۸۴ش، تحولات حوزه علمیه قم پس از پیروزی

انقلاب اسلامی، تهران.

۳۷. عمید، حسن، ۱۳۶۲ش، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر.
۳۸. فاطمی، رحیم، ۱۳۸۷، «کتاب‌شناسی تبلیغ و سخنوری»، مجله مبلغان، ش ۱۰۷.
۳۹. فصلنامه علمی تخصصی پاسخ، ۱۳۹۵ش، سال اول، شماره دوم.
۴۰. کاظمی قهفرخی، سید محمد، ۱۴۰۰ش، گونه‌شناسی طلاب کشگر در شبکه اجتماعی اینستاگرام، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۱. کتاب زرد، بشیر ۷۹، راهنمای جامع مؤسسات فرهنگی اسلامی استان قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم.
۴۲. گلی زواره، غلام‌رضا، دی ۱۳۸۳ش، «از پاسدار انقلاب تا پاسدار اسلام»، مجله پاسدار اسلام، ش ۲۷۷.
۴۳. مجله پیام زن، آذر ۱۳۸۱، ش ۱۲۹.
۴۴. مجله بینات، «آشنایی با مرکز ترجمه قرآن کریم» سال ۱۳، ش ۴۹.
۴۵. مجله پژوهش و حوزه، بهار ۱۳۸۷، «مؤسسه بوستان کتاب»، ش ۳۳.
۴۶. مجله مبلغان، «آشنایی با حوزه‌های علمیه سفیران هدایت»، ش ۶۴.
۴۷. مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۴ش، آشنایی با مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام، چاپ پنجم، قم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام.
۴۸. محمودی، محسن، ۱۳۹۹ش، «دفتر تبلیغات»، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
۴۹. مرادحاصل خامنه، اعظم و لاهوتی اشکوری، حسن، ۱۳۸۹ش، فرهنگ‌نامه رجال روحانی عصر امام خمینی، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵۰. مرتضوی، سید ضیاء، ۱۴۰۰ش، دانشنامه امام خمینی (دوره ده جلدی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله.
۵۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹ش، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا.
۵۲. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷ش، فرهنگ‌نامه نهادهای انقلابی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۵۳. مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۴ش، یاران امام به روایت اسناد ساواک: شهید حجت الاسلام والمسلمین غلامحسین حقانی، تهران، انتشارات مرکز اسناد تاریخی.
۵۴. مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان، ۱۳۷۴ش، ره‌توشه راهیان نور، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۵۵. مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، خرداد ۱۳۹۰، مجله افق حوزه، قم، ش ۳۱۲.
۵۶. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰ش، التحقيق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
۵۷. معاونت آموزش مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۴۰۰ش، درختواره رشته‌ها و گرایش‌های تخصصی حوزه‌های دانشی علوم اسلامی، چاپ اول، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
۵۸. معاونت بین‌الملل حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۴ش، طلایه‌داران عرصه تبلیغ بین‌الملل تشیع، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه قم.
۵۹. معاونت روابط عمومی و انتشارات سپاه، ۱۳۸۹ش، سپاه در گذر انقلاب؛ مجموعه اطلاعاتیه، بیانیه و اخبار سپاه، چاپ اول، تهران، معاونت روابط عمومی و انتشارات سپاه.
۶۰. معاونت پژوهشی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳ش، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم.
۶۱. مهدوی یگانه، جواد و مؤمنی، علی اکبر و صادقی، مجید، ۱۳۹۵ش، تبلیغ بالینی، چاپ اول، قم، بوستان کتاب.
۶۲. موسوی تبریزی، سید حسین، خرداد ۱۳۸۷ش، گفتگو، ماهنامه یادآور، سال اول، شماره اول.
۶۳. موسوی هوایی، سید جواد، ۲۷ آبان ۱۳۸۵ش، «مصاحبه با معاونت آموزشی و پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی»، روزنامه اعتماد ملی.
۶۴. میرزاخان، حامد و صادقی، مجید، ۱۴۰۲ش، تبلیغ در زندان، چاپ اول، قم، بوستان کتاب.
۶۵. النجفی الجواهری، الشیخ محمدحسن، ۱۳۶۲ش، جواهر الکلام فی شرح شرائع

- الإسلام، تحقیق: عباس قوچانی، چاپ هفتم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۶۶. واحد، سینا، ۱۳۶۶ش، قیام گوهرشاد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶۷. واعظی، اسفند ۱۳۹۰ش، «هست‌ها و باید‌های تبلیغ در دانشگاه»، مجله معارف، ش ۹۰.
۶۸. واکر آرنولد، توماس، ۱۳۵۸ش، تاریخ گسترش اسلام، ترجمه: ابوالفضل عزتی، تهران.
۶۹. وکیلی قمی، ابومحمد، ۱۳۸۴ش، حوزه علمیه قم، تهران.

ب. تارنما

		aalaa. ۱
ismc.ir .۳۱	e.ir	ir .۲
isna.ir .۳۲	hawzah.net .۱۷	amirebayan.ir .۳
jahadgaranhow .۳۳	hawzahnews.co .۱۸	balagh.ir .۴
zavi.com	m	bonyadehedayat. .۵
jz.ac.ir .۳۴	hejrat.ismc.ir .۱۹	com
khazaen.ir .۳۵	historydocume .۲۰	bookcity.org .۶
magiran.com .۳۶	nts.ir	bou.ac.ir .۷
mehrnews.com .۳۷	howzehbonab.ir .۲۱	dana.ir .۸
msagheb.ir .۳۸	hozehonari.ir .۲۲	dte.ir .۹
murtaza.ir .۳۹	ibna.ir .۲۳	eitaa.com .۱۰
my- .۴۰	icro.ir .۲۴	el.balagh.ir .۱۱
moballeggh.icro.i	ido.ir .۲۵	farhang.gov.ir .۱۲
r	ilna.ir .۲۶	farsi.khamenei.i .۱۳
nahad.ir .۴۱	imanoor.com .۲۷	r
najm.whc.ir .۴۲	iqna.ir .۲۸	farsnews.ir .۱۴
nashrebeynolm .۴۳	irna.ir .۲۹	fmttd.ismc.ir .۱۵
elal.ir	isca.ac.ir .۳۰	hamshahrionline .۱۶

soore.ac.ir .۶۵	ir	nehzat.ir .۴۴
taghrib.org .۶۶	rasanews.ir .۵۵	noavari.dte.ir .۴۵
tasnimnews.co .۶۷	rbo.ir .۵۶	noorsoft.org .۴۶
m	rc.majlis.ir .۵۷	onlinehawzah.c .۴۷
tebyan.net .۶۸	roshd.balagh.ir .۵۸	om
tehrantimes.co .۶۹	ruz barg.morsal .۵۹	parsiblog.com .۴۸
m	at.ir	pasdareeslam.c .۴۹
telavat.ir .۷۰	sccr.ir .۶۰	om
thinker.irc.ir .۷۱	schowzeh.ir .۶۱	pasokh.org .۵۰
tmobalegh.cfu. .۷۲	shabaketabligh. .۶۲	public.whc.ir .۵۱
ac.ir	ir	qom.iribu.ac.ir .۵۲
webda.umsha.a .۷۳	shabestan.news .۶۳	radio.isca.ac.ir .۵۳
c.ir	snn.ir .۶۴	rahtoosheh.dte. .۵۴



Journal of Islamic Propagation

Volume 4 ● No 10 ● Autumn & Winter 2024

An Examination of the Role of Islamic Seminaries in the Religious Propagation of the Qajar Era with an Emphasis on Tehran

Hamed Ghara'ati*

Abstract

Islamic Seminaries, along with their inherent mission, have not been limited to education or research in the subject of religious education and have used a series of tools and measures in the field of propagating religious doctrines and teachings. This issue is of great importance, especially in the Qajar era, when Iranian society experienced a tense period in the field of religious education due to social, cultural and political developments. This study tries to examine the role of seminaries in the propagation of religious education in the geographical area of Tehran by relying on historical sources, including biographies, travelogues, and general and textual chronicles, using a descriptive-analytical method. Propagation of religious teachings in Islamic seminaries of Tehran during the Qajar era included the following features. Conforming to the needs and challenges of the day, independence and non-dependence, direct communication and elimination of intermediaries, providing authentic content and monitoring other propagation content, protecting knowledge levels, avoiding acquisition or profaneness in religious propagation and using environmental propagation in the process of propagation.

Keywords

Islamic propagation, Islamic seminaries, Tehran in Qajar era, school, mosque, Rozeh Khani.

* Ph.D. in Shia studies and assistant professor in the history department of Baqir al-Olum University:

gharaati_1359@yahoo.com.

بررسی نقش حوزه‌های علمیه در تبلیغات دینی عصر قاجار؛ با تأکید بر تهران

حامد قراآتی*

چکیده

حوزه‌های علمیه، از دیرباز متناسب با رسالت ذاتی خود، تنها به آموزش یا پژوهش در موضوع معارف دینی محدود نمانده و مجموعه‌ای از اقدامات، تدابیر و ابزارها را در حوزه تبلیغ آموزه‌ها و تعالیم دینی به کار بسته‌اند. این موضوع، به ویژه در عصر قاجار که جامعه ایران متأثر از تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، دوران پُرتنش را در عرصه معارف دینی تجربه نموده بود، از اهمیت بسزایی برخوردار است. این تحقیق، تلاش دارد با تکیه بر منابع تاریخی، از جمله زندگی‌نوشته‌ها، سفرنامه‌ها و تواریخ عمومی و متنی بر روش توصیفی - تحلیلی، نقش حوزه‌های علمیه در تبلیغ معارف دینی را در محدوده جغرافیایی تهران مورد بررسی قرار دهد. تبلیغ آموزه‌های دینی و مذهبی در حوزه‌های علمیه تهران در عصر قاجار، مشتمل بر ویژگی‌هایی چون: منطبق بودن بر نیازها و چالش‌های روز، استقلال و عدم وابستگی، ارتباط مستقیم و حذف واسطه‌ها، ارائه محتواهای معتبر و نظارت بر سایر محتواهای تبلیغی، صیانت از مراتب معرفتی، پرهیز از اکتساب یا تفنن در تبلیغ دینی و استفاده از تبلیغ محیطی در فرایند تبلیغ بوده است.

کلیدواژه‌گان: تبلیغات اسلامی، حوزه‌های علمیه، تهران عصر قاجار، مسجد مدرسه، روضه‌خوانی^۱

* دکتری شیعه‌شناسی و استادیار گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام): gharaati_1359@yahoo.com

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و نکوداشت آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری (علیه السلام) تالیف شده است.

مقدمه

حوزه‌های علمیه، از قدیمی‌ترین مراکز علمی، دینی و فرهنگی در سرزمین‌های اسلامی می‌باشند. این مراکز گرچه به دلیل گسترش دانش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز جوامع و تمرکز بر علوم مرتبط با معارف دینی در کنار نهادهای علمی‌ای چون: نظامیه‌ها، دارالعلوم‌ها، بیت‌الحکمه‌ها و رباط قرار می‌گرفتند، اما توانسته بودند با ارتقا و توسعه در دانش‌های مورد نیاز دینی و حتی مهارت‌های مرتبط، مناسبات خود با جوامع پیرامونی را حفظ نمایند. حوزه‌های علمیه، به‌ویژه در تاریخ تشیع، رابطه‌ای دوسویه با مخاطبان خود داشته‌اند؛ به نحوی که هم مؤثر بر مخاطبان و هم متأثر از مخاطبان خود بوده‌اند. حوزه‌های علمیه، گرچه بیگانه از دولت‌ها و حکمرانان نبودند، اما رابطه‌ای لزوماً مثبت یا مستمر با دولت‌ها نداشته و حتی در موارد متعددی، پناهگاه منتقدان و مخالفان بوده و یا جریان‌های اجتماعی و سیاسی منتقد، مبانی اندیشه‌ای خود را از حوزه‌های علمیه فرا می‌گرفتند.

شناخت و مصداق‌یابی سه مفهوم: پژوهش، آموزش و تبلیغ، گرچه در عالم نظر و تعاریف، فاقد ابهام می‌باشد، اما در عرصه عمل و واقع، دارای همپوشانی‌ها و خلط‌های محتوایی و روشی می‌باشند. تأکید بر یکی و غفلت از دیگری یا ادغام هر یک از این مفاهیم، به‌ویژه در حوزه دین و معنویت، نقش مستقیم و مؤثری بر سطح معنویت و دینداری جامعه داشته و پیامد لغزش‌های احتمالی بسیار عمیق و چالش‌آفرین خواهد بود.

این تحقیق، تلاش دارد تا مبتنی بر منابع اصلی، نقش حوزه‌های علمیه در تبلیغ دینی عصر قاجار را در قلمروی جغرافیایی تهران به بحث نشیند. با توجه به مقدمه پیش‌گفته، گرچه نقش پژوهشی و آموزشی حوزه‌های علمیه بسیار مهم، با سابقه و منحصر به فرد است، اما این تحقیق، با تمرکز بر نقش تبلیغی، از دو نقش دیگر (پژوهشی و آموزشی)، فقط در ارتباط با عرصه تبلیغ سخن به میان خواهد آورد.

مراد از حوزه‌های علمیه در این تحقیق، مدارس است که تحت اشراف عالمان و روحانیون دینی به تربیت طلاب و کارشناسان دینی می‌پرداخته‌اند و در این مقاله، از آنها به مدارس علمیه یا مسجد - مدرسه نیز یاد خواهد شد. همچنین، مراد از نقش‌آفرینی در تبلیغ دینی، هرگونه اقدام، تدبیر و سیاست‌گذاری در حوزه ترویج، تفهیم، توسعه و تعمیق باورهای دینی در سطح جامعه

می‌باشد. شایان ذکر است، با توجه به کارکرد آموزشی- فرهنگی مساجد در قرون نخستین، شاید بتوان حوزه‌ها و مدارس علمیه را نسخه‌ای تکامل‌یافته از یکی از نقش‌های مساجد دانست؛ چه اینکه به باور برخی، کارکرد مساجد به امور عبادی منحصر نبوده و ناظر به نظام اجتماعی مطلوب از منظر اسلام بوده است (الویری، ۱۳۸۸، ص ۹۷). کارکرد آموزشی و فرهنگی مساجد، در مقاطعی چنان پُررنگ بود که مساجدی چون الأزهر مصر یا مسجد جامع شهر فاس در کشور مغرب، بیش از آنکه به عنوان عبادتگاه شناخته شوند، به عنوان یکی از معتبرترین مدارس علمی شناخته می‌شدند.

قاجاریه، سلسله‌ای از حکمرانان می‌باشند که با تاج‌گذاری آقا محمدخان قاجار در سال ۱۲۱۰ قمری پایه‌های حکومت خود را در ایران مستقر ساختند و تا ربیع‌الثانی ۱۳۴۴ قمری بر ایران حکومت کردند. نسب ایشان، به قاجارنویان از رؤسای ایل جلایر ترکمان مغول می‌رسد که در عهد غازان خان (۶۹۴-۷۰۳ق) می‌زیسته است. عصر قاجار، به دلیل ظهور تحولاتی چون: تقابل تفکر سنتی و تجدد در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، ظهور اندیشه‌های التقاطی در حوزه دینداری، قرابت زمانی و استمرار بسیاری از تحولات فرهنگی، اجتماعی و مذهبی در عصر حاضر، به عنوان محدوده زمانی این تحقیق انتخاب شده است. همچنین، شهر تهران به دلیل تنها پایتخت ایران در دوره قاجار و مرکز اصلی بروز و ظهور تحولات فرهنگی و دینی در آن دوره، به عنوان محدوده جغرافیایی این پژوهش تعیین شده است.

این پژوهش، با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی- تحلیلی، درصدد پاسخ به این پرسش است که «نقش تبلیغی حوزه‌های علمیه تهران در دوره قاجار دارای چه ویژگی‌ها و اوصافی بوده است؟» برخی از مهم‌ترین منابع این پژوهش، تواریخ عمومی و محلی، سفرنامه‌ها، خاطرات، زندگی‌نامه‌ها، تاریخ معاصر و تاریخ اجتماعی تهران خواهد بود. با وجود اهمیت، اما این موضوع کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. برخی از آثاری را که به صورت ضمنی به لایه‌هایی از این موضوع پرداخته‌اند، می‌توان چنین برشمرد:

۱. توصیف تاریخی برخی از حوزه‌های علمیه تهران

* «مسجد - مدرسه‌های تهران» (سلطان‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۵۳): این اثر پس از ارائه گزارش تاریخی در خصوص نحوه شکل‌گیری مسجد - مدرسه‌ها در قرون میانی تاریخ اسلام، به معرفی

برخی از مسجد - مدرسه‌های تهران پرداخته است. در این پژوهش، مؤلف تنها به ویژگی‌های ساختمانی و ارائه پلان‌های معماری این دسته از حوزه‌های علمیه پرداخته است.

* «مسجد و مدرسه معیرالممالم» (ضرغانی، ۱۳۸۵، ص ۵۹)؛ «مسجد مدرسه فیلسوف‌الدوله» (بیگلریگی قاجاریه، ۱۳۸۶، ص ۱۱۹)؛ «مسجد مدرسه معمارباشی تهران» (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۸۱، ص ۲۵). این مقالات نیز به ارائه پیشینه تاریخی تأسیس، موقعیت جغرافیایی و برخی از ویژگی‌های معماری این حوزه‌های علمیه پرداخته‌اند.

۲. اهمیت معماری برخی حوزه‌های علمیه تهران

دو مقاله: «گونه‌شناسی مسجد - مدرسه در معماری اسلامی ایران» (هوشیاری، ۱۳۹۲، ص ۳۷) و «معماری و تزیینات مسجد - مدرسه سپهسالار قدیم» (نیستانی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۷)، از جمله آثاری هستند که ویژگی‌های هنری و معماری مسجد - مدرسه‌های تهران را به لحاظ معماری بررسی کرده‌اند.

۳. بررسی پیدایش یا فعالیت حوزه‌های علمیه بدون در نظر گرفتن محدوده زمانی و مکانی این تحقیق

- مقاله: «بررسی تاریخی کارکرد ارتباطی هنر در اماکن مذهبی عصر قاجار» (الویری و قرائتی، ۱۳۹۲، ش ۱۷)؛ «نقش اماکن مذهبی تهران در تقویت گفتمان مقاومت و پایداری در دوره قاجار» (قرائتی، ۱۳۹۲، ش ۴۱)؛ «پیشینه دانش‌های اسلامی در حوزه‌های علمیه» (سید کباری، ۱۳۸۲، ش ۳۸)؛ «چگونگی استقرار مدارس علمیه در شهرهای تاریخی دوره اسلامی» (سلطان‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷، ش ۲).

- پایان‌نامه: «نقش حوزه‌های علمیه اصفهان در تحول علوم در عصر صفوی» (کاظم‌زاده، ۱۳۹۲)؛ «مناسبات دربار قاجار با حوزه علمیه نجف» (اسماعیلی، ۱۳۹۰)؛ «نقش حوزه سامراء در تحولات سیاسی ایران عصر قاجار» (شادپور، ۱۳۹۸)؛ «جریان‌های فکری حوزه علمیه اصفهان؛ از سقوط صفویه تا برآمدن قاجار» (زینلی، ۱۳۹۹)؛ «مواجهه روحانیت و ملیت؛ مواجهه علمای شیعه با مفهوم و پدیده ملیت از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی» (کریمی، ۱۴۰۰).

- کتاب: عزاداری سنتی شیعیان در بیوت علماء و حوزه‌های علمیه و کشورهای جهان؛ تحقیقی و تاریخی (سید حسین معتمدی کاشانی، ۱۳۷۹).

همان‌طورکه از عناوین این آثار مشهود است، با وجود اهمیت و ارزشمندی، اما در هیچ‌کدام از این آثار، نقش تبلیغی حوزه‌های علمیه مورد توجه قرار نگرفته است. در این میان، نباید از اثر متفاوت محسن حسام مظاهری با عنوان «رسانه شیعه - جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیئت‌های مذهبی در ایران» غفلت نمود؛ چه اینکه در بخش‌هایی از این کتاب و به صورت ضمنی، نقش روحانیت و به تبع آن حوزه‌های علمیه در حوزه تبلیغ دینی مورد توجه قرار گرفته است.

تهران پیش از انتخاب شدن به عنوان پایتخت از سوی سلاطین قاجار، فاقد هویت یا شهرت قابل توجهی بوده است؛ هرچند گزارش‌هایی مبنی بر ساخته شدن دولتیخانه‌ای از سوی سلاطین صفوی در آن به چشم می‌خورد. چه اینکه سلاطین صفوی به دلیل انتساب خود به حمزه‌بن موسی علیه السلام، علاقه وافری به زیارت مرقد وی در شهر ری داشته و برای اقامت، یکی از روستاهای پیرامون ری به نام تهران را برای ساخت دولتیخانه برگزیده‌اند. بعدها این دولتیخانه توسط کریم‌خان زند نیز مورد توجه قرار گرفت. این سابقه، باعث شده است که نتوان بناهای متعدد و قابل توجهی را مربوط به گذشته پیش از صفویه در تهران مشاهده نمود. در این میان، چند حوزه علمیه به عنوان میراث فرهنگی و تمدنی این شهر خودنمایی می‌کند؛ چه اینکه مسجد - مدرسه حکیم‌هاشم (مهدعلیا) و مسجد - مدرسه چال، از میراث عهد صفوی می‌باشند که به یادگار مانده‌اند. با توجه به مباحث پیش‌گفته، نمی‌توان انتظار تاریخچه‌ای درخور از حوزه‌های علمیه پیش از عصر قاجار در تهران داشت.

حوزه‌های علمیه مشهور تهران در عصر قاجار را می‌توان چنین برشمرد:

ردیف	نام حوزه علمیه	ردیف	نام حوزه علمیه	ردیف	نام حوزه علمیه
۱	مسجد - مدرسه حکیم- هاشم	۱۱۰	حکیم‌باشی	۱۹	صنعیّه
۲	مسجد - مدرسه چال	۱۱۱	معیرالممالک	۲۰	خازن‌الملک
۳	مسجد - مدرسه‌های سپهسالار قدیم	۱۲	مشیرالسلطنه	۲۱	مهد علیا

ردیف	نام حوزه علمیه	ردیف	نام حوزه علمیه	ردیف	نام حوزه علمیه
۴	سپهسالار جدید	۱۳	شیخ کاظمیه	۲۲	محمودیه
۵	حاج رجبعلی	۱۴	شاهزاده خانم	۲۳	منیریه
۶	رضا دروازه دولت	۱۵	چال حصار	۲۴	قلی خان
۷	سعدیه	۱۶	حاج شیخ هادی	۲۵	حکیم هاشم
۸	فتحیه	۱۷	قندی	۲۶	نیاکی
۹	شیخ العراقین	۱۸	خان مروی	۲۷	آغا بهران

(بهزادفر، ۱۳۸۶، ۱۸۸؛ ذاکر زاده، ۱۳۷۴، ۹۸ و ۶۲؛ مؤمنی، ۱۳۸۸، ۵۶ و ۵۵؛ حسینی بلاغی، ۱۳۸۶، ص ۴۳، ۶۶، ۱۱۳، ۱۸۴ و ۲۸۶؛ سلیمی مؤید، ۱۳۸۱، ص ۹۱-۹۳؛ اعظام قدسی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۶؛ سیفی فمی تفرشی، ۱۳۶۹، ص ۱۵۹؛ شهیدی مازندرانی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۶، ۳۶۶ و ۳۸۵)

این حوزه‌های علمیه، به علت وجود تعداد درخور توجهی از طلاب علوم دینی و حضور مؤثر در محله‌ها و بازار، ارتباط بی‌واسطه‌ای را بین حوزویان و عموم مردم به وجود می‌آوردند. این موضوع، مورد توجه بانیان قرار داشته و حتی در کتیبه‌های نقش بسته بر دیوارها مورد تصریح بوده-

اند؛ مانند آنچه در مدرسه کاظمیه به جای مانده است:

کاظم آن صدر پاک دین که نمود
مدرس و مسجدی بنا بنمود
در یکی درس و بحث و دانش دین
زین بنا چو نگذشت پنجه و هفت
... کرده بدزین سر او زین مسجد

چو به رویش در سعادت باز
آن سلیل جلیل میر حجاز
در یکی فکر و ذکر و راز و نیاز
صورتی نو گرفت بس ممتاز
باب علم و عمل به طهران باز

(حسینی بلاغی، ۱۳۸۶، ص ۷۵)

سازوکارهای و نهادهای متولی تبلیغ دینی در عصر قاجار

به دلیل فقدان ساختارها و نهادهای منضبط فرهنگی در نظام سیاسی عصر قاجار، موضوع تبلیغ دینی و مذهبی به صورت سنتی و خارج از چارچوب‌های مدون اداری اداره می‌شده است. در

این دوره، متصدیان محافل و مجالس مذهبی بر اساس شناخت‌های عمومی خود، اقدام به دعوت از عالمان و مبلغان دینی می‌نموده‌اند؛ هرچند مدیران حوزه‌های علمیه، علمای مشهور، مراجع و بیوتات نیز در این خصوص، محلّ مراجعه و یا حداقل مشورت بوده‌اند. این مراکز، بدون آنکه مسئولیتی اداری یا حقوقی در خصوص اعزام یا معرفی عالم و مبلغ دینی داشته باشند، تلاش داشتند تا متناسب با مراسم، مخاطبان و ماهیت مجلس، روحانیونی را برای فعالیت‌های تبلیغی معرفی نمایند. البته از این موضوع نیز نباید غفلت نمود که در موارد متعددی نیز طلاب و مبلغان جوان و یا مبلغان باسابقه از سر اخلاص خود، به محلات و مجامع دینی و حتی روستاها مراجعه نموده و آمادگی خود را برای انجام فعالیت‌های تبلیغی اعلام می‌نمودند. امر تبلیغ، به دو صورت مناسبی و یا مستمر انجام می‌پذیرفته است. تبلیغ مناسبی که به صورت موقت و ناظر به یک مراسم و مناسبت خاص مذهبی صورت گرفته، از یک مجلس (مانند مجالس بزرگداشت اموات) تا سی مجلس (مانند ماه رمضان) برگزار می‌شده است. تبلیغ مناسبی، دارای مخاطبان و موضوعات تقریباً مشخصی در پیرامون آن مناسبت می‌بود. در مقابل، تبلیغ‌های مستمر قرار داشت که ناظر به ایام خاصی نبود و مبلغ در تمامی روزها به انجام فعالیت‌های تبلیغی، از جمله: اقامه نماز جماعت، بیان احکام، مجالس قرائت قرآن و موعظه می‌پرداخت.

عدم دخالت مستقیم دولتمردان در امر تبلیغ، موجب شده بود تا امر تبلیغ به صورت داوطلبانه و مردمی اداره و مدیریت شود؛ البته با وجود مردمی بودن، اما متولیان حوزه‌های علمیه و روحانیون بر اساس رسالت ذاتی خود، نقشی محوری در این خصوص داشتند. گفتنی است، با وجود فقدان دخالت مستقیم دولت در امر تبلیغ، دولتمردان با برگزاری مجالس مذهبی، سعی در همراه نشان دادن خود با این مجالس داشته و در موارد متعددی، شخص شاه، شاهزادگان، وزرا و دولتمردان، خود از بانیان برگزاری مجالس مذهبی می‌بودند؛ ضمن اینکه در موارد متعددی نیز خطبا، وعاظ یا امامان جماعت مساجد را به دلیل اعتراض به سیاست‌های دولت یا نقد دولت، مورد بازخواست، دستگیری یا تبعید قرار داده بودند. از جمله این موارد، می‌توان به: میرزا مسیح مجتهد تهرانی در عهد فتحعلی شاه، میرزای آشتیانی، میرزا محمد یزدی، مجتهد تبریزی و سید جمال واعظ اصفهانی در عهد ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه اشاره کرد. البته برخی از مبلغان دینی همچون شیخ هادی نجم‌آبادی به دور از نقدهای آشکار، به تربیت نخبگان

و فعالیت‌های اصلاحی در قامت امامت مسجد و برگزاری مجالس تفسیر قرآن می‌پرداختند؛ البته در مواردی نیز (همچون نجم‌آبادی) با برگزاری یا شرکت در مجلس ختم میرزا رضای کرمانی (قاتل ناصرالدین شاه)، به صراحت به انتقاد از دولتمردان می‌پرداختند.

به هر روی، به غیر از حوزه‌های علمیه و بیوت علما نمی‌توان به نهاد یا مرکزی برای معرفی یا اعزام مبلغ اشاره کرد. این دو مرکز نیز به دور از بروکراسی‌های اداری یا تنظیم قوانین و رویه‌ها، به امر تبلیغ اقدام می‌نمودند. از این رو، کمتر می‌توان به سند یا بیانیه‌ای ناظر به شرایط و ضوابط فعالیت‌های تبلیغی، دعوت از مبلغان، اعزام مبلغان یا نظارت بر فعالیت‌های ایشان دست یافت. کلیه مراحل تبلیغ، به صورت پیروی از سنت‌ها، توافق و محوریت احکام و الزامات فقهی و اخلاقی صورت می‌پذیرفت. البته سنت‌های رایجی چون نذورات یا موقوفات، به صورت ضمنی ساحت‌هایی از امر تبلیغ را روشن و قابل پیش‌بینی می‌نمود.

چالش‌ها و تحولات دینی و فرهنگی در عصر قاجار^۱

برای روشن شدن اهمیت نقش حوزه‌های علمیه در تبلیغ معارف دینی در عصر قاجار، شایسته است اجمالی از چالش‌های معرفتی، فرهنگی و اجتماعی عصر قاجار به صورت تیتروار ارائه گردد:

- رواج خارج از نظارت و کنترل آیین‌های دینی؛
- بروز خرافات، بدعت‌ها و اسطوره‌گرایی در عرصه دینداری عمومی؛
- درهم‌آمیختگی آموزه‌های صوفیانه با معارف شیعی؛
- فعالیت دگراندیشان دینی؛
- بروز و ظهور مکاتب و اندیشه‌های غربی از جمله فراماسونری؛
- ظهور ادیان جدیدی چون بابیت و بهائیت (الگار، ۱۳۵۹، ص ۱۸۹) و حتی بازیابی و فعالیت

۱. برای اطلاع بیشتر از اوضاع فرهنگی و مذهبی عصر قاجار، می‌توان به مقالات ذیل مراجعه کرد:

«سیر تحول روضه و روضه‌خوانی دوره قاجار» تألیف فاطمه بینشی فر؛ «نگاهی به نذورات مردم در دوره قاجار» نوشته رقیه ابراهیمی؛ «لوطی‌گری در عصر قاجار» به قلم نادره جلالی؛ «کلیمیان دوره قاجار؛ یک بررسی اجتماعی - اقتصادی» تألیف مظهر ادوای و دیگران.

فرقه‌های کهنی چون اسماعیلیان نزاری ایران (میرخواند، ۱۳۸۰، ج ۹، ص ۵۵۲)؛
 - فعالیت گسترده مبلغان مسیحی و مدارس اروپایی فرانسوی (کارلاسرنا، ۱۳۶۲، ص ۱۸۷)،
 انگلیسی و آمریکایی (بلوشر، ۱۳۶۹، ص ۱۹۳)؛
 - تلاش دولتمردان برای خنثا کردن معارف دینی از اندیشه‌های اصلاحی؛
 - ورود متولیان ناصالح به عرصه تبلیغ و ترویج معارف دینی.
 در چنین شرایطی، نه تنها دگراندیشانی چون سید علی محمد باب (م. ۱۲۶۶ق)، بلکه ارمنی تازه‌مسلمان شده‌ای همچون میرزا ملکم خان (م. ۱۳۲۶ق)^۱ یا مسیحی تازه‌مسلمان شده‌ای همچون هنری مارتین فرانسوی،^۲ به موج‌آفرینی در قلمروی فرهنگی و اجتماعی ایران می‌پرداختند؛ به طوری که برخی رساله‌های آنها در شهرهای مختلف توزیع می‌شد (الگار، ۱۳۵۹، ص ۱۴۵). این شرایط، هم باعث سطحی و آسیب‌پذیر شدن دینداری جامعه شده و هم نخبگان و طبقه تحصیل کرده را به دلیل رواج خرافات از معارف اسلامی مأیوس نموده و در مجموع، شرایط را برای دگرگونی شناختی و دینی جامعه فراهم می‌ساخت. استمرار این شرایط با وجود تلاش مجددانه برخی نخبگان اجتماعی، چندی بعد زمینه‌ساز ظهور دولتمردانی (پهلوی اول) با رویکرد حذف گفتمان دینی در تاریخ معاصر ایران گردید (مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۶۳).

امتیازات حوزه‌های علمیه در تبلیغ معارف و آموزه‌های دینی

برخلاف سایر مراکز و گروه‌هایی که در عرصه تبلیغ معارف اسلامی فعال هستند، حوزه‌های علمیه به دلیل پشتوانه پژوهشی و آموزشی‌ای که حتی صبغه اصلی آنها دانسته می‌شود، محتوا و

۱. ملقب به «ناظم‌الدوله» و روشنفکر، روزنامه‌نگار، دیپلمات و سیاستمدار دوره قاجار و بنیان‌گذار فراموشخانه در ایران است. او در سال ۱۲۴۹ق، در محله جلفای اصفهان در خانواده‌ای ارمنی و تازه‌مسلمان به دنیا آمد. وی برای تحصیل به فرانسه رفت و پس از بازگشت، به عرصه معادلات سیاسی وارد شد. انتشار روزنامه قانون و مشارکت در اجرای قرارداد رویترو و لاتاری، سفیر ایران در مصر و انگلستان و در نهایت، ایتالیا، از جمله مهم‌ترین اقدامات و سمت‌های سیاسی وی است.

۲. هنری مارتین که به پادری (padri) شهرت یافت، در ژوئن ۱۸۱۱ میلادی از هند به شیراز آمد و به‌خصوص در همین شهر، به مناظره پرداخت. «او به پذیرش اسلام تظاهر کرد و خود را یوسف نامید و در مدارس شیراز به تحصیل علوم دینی پرداخت» (الگار، ۱۳۵۹، ص ۱۴۵).

ابزارهای تبلیغی مورد استفاده در حوزه‌های علمیه و توسط حوزویان، به صورت نسبی دارای اعتبار و صلاحیت بیشتری بوده‌اند. حوزه‌های علمیه در این دوره به دلیل عدم ممنوعیت‌های اداری یا عرفی، محل حضور آزادانه عموم مردم بوده و حتی برخی از فعالیت‌های علمی و خدماتی حوزه‌ها مورد استفاده عموم مردم بود. خدماتی مانند: کتابخانه، آب‌انبار، ادوات پذیرایی، محل برگزاری مراسم‌های عمومی، مشاوره و حل و فصل مراعات فردی، خانوادگی و اجتماعی، به طور کلی، محلی برای ارتباط و همنشینی مستمر طلاب، اساتید و عامه مردم بودند.

مدارس علمیه به دلیل ارتباط بی‌واسطه مدیران، اساتید و طلاب با عامه مردم، هم تضمین‌کننده جنبه‌های علمی و استدلالی باورهای عمومی بود و هم بر کاربردی بودن و پویا بودن مباحث آموزشی در این حوزه‌ها تأکید می‌کرد؛ چه اینکه فاصله گرفتن مراکز علمی و آموزشی از مطالبات و واقعیت‌های جامعه، به رکود و انزوا و ناکارآمدی حوزه‌های علمیه می‌انجامید. حوزه‌های علمیه، به‌ویژه آن زمان که دارای مسجدی بودند، به صورت پویا و فعال، پاسخگوی نیازها و مطالبات اجتماعی بوده، می‌توانستند برطرف‌کننده بسیاری از آسیب‌ها و چالش‌های پیش روی جامعه باشند. شایان ذکر است که حوزه‌های علمیه به هر میزان که جامعه ایران شرایط جدید اجتماعی را تجربه می‌کرد، با ظهور رقبای جذاب و متعددی روبه‌رو می‌شد که تلاش داشتند در مدیریت فکری و دینی جامعه سهیم شده و یا حداقل نقش حوزه‌های علمیه را تعدیل نمایند.

در این دوره، آنچه نقش‌آفرینی حوزه‌های علمیه را در عرصه تبلیغ معارف دینی ضرورت می‌بخشید، متأثر بودن گفتمان دینی حاکم در جامعه از عواملی همچون: تصوف، سطحی‌نگری در باورهای دینی، ورود دولتمردان در عرصه تبلیغ معارف دینی، گرایش‌های فرقه‌ای برخی دولتمردان، حضور نمایندگان فرهنگی و مذهبی غرب، غرب‌گرایی طبقه تحصیل‌کرده و نیز فرقه‌ها و اندیشه‌های نوظهوری مانند: بابیت، بهائیت و فرماسونری بود. در چنین شرایطی، حوزه‌های علمیه در کنار مساجد متکی بر جایگاه و تعامل دیرینه با آحاد جامعه، بستر و ابزار لازم برای نیازسنجی، اولویت‌سنجی، پشتیبانی علمی و استدلالی و تربیت نیروی انسانی مناسب برای تبلیغ معارف دینی را در اختیار داشتند.

الف. تبلیغ دینی با تأکید بر تحقق عملی و امتداد اجتماعی آموزه‌ها

با وجود تعدد و تنوع اماکن و نهادهای تبلیغی، به نظر می‌رسد که حوزه‌های علمیه دارای تأثیری متفاوت در حوزه تبلیغ معارف دینی بوده‌اند؛ چه اینکه مراکزی چون تکایا و قالب‌هایی چون تعزیه و حضور پُرشور دسته‌های عزاداری در معابر و اماکن عمومی، گرچه ابعاد و ظرایف هنری، احساسی و شعاری مراسم و مواسم دینی و تبلیغی را تحت پوشش قرار داده و قاطبه جامعه را متوجه معارف و بیشتر شخصیت‌های دینی می‌نمودند، اما عمدتاً اهتمام خاصی به تبیین، تفسیر تعالیم دینی و ارائه راهکار برای اجرایی شدن و فعلیت یافتن معارف دینی نداشتند؛ مگر در مواردی که از اشراف عالم یا مجتهدی برخوردار بودند. در این میان، حوزه‌های دینی به دلیل توجه جامع به مفاهیم دینی و تلاش برای سوق دادن آحاد مردم به جامعه مطلوب دینی، دایره وسیعی از موضوعات و مسائل را دنبال می‌نمودند. این در حالی بود که دولتمردان، بیشتر ترجیح می‌دادند که تبلیغات دینی، در همان کلیشه‌های سمعی و بصری باقی مانده و تغییر و تحریکی را در اندیشه و عمل مخاطبان ایجاد ننماید. ایشان ترجیح می‌دادند که ابزار و محتوایی را تأیید و حمایت نمایند که اهمیتی برای ایجاد تحول در زیست اجتماعی و سیاسی جامعه نداشته باشند. ساخت تکایای متعدد توسط شاه، شاهزادگان، درباریان و اُمرا و یا حضور عالی‌ترین شخصیت‌های سیاسی در تکایا و اهدای هدیه به حضار یا برگزارکنندگان، تنها بخشی از حمایت‌های مادی و معنوی از این‌گونه محافل می‌باشد. در مقابل، حوزه‌های علمیه و حوزویان، آن‌گونه که در تحولات مهم و پُر مخاطره‌ای چون مبارزه با قراردادهای استعماری و از همه مهم‌تر، مشروطه‌خواهی، نقش بسیار متفاوتی از اماکن و جماعت‌های پیش‌گفته داشتند. در کشاکش فعالیت نهادهای تبلیغ دینی در عصر قاجار، گویا دو گفتمان جلب توجه می‌نماید؛ گفتمان نخست که مروج آن، تکیه دولت و سایر تکایای منسوب به درباریان بود و البته سایر تکایایی که الگو از تکیه دولت می‌گرفتند، به ترویج نگاه اسطوره‌ای، نمادین و آیینی به دین پرداخته و کمتر حاضر به تقابل با مظاهر ظلم و فساد بودند. گروه دیگر که گرچه ملتزم به جنبه‌های آیینی در تبلیغ دینی بودند، اما این جنبه‌ها را مقدمه برای زیست مؤمنانه می‌دیدند. مروری بر موضوعات مورد توجه حوزه‌ها و حوزویان در تبلیغات دینی و آنچه در تکایا می‌گذشت، خواهد توانست حکایتگر این دوگانگی باشد. برخی از سخنرانی‌های حوزویان در مجالس دینی عصر قاجار، عبارت‌اند از:

- تذکر به شاه در خصوص مسئولیت او در قبال آموزش، بهداشت و امنیت مردم (یغمایی، ۲۵۳۷، ص ۲۵۶ و ۲۵۷)؛
- مخالفت با سفرهای اروپایی شاه (الگار، ۱۳۵۹، ص ۳۲۰)؛
- تذکر به سیاسیون در باره تبعیض طبقاتی در تقسیم امکانات شهری (یغمایی، ۲۵۳۷، ص ۲۵۴)؛
- اعتراض به اعزام برخی افراد به اروپا (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۷۳ و ۷۷۴)؛
- ضرورت تحصیل جوانان و وظیفه دولت در این خصوص (یغمایی، ۲۵۳۷، ص ۲۵۶ و ۲۵۷)؛
- هشدار به خطر تجزیه طلبی در ایران (عین السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۶۹۹۵)؛
- رسیدگی به بهداشت در سطح فردی و عمومی و یادآوری وظایف مجلس و دولت در این خصوص (یغمایی، ۲۵۳۷، ص ۲۵۴)؛
- حمایت از امیرکبیر (م ۱۲۶۷ ق) و مقابله با سربازان شورشی (الگار، ۱۳۵۹، ص ۱۸۴)؛
- تذکر به شاه در موضوع رفتارهای غیرمتعارف (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۷۳ و ۷۷۴)؛
- تأکید به نظارت بر جرایم و مطبوعات (عین السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۶۴۶۶)؛
- تلاش برای ایجاد امنیت و تأکید بر حفظ آن (الگار، ۱۳۵۹، ص ۱۷۷)؛
- حمایت از اصلاح‌گران و نخبگان سیاسی و اجتماعی دیگر شهرها (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۵۹ و ۲۶۰)؛
- فراخوان نیرو برای جنگ با روسیه (جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴، ص ۴۴؛ سیف، ۱۳۸۲، ص ۸۵ و ۸۶)؛
- اعتراض به تعرض سفیر کبیر روس در تهران به زنان ارمنی که مسلمان شده و قصد اقامت در ایران را داشتند (حسینی بلاغی، ۱۳۸۶، ص ۴۹)؛
- مخالفت با قوانین اجحاف‌آمیز گمرکات (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۹۵۹)؛
- ناکارآمدی ماموران گمرک و عمل نکردن به قوانین مصوب گمرک (اعظام قدسی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۲۷)؛
- اعتراض به تعرفه جدید گمرکی که به نفع تجارت روسیه در ایران وضع شده بود (الگار، ۱۳۵۹، ص ۳۳۷)؛
- تبیین اهمیت تأسیس بانک ملی و فراخوان عمومی برای حمایت مالی از این بانک (یغمایی، ۲۵۳۷، ص ۴۵ و ۴۶)؛

- اعتراض به چگونگی توزیع ارزاق عمومی و مشکلات اقتصادی (شهیدی مازندرانی، ۱۳۸۳، ص ۵۹۲):

- مخالفت با دریافت وام از دولت‌های بیگانه (الگار، ۱۳۵۹، ص ۳۲۱).

به‌طورکلی، دیدگاه حوزه به رسالت تبلیغی و دینی خویش، باعث شده بود که برخی از دولتمردان، بخواهند از موضوع مراسم و آیین‌های مذهبی برای منحرف نمودن اذهان عمومی از وظایف و مسئولیت‌های خود استفاده نمایند. در مجموع و به صورت خلاصه، می‌توان نقش‌آفرینی حوزه و حوزویان در عرصه تبلیغ معارف دینی را چنین تبیین نمود:

ب. مرتبط بودن محتوای تبلیغی با نیازهای روز

در عهد قاجار، بیشتر حوزه‌های علمیه تهران، یا در کنار مساجد مشهور ساخته شده بودند و یا به صورت مسجد - مدرسه به فعالیت می‌پرداختند (ذاکرزاده، ۱۳۷۴، ص ۱۳۷). برخی دیگر نیز به دلیل واقع شدن در بازارها، گذرها و کانون‌های جمعیتی (نقشه ضمیمه)، در طول سال با آحاد جامعه مرتبط بوده و به نیازهای واقعی‌شان واقف بودند. این شرایط باعث شده بود از طرفی، اساتید و دانش‌آموختگان حوزه ارتباطی زیستی و غیربرنامه‌ای با مردم داشته باشند و از طرف دیگر، مباحث علمی، به مباحث صرفاً نظری یا تقنین‌های علمی منحصر نباشند. این ارتباط زمانی، تأثیری دوچندان می‌یافت؛ آنگاه که حوزه‌های علمیه زیر نظر و اشراف عالمانی قرار داشتند که عمدتاً امامت مسجدی را نیز بر عهده داشته (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۹۷، ۲۲۴ و ۲۵۰) و هر روز حداقل سه مرتبه با اقشار و اصناف مختلفی از مردم سروکار داشته و مردم پاسخ سؤالات فردی، خانوادگی و اجتماعی خود را از آنان مطالبه می‌نمودند. این امتیاز، در کانون توجه بانیان و واقفان برخی از حوزه‌های علمیه نیز بود؛ به طوری که از شرایط مدیریت و امامت برخی از مسجد - مدرسه‌ها مانند حوزه خان مروی، این بود که آن شخص، مجتهدی جامع‌الشرائط باشد (همان، ص ۶۲).

ج. توسعه ابزارهای تبلیغی

محدود کردن محتوای تبلیغی در کلیشه‌های شعر و منبر و محدود ماندن طرح و بسط تعالیم دینی در ظرف‌های زمانی و مکانی محدود و حواشی و هزینه‌های پیدا و پنهان برپایی مجالس

مذهبی و در پایان، مهیا نبودن بستر مناسب برای طرح مسائل شخصی و یا ارائه و طرح راهکارهای اختصاصی برای افراد، از آسیب‌های تبلیغ در قالب‌های مرسوم بوده و هست. این در حالی بود که به دلیل احاطه آموزه‌ها و احکام اسلامی بر تمامی شئون زندگی، افراد گاه و بیگاه نیازمند بهره‌مندی از معارف و ارشادات دینی می‌بودند. حوزه‌های علمیه در عصر قاجار، به دلیل بافت و ساختار عرفی و غیرانتفاعی، دارای تعامل بی‌تکلفی با جامعه پیرامونی خود بودند. طلاب و حوزویان در اکثر مجالس شادی و عزای ساکنان پیرامون حوزه دعوت شده و یا از هدایا و اطعام‌ها بهره‌مند می‌شدند. مردم محلات پیرامون حوزه‌های علمیه تهران، نه تنها برای استفاده از کتابخانه یا برنامه‌های مذهبی، بلکه حتی برای استراحت و تفریح، از حیاط و فضاهای نسبتاً پُرطراوت حوزه‌های علمیه بهره‌برده و با طلاب و اساتید حوزه نشست و برخاست داشتند. این ارتباط، باعث می‌شد فراگیری مردم از حوزویان، به مراسم و مواسم دینی محدود نباشد؛ بلکه در ضمن معاشرت، بسیاری از مسائل و مشکلات شخصی افراد مطرح شده و راهکار یا توصیه دینی ارائه گردد. این در حالی بود که سبک زندگی مادی و معنوی طلاب و اساتید حوزه، به صورت غیرارادی، الگویی برای مردم بود؛ الگویی که نه در قالب‌های دستوری یا نصیحت‌آمیز، بلکه در اثر الفت و ممارست شکل گرفته و نقش‌آفرینی می‌نمود.

تعامل و یا همزیستی طلاب و مردم در بستر حوزه‌های علمیه، نه یک امر عارضی و حاشیه‌ای، بلکه از کارکردها و رسالت‌های اصلی حوزه‌های علمیه دانسته می‌شد؛ چراکه در اکثر مشاهد و مراقب بزرگان دینی، عالمان و حوزویان حضور داشته و حتی بیشتر حوزه‌های تهران به صورت مسجد - مدرسه ساخته شده بودند. مسجد - مدرسه‌ها، نه مساجدی بودند که در آنها تنها به امور عبادی پرداخته شود و نه مدارسی که در آنها فقط مباحث نظری و علمی طرح شود؛ بلکه مساجدی بودند که با بهره‌مندی از فضایی آموزشی و علمی و ناظر به اوضاع واقعی جامعه، به اصلاح و تقویت آموزه‌های دینی در عرصه اجتماعی می‌پرداختند. برخی از این حوزه‌ها، گنجایش اسکان و تحصیل دویست طلبه را داشتند (حسینی بلاغی، ۱۳۸۶، ص ۴۵). در برخی از این اماکن، مانند مسجد - مدرسه کاظمیه، مسجد و مدرسه، دو بنای مجزا داشتند و با راهرویی به هم متصل می‌شدند و برخی مانند مسجد - مدرسه سپهسالار قدیم (شهید بهشتی)، مسجد و مدرسه علمیه، ساختمانی تلفیقی و حیاطی مشترک داشتند (همان، ص ۷۰-۷۵).

شرایط فراخ ارتباطی و تسهیل و تنوع ابزارهای تبلیغی، باعث شده بود که مردم خود را معذب در یک فضای علمی یا آموزشی ندیده و در هر مناسبتی چون: آیین‌های ملی (ذاکرتزاده، ۱۳۷۴، ص ۱۰۷)، بازار رمضان (شهری، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۰۶؛ مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۸۵) و سایر تجمعات اجتماعی یا سیاسی مانند تحصن‌ها (اعظام قدسی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۵۴)، در حوزه‌های علمیه حضور یابند؛ چه اینکه خاستگاه، اهداف و عملکرد برخی از مراکز تبلیغی، به صورت موسمی و موقت بوده و از کلّ ایام سال، تنها در مناسبت‌های خاصی قادر به فعالیت تبلیغی بودند.^۱ این در حالی بود که حوزه‌های علمیه در تمامی ایام سال دایر بودند و برخی از حوزویان، علاوه بر مدرسه، در مساجد حضوری مستمر داشته، حتی در مواردی، یکی از حجره‌های مسجد برای اقامت امام در نظر گرفته می‌شد تا مردم در غیراوقات نماز نیز بتوانند با وی ملاقات نمایند (سلیمی موید، ۱۳۸۱، ص ۸۵).

مجاز بودن مردم به شرکت در جلسات دروس علوم دینی، نه تنها به ارتقای آگاهی‌های دینی مردم می‌انجامید، بلکه با طرح سؤالاتی از سوی این دسته از شرکت‌کنندگان، محتوای جلسات و مباحث علوم دینی نیز کاربردی‌تر و عینی‌تر می‌شد.

برگزاری مراسم در اعیاد، موالید و وفیات و سایر مناسبت‌های دینی، فرصت‌های بود که عالمان دینی از آن برای تبلیغ و تقویت معارف دینی استفاده می‌نمودند. از مصادیق این اهتمام حوزویان، تلاش مجدانه حاج سید علی طهرانی، از سلسله سادات اخوی تهران، در برگزاری جشن میلاد امام عصر علیه السلام در تهران عصر قاجار می‌باشد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۲۷۲)؛ موضوعی که می‌توانست عاملی در مواجهه با سلسله ادعاهای دروغین مهدویت در آن دوره باشد.

مناظره، از دیگر ابزارهای تبلیغی در صیانت از آموزه‌ها و معارف دینی و مبارزه با انحرافات و لغزش‌ها بود. عالمان دینی در عصر قاجار، در موارد متعددی، از این روش در تبلیغ معارف دینی استفاده نمودند؛ از جمله می‌توان به مناظره عالمان شیراز با سید علی محمد باب در مسجد وکیل

۱. «این تکیه‌ها، اگر سر راه نبود، سرتاسر سال خالی افتاده و زیالهدان اهل محل بود یا بقال‌های گذر در غرفه‌های آن، پیاز خشک می‌کردند و اتاق‌های آن را انبار خواربارهای فروشی خود قرار می‌دادند» (مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۴).

و مسجد شاه اصفهان اشاره کرد (الگار، ۱۳۵۹، ص ۱۹۲ و ۲۰۰). گرچه در تهران به گزارش‌های قابل توجهی برنمی‌خوریم، اما سیاحان اروپایی امکان طرح سؤال در باره آموزه‌ها و مفاهیم اسلامی در مساجد و حوزه‌های علمیه تهران را از امتیازات این شهر، در مقایسه با سایر پایتخت‌های اسلامی، به‌ویژه استانبول که پایتخت امپراطوری عثمانی بود، دانسته‌اند (اولیویه، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۵۲). البته نباید فراموش کرد که حوزه‌های علمیه به دلیل دیدگاه حکمرانان و برخی از شأنیت‌های دینی و عرفی، قادر به استفاده از تمامی ابزارهای تبلیغی همچون نمایش‌های مذهبی نبودند.

د. استقلال و عدم وابستگی حوزه‌ها

اعتماد و استقلال، یکی از شرایط مهم در تأثیرپذیری مخاطبان، از نهادهای دینی و ابزارهای تبلیغی می‌باشد. در این بین، حوزه‌های علمیه عصر قاجار به دلیل تأکید بر مصالح عمومی و عدم وابستگی به احزاب و نظام‌های سیاسی، بیش از سایرین مورد توجه مردم بوده‌اند؛ چه اینکه با وجود حضور برخی عالمان و حوزویان در مراسم‌های رسمی و دربار، در اکثر قریب به اتفاق موارد، حوزه‌ها و حوزویان، حامی و پناهگاه منتقدان و مطالبه‌گران بوده‌اند؛ چه اینکه حوزه‌ها، حتی در مواردی که توسط دولتمردان ساخته شده بودند، در تقابل ظالم و مظلوم، به حمایت از مظلومان پرداخته‌اند. از مصادیق بارز این موضوع در عصر قاجار را می‌توان مسجد جامع تهران، مسجد - مدرسه سپهسالار و یا حوزه علمیه خان مروی دانست که محلّ حمایت، اجتماع و تحصن معترضان در تحولات خطیر عصر قاجار همچون مشروطه‌خواهی بوده‌اند. شاید به همین دلیل بوده است که دولتمردان ترجیح می‌دادند تبلیغ دینی به صورت کامل در اختیار حوزه و حوزویان قرار نگرفته و هرازچندگاهی نهادهای موازی حوزه، مورد لطف و توجه دولتمردان قرار گیرند؛ به عنوان نمونه، به صلاحدید دولتمردان، برنامه‌های تکیه دولت با شلیک توپ، به اطلاع تمامی سکنه تهران می‌رسید (رونه دالمانی، ۱۳۳۵، ص ۱۹۱) و یا تکیه دولت با سخاوتمندی ناصرالدین شاه، دارای بنایی پنج طبقه بوده و بیش از پنج هزار نفر گنجایش داشت و هزینه‌های سالانه آن را در حدود ۳۰ هزار تومان تخمین زده بودند (ذاکر زاده، ۱۳۷۴، ص ۱۳۴). از جذابیت‌ها و امکانات رفاهی تکیه دولت تهران، دستگاه تولید گازی بود که ناصرالدین شاه برای تأمین نور، از فرانسه خریداری کرده بود (شهری، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۳۱۲ و ۳۱۳). تکیه دولت، مقصد بسیاری از

دسته‌های عزاداری تهران در روز عاشورا بوده (حسینی بلاغی، ۱۳۸۶، ص ۱۸) و تولید آن نسل به نسل، در اختیار شاهان قاجار قرار داشت. برنامه‌های این تکیه، به علت جذابیت‌های بصری همچون: ساختمان مرتفع، نمایش جواهرات و نشان‌های سلطنتی، رژه رفتن دسته‌های مختلف نظامی و درباری و اصناف (مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۳۵) و در نهایت، حضور درباریان، خانواده سلطنتی، دیپلمات‌های خارجی و حتی شخص شاه (کارلاسرنا، ۱۳۶۹، ص ۱۶۴؛ بنجامین، ۱۳۶۳، ص ۴۴۷ و ۴۴۸)، باعث اجتماع قابل توجه مردم در این تکیه بود.

اکثر تکایایی که توسط منتسبان به دولت ساخته شده بود، به‌ویژه تکیه دولت، چنان‌که از نامش نیز مشخص است، نهاد دولت در ایجاد گفتمان مذهبی بوده و قرار نبود دولتمردان را متوجه وظایف خود در قبال مردم نماید. از جمله نشانه‌های این گفتمان‌سازی می‌توان به: خوانده شدن اشعاری در مدح پادشاه،^۱ تعظیم عزاداران در مقابل جایگاه اختصاصی شاه (نجمی، ۱۳۷۰، ص ۲۷۲-۲۷۵) و جمع‌آوری هدایا در شب نهم محرم برای شاه (مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۳۸) اشاره کرد.

تحت تأثیر برنامه‌های تکیه دولت و مراسم جذاب آن، استقبال از این نوع مجالس مذهبی در تهران در عصر قاجار افزایش یافته بود؛ به نحوی که عبدالله مستوفی، تعداد این مجالس در تهران را در دهه اول محرم، بیش از دویست مجلس دانسته است (همان، ص ۴۴۲). در مقابل، حوزه‌های علمیه و حوزویان، با وجود صبغه مذهبی مراسم‌های تکیه دولت، چندان از مراسم برگزارشده در این تکیه استقبال نکرده و کمتر گزارشی از حضور عالمان برجسته تهرانی در تکیه دولت می‌توان یافت. به اعتقاد برخی، تأکید حوزویان بر بی‌آلایشی مناسک مذهبی و عاری بودن از هرگونه بدعت و انحراف و استفاده ابزاری از آیین‌های دینی، علت اصلی ناخرسندی عالمان دینی از این نوع تبلیغات دینی دربار بود (الگار، ۱۳۵۹، ص ۲۲۵).

ه. حذف واسطه‌ها در انتقال مفاهیم دینی

یکی از آسیب‌های متداول در تبلیغ معارف دینی، تغییر و تبدل‌های غیرکارشناسانه، غیرمسئولانه و مبتنی بر مصلحت‌اندیشی‌های کوتاه‌بینانه است؛ چه اینکه هر تغییری، هرچند اندک در سلسله

۱. «جان به فدای شهدا می‌کنم امروز/ شه ناصر دین را دعا می‌کنم امروز» (مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۳۴).

استنباط و استخراج معارف دینی و انتقال آن به مخاطبان، می‌تواند موجب التقاط، انحراف و بدعت در معارف دینی شده و به دلیل جریان داشتن دین در حیات فردی و اجتماعی آحاد جامعه، مخاطرات و لغزش‌های جبران‌ناپذیری را موجب شود.

در دوره قاجار، مردم مجاز به حضور در مجالس و کرسی‌های درسی حوزه‌های علمیه بودند. این موضوع، باعث می‌شد تا هم مردم با شیوه استنباط احکام و توصیه‌های دینی آشنا شده و هم بدون واسطه و دخالت مسیرهای نامطمئن، به معارف دینی دست یابند (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۹۷، ۲۲۴ و ۲۵۰). علاوه بر این، مردم می‌توانستند بدون صرف هزینه زمانی یا اقتصادی، از کتابخانه، منابع، عالمان و کارشناسان دینی و حتی جلسات و مناظرات علمی استفاده کرده، باورهای عرفی خود را راست‌آزمایی نمایند.

و. ارائه محتوای معتبر و مقابله با انحرافات و بدعت‌های دینی (نظارت بر محتوای‌های تبلیغی)

تنوع شکلی و محتوایی پیام‌های دینی باعث می‌شود که ابزارهای متنوعی در ترویج و تبلیغ مورد استفاده قرار گیرد. در این میان، با اذغان به اهمیت تنوع ابزارها و محتواهای تبلیغی، نباید از تأثیر ابزارهای تبلیغی در محتواها غفلت نمود؛ زیرا برخی از قالب‌های تبلیغی، با وجود دارا بودن ظرافت‌های هنری و ادبی، دارای ابعاد قوی‌تر حسی، بصری، سمعی و هیجانی می‌باشند. به کار بستن صناعات مختلف در شعر، گرچه ارزش، عمق و تأثیرگذاری آن را دوچندان می‌کند، اما ممکن است به حدود و ثغور محتوا آسیب وارد نماید.

باورهای دینی به هر میزان که متنوع، فراگیر و پُردامنه باشند، ولی مادامی که مستند به ادله و منابع دینی نبوده و تحت اشراف عالمان دینی نباشد، نه تنها بیانگر کمال جامعه دینی نخواهد بود؛ بلکه در آینده‌ای نه چندان دور، زمینه‌ساز عوام‌گرایی مذهبی، ابتدال، انحراف، بدعت و حتی منازعات مذهبی خواهد گشت.

متقن‌سازی معارف دینی در عرصه تبلیغ، علاوه بر جلوگیری از سوء فهم‌ها و سوء استفاده‌های احتمالی، موجب خواهد شد تا مخاطبان از سطح دریافت‌کننده معارف دینی، به سطح انتقال‌دهنده آن ارتقا یابند؛ به این معنا که خود ادامه‌دهنده زنجیره تبلیغ باشند. این توانایی مخاطبان، به‌ویژه در زمانی که شبهه‌ها و اندیشه‌های التقاطی و غیراصیل دینی در جامعه فرصت بروز و ظهور یافته باشند، از اولویت به ضرورت تبدیل خواهد شد. در این بین، می‌توان تغییر نام

و البته غلبه کاربری برخی از حوزه‌های علمیه را بیانگر شهرت و گستردگی کارکرد علمی این گونه اماکن دانست.^۱

این نوع کارکرد حوزه‌های علمیه، با تمامی کاستی‌های احتمالی، به اندازه‌ای مهم و کارآمد بود که حتی سیاست‌گذاران فرهنگی عصر پهلوی که از مخالفان جدی حوزه و حوزویان به شمار می‌رفتند، در اندک‌زمانی جای خالی حوزه‌های علمیه و حوزویان را چنین مورد تصریح قرار می‌دادند:

خواهش می‌کنم مدارس و تعلیمات اجباری و کلاس اکابر را به رخ زرد من نکشید؛ زیرا آنچه در شش ساله متوسط و حتی سه ساله لیسانس و دو ساله دکترا در مدارس ما گفته و خوانده شود، به قدر حرف‌های یک دهه روضه‌خوانی اواخر عهد مظفرالدین‌شاه هم حاوی مطالب ایمانی و اخلاقی نیست. سبب آن هم معلوم است. امروز در مدارس... برنامه مادیات به قدری زیاد است که وقتی برای گفتن و شنیدن معنویات باقی نیست... گذشته از این، تمام افراد کشور را نمی‌توان دکترا و لیسانسه و باشلیه^۲ بار آورد که از راه دانش، از بدی بپرهیزند و به خوبی گرایند. برای توده هم، راهی باید فکر کرد. برای توده باید مجالس پرورش افکار وطنی، یعنی همان روضه‌خوانی را منتها با اصلاحاتی به راه انداخت (مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۶۷).

مراکزی چون حوزه‌های علمیه، به دلیل حاکمیت ضوابط و پیش شرط‌های شرعی و عرفی برای فعالیت در آنها، به صورت طبیعی کمتر مورد سوء استفاده سوداگران فرهنگی و مذهبی قرار می‌گرفت؛ ضمن اینکه فعالیت طیفی از عالمان دینی از جمله: محققان، مدرّسان، مجتهدان و محصلان در حوزه‌های علمیه، باعث می‌شد تا هرگونه محتوایی، حتی اگر از زبان عالمی مطرح گردد، مورد نقد و بررسی قرار گیرد. اساساً سخنرانی یا هرگونه برنامه تبلیغی در حوزه‌های علمیه، برای خود عالمان و حوزویان نیز کاری سخت بود؛ چه رسد به افرادی که بهره کافی از علم و معرفت دینی نداشته باشند. نمونه این نقش‌آفرینی‌ها، درخواست مستقیم شیخ جعفر شوشتری از

۱. چنان‌که مسجد - مدرسه سپهسالار، پس از چندی، به دانشکده معقول و منقول، و سپس، به مدرسه عالی شهید مطهری تغییر نام یافت (ذاکرزاده، ۱۳۷۴، ص ۱۰۲ و ۲۲۲).

۲. ژان ژاک باشلیه، نقاش فرانسوی که در پاریس متولد شد و در همان شهر درگذشت (۱۷۲۴-۱۸۰۶م). وی عضویت آکادمی فرانسه را نیز یافت. بعضی از آثار او، در موزه لوور نگهداری می‌شود.

ناصرالدین‌شاه (م ۱۳۱۴ق) مبنی بر ممنوعیت برگزاری نمایش عروسی قاسم‌بن‌الحسن علیه السلام بود که با وجود برچیده شدن آن در تکیه دولت، در اکثر تعزیه‌خانه‌های تهران به نمایش درمی‌آمد (الگار، ۱۳۵۹، ص ۲۲۴). یا در گزارشی دیگر، محمدبن‌سلیمان تنکابنی، از یک مجلس روضه‌خوانی یاد می‌کند که در آن، عالمی به نام آخوند ملاحسن، روضه‌خوانی را به دلیل ذکر داستانی غیرواقعی مورد سرزنش قرار داده و از تکرار مجدد آن بر حذر داشته و استغفار از آن را به وی توصیه کرده بود (تنکابنی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۳). حامد الگار، تأکید بر اصالت و اعتبار محتوای تبلیغی در محافل مذهبی را عامل اصلی مخالفت برخی از علما با تعزیه‌خوانی دانسته است (الگار، ۱۳۵۹، ص ۲۲۵).

طلاب و حوزویان در خارج از فضای حوزه علمیه نیز صیانت از معارف دینی و مقابله با انحرافات و بدعت‌های دینی را دنبال می‌نمودند. از مصادیق این نقش‌آفرینی در تهران عصر قاجار، تعطیل شدن مراسم خرافی پیراهن مراد و حنای مراد^۱ در ۲۷ رمضان در امامزاده زید تهران^۲ است. به نقل از عین‌السلطنه، دلیل برچیده شدن این رسم پرترفدار، در امامزاده زید علیه السلام، مخالفت طلاب ساکن در امامزاده و بستن درهای امامزاده تا مغرب روز ۲۷ رمضان بوده است (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۷۱۶).

ز. صیانت از مراتب معرفتی در تبلیغ آموزه‌های اسلامی

با توجه به اینکه عصر قاجار، عصر تنوع و تعدد نهادها و قالب‌های تبلیغ دینی به شمار می‌رود، نباید از این موضوع غفلت نمود که نقش نهادها و مراکز تبلیغی در تبلیغ معارف اسلامی یکسان نبوده و متأثر از خاستگاه و نوع متولیان و کارگزاران، متفاوت بوده است. برخی مانند سقاخانه‌ها، شکل تبلیغی صامت داشته و برخی مانند تکیه‌ها، حسینیه‌ها و تعزیه‌خانه‌ها، به علت غلبه کارکرد

۱. «در روز بیست‌وهفتم ماه رمضان که روز قتل ابن‌ملجم است، زن‌ها آرایش کرده به مساجد می‌روند که در تهران، بیشتر به مسجد شاه می‌رفتند و با پارچه‌هایی که از قبل تهیه کرده بودند، پیراهن مراد دوخته و معتقد بودند با دوختن و پوشیدن آن، بخت آنها گشوده خواهد شد. برخی هم اعتقاد داشتند که بهتر است پول این پیراهن، از راه گدایی حاصل شده باشد» (ذکرزاده، ۱۳۷۴، ص ۲۸۲).

۲. سومین بقعه زیارتی شهر تهران است که در کنار بازار واقع شده است. نسب امامزاده مدفون در بقعه، به حسن مثنی، فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام می‌رسد.

احساسی و نمادین و همچنین، نقش آفرینی معتمدان و سرشناسانی که از سر دل‌بستگی و احساس وظیفه، متولی تبلیغ دینی شده و فاقد تحصیلات دینی بودند، دارای نوع خاصی از تبلیغ دینی بودند؛ تبلیغی که با وجود تجلی عشق و علاقه و دغدغه‌مندی، دچار آسیب‌هایی نیز بود. تکایا و حسینیه‌ها، اغلب در مراسم عزاداری و با هدف ابراز حزن و اندوه در مصایب اهل بیت علیهم‌السلام برپا می‌شدند. در چنین کارکردی، هر گزارش و روایتی صرف نظر از اعتبارسنجی عالمانه و بررسی سایر روایات معارض و رعایت اصول و مبانی عقیدتی، بیشتر با محوریت مباحث تاریخی و با هدف بیان مظلومیت‌ها و مجاهدت اولیای دینی برگزار شده و به تناسب مباحثی در احکام و موعظه‌های دینی نیز مطرح می‌گردید. این در حالی بود که در حوزه‌های علمیه و مساجد، عالمان و مجتهدان بزرگی همچون: ملاعلی کنی (م. ۱۳۰۶ق)، شیخ جعفر شوشتری (م. ۱۳۰۳ق)، شیخ هادی نجم‌آبادی (م. ۱۳۲۰ق)، شیخ عبدالحسین مشهور به شیخ العراقین، میرزا حسن آشتیانی (م. ۱۳۱۹ق)، سید عبدالله بهبهانی (م. ۱۳۲۸ق)، میرزا مسیح طهرانی (م. ۱۲۶۳ق)، سید محمد طباطبایی (م. ۱۳۳۹ق) و بزرگانی از این دست، به امامت و وعظ می‌پرداختند و معارف دینی را مستدل، جامع و بدون افراط و تفریط و بدون خلط و التقاطی، در اختیار مستمعان قرار می‌دادند. هدایت احساسات و شعائر مذهبی به سوی فهم اصول و مبانی دینی، از مهم‌ترین وظایف عالمان و مراجع دینی بود. در این خصوص، گزیده‌ای از سخنان شیخ جعفر شوشتری که در مسجد - مدرسه سپهسالار ایراد شده، به خوبی شاهدهی بر این تلاش است:

حضرت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یک عزیز داشت و یک عزیزتر از عزیز. عزیز پیامبر، امام حسین بود و عزیزتر از حضرت امام حسین، اسلام بود و به همین جهت، عزیز، فدای عزیزتر شد. اگر تا به حال برای عزیز پیامبر گریه می‌کردید، امشب برای عزیزتر، یعنی اسلام، بگریید (حسینی بلاغی، ۱۳۸۶، ص ۸۹).

برتری یافتن فروع دین بر اصول آن، یا تقدم یافتن امامزاده‌ای بر امام یا انبیای الهی، یا هر نوع تبدل و دگرگونی در نظام معرفت دینی، می‌توانست پیامدهای جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته باشد. شاید بتوان رواج خرافات، تکلیف‌گریزی و دینداری موسمی را از دیگر ویژگی‌های دینداری در دوره قاجار دانست. این شرایط نابسامان دینی و معرفتی، معلول ظهور جریان‌ها و متولیان مختلفی بود که در عرصه تبلیغ دینی ظهور یافته بودند؛ متولیبانی که با وجود اختلافات شدید

فکری، روشی و محتوایی، از دید مخاطبان و مردم چندان قابل تمایز نبودند. یک گونه‌شناسی اجمالی متولیان تبلیغ معارف دینی در عصر قاجار، اصناف مختلفی را به نمایش خواهد گذاشت. از مسئله‌گو، پامنبری، مداح، واعظ، روضه‌خوان، مقتل‌خوان، تعزیه‌خوان، پرده‌خوان و شبیه‌گردان،^۱ همگی تلاش داشتند مبتنی بر شناخت و روش خود، به ترسیم حدود و ثغور معارف دینی اقدام نمایند؛ درحالی که توشه برخی از ایشان، جز صدای نیکو یا هنر نمایشی نبود. چنین تنوعی در تصدی تبلیغ دین، در اندک زمانی موجب ظهور گونه‌های مختلف از طبقه متدین شد. در این میان، حوزه‌های علمیه، متکی به دانشی که در دل خود می‌پرورانده و در هر مجلس درسی ابعاد علمی و استدلالی آن بازبینی و تقویت می‌شد، به موضوع تبلیغ دین پرداخته و کمتر دچار آسیب‌های پیش‌گفته می‌شدند؛ به‌گونه‌ای که حوزه‌های علمیه علاوه بر آگاه‌سازی، در مواردی به صورت عملی، به مبارزه با مظاهر خرافه و بدعت در معارف دینی می‌پرداختند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۷۱۶).

ح. پرهیز از اکتساب و نفن در تبلیغات دینی

از دیرباز، تبلیغات دینی در جوامع شیعی، بدون چشم‌داشت‌های مالی بوده و بیش از آنکه به عنوان شغل به آن نگاه شود، به عنوان یک خدمت دینی و فرهنگی به آن نگریسته می‌شده است. مبلغان دینی از هر صنف، از روحانیون و حوزویان گرفته تا مداحان، روضه‌خوانان و حتی پرده‌خوان‌ها، در قبال فعالیت تبلیغی خود چیزی جز تبرعات را متوقع نبوده‌اند. در کنار تبرعات، نذورات و موقوفات نیز نقش مهمی در برگزاری محافل مذهبی و تأمین هزینه‌ها بر عهده داشتند؛ اما این امتیاز، به تدریج دچار چالش‌هایی شد؛ چه اینکه برپایی مجالس مذهبی در دربارها یا مراکز رسمی، ایجادکننده شهرت و فرصت‌هایی بود که کم‌کم برای طیفی از مبلغان، مورد توجه قرار گرفت. اهدای هدایای سلطنتی، تقلید از سبک‌ها، شعرها، نمایش‌ها و... همگی اموری بود

۱. هرکدام از عناوینی که گفته شد، دارای مسئولیت و مهارت متفاوتی است. شبیه‌گردان، به گروهی گفته می‌شود که بدون اینکه شعر یا متنی را قرائت نمایند، در خیابان‌ها و معابر حاضر شده و با استفاده از لباس‌های نمایشی، صحنه اسارت خانواده امام حسین علیه السلام یا به آتش کشیده شدن خیام را بازسازی می‌کنند؛ به خلاف تعزیه که اجراکنندگان آن، در محلّ ثابتی به برپایی نمایش همراه با خواندن رجز و متون نثرگونه، به بازگویی و نمایش حوادث عاشورا می‌پردازند.

که تبلیغات دینی را هرچه بیشتر به فعالیت اقتصادی یا هنری نزدیک می‌کرد. این موضوع، حتی در مواردی، به مباحث و محتواهای تبلیغی نیز سرایت نموده بود؛ چنان‌که غلبه جنبه‌های هنری و نمایشی یا کارکرد تفریحی، موجب شده بود که برخی برنامه‌های تبلیغی مانند تعزیه‌ها، از اهداف اصلی خود باز مانند؛ به‌گونه‌ای که به نقل یکی از خانم‌های درباری، برخی نمایش‌های تعزیه محرم سال ۱۲۹۹ق/۱۸۸۲م را از کمدهای اروپایی نیز خنده‌دارتر دانسته بود (الگار، ۱۳۵۹، ص ۲۲۴). گرچه این موضوع می‌تواند به صورت موردی یا از سر غفلت نسبت به مضمون‌ها رخ داده باشد، اما سایر گزارش‌ها همچون به همراه بردن غذا یا تنقلات توسط مستمعان، از شواهد این کارکرد دانسته خواهد شد.^۱ این، درحالی بود که مجالس مذهبی و تبلیغات برگزارشده در حوزه‌های علمیه، نوعاً از این حواشی به دور بوده و از وزانت خاصی برخوردار بودند؛ چنان‌که در مواردی همچون برگزاری نماز جماعت و جلسه موعظه شیخ جعفر شوشتری در مسجد - مدرسه سپهسالار، مستمعان از ساعت‌ها قبل، در این حوزه علمیه حضور می‌یافتند. بنا به گزارش فقیهی، برخی مجالس وعظ شیخ جعفر شوشتری، دو ساعت به طول انجامیده و یا «به قدری نماز ظهر و عصر شیخ جعفر در مسجد سپهسالار شلوغ می‌شد که جای یک نفر برای ادراک نماز، به یک تومان و دو تومان خرید و فروش می‌شده و برخی از فقراء چنین می‌کردند» (فقیهی، ۱۳۵۰، ص ۲۱۳).

ط. تبلیغ محیطی و تمرین محتوایی در فرایند تبلیغ

معماری اماکن و بناهای مذهبی شهر تهران، در مقایسه با دیگر پایتخت‌های اسلامی همچون استانبول و قاهره، در رتبه پایین‌تری قرار داشت (براون، ۱۳۸۱، ص ۱۲۸)؛ با وجود این، حوزه‌های علمیه در کنار سایر بناهای مذهبی همچون: مساجد، بقاع امامزادگان و تکایا، محل تجلی و ظهور شاهکارهای ادبی، هنری و معماری بوده‌اند. در چنین محیط‌هایی، مخاطبان خواسته یا ناخواسته در معرض پیام‌ها و محتواهای مادی و معنوی متنوع و تأثیرگذاری قرار می‌گرفتند. در عصر قاجار، سبک معماری همانند برخی دیگر از عناصر فرهنگی، دچار از خودباختگی

۱. «در اینجا هم شربت و چای و غلیان هم می‌فروشد و نسوان هم مانند مردان غلیان می‌کشند» (بنجامین، ۱۳۶۳، ص ۴۴۶).

و اختلاط با عناصر فرا ملی بود. این از خودباختگی، از بناهای سلطنتی و دولتی آغاز شده و به مرور به خانه‌های دولتمردان و سایر مردم سرایت کرده بود (مؤمنی، ۱۳۸۸، ص ۶۰) و حتی در بناهای محدوده ارگ، می‌توان شاهد طاق‌ها، قوس‌ها، ستون‌ها، تزیینات و پوشش بام‌ها مبتنی بر الگوی اروپایی بود (قبادیان، بی‌تا، ص ۱۲۲). در چنین شرایطی، اماکن مذهبی از جمله حوزه‌های علمیه، کمتر دچار این آسیب شده و به صورت نسبی بر شاخصه‌های معماری اسلامی - ایرانی وفادار مانده بودند؛ هرچند اماکن مذهبی نیز به میزان وابستگی‌شان از دولتمردان، تأثیر بیشتری از این دگرگونی فرهنگی را متحمل شده بودند؛ به عنوان نمونه، تکیه دولت گرچه با مصالح بومی ساخته شده و از تزییناتی چون طاق‌نما و کاشی در آن استفاده شده بود، اما کالبد و وجهه کلی بنا، متأثر از آمفی تاترهای اروپایی بود (همان، ص ۱۲۶). شاید بتوان گفت، خاستگاه اروپایی ساختمان تکیه دولت، به مراسم و برنامه‌های آن نیز سرایت کرده بود؛ به طوری که «اجرای مراسم رژه توسط موزیکچیان ملبس به اونیفرم‌های فرنگی و در حال نواختن موسیقی غربی، همانند طرح خود بنا (تکیه دولت)، همجواری سنت و تجدد در یک زمان و مکان را نمایش می‌دهد» (همان، ص ۱۲۶-۱۳۱). مسجد - مدرسه سپهسالار، از دیگر بناهای مذهبی ساخته‌شده در این دوره است که گرچه جسارت پیروی از الگوهای غیراسلامی را نیافته بود، اما مشتمل بر الگوهای معماری اسلامی غیرایرانی بود.

استفاده مسئولانه و عالمانه هنرمندان این دوره از آیات قرآن، احادیث و مضامین دینی در خطاطی‌ها، کاشیکاری‌ها و گچبری‌ها، بر میزان آگاهی‌های دینی و معرفتی خالقان خود گواهی می‌دهند (صدرالسادات، بی‌تا، ص ۱۲۵). البته این کارکرد هنرهای دینی در اماکنی چون حوزه‌های علمیه در کارکردی تبلیغی، حکایتگر قدمت، وسعت و اصالت برخی محتواهای دینی به کاررفته در معماری این اماکن خواهد بود؛ هرچند این تأثیر، از چشم غارتگران میراث فرهنگی به دور نمانده، آنها را بر غارت این میراث تحریص می‌نمود. اروپاییان، در سفرنامه‌های خود، از این یغماگری یاد کرده‌اند:

ما از پایه راست جلوخان این مسجد، کتیبه طویلی را برداشتیم که کلمات آن، با رنگ مینایی سفیدی در زمینه آبی تند جلوه خاصی داشتند... از مسجد خواف هم کتیبه کوچک بسیار زیبایی به دست آوردیم و آن را با نهایت احتیاط و سالم، به پاریس رساندیم (دالمانی، ۱۳۳۵، ص ۴۱۳ -

اماکن مذهبی همچون نمایشگاه و نمودارهایی، تطور معرفتی، اجتماعی، فرهنگی و هنری ایرانیان را به نمایش می‌گذاشتند. هنر به کاررفته در حوزه‌های علمیه، صرف نظر از ظرافت‌های هنری، دارای کارکرد انتقال آموزه‌ها و معارف دینی نیز بوده است. ارتباطی که هم به صورت مستقیم در قالب نصوص، جملات و اشعار نقش بسته بر در و دیوار، و هم به صورت غیرمستقیم در قالب آداب و مناسک و چینش عناصر معماری، تجلی یافته است. وجود عناصری چون: مسجد، مأذنه، منبر، محراب، حجره‌ها، مدرس، حوض، آب‌انبار، صحن، وضوخانه، شبستان‌های متناسب با فصول سال، مسیرهای ورودی از بازار، گذر یا کوچه‌های مختلف به مجموعه، قرائت‌خانه و آشپزخانه، از عناصری بود که مخاطب را به مقاصد مشخص سوق می‌داد؛ مانند: قرینه‌سازی و جهت‌گیری تمامی مجموعه به سوی محراب یا قبله به عنوان تجلی توحید، تحصیل طهارت ظاهری و باطنی برای تحصیل هدایت، فرصت برابر در بهره‌مندی مادی و معنوی، جایگاه امامت در انسجام اجتماعی، ضرورت وجود رهبری امین و عادل در سلوک دینی و دنیوی؛ منبر به معنای مسئولیت عالمان در هدایت جامعه؛ و جوب طهارت مسجد که حاکی از مسئولیت عمومی در مواجهه با ناپاکی‌های اجتماعی است؛ ضرورت طهارت اهل مسجد که حکایتگر رعایت پیش‌شرطهایی برای پذیرفته شدن در جامعه اسلامی بود.

در کنار اجزای داخلی، موقعیت قرار گرفتن حوزه‌های علمیه در کالبد شهر نیز مشتمل بر پیام‌ها و کارکردهای تبلیغی بود؛ به طوری که ترکیب مدرسه و مسجد، بیانگر پیوستگی علم و عمل؛ بازار و حوزه علمیه، پیام‌آور پیوستگی دنیا و آخرت؛ و کتابخانه و حوزه علمیه، نشانگر ارتباط علم و دین بود؛ ضمن اینکه در عرصه تحولات اجتماعی نیز حوزه‌های علمیه نقش شفاف و مؤثری را بر عهده داشتند؛ چه اینکه مسجد - مدرسه مروی، سپهسالار قدیم، سپهسالار جدید و خازن‌الملک در حمایت از اقتصاد ملی و اسلامی (حسینی بلاغی، ۱۳۸۶، ص ۲۸؛ اعظام قدسی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۲۵ و ۱۲۶)، ضرورت تشکیل مجلس شورای ملی و حمایت از آن (بهزادفر، ۱۳۸۶، ص ۱۸۴)، از مصادیق این نقش‌آفرینی دانسته خواهد شد.

کارکرد تبلیغ محیطی حوزه‌های علمیه، حتی در سطوح خوردتری نیز تجلی یافته بود؛ چه اینکه در موارد متعددی، محتواها و معارف دینی، بر اشیایی همچون: منابر، سنگاب‌ها (سلیمی مؤید، ۱۳۸۱، ص ۸۶)، ظروف و پارچه‌نوشته‌ها که در مناسبت‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گرفتند نیز نقش بسته بود (حسینی بلاغی، ۱۳۸۶، ص ۳۰۱).

نتیجه

حوزه‌ها یا مدارس علمیه، از فعال‌ترین نهادهای اجتماعی در تاریخ معاصر ایران بوده‌اند؛ به طوری که کمتر می‌توان به رخداد بزرگی در این دوره دست یافت که حوزه یا حوزویان در آن نقشی نداشته باشند. این توسعه فعالیت، به آن جهت بود که حوزه و حوزویان، رسالت خود را محدود در پژوهش یا آموزش معارف دینی نکرده و مجموعه‌ای از فعالیت‌های تبلیغی را متکفل بوده‌اند. ایران عصر قاجار، به دلیل مواجهه دفعی و غیرآگاهانه با تمدن غرب و نوخواهی، دچار امواج سهمگین تحولات فکری شده بود؛ تحولاتی که آثار و پیامدهایش در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قابل مشاهده بود. این تحولات، حتی در عرصه باورهای دینی و مذهبی نیز ابعاد وسیعی یافته بود؛ به طوری که از طرف برخی مراکز و نهادهای مذهبی، در مقابل هرگونه تغییر و تحولی مقاومت نموده و بر سنت‌ها و رویه‌ها، هرچند که مشتمل بر خرافه و بدعت باشند، تأکید داشتند.

این نوع از گفتمان دینی که به صورت نسبی از هرگونه تغییر و تحول سیاسی و اجتماعی بی‌زاری می‌جست، به تدریج مورد حمایت دولتمردان نیز قرار گرفت و توسعه کمی قابل توجهی یافت؛ حتی پادشاهانی چون ناصرالدین شاه، شخصاً کانون‌هایی چون تکیه دولت را برای حمایت مادی و معنوی از این گفتمان دینی تأسیس نمود. در مقابل، تحول‌خواهی عمومی در کنار افراط برخی نخبگان در غرب‌زدگی و روشنفکری، باعث شده بود تا طیفی از منتقدان و تردیدکنندگان در سنت‌های رایج شکل بگیرند؛ طیفی که در ادوار بعدی توانست فرصت‌های متعدد سیاسی و اجتماعی را به دست آورده و برای چندین دهه، بر اریکه نظام سیاسی ایران تکیه زند. در این میان، حوزه‌های علمیه به دنبال ارائه محتوایی دقیق، عالمانه و مسئولانه از معارف دینی بودند؛ گفتمانی که در کشاکش دو طیف پیش‌گفته، هم در برابر مطالبات و نیازهای آحاد جامعه و هم در مواجهه با هویت‌ها و اصالت‌های فرهنگی، ابراز وفاداری نموده و تلاش داشت معارف دینی را در سازوکار تبلیغی روشمندی منتشر سازد؛ سازوکاری که مبتنی بر استقلال و عدم وابستگی به ارکان قدرت، پرهیز از اکتساب و تفنن در معارف دینی، تبلیغ چندوجهی و محیطی، صیانت از مراتب معرفتی، حذف واسطه و برقراری روابط سهل و بی‌واسطه با منابع دینی، توسعه ابزارهای تبلیغی، توجه به نیازها و مطالبات روز و نظارت بر محتواهای تبلیغی رایج

در جامعه بود.

به‌هرروی، حوزه‌های علمیه با وجود تحولات پُرهیمنه‌ای چون: مشروطه‌خواهی، انقراض قاجار و بنیان‌گذاری سلسله پهلوی و نیز سکولاریزه کردن جامعه، توانست با تکیه بر محتوای جامع و معتبر تبلیغی و ابزارهای کارآمد، معارف دینی را از کنج عزلت جوامع خارج ساخته، آن را به عنصری فعال در تمامی عرصه‌های حیات مادی و معنوی تبدیل نماید؛ به‌گونه‌ای که شاید بتوان اساس اندیشه انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی مبتنی بر اصل مترقی ولایت فقیه را از بارزترین ثمرات تبلیغ معارف اسلامی توسط حوزه‌های علمیه در ادوار گذشته دانست.

منابع

الف. کتاب

۱. اعتماد السلطنه، محمدحسن‌خان، ۱۳۵۷، صدر التواریخ، محقق: محمد مشیری، چاپ دوم، تهران، روزبهان.
۲. اعظام قدسی، حسن، ۱۳۷۹، خاطرات من یا تاریخ صدساله ایران، تهران، کارنگ.
۳. الگار، حامد، ۱۳۵۹، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، ترجمه: ابوالقاسم سری، چاپ دوم، تهران، توس.
۴. الویری، محسن، ۱۳۸۸، «مساجد الگوی جامعه دینی»، دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، مجموعه مقالات همایش توسعه محله‌ای (مساجد و محلات)، تهران، طرح نو.
۵. اولیویه، آنتوان گیوم، ۱۳۷۱ش، سفرنامه اولیویه، ترجمه: محمدطاهر میرزا، محقق: غلامرضا وره‌رام، تهران، اطلاعات.
۶. براون، ادوارد گرانویل، ۱۳۸۱، یک سال در میان ایرانیان، مترجم: مانی صالحی علامه، تهران، ماه ریز.
۷. بنجامین، ساموئل گرین ویلر، ۱۳۶۳، ایران و ایرانیان، تهران، گلبانگ.
۸. بلوشر، ویرت، ۱۳۶۹، سفرنامه بلوشر، ترجمه: کیکاووس جهان‌داری، تهران، خوارزمی.
۹. بهزادفر، مصطفی، ۱۳۸۶، هویت شهر؛ نگاهی به هویت شهر تهران، تهران، شهر.
۱۰. تنکابنی، محمدبن سلیمان، ۱۳۸۳، قصص العلماء، تهران، علمی و فرهنگی.
۱۱. جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴، تاریخ نو، محقق: عباس اقبال، تهران، علم.
۱۲. حسام مظاهری، محسن، ۱۳۸۷، رسانه شیعه؛ جامعه‌شناسی آئین‌های سوگواری و هیئت‌های مذهبی در ایران، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

۱۳. حسینی بلاغی، سید حجت، ۱۳۸۶، گزیده تاریخ تهران، تهران، مازیار.
۱۴. ذاکرزاده، امیرحسین، ۱۳۷۴، سرگذشت طهران، تهران، قلم.
۱۵. رونه دالمانی، هانری، ۱۳۳۵، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه: محمدعلی فره‌وشی، تهران، امیرکبیر.
۱۶. سپهر، عبدالحسین‌خان، ۱۳۸۶، مرآت الوقایع مظفری، محقق: عبدالحسین نوایی، تهران، میراث مکتوب.
۱۷. سلیمی مؤید، سلیم، ۱۳۸۱، سیمای میراث فرهنگی تهران، تهران، سازمان میراث فرهنگی.
۱۸. سیفی فمی تفرشی، مرتضی، ۱۳۶۹، تهران در آئینه زمان، تهران، اقبال.
۱۹. شهری، جعفر، ۱۳۶۹، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، چاپ دوم، تهران، رسا.
۲۰. شهیدی مازندرانی، (بیژن) حسین، ۱۳۸۳، سرگذشت، تهران، دنیا.
۲۱. عین‌السلطنه، قهرمان‌میرزا سالور، ۱۳۷۴، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، محقق: مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، اساطیر.
۲۲. فقیهی، علی‌اصغر، ۱۳۵۰، تاریخ مذهبی؛ بخش اول از تاریخ جامع قم، قم، حکمت.
۲۳. قبادیان، وحید، معماری در دارالخلافه ناصری، سنت و تجدد در معماری معاصر تهران.
۲۴. کارلاسرنا، ۱۳۶۲، سفرنامه مادام کارلاسرنا؛ آدم‌ها و آیین‌ها در ایران، ترجمه: علی‌اصغر سعیدی، بی‌جا، زوار.
۲۵. محبوبی اردکانی، حسین، ۱۳۷۴، چهل سال تاریخ ایران، محقق: ایرج افشار، چاپ دوم، تهران، اساطیر.
۲۶. مستوفی، عبدالله، ۱۳۸۶، شرح زندگانی من، تهران، هرمس.
۲۷. مؤمنی، مصطفی؛ نصر، سید حسین و دیگران، ۱۳۸۸، تهران؛ جغرافیا، تاریخ، فرهنگ، تهران، کتاب مرجع.
۲۸. معتمدی کاشانی، سید حسین، ۱۳۷۹، عزاداری سنتی شیعیان در بیوت علماء و حوزه‌های علمیه و کشورهای جهان؛ تحقیقی و تاریخی، قم، عصر ظهور.
۲۹. میرخواند، ۱۳۸۰، تاریخ روضة الصفا فی سیره الانبیاء، تهران، اساطیر.
۳۰. ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴، تاریخ بیداری ایرانیان، چاپ هفتم، تهران، امیرکبیر.
۳۱. نجمی، ناصر، ۱۳۷۰، طهران عهد ناصری، چاپ سوم، تهران، انتشارات عطار.

۳۲. یغمایی، اقبال، ۲۵۳۷، شهید آزادی؛ سید جمال واعظ اصفهانی، محقق: اقبال یغمایی، تهران، توس.

ب. مقالات

۳۳. الویری، محسن و حامد قرآتی، ۱۳۹۲، «بررسی تاریخی کارکرد ارتباطی هنر در اماکن مذهبی عصر قاجار»، مجله مطالعات تاریخی، ش ۱۷: ۱-۲۰.
۳۴. بیگلربیگی قاجاریه، مونا، ۱۳۸۶، «مسجد - مدرسه فیلسوف الدوله»، مجله پیام باستان‌شناسی، ش ۷: ۱۱۹-۱۴۸.
۳۵. سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۷۸، «مسجد مدرسه‌های تهران»، مجله وقف میراث جاویدان، ش ۲۸: ۵۳-۶۴.
۳۶. سلطان‌زاده، حسین؛ خطیبی، سید محمدرضا؛ فعلی، شیما؛ سلطان‌زاده، علیرضا، تابستان ۱۳۹۷، «چگونگی استقرار مدارس علمیه در شهرهای تاریخی دوره اسلامی (مطالعه موردی: شهرهای قزوین و اصفهان)»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۰، ش ۱۰۴.
۳۷. سید کباری، سید علیرضا، تابستان ۱۳۸۲، «پیشینه دانش‌های اسلامی در حوزه‌های علمیه»، پیام حوزه، ش ۳۸.
۳۸. سیف، عبدالرضا، بهار ۱۳۸۲، «نقش علماء در پیدایش ادب جهادی (جنگ‌های ایران و روس، دوره قاجار)»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱۶۵: ۸۰-۸۹.
۳۹. شیخ‌الحکمایی، بهار ۱۳۸۱، «عمادالدین، مسجد - مدرسه معمارباشی تهران»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۷.
۴۰. صدرالسادات، مهران، بی‌تا، «تعزیه در هنر نقاشی عامیانه»، مجله مشکوة، ش ۷۶: ۱۲۲-۱۳۱.
۴۱. ضرغانی، اسماعیل، ۱۳۸۵، «مسجد و مدرسه معیرالممالک»، مجله اثر، ش ۴۱ و ۴۰: ۵۹-۸۰.
۴۲. قرآتی، حامد، ۱۳۹۲، «نقش اماکن مذهبی تهران در تقویت گفتمان مقاومت و پایداری در دوره قاجار»، مجله مطالعات تاریخی، ش ۴۱: ۱۱۴-۱۳۱.
۴۳. نیستانی، جواد؛ اکبری، زینب؛ کزازی، ماندان، ۱۳۹۰، «معماری و تزیینات مسجد - مدرسه سپهسالار قدیم»، مجله جامعه‌شناسی تاریخی، ش ۵: ۱۷۷-۲۰۶.
۴۴. هوشیاری، محمدمهدی؛ پورنادری، حسین؛ فرشته‌نژاد، سید مرتضی، ۱۳۹۲، «گونه‌شناسی مسجد - مدرسه در معماری اسلامی ایران»، مجله مطالعات معماری ایران، ش ۳: ۳۷-۵۴.

ج. پایان‌نامه

۴۵. اسماعیلی، محبوبه، ۱۳۹۵، «مناسبات دربار قاجار با حوزه علمیه نجف»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، دانشکده علوم انسانی، کارشناسی ارشد.
۴۶. زینلی، بهمن، ۱۳۹۹، «جریان‌های فکری حوزه علمیه اصفهان از سقوط صفویه تا برآمدن قاجار (۱۱۳۵-۱۲۱۰ق)»، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، کارشناسی ارشد.
۴۷. شادپور، حسن، ۱۳۹۸، «نقش حوزه سامراء در تحولات سیاسی ایران عصر قاجار»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، دانشکده علوم انسانی، کارشناسی ارشد.
۴۸. کاظم‌زاده، هادی، ۱۳۹۲، «نقش حوزه علمیه اصفهان در تحول علوم در عصر صفوی»، دانشگاه معارف قم، دانشکده تاریخ و تمدن اسلام، کارشناسی ارشد.
۴۹. کرمی، محمدتقی، ۱۴۰۰، «روحانیت و ملیت؛ مواجهه علمای شیعه با مفهومی پدید آمده ملیت از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی»، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی، دکترای تخصصی.



Journal of Islamic Propagation

Volume 4 ● No 10 ● Autumn & Winter 2024

Research Approaches of Islamic Seminary in the Era of Ayatolah Haeri 1922-1936

Ahmad Fallahzadeh*

Seyed Abbas Razavi**

Abstract

Sheikh Abdul Karim Haeri (1859-1936) was the author of works in Persian and Arabic. During his time, the political events and Reza Khan's coming to office brought special conditions for the religious community and especially the Islamic seminary clerics, which expanded the propagational approaches of the seminary; because the scientific approaches of the supporters of the government required a research approach in opposition to them. This study aims to analyze the way of seminary research in the era of Ayatollah Haeri, and the research approach of the seminary in this period with the aim of achieving the research strategies of the seminary in the era of Sheikh Abdul Karim, knowing the quality of research and research style of that era. This study, based on library research with the method of historical description and analysis of data, gives these results that Sheikh Abdul Karim, while providing a research platform for students, encouraged them to write and has designed and implemented writing policies in the form of "meeting the scientific needs of religious society", "combating the anti-religious writings of the Pahlavi government" and the spectrum of "dissidents". Therefore, Islamic seminary researches were considered as a ground for the publication of Haj Sheikh's political thoughts.

Keywords

Islamic seminary researchers, Islamic seminary studies, Ayatollah Mu'asis, Islamic seminary in the era of Sheikh Abdul Karim, Islamic seminary interaction with researchers.

* PhD in History of Islam. Ahram12772@gmail.com.

** Graduated from Islamic Seminary of Qom and author.

رویکردهای پژوهشی حوزه علمیه عصر آیت‌الله حائری (۱۳۱۵-۱۳۰۱ ش)

احمد فلاح زاده*

سیدعباس رضوی**

چکیده

شیخ عبدالکریم حائری (۱۲۳۸-۱۳۱۵ ش)، صاحب آثاری به فارسی و عربی بود. در روزگار ایشان، رویدادهای سیاسی و سرکار آمدن رضاخان، شرایط خاصی را برای جامعه دینی و به‌ویژه حوزویان پیش آورد که رویکردهای تبلیغی حوزه را گسترش داد؛ زیرا رویکردهای علمی هواداران دولت، رهیافتی پژوهشگرانه در تقابل با آنان می‌طلبید. این پژوهش، در پی واکاوی چگونگی پژوهش‌های حوزوی در عصر آیت‌الله حائری، و رویکرد پژوهشی حوزه علمیه در این دوره با هدف دستیابی به راهبردهای پژوهشی حوزه علمیه در عصر شیخ عبدالکریم، شناخت کیفیت پژوهش و سبک‌شناسی تحقیقات آن عصر است. این مطالعه، بر اساس تحقیق کتابخانه‌ای با روش توصیف و تحلیل تاریخی داده‌ها، این نتایج را به دست می‌دهد که شیخ عبدالکریم، ضمن فراهم کردن بستر پژوهشی برای طلاب، آنها را به نویسندگی تشویق کرده و سیاست‌های نوشتاری را نیز در قالب «برآوردن نیاز علمی جامعه دینی»، «تقابل با نوشته‌های ضدّ دینی دولت پهلوی» و طیف «دگراندیشان» طراحی و اجرا نموده است. از این رو، پژوهش‌های حوزوی، زمینه‌ای برای نشر اندیشه‌های سیاسی حاج شیخ نیز به شمار می‌رفت.

کلیدواژه‌گان: پژوهشگران حوزوی، پژوهش‌های حوزویان، آیت‌الله مؤسس، حوزه در عصر شیخ عبدالکریم، تعامل حوزه با پژوهشگران.^۱

* دکتری تاریخ اسلام: ahram12772@gmail.com

** دانش‌آموخته حوزه علمیه قم.

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و نکوداشت آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله‌علیه تالیف شده است.

مقدمه

شهر قم از قرون نخستین اسلامی با مقوله پژوهشگری در عرصه مطالعات دینی آشنا بود و علمای نامداری مانند: خاندان اشعری، ابن بابویه و... آثاری را در این باره به یادگار گذاشته‌اند. این موضوع، در سراسر تاریخ علمی قم دیده می‌شود و حوزه علمیه، نقش اصلی را در آن ایفا نموده است. در این میان، با آمدن شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۲۳۸-۱۳۱۵ ش) از مراجع تقلید و زعیم حوزه علمیه قم از سال ۱۳۰۱ ش تا ۱۳۱۵ ش به قم، این امور رونق دیگری یافت. حائری سال‌های طولانی در حوزه علمیه کربلا، سامرا و نجف درس آموخت و سرانجام در سال ۱۳۳۳ ق/۱۲۹۳ ش برای همیشه به ایران بازگشت. در ابتدا به اداره حوزه علمیه اراک مشغول شد و سپس، در سال ۱۳۴۰ ق/۱۳۰۱ ش به دعوت عالمان قم، به آن شهر رفت و با شکل دادن به حوزه علمیه قم و بر عهده گرفتن ریاست آن، به این حوزه سروسامان بخشید. از وی با عناوینی چون «حاج شیخ» و «آیت‌الله مؤسس» نیز یاد می‌شود. شیخ عبدالکریم، خود در جرگه نویسندگان حوزوی بود که کتاب و رساله و نامه‌های استواری از وی به زبان عربی و فارسی به جای مانده است (شرف‌الدین، ۱۴۳۱، ج ۹، ص ۳۳۳-۳۳۴) که عبارت‌اند از: دُرُرُ الْفَوَائِد، کتاب النکاح، کتاب الرضا علیه السلام، کتاب الموارث و کتاب الصلوة (کریمی جهرمی، ۱۳۷۲، ص ۹۹-۱۰۱).

از آنجا که هم‌زمان با ورود ایشان به قم، تحولات سیاسی بزرگی در ایران روی داد، جامعه نیز تحت تأثیر این رخدادها قرار گرفت. با سر کار آمدن رضاخان، در اندک زمانی، سیاست‌های دولت با حمایت نویسندگان درباری و نیز طیف دگراندیشان، بر حذف دین و گزاره‌های شرعی از زندگی اجتماعی و سیاسی قرار گرفت. بخشی از این امر، البته متأثر از پایان جنگ جهانی اول و پیروزی دولت‌های غربی بر دنیای اسلام و روی کار آمدن هواداران اندیشه غربی بود. در چنین شرایطی، «حاج شیخ» به قم آمد تا به امور دینی جامعه سامان ببخشد.

سؤال این نوشتار، چگونگی پژوهشگری در حوزه علمیه و چپستی سیاست شیخ عبدالکریم در عرصه تحقیق است. فرضیه پژوهش حاضر، این است که ایشان با شناخت جامعه و جایگاه مرجعیت و ریاست جامعه حوزوی، یکی از روش‌های مبارزه با دین‌ستیزی دولتی و دگراندیشان را در عرصه پژوهش دانسته، به این مهم دست زده است. افزون بر آن، با توجه به رویکرد علم‌گستری از طریق نشر کتاب و مقاله در سطح جامعه، ایشان از طریق پژوهش‌های حوزوی

کوشیده است به نیاز جامعه دینی پاسخ دهد. اهمیت این تحقیق، در شناخت ظرفیت حوزه علمیه قم در عرصه پژوهش‌های دینی در عصر پهلوی است؛ زیرا شناخت راهبرد آیت‌الله حائری در مبارزه پژوهشی با محققان ضدّ دینی و دگراندیشان، از طریق مطالعه و آشنایی با محصولات پژوهشی حوزه در این دوره میسر است.

از سوی دیگر، فهم سبک و محتوای نگارش‌های دینی، نمایی از نیازهای دینی جامعه آن دوره را نیز به دست خواهد داد. ضرورت این تحقیق، بایستگی شناخت رویکرد دستیابی به رهیافت پژوهشگری در حوزه علمیه قم در راستای آشنایی با تحولات پژوهشی در حوزه علمیه است و نبود این آگاهی، شناخت دقیقی از فرآیند علمی در حوزه علمیه را به دنبال نخواهد داشت. فرضیه تحقیق، این است که شیخ عبدالکریم با سابقه نویسندگی، شرایط مناسبی را برای احیای روحیه پژوهش در حوزه پدید آورد؛ با وجود آنکه دولت پهلوی، از اساس، مخالف تبلیغات حوزویان در قالب نگارش بود.

پیشینه تحقیق

جست‌وجوهای فراوان چند زبانه در باره رویکرد پژوهشی شیخ عبدالکریم، نتایج یادشده را به دست داد؛ تنها در موارد محدودی، مانند مقاله «به مناسبت یکصدمین سالگرد تأسیس حوزه علمیه قم؛ سیمای مؤسس حوزه علمیه قم، سیره علمی و تبلیغی آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمته‌الله علیه» نوشته غلامرضا گلی زواره (نشر مجله مبلغان، مرداد و شهریور ۱۳۹۸، ش ۲۴۲)، تا حدودی به روش تبلیغی ایشان اشاره شده است که اساساً با موضوع تحقیق پیش رو متفاوت است. البته پایان‌نامه‌ها و مقالاتی در باره حوزه علمیه نوشته شده است؛ اما ارتباط چندانی با موضوع پژوهش محوری در حوزه ندارند؛ باین حال، به شماری از آنها که حاوی نکاتی در این باره هستند، اشاره خواهد شد:

سهیلا وارسته‌پور و امیر صفری در رساله دکتری «تولد حوزه علمیه قم» در دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده الهیات و ادیان، مدعی است که حوزه علمیه قم، برخلاف تصورات رایج که آن را محصول سنت می‌داند، محصول فرایند دولت ملت سازی در ایران و عراق، شکل‌گیری هویت ملی و ایرانی و جامعه مدرن است. همچنین، پایان‌نامه ارشد «نحوه تعامل حوزه علمیه قم با سیاست، از زمان تأسیس تا رحلت آیت‌الله بروجردی (با تأکید بر رویکرد سیاسی امام

خمینی)» اثری از عبدالرضا آقایی در پژوهش‌شکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، سال ۱۳۸۷ شمسی. همان‌طور که از نامش پیداست، به مقوله سیاست در حوزه‌های علمیه اشاره دارد. در ادامه، پایان‌نامه «زندگی؛ زمانه و کارنامه علمی، سیاسی و اجتماعی شیخ عبدالکریم حائری یزدی» در مقطع کارشناسی ارشد دفاع شده در سال ۱۳۹۴، نگاشته نجف عبادی در دانشگاه خوارزمی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تلاش دارد به ابعاد سیاسی - اجتماعی زندگی ایشان بپردازد و اساساً رویکردی به پژوهش حوزویان ندارد. با همین عنوان، یعنی «زندگی و زمانه آیت‌الله حائری یزدی» محمد طبرزدی هم پایان‌نامه کارشناسی ارشدش را به سال ۱۳۹۷ در دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران جنوب نگاشت و در آن، به خدمات اجتماعی و زندگی فردی و سیاسی ایشان پرداخته است؛ اما به مسئله پژوهش حوزوی در این دوره اشاره‌ای ندارد.

مفهوم‌شناسی چندواژه

- **حوزه علمیه قم:** منظور از آن، مجموعه دست‌اندرکاران، مدارس دینی، روحانیون، طلاب و مراجع مذهبی در شهر قم است که آموزش، تربیت و پرورش طلاب علوم دینی شیعه و برخی وظایف دیگر تبلیغات و امور دینی را بر عهده دارند.

- **پژوهش‌های حوزویان:** مقصود از آن، تحقیقاتی است که طلاب، روحانیون، مراجع تقلید یا منتسبان به حوزه علمیه، به آن پژوهش‌ها دست زده‌اند.

- **سبک‌شناسی تحقیقات:** شناسایی گونه‌های تحقیقات حوزوی و فهم اندیشه‌های راهبردی این الگوهای پژوهش است. این سبک‌ها شامل: «پاسخگویی به نیازهای دینی»، «نقد پژوهش‌های ضد دینی پهلوی»، «گسترش معارف دینی در جامعه»، «نقد اندیشه‌های دگراندیشان» و «به‌روزرسانی اندیشه‌های دینی سنتی» بود. سبک‌شناسی تحقیقات نشان می‌دهد، پژوهش در حوزه برآمده از شناخت نیاز فکری جامعه، با هدف پشتیبانی آرمان‌های دینی، در قالب رعایت ظرفیت‌های فرهنگی - مذهبی جامعه است.

شیخ عبدالکریم حائری و رویه پژوهشگری

از دیرباز، پژوهشگری، یکی از ویژگی‌های حوزویان بود که بر اثر همین روحیه، آثار فراوانی در

حوزه علمیه منتشر شده بود. بر همین مبنا، آیت‌الله حائری، به پژوهش به مثابه یکی از ارکان عمل طلبگی توجه نمود و نگارش مقاله و کتاب را از مهم‌ترین پیام‌رسانی می‌شمرد و از نظر وی، اثرگذاری آن کمتر از سخنرانی نبود. ایشان همچنین طلاب فاضل را شناسایی کرده، آنها برمی‌انگیزاند تا اندیشه‌ها و مقوله‌های مورد نیاز دینی را بنگارند و در دسترس مردم قرار دهند. افزون بر آثار مثبت تبلیغی و پیام‌رسانی مقاله و کتاب، نوشتن را مایه باز شدن فکر و تمرکز در یافته‌ها می‌دانست (استادی، ۱۳۷۵، ص ۵۸۱).

با این حال، تنها نوشته‌ای را مفید می‌دانست که تحقیقی گره‌گشا و ادیبانه، روان و گویا باشد. با همین خصوصیت، نسبت به نوشته‌های خود، ژرف‌نگر بود تا گزافه‌گویی و ادعاهای غیرمستند، مطالب غیرعقلانی و درازگویی در آن راه نیابد.

به همین مناسبت، آیت‌الله بروجردی (۱۲۵۴-۱۳۴۰ ش) در یکی از جلسات درس به مناسبت از کتاب صلوات حاج شیخ مطلبی را نقل کرد که:

«من کسی را ندیده‌ام که مطالب علمی را این قدر مختصر، ساده و روشن بنویسد... تقریباً هرچه در کتاب صلوات حاج آقا رضا همدانی هست، در این کتاب وجود دارد؛ اما مختصر و روشن» (ایزدپناه و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۲۳۰).

حاج شیخ، حتی در ثبت وقایع تاریخی و گزارش کرامت‌های اولیای خدا، معتقد بود باید در نقل رویدادهای تاریخی، به احوال راوی درنگ کرد که عدالت و وثاقت دارد و خبر خردمندانه است؟ به همین سبب، حکایت حاج علی بغدادی در دیدار با امام زمان علیه السلام و نقل مطالبی از آن حضرت را که استادش میرزا حسین نوری (۱۳۱۸ق) ثبت کرده بود، از آن رو می‌پذیرفت که راوی خبر، عادل و ثقة بوده و واجبات مالی خود را می‌پرداخته است (حسینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۶۴). وی همچنین، در رخدادی دیگر، به این دلیل بر ماجرای کرامتی که در مجلس عزای امام حسین علیه السلام در روستای «سره‌بندی اراک» روی داده بود، مهر صحت نهاد که میرزا مهدی سره‌بندی، راوی رویداد، در نظر او مردی راستگو بود (زنجانی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۳۷).

رعایت اخلاق پژوهشی

وی به مسائل اخلاقی در حیطه پژوهش، بسیار دقت می‌کرد و به رضایتمندی صاحب اثر و حقوق معنوی نیز پایبند بود. از این رو، با اینکه در درس خارج صلوات سید محمد فشارکی

(۱۲۷۷-۱۲۱۶ ش) شرکت نموده و تقریرات خلل او را نوشته بود، چون استادش آقای فشارکی آن را بازبینی نکرده بود و از او اجازه نشر دریافت نکرده بود، به‌رغم اصرار دوستان، حاضر نشد آن را چاپ کند. از نظر شیخ عبدالکریم، کتاب استادش، یک یادداشت شخصی و سردستی از استاد برای خود استاد بود و شاید راضی نباشد که چاپ شود (جلالی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۳؛ کریمی جهرمی، ۱۳۷۲، ص ۴۴).

تشویق دیگران به نگارش

یکی از ویژگی‌های حاج شیخ، ایجاد روحیه پژوهشگری با سفارش دیگران به نگارش بود؛ زیرا افراد بسیاری از نزدیکان و شاگردان حاج شیخ با نوشتن رساله‌های علمی، به کاروان علم و ادب خدمت کردند و آیت‌الله حائری با نوشتن تقریض، از آنان حمایت کرد و از مردم می‌خواست از مطالب آنان استفاده شود؛ برای نمونه، آیت‌الله حائری به نوشته‌های آیت‌الله محمدرضا مسجدشاهی (۱۲۴۹-۱۳۲۱ ش) که فرانسه هم می‌دانست، علاقه نشان می‌داد و آنها را می‌ستود. وی که هم‌دوره حاج شیخ در عتبات بود، در سال ۱۳۰۴ ش، به دعوت ایشان برای تعلیم تربیت طلاب به قم آمد و مدتی ماندگار شد (نجفی، ۱۴۱۳، ص ۳۱). از ویژگی‌های او، نثر عالمانه، زیبا و ادبی و حاوی ویژگی نوآوری بود.

وی با چیرگی بر ادبیات عرب، هم در استنباط‌های فقهی و هم در ادبیات، با ادبای معاصر خود، همسنگ به شمار می‌آمد؛ تا جایی که بسیاری از ادبای عراق، او را به عنوان استاد ستودند. کار وی چنان بالا گرفت که سید امین عاملی (۱۲۴۶-۱۳۳۱ ش) او را با شاعر بزرگ سده چهارم، مهیار دیلمی (د. ۴۲۸ ق) مقایسه کرد (همان، ص ۵۱۶-۵۱۷).

در همین فهرست، محمدعلی مدرس تبریزی (۱۲۹۶-۱۳۷۳ ق)، مشهور به مدرس خیابانی، مؤلف کتاب ریحانة‌الآدب از پژوهشگران مورد علاقه حاج شیخ بود. وی، در دانش تاریخ و تراجم تخصص داشت و آثاری نگاشت که از جمله: «قاموس معارف» و «فرهنگ نوبهار» را می‌توان نام برد. مدرس تبریزی، در دانش فقه نیز صاحب‌نظر بود و نوشته‌های فقهی او، مانند کتاب کفایة‌المحصلین در شرح کتاب تبصره علامه حلی، از آثار برگزیده به شمار می‌روند. این کتاب، از بهترین شروح تبصره است. حاج شیخ، بر این کتاب تقریض نوشت و جایگاه بلند علمی مؤلف آن را ستود (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۵).

در امتداد همین روش، نوشته‌های سید شرف‌الدین عاملی (۱۲۹۰-۱۳۳۶ش) مورد پسند شیخ عبدالکریم بود. او و شیخ، دوستانی دیرین بودند که با یکدیگر مکاتبه داشتند (شرف‌الدین، ۱۴۳۱، ج ۹، ص ۳۳۳-۳۳۴). ویژگی نوشتار شرف‌الدین، پخته‌نویسی و نگارش از سر نیاز، با رویکرد هدایتگری بود. به عقیده او، دفاع از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، همان فراخوانی به وحدت بود؛ زیرا در این نگاه، آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام محور قرار می‌گرفت و کسی راه تفرقه را نخواهد پویید. بدین‌سان، وی با نثری منصفانه و شورانگیز و به دور از جمله‌های آزاردهنده، راه وحدت را هموار ساخت.

ایشان در سال ۱۳۱۰ شمسی، در جریان سفر زیارتی - علمی به قم آمد و مورد استقبال گرم شیخ عبدالکریم قرار گرفت (شریف رازی، ۱۳۳۲، ج ۲، ص ۸۳). بعدها شرف‌الدین در گزارش سفر خود، از حائری به «شیخ صدوق دوم» تعبیر کرد (همان، ج ۷، ص ۶۹۴-۹۶۵) و حاج شیخ نیز در نامه‌ای، تلاش‌های فکری او را گرامی داشت (حکیمی، ۱۳۶۲، ص ۱۵۵).

افزون بر آن، آیت‌الله حائری، نگارش‌های شیخ محمدجواد بلاغی (د. ۱۳۱۰ش) را به مثابه منشور معرفی اسلام و تشیع در برابر تهاجم فرهنگی مکتب‌های الحادی می‌دانست. در نگاه حاج شیخ، شخصی چون بلاغی، دژ دین بود که مرگ او، رخنه‌ای در باروی دین پدید آورد (استادی، ۱۳۷۱، ص ۵۷۲). بخش گسترده‌ای از شصت اثر نگاشته‌شده ایشان در موضوع: کلام و دفاع از اسلام و قرآن و ردّ باورهای یهودیت، مسیحیت، بهائیت و وهابیت نگاشته شد (استادی، ۱۳۶۱، ص ۱۱۱-۱۱۸).

پژوهش در خدمت تبلیغ

رضاخان برای نابودی یا کم کردن تأثیر حوزه علمیه قم، دست به دو راهبرد کلان زد. یکی، استخدام طلاب در دادگستری و حذف آنها از روند طلبگی، و دیگری، تحت فشار قرار دادن آن دسته‌ای که زیر بار دولت نرفتند. در چنین شرایطی، اوضاع باری حوزه علمیه بسیار سخت شد؛ چنان‌که امام خمینی علیه‌السلام در باره آن سال‌ها می‌فرمود:

«[در آن زمان،] چهارصد نفر طلبه در قم بود؛ نه چهارصد نفری که بتواند کاری بکند! چهارصد نفر مایوس، چهارصد نفری که همه اوضاع برخلاف آنها بود. چهارصد نفری که تقریباً غریب بودند» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵، ص ۴۸۷).

در چنین شرایطی، آیت‌الله حائری شاگردان خود را به یادگیری فنون نگارش و استفاده از قلم و کتاب برای تبلیغ دین تشویق می‌کرد و نوشته‌های مفید و سازنده طلاب و فضلالی جوان را می‌ستود. از میان مکتوبات، نوشته‌های میرزا محمود آشتیانی (۱۲۶۶-۱۳۶۰ ش) از تقریرکنندگان (نویسندگان سر کلاس) درس حاج شیخ، مورد توجه استاد بود و حائری از آن در نوشتن «کتاب الصلوة» خود استفاده کرد (آشتیانی، ۱۳۸۷، مقدمه).

همچنین، در حال و هوای تبلیغات بهائیان و فضایی که رضاخان برایشان فراهم کرده بود (مولایی و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۸۶۳-۸۷۹)، کتاب الحجة المنتظر در باره امام مهدی علیه السلام به درخواست حاج شیخ عبدالکریم، به خامه عده‌ای از شاگردان ایشان به فارسی نوشته شد.^۱ در ادامه همین وضعیت، کتاب الزام الناصب فی احوال الحجة الغائب با حمایت حاج شیخ به وسیله شیخ علی حائری یزدی نوشته و منتشر گردید (پاشازاده، ۱۳۸۹، ص ۲۵).

در همین راستا، سید صدرالدین صدر (۱۲۶۰-۱۳۳۲ ش)، از دیگر یاران حاج شیخ در تکوین و تقویت حوزه نیز اهل نگارش بود. وی کتاب المهدی را بر اساس روایات اهل سنت در باره امام زمان (عج) گردآورد که پیش از آن، کتابی در این موضوع، با این نظم و ترتیب خاص، نگاشته نشده بود. ایشان به اقتضائات زمان نیز همواره توجه می‌کرد (صدر، ۱۳۸۶، ص ۱۴). با توجه به گرایش شدید دولت پهلوی به غرب‌زدگی، این ویژگی در روشنفکران آن دوره، یعنی «کاظم‌زاده ایرانشهر»، «ابراهیم پورداود» و «تقی ارانی» وجود داشت (رادفر و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۹۵۵).

از جمله کارهای اثرگذاری که در آن دوره، شاگردان مکتب حائری انجام دادند، عرضه نوشته‌هایی بود که جوانان را در برابر شیخون غرب، در امان می‌داشت.

میرزا محمدعلی غروی اردوبادی (۱۲۷۳-۱۳۳۹ ش)، مورد علاقه استاد و از فقها و ادبای نجف بود و میان وی و حاج شیخ، مراوده و نامه‌نگاری برقرار بود. وی در سفر زیارتی و علمی به قم، به دیدار آیت‌الله حائری رفت و حاج شیخ او را بزرگ داشت (غروی اردوبادی، ۱۴۳۶، ج ۱، ص ۳۴۹).

۱. نسخه‌ای سنگی از این کتاب، در مجموعه کتاب‌های محدث ارموی موجود است؛ به خط رضوی، بدون تاریخ خشتی، شماره ۱۶۳۰.

اردوبادی، بیش از ۳۰ اثر علمی در رشته‌های: کلام، فقه، اصول، تاریخ، رجال و تفسیر نگاشت. او در کنار استادش محمدجواد بلاغی، مبارزاتی علیه تبلیغات مسیحی آغاز کرد و با نگارش مقالاتی در موضوعات مختلف و انتشار آنها در ده‌ها مجله، به نقد آنان برخاست (جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۷۲). در این سال‌ها، کشیشان مسیحی وارد ایران شده و با تاسیس مدرسه، بیمارستان، ساخت کلیسا و خرید زمین، به تبلیغ می‌پرداختند (نجف‌زاده و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۹-۲۸).

با همین خط و مشی، شیخ عبدالصمد خوئی (ز. ۱۲۸۸ش) که سالیانی در محضر حاج شیخ درس خوانده بود، در سال ۱۳۱۲ش، رساله‌ای در اثبات حجاب و عفت زنان نگاشت (خیابانی، ۱۳۶۵، ص ۲۸۷). او بعدها بر اساس منش تبلیغی حوزه علمیه قم، به شهر «اسکو» در آذربایجان شرقی رفت و به مبارزه با فرقه کمونیست آذربایجان (پیشه‌وری) پرداخت.

از میان شاگردان حاج شیخ، سید احمد خسروشاهی (۱۲۹۱-۱۳۵۶ش) از فضلاء مدرسه دارالشفاء و از هم‌دوره‌ای‌های امام خمینی، پس از پایان تحصیل، برای انجام وظیفه به تبریز رفت و برای مبارزه با بی‌حجابی و غرب‌زدگی، «رسالة فی حرمة التشبه بالكفار» را نوشت.

همچنین، سید علی اکبر برقعی (۱۲۷۸-۱۳۶۶ش) از شاگردان حاج شیخ، در سال ۱۳۰۵ش رساله «لباب الألباب فی فلسفة الحجاب» را به زبان فارسی نشر داد. در این رساله، برهنگی را برای جامعه و تمدن بشری، زیان‌بخش شمرد و هدف خود از نشر این رساله را خدمت به جامعه و تمدن بشری قلمداد کرد (جعفریان، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۲۱).

از این تبار، میرزا ابوالفضل خراسانی (د. ۱۳۱۶ش) از شاگردان حوزه درسی حاج شیخ عبدالکریم و شیفته سلوک وی بود. بارها از وی شنیده شده بود که می‌گفت:

«من اسلام عملی را در چند نفر دیدم؛ از جمله مرحوم آیت‌الله حائری و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ ابوالقاسم قمی» (همان، ج ۲، ص ۷۹۵).

خراسانی، در سال ۱۳۰۸ش برای تداوم فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی پدرش شیخ محمدحسین خراسانی، به تهران رفت و افزون بر تدریس علوم اسلامی برای طلاب تهرانی و وعظ و خطابه برای مردم، با قلم نیز به تبلیغ دین می‌پرداخت و به شبهه‌ها پاسخ می‌گفت. از این رو، به سال ۱۳۱۰ش کتاب حکمة النقاب و فلسفة الحجاب را به زبان فارسی و البته بی‌نام

منتشر کرد. سپس، آن را در قالب کتاب احسن الحکایات فی حجاب السافرات با دلیل‌های فقهی و تاریخی گسترده‌تری بازنویسی و نشر داد.

او در احسن الحکایات با نثری روان و آکنده از ضرب‌المثل و شعر، موضوع ضرورت حجاب و پیوستگی آن را با عفاف، در قالب مناظره بین دو نفر تحلیل و بررسی کرد که در نوع خود، از ادبیاتی داستانی، نو و پُرکشش برخوردار است. وی با شاعران دگراندیشی چون: ایرج میرزا (۱۳۰۴ ش)، محمدرضا کردستانی (۱۳۰۳ ش)، ابراهیم پورداود (۱۳۴۷ ش) و ابوالقاسم لاهوتی (۱۳۳۵) که از برنامه‌های رضاشاه در کشف حجاب جانبداری می‌کردند، به رویارویی پرداخت و با زبان شعر، به بافته‌ها و وارونه‌نگاری این چهره‌های هنری که چادر و مقنعه را کفن و ضد تمدن و پیشرفت خوانده و شماری از آنها، مروج فرهنگ برهنگی بودند، پاسخ داد.

وی برای ترویج جایگاه عفاف و حجاب، افزون بر شعرهایی از خود، از سروده‌های شاعران مشهوری چون: واحدی کرمانشاهی، طلوعی، نسیم شمال (۱۲۸۶-۱۳۱۳ ش)، امیری فیروزکوهی (۱۲۸۹-۱۳۶۳ ش) کمک گرفت و موج تبلیغاتی مدیحه‌سرایان درباری را فرونشاند؛ از جمله در برابر اشعار عفت‌ستیزانی چون مهرانگیز، شعر زیبای خانم نیم تاج سلماسی (۱۳۶۸-۱۲۸۵ ش) را آورده که سراسر دعوت به غیرت و آزادگی است:

شد پاره غیرت عجم از غیرت شما	اینک بیاورید که زن‌ها رفو کنند
نسوان رشت زلف‌پیشان گشاده‌رو	تشریح عیب‌های شما موبه‌مو کنند
حکم طبیعت است که باید شود ذلیل	هر ملتی که راحتی و عیش خو کنند

(همان، ص ۸۰۱-۸۰۲).

خراسانی، در این کتاب، تأسیس مدارس توسط رضاخان و تقلید ایرانیان از اروپاییان را موجب عقب‌گرد و تحقیر ملت شمرده و بر این عقیده است که تجددگرایان به جای علم و ادب و فنون و صنعت، رقص، موسیقی، بی‌شرمی و... را ترویج می‌کنند. ایشان از شبهه‌های مخالفان اسلام، که اسلام زن را تحقیر کرده است، به‌روشنی و دقیق پاسخ می‌دهد و می‌نماید که زن در اسلام، مهم‌ترین جایگاه را دارد (همان، ص ۸۱۹).

رویکرد پژوهش سیاسی

پس از مجلس هفتم، استبداد رضاخانی، سلطه خود را بر شریان‌های فکری و فرهنگی حاکم ساخت و هر روزنه‌ای را بست و بر مراکز تبلیغی چنگ انداخته، همه روزنه‌های آزادی و دینداری را بست و کسی را یارای نفس کشیدن نبود. کارگزاران رضاشاه، چنان سیاست خود را پیش می‌بردند که طبقه عالمان، واعظان و نویسندگان حوزوی را کنار بزنند تا کاری به کار مسائل اجتماعی و سیاسی اسلام و امور اقتصادی جامعه نداشته باشند.

رویه شیخ در امور سیاسی، بر اساس مصالح و مفاسد و تدبیر، در گام اول بر حفظ دین استوار بود و سپس، به امور مسلمانان توجه داشت و نظریه‌های ایشان در تطور و پیشرفت نظریه ولایت فقیه، تأثیر نهاد (توکلی محمدی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵).

هر نوع سخن، در باره زمامدار جامعه و ویژگی‌های زمامدار، آزادی و عدالت و نابسامانی‌های اجتماعی و آشفته‌گی حکومت، خط قرمز شمرده می‌شد. با آغاز ماه محرم ۱۳۰۳ ش، سرتیپ مرتضی خان یزدان‌پناه، در اعلامیه‌ای چنین آورد:

با فرارسیدن محرم، وی که هنوز حاکم نظامی تهران بود، در تاریخ دوم محرم ۱۳۴۳ برابر با ۱۳ مرداد ۱۳۰۳ شمسی، با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد به مناسبت ماه محرم و تعزیه‌داری، «تا صدور اعلان ثانوی، ایاب‌وذهاب در لیالی برای عموم آزاد و ضمناً برای آخرین دفعه، خاطر آقایان و عاظ و ذاکرین را تذکر می‌دهد [که] به هیچ‌وجه نباید به بیانات خودشان صورت میتینگ داده و داخل مسائل سیاسی شوند (فراهانی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۲۲۸).

در چنین روزگاری، اندیشمندان حوزوی پیام‌های اجتماعی و سیاسی دین را در لابه‌لای تفسیر قرآن و شرح نهج‌البلاغه و اندرزنامه‌ها و رساله‌های فقهی می‌گنجانیدند و مردم را به راه روشن دین و مقاومت در برابر ستم فرا می‌خواندند. شیخ عبدالکریم، در همین حال‌وهوا، با اعطای اجازه اجتهاد به یارانش، ظرفیت اجتماعی را برای این امر آماده می‌کرد.

بر اساس این برنامه، میرزا محمد ثقفی، از تربیت‌شدگان مکتب فکری حاج شیخ، پس از دریافت اجازه اجتهاد و روایت، به زادگاهش تهران برگشت. او، افزون بر تنظیم تقریرات درس حاج شیخ و رساله نکاح، به تفسیر قرآن پرداخت و پیام‌های سیاسی و اجتماعی را با زبانی ساده و روان، برای مردم بازگفت و افزون بر این، رساله‌ای مستقل نگاشت و در آن، مبانی سیاسی

اسلام را شرح کرد و جایز نبودن رجوع به حکام جور را به بوته بررسی نهاد و مردم را از زوایای آن آگاهانند. در این رساله، نگاشت: کارگزاران حکومت غیردینی و ستمکاران، مشروعیت ندارند و مردم در مشکلات قضایی، جز به مقدار ضرورت، نباید به محکمه‌های ظلمه دادخواهی کنند و حکومت و قضا، در دوره غیبت، از آن فقیه جامع‌الشرائط است. وی گفته آورده است: «در بعضی از روایات، به این آیه استدلال شده، به حرمت بردن دادخواهی نزد سلاطین ستمگر و پذیرفتن قضات آنها و در برابر آن، فرموده‌اند که باید رجوع شود به حکام شرع و فقهای شیعه، و حقیر در این باب، رساله مستقلی نوشته و ابعاد مسئله را با مدارک آن متعرض شده‌ام» (تقفی تهرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۵).

یکی از برجسته‌ترین شاگردان آیت‌الله حائری، امام خمینی بود که از جوانی در اندیشه اعتلای دین و به کرسی نشاندن قوانین اسلام و ایجاد نظام عادلانه اسلامی بود. وی حکومت پهلوی را غیر مشروع می‌شمرد و دیدگاه‌های خود را در نوشته‌های خود بازتاب می‌داد. در سال ۱۳۰۸ ش در اوج استبداد سیاه رضاخانی، امام خمینی در حاشیه‌ای بر کتاب فوائد الرضویة نوشته قاضی سعید قمی (۱۰۴۹-۱۱۰۳ق) در باب معارف و علوم عقلی، دل‌نگرانی‌ها و اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی خود را چنین بیان کرده است:

در این نوشته‌ها، راه اختصار پیمودیم؛ چون وقت تنگ است و حال‌وهوا نامساعد. و اهل این روزگار، مشتاق فهم معارف و حقایق نیستند؛ بلکه در این روزگاری که عصر طلایی نام گرفته، برخی دریافت معارف دینی و علوم الهی را ننگ شمرده و گروه‌گروه از لباس دیانت بیرون می‌روند و... امروز، در جایگاه پیامبر و وصی آن حضرت، هر فاسق و نادانی تکیه زده و حکومت بر مردم را هر فرومایه و ردلی، با قانون‌های جعلی و خرده‌های ناقص بر عهده گرفته و زمین، بر اهل دانش و دین تنگ شده و راه فراری به جای نمانده است... و این زمان، همان روزگاری است که اهل بیت در باره‌اش فرموده‌اند: از اسلام جز اسم، و از قرآن جز خط باقی نمی‌ماند (قاضی سعید، ۱۳۷۸، ص ۱۶۰).

از همین طیف، آیت‌الله شیخ رضا مدنی کاشانی (۱۲۸۲-۱۳۷۱ ش) از شاگردان حاج شیخ عبدالکریم، نوشته‌هایی در مسائل سیاسی - اجتماعی عرضه کرد. ایشان ولایت و زمامداری جامعه را از حقوق و وظایف فقیه جامع‌الشرائط می‌دانست و رساله‌ای در اثبات ولایت فقیه نوشت (شریف، ۱۳۸۲، ص ۵۲).

علی اصغر فقیهی از طلبه‌های حوزه قم در این دوره (انجمن آثار و مفاخر ملی، ۱۳۸۷، ص ۱۸)، برای عمل به تکلیف، به تدریس و تحقیق روی آورد و حدود سی اثر تحقیقی در عرصه‌های تاریخی و ادبی از او منتشر شد؛ از جمله کتاب: آلبویه، تاریخ مذهبی قم، ترجمه نهج البلاغه و تاریخ و عقاید وهابیان. یکی از مهم‌ترین کارهای ایشان، تنظیم رساله توضیح المسائل آیت‌الله بروجردی بود که پس از آن، دیگر رساله‌های بر روش آن منتشر گردید.

در همین جرگه، سید حسن فرید گلپایگانی (۱۳۱۹-۱۴۰۷ق) از شاگردان باسابقه و مشاوران حاج شیخ، آن قدر اهل قلم بود که در حال نگارش از دنیا رفت (استادی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۱۵-۲۲۸). وی نوشته‌هایی در تفسیر قرآن، فقه و تاریخ و ترجمه آثار بزرگان نگاشت (شریف رازی، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۲۱۵-۲۲۸). در اندیشه فرید، اسلام، دین دنیا و آخرت است و توانایی دارد زندگی بشر را به بهترین شیوه اداره کند و می‌گفت: گواه بر این، گذشته اسلام است. در صدر اسلام و بعدها، حکومت‌هایی با بهره‌گیری از قانون‌ها و آیین‌های درخشان اسلام، جامعه‌های بسیاری را به بهترین وجه اداره کرده و به اوج شکوفایی و تمدن رسانده‌اند.

فرید، بر این عقیده بود که قوانین حقوقی اسلام برای اداره جامعه، بهترین قانون است و مفاسد و پیامدهای قوانین بشری را ندارد. او، حقّ زمامداری را از آن فقیه اسلام‌شناس و پارسای کردان می‌دانست و در همین راستا، رساله قانون اساسی اسلام را نگاشت و منتشر ساخت. او بر مردم لازم می‌دانست که در مسائل قضایی و اجتماعی، در روزگار غیبت، به فقیه جامع‌الشرائط که از طرف شارع زمامداری و تدبیر جامعه بر عهده اوست، مراجعه کنند و از رجوع به زمامداران جائر، خودداری ورزند (فرید، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۹۶).

وی با نگاهی به متمم قانون اساسی مشروطه، نوشته است:

قوانین مصوبه مجلسین، مجلس ملی و مجلس سنا را موقوف به عدم مخالفت با قواعد دینی از نظر پنج تن از علمای اعلام کرده‌اند؛ اما چنان‌که می‌دانید، در مقام عمل، از صدر مشروطیت تا کنون، موضوع پنج تن، متروک بوده و ملت هم بازیچه‌ای بیش در دست متنفذین نبوده و مردم ایران تاکنون میوه شیرینی از این حکومت ملی نوبر نکرده‌اند. اعاذنا الله من شرور المفسدین (همان، ص ۱۰۱-۱۰۲).

پژوهش‌های فرهنگی - اعتقادی

تربیت‌یافتگان مکتب حائری، نسبت به دیگر موضوعات فرهنگی نیز از اندیشه‌های راهگشا برخوردار بودند و رساله‌هایی از آنان به یادگار مانده که هنوز نیز برای جامعه فکری - فرهنگی ما، قابل استفاده است. این نوشته‌ها، در آن روزگار پاسخی به نیازهای فکری نسل جوان و حرکتی علیه غرب‌زدگی بود. از این گونه رساله‌ها، بسیار است که نویسندگان آنها سعی کرده‌اند به زبان ساده و روان، مسائل فکری و فرهنگی را برای مردم بازگو کنند و از عقیده و مرام حق به دفاع برخیزند؛ از جمله:

سید احمد زنجانی (۱۲۷۰-۱۳۵۲ ش)، از شاگردان حاج شیخ، عالمی نواندیش و علاقه‌مند به مسائل فرهنگی و اجتماعی بود و با حساسیت زیاد، مسائل اجتماعی و فرهنگی را زیر نظر داشت و کتاب‌ها و مجله‌های ایران و کشورهای عربی را مطالعه می‌کرد. به همین سبب، با اندیشه‌های اصلاحی سید جمال‌الدین اسدآبادی آشنا بود و برنامه‌های اصلاحی سید را راه برون‌رفت کشور از بحران می‌دانست.

در سال‌های نخست حکومت رضاخان، تجدد و سنت، از موضوع‌ها و گزاره‌های مورد بحث محافل علمی و فکری بود. سنت‌گرایان، با هرچیز نو و جدیدی مخالفت می‌کردند و هواداران آن را تکفیر می‌نمودند و تجددگرایان نیز راه افراط پیموده و آموزه‌های دینی و اسلامی را به بهانه کهنه بودن به سخره می‌گرفتند و به مبارزه با آنها برمی‌خاستند.

با این توصیف، او در نوشته‌های خود سعی کرد که برای این مسئله راه حلی بیابد. از این رو، در رساله خیرالأمور، در فرازی در باب «علل انحطاط مسلمانان» می‌نویسد:

در موضوع انحطاط مسلمین، به کلی شکوه از مظالم اروپاییان کردن، از جهل به فلسفه انحطاط است. خرابی حال مسلمین، از اخلاق فاسده درونی خود مسلمین است. هیچ ملتی در روی زمین، محکوم اجانب نشد؛ مگر نفاق در داخله آن ملت نمود... معالجه هیئت جامعه اسلامی، منحصر به اعمال همان اسلام خالص است؛ «تریاق برء الساعه». اجساد مرده اسلامیان کنونی، اقتدا به اسلاف پاک پیشین است. جبل المتقین استخلاص مسلمانان از این هفتم طبقه پستی و خواری، تمسک عملی به عروة الوثقی قرآن مبین است (جعفریان، رساله خیرالأمور، ۱۳۸۱، ج ۱۱، ص ۲۹۴).

از دیگر نامداران این عصر، آیت‌الله محمدعلی اراکی (۱۲۷۳-۱۳۷۳ ش)، از شاگردان قدیمی

حاج شیخ با همین روحیه پژوهشی، مقاله‌ای به نام «علل عقب ماندگی انسان‌ها» نوشت. وی، برخلاف ادعای بیگانگان که اعتقاد به قضا و قدر را عامل بدبختی مسلمانان معرفی می‌کردند، احساس غرور و بی‌نیازی کاذب، تقلید کورکورانه از دیگران، نبود فرهنگ کار و کوشش و پشتکار را بستر ایستایی اقتصادی و فرهنگی جامعه‌های بشری نام برد و مسلمانان را به ابتکار و تلاش فراخواند.

در همین زمان، شخصی از تجار تهران، با اثرپذیری از فضای تیره ضد روحانیت، در کمک به حوزه‌ها به تردید افتاده بود و در مشروعیت دادنِ خمس به علما و مراجع بزرگ تقلید که مهم‌ترین پشتوانه اقتصادی رهبران دینی برای پیشبرد دین و کمک به توسعه حوزه‌های علوم دینی و تربیت طلاب است، دودل شده و خلجان‌های فکری خود را در نامه‌ای بازگفته بود. آقای اراکی پس از پاسخ مستدل فقهی و عقلی در ضرورت ادای واجب مالی خمس، به او سفارش می‌کند: در مسائل دینی، به اهل آن مراجعه کند و نیرو و توان خود را برای دفاع از اسلام و تشیع به کار گیرد.

در آن برهه، به جهت نبود پایگاه استوار دینی و رحلت آقای حائری، فرقه‌های گوناگون و دست‌آموز استعمار، شبهه می‌پراکندند و عزمشان جزم شده بود که شریان‌های اقتصادی حوزه را ببندند و کسانی را که برابر وظیفه دینی و ادای واجب، با علما ارتباط مالی داشتند، دلسرد و با شبهه‌افکنی، از این راه بازشان دارند.

بدین جهت، آقای اراکی به این شخص تاجر سفارش می‌کند که به جای چندوچون در مسلمات مذهب، به فکر چاره خطر فرقه آقاخانیه باشد که در تهران به جذب ساده‌لوحان پرداخته و آنان را به دام می‌اندازد و بنا دارد به کمک اجانب، با ورود آقاخان محلاتی به تهران کارهایی انجام دهد:

همچنان‌که در مسائل طیبیه، بی‌سوابق تحصیلی نباید وارد شد، همچنین در مسائل فقهیه هم کسی که سوابق تحصیل ندارد، خلاف قاعده است و باعث ضلالت خود و اضلال دیگران است؛ اما مطلب دوم اینکه شما شخص زیرکی هستید و این روزها اجانب، خیال دارند آقاخان محلاتی را به ایران وارد نموده و گربه دیگری مانند تشکیلات بهائیه به رقص آورند. شما اگر بتوانید، ولو عده قلیلی هم باشند، نگاهداری نمایید که هیچ ضربتی بر پیکر اسلام، از چنددستگی و اختلاف و تفرقه کلمه، بالاتر نیست (استادی، ۱۳۷۵، ص ۳۴۰ و ۴۰۰).

تقویت مطبوعات دینی

حاج شیخ، افزون بر تشویق مؤلفان کتاب و رساله و تقریرات فقه و اصول، کسانی را که در حوزه مجلات و نشریات دینی فعال بودند نیز تشویق و تقویت می‌کرد و به مردم سفارش می‌نمود به آنان کمک کنند. سید ابوالحسن طالقانی (د. ۱۳۱۰ ش) (پدر آیت‌الله طالقانی)، از علمای تهران و از شاگردان میرزای شیرازی (۱۳۱۲ق)، چون در اوایل سلطنت رضاشاه پهلوی (د. ۱۳۲۳ ش) مسیونرها و مبلغان بهائیت به تکاپو افتاده بودند و در گسترش عقیده خویش می‌کوشیدند، به یاری عباسقلی بازرگان تبریزی (پدر مهندس مهدی بازرگان)، حسن اسفندیاری (محتشم السلطنه) و میرزا ابوالحسن خان فروغی (د. ۱۳۳۸ ش)، پشتیبانی سید ابوالحسن موسوی اصفهانی (د. ۱۳۲۵ ش) و شیخ عبدالکریم حایری یزدی، «مؤسسه بحث و مناظره دینی» را حوالی سال ۱۳۰۲ ش برای تبلیغ اسلام و گفت‌وگوهای انتقادی با مخالفان اسلام و تشیع سامان داد. در این مؤسسه، شمار فراوانی از مسیحیان و یهودیان و پیروان دیگر آیین‌ها شرکت می‌کردند و در حضور مردم به مناظره می‌پرداختند. برآیند این جلسات، گرایش جمعی از پیروان دیگر ادیان و مذاهب، به اسلام و تشیع بود. فعالیت این محفل، با مخالفت‌های عبدالحسین تیمورتاش (د. ۱۳۱۲ ش)، وزیر دربار رضاشاه، تعطیل و پنهانی شد و با انتشار مجله بلاغ، ارگان آن مؤسسه در همان شماره نخست (اردیبهشت ۱۳۰۷ ش) متوقف گردید (عسکری، ۱۳۹۲، ص ۶).

ابوالحسن شعرانی (۱۳۲۰-۱۳۹۳ق)، از شاگردان حاج شیخ، استاد تاریخ و کلام و فلسفه و ادبیات، مفسر قرآن و نویسنده کتاب نثر طوبی، از همکاران وی در این مؤسسه بود. مجله بلاغ، دیدگاه‌های و فعالیت‌های آن را منعکس می‌کرد. این کار، مورد پسند حاج شیخ قرار گرفت و ایشان در تقویت آن کوشید.

۱. تقویت مجله‌الاسلام

الاسلام، نشریه‌ای مذهبی به مدیریت محسن فقیه شیرازی، مشهور به خادم‌الشریعه و متعلق به اواخر دوره قاجار و آغاز اقتدار رضاخان است. این نشریه، در سال ۱۳۰۲ ش در شیراز شروع به کار کرد و از نخستین نشریاتی است که در دایره کلام جدید و با روش دفاع از دین در عصر حاضر فعالیت داشت. هدف از تأسیس آن، پاسخگویی به شبهات وارده به مسائل دینی و دفاع

عقلانی از اسلام در برابر اتهامات وارده از ناحیه مخالفان اسلام بود. موضوعات آن، غالباً در باره حکمت احکام اسلامی، استفاده از کشفیات علمی برای تبیین مسائل دینی، اعترافات برخی از اروپایی‌های تازه‌مسلمان و غیرمسلمان در خصوص اسلام و قرآن و تحلیل فلسفه قیام سید الشهداء گنجانده می‌شد. این نشریه، مورد حمایت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی قرار گرفت و سید در نامه‌ای، اجازه پرداخت از سهم امام برای کمک به آن را داد. آیت‌الله عبدالکریم حائری نیز بر آن تقریض نوشت و از مدیر آن، شیخ محسن، تجلیل کرد و این کار را مصداق بارز مبارزه با بدعت در دوره ظلمت شمرد.

«بسم الله الرحمن الرحيم. نظر به مضمون حدیث شریف «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالَمُ عِلْمَهُ»، بر دانشمندان اسلامی این عصر لازم است، با کمال جدیت و تمام وسائل ممکنه، در مقام ارشاد برآمده و از تزلزل [عقاید] ساده‌طبعان و تشویش آنان جلوگیری نمایند و از اعظم وسائل مزبوره، نشر مطبوعات دینیه و مجلات اسلامی است که فضلا و دانایان قوم، به نوک قلم شریف خود حکم و مصالح دیانت مقدسه اسلامی را بیان، و در تشیید میانی اسلام و تثبیت عقائد مؤمنین، مساعی جمیله مبذول می‌دارند و از جمله آقایان که اقدام در انجام این امر مهم اعظم فرمودند، جناب مستطاب شریعتمدار، مروج الأحكام ثقة الاسلام آقای آقا شیخ محسن [شیرازی] که نگارش مجله شریف الإسلام به قلم ایشان است و وجود مبارکشان، عهده‌دار این خدمت بزرگ دینی بر طبق مرام مزبور می‌باشد. بسیار به موقع مستحسن است که عموم مسلمین، این خدمت بزرگ را از جناب معظم مغتتم دانسته و حتی الإمكان در تهیه وسائل طبع و نشر مجله شریفه، اقدام و مبادرت نمایند تا به وسیله مقالات و مندرجات شریفه‌اش، مستفیذ و بهره‌مند شوند. ومن الله التوفيق ومنه الإعتصام» (انصاریان خوانساری، ۱۳۹۹، ص ۴۹۷).

شایسته ذکر است، مجله الاسلام دیگری در عصر قاجار منتشر می‌شد که سید محمدعلی داعی الاسلام، از سادات نیاکی لاریجان که در ۱۲۷۷ شمسی برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت، با علما و مبلغان عیسوی (مسیحی) به مباحثه پرداخته، حاصل این مباحثات را در مجله الاسلام به چاپ می‌رساند (فراهانی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۴۴).

فعالیت‌های مطبوعاتی شیخ غلام‌حسین تبریزی (۱۳۵۹ ش مشهد)، از علمای مبارز و در صحنه، مورد تأیید حاج شیخ بود. وی برای مقابله با الحاد و تبلیغات گسترده کمونیست‌ها و

مسیحیان، نشریه تذکرات دیانتی را در زمان رضاخان تأسیس کرد و در آن، با قلمی فارسی و روان، به تشریح مبانی و فرهنگ دینی می‌پرداخت و به شبهه‌های مستشرقان علیه قرآن و اسلام و مسیحیت پاسخ می‌داد. وی از مروجان فرهنگ عاشورا و ترویج عزاداری سید الشهداء بود و از عفاف و حجاب حمایت می‌کرد. کارگزاران رضاخان، وی را آزارها دادند و تا حدّ از میان بردنش پیش رفتند. حاج شیخ از تبریزی و مجله تذکرات دیانتی حمایت می‌کرد و برای حمایت وی در برابر رضاخان، برایش اجازه اجتهاد نوشت (حسینی، ۱۳۷۹، ص ۲۷-۳۵؛ معصومی، ۱۴۰۰، ص ۳۲-۴۴).

توجه حاج شیخ به استفاده از ادب و هنر نویسندگی در جهت تبلیغ دین و پاسخ به شبهه‌ها، موجب شد که شاگردان ایشان در این حوزه فعال شوند. در سال ۱۳۵۳ شمسی، مجله‌ای در قم به نام همایون^۱ به مدیریت محمد همایون‌پور و علی‌اکبر حکمی‌زاده (۱۳۶۶ ش) منتشر شد. چند نفر از شاگردان حاج شیخ، در آن مقاله می‌نوشتند؛ از جمله: شیخ محمدتقی اشراقی (۱۲۷۴-۱۳۲۸ ش) که در چندین شماره آن، مطالبی در باره ضرورت استفاده از وسایل نوین برای تبلیغ دین نوشت (نشریه همایون، ۱۳۱۴، ص ۱). افزون بر آن، شیخ عبدالحسین ابن‌الدین حمیدی (۱۳۴۹-۱۲۷۸ ش) در آن نشریه می‌نوشت و ع. طالقانی که شاید علاء‌الدین علوی طالقانی باشد، در پاسخ به اقتراح اشراقی در شماره ۵۵ آن، در پاسخ مطالبی تحت عنوان «روحانیت و انسانیت» نوشت (ر.ک: اباذری، ۱۳۸۰، ص ۵۴).

افزون بر آن، سید مصطفی صفائی خوانساری (۱۲۷۸-۱۳۷۱ ش)، از شاگردان آیت‌الله حائری (ریحان یزدی، ۱۳۷۲، ص ۱۹۹)، دارای اجازه اجتهاد از برخی نویسندگان بود و علاوه بر نوشتن تقریرات استاد و رساله‌های علمی، مانند رساله «الدیانة الاسلامیة و معتقدات الإمامیة» و «الجواهر المودعة» (شریف راضی، ۱۳۳۲، ج ۲، ص ۷۶-۷۷)، سال ۱۳۱۳ خورشیدی در مجله همایون مقاله‌ای پیرامون ضرورت وحدت و الفت مسلمانان نوشت و در آن تأکید کرد که امروز فرقه مسلمانان باید اختلافات را کنار گذاشته و در برابر دشمنان دین، از مادیین و نصارا همچون

۱. مجله دینی - انتقادی که میانه سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۴ ش، در شهر قم منتشر می‌شد و شامل مسائل مختلف مذهبی - سیاسی بود که در نهایت، بر اثر درگیری‌های مذهبی بر سر مقالات انتقادی، تعطیل گردید.

اعضای یک بدن باشند و در این باره اظهار داشت:

ما باید دینداری را از صحابه و تابعین و مسلمانان صدر اسلام بیاموزیم که از اختلافات خود چشم پوشیدند و در پیشرفت یک مقصود کوشیدند. آری، در نتیجه اتحاد و یگانگی آنها بود که اسلام با آن همه سرعت، در همه جای عالم منتشر شد... محصل این مقاله، در محضر زعیم اکبر استاذنا علامه حضرت آیت الله حاجی شیخ عبدالکریم (دام ظلّه العالی) مذاکره شد و حضرت ایشان هم همین معنا را فرمودند که صلاح مسلمین در امروز دنیا، به این است که این منازعات در میان آنها نباشد و حضرت حجت الاسلام آقای سید محسن امین شامی (۱۳۳۱-۱۲۴۶ ش) هم در آن محضر تشریف داشتند و تصدیق فرمودند که صلاح مسلمین، در همین است (مجله همایون، ۱۳۱۴، ص ۳-۴).

۲. همراهی با مجله سیاست اسلامی

مجله سیاست اسلامی در بیستم فروردین سال ۱۳۰۳ ش با صاحب امتیازی شیخ جواد اعتمادالاسلام سیستانی منتشر شد و روزنامه‌ای سیاسی - خبری با گرایش به دین و آزادی بود و با پاره‌ای از پدیده‌های از فرنگ آمده نیز سر ناسازگاری داشت. روزنامه سیاست اسلامی به صاحب امتیازی و مدیرمسئولی اعتمادالاسلام، از طرفداران اقلیت مجلس بود (مکی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۵۳) که علیه رضاخان مطلب می نوشت. این روزنامه، سردار سپه (رضاخان) را قاتل آزادی و عدالت می نامید (فراهانی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۲۰۰). این روزنامه به شدت مخالف جمهوری خواهی رضاخان بود و حتی مقاله‌هایی علیه آن نوشته بود؛ به طوری که در باره تطبیق حکومت جمهوری با شرع مقدس اسلام، به حکم تخصص باید به مراجع تقلید شیعه رجوع کنیم... به آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری... (مجله سیاست اسلامی، ۱۳۰۲، ص ۱).

همچنین، روزنامه استوار که در تاریخ ۲۴ تیر ۱۳۱۴ منتشر شد و تا سال ۱۳۵۴ به مدت چهار دهه به عمر خود ادامه داد، در خود دو نوع هویت نوشتاری را می دید. یکم، طرفداران آیت الله حائری که مانند محمدتقی اشراقی در این روزنامه به دفاع از دین می پرداختند و دوم، مخالفان رویه حاج شیخ؛ مانند علی اکبر حکمی زاده که دیدگاه‌های خود را از طریق این روزنامه منتشر می کردند (ابادری، ۱۳۸۸، ص ۳۶).

نتیجه

آیت‌الله حائری، از آنجا که خود از نویسندگان و محققان حوزوی به شمار می‌رفت، با شناختی از که زمانه خویش داشت، با درک ارزش پژوهش در حوزه، هم‌زمان با شکل‌گیری فعالیت‌های ضدّ دینی در ایران عصر پهلوی اول، بسترهای تبلیغی حوزه را گسترش داد و از روش پژوهشگری به مثابه یک راهکار تأثیرگذار بهره برد. نتایج مقاله نشان می‌دهد که ایشان ضمن فراهم کردن شرایط تحقیق و ترویج فرهنگ پژوهش در میان طلاب، با هدف «برآوردن نیاز علمی جامعه دینی»، «تقابل با نوشته‌های ضدّ دینی پهلوی» و مواجهه با آثار نوشتاری «دگراندیشان»، کوشید تا حوزه را در مسیر پاسبانی از اسلام، به ابزار پژوهش نیز مجهز نمایند. نگارش کتاب، مقاله و تهیه و تدوین مجلات، بخشی از این رفتار علمی بود. آثار نگاشته و منتشرشده از آن دوره، هم اثری در راستای شناخت دقیق اجتماعی و سیاسی آن عصر به شمار می‌رود و هم بازتابی از سبک‌های نوشتاری طیف نویسندگان حوزوی است.

منابع

الف. کتاب‌ها و مقاله‌ها

۱. آشتیانی، میرزا مهدی، ۱۳۸۷ ش، اساس التوحید، تحقیق: سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران، امیرکبیر.
۲. ابادری، علی‌رضا، ۱۳۸۸، «استوار: اولین گام در عرصه روزنامه‌نگاری قم»، پیام بهارستان، دوره دوم، تابستان، شماره ۴: ۳۵-۵۶.
۳. استادی، رضا، ۱۳۶۱، «گوشه‌هایی از زندگانی مرحوم شیخ محمدجواد بلاغی معرفی و نقد»، مشکوة، پاییزماه، شماره ۱: ۱۰۹-۱۳۴.
۴. _____، ۱۳۷۱ ش، چهل مقاله، قم، کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی.
۵. _____، ۱۳۷۵ ش، شرح احوال حضرت آیت‌الله العظمی اراکی (یادنامه آیت‌الله اراکی)، اراک، مؤسسه فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. _____، ۱۳۸۱ ش، شرح حال دانشمندان گلپایگان، کنگره بزرگداشت علمای گلپایگان.
۷. _____، ۱۳۷۶ ش، یادنامه آیت‌الله العظمی اراکی، تهران، روزنامه اطلاعات.

۸. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰ش، زندگی نامه و خدمات علمی میرزا محمدعلی مدرس تبریزی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۹. _____، ۱۳۸۷ش، زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم علی اصغر فقیهی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۱۰. انصاریان خوانساری، محمدتقی، ۱۳۹۹، فقیه مؤسس: مرجع عظیم و مؤسس کبیر آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمته الله علیه، قم، انصاریان.
۱۱. ایزدپناه، عبدالرضا و دیگران، ۱۳۸۸ش، چشم و چراغ مرجعیت، مصاحبه های مجله حوزه با شاگردان آیت الله بروجردی، قم، بوستان کتاب.
۱۲. پاشازاده، غلامعلی، ۱۳۸۹ش، خاطرات سید مصطفی حائری زاده، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۳. توکلی محمدی، مرتضی؛ مطهری فرد، مرتضی، ۱۳۹۴، «اندیشه سیاسی شیخ عبدالکریم حائری یزدی»، فصلنامه سیاست متعالیه، سال سوم، شماره یازدهم، زمستان: ۱۱۵-۱۳۲.
۱۴. ثقفی تهرانی، میرزا محمد، بی تا، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، بی جا، برهان.
۱۵. _____، ۱۳۹۸ق، روان جاوید در تفسیر قرآن، تهران، برهان، ۱۳۹۸ق.
۱۶. جعفریان، رسول، ۱۳۸۱ش، رساله خیر الأمور در برخورد سنت و تجدد، نوشته سید احمد زنجانی، مجموعه مقالات تاریخی، دفتر یازدهم، قم، دلیل ما.
۱۷. _____، ۱۳۹۰ش، رساله حجابیه، قم، دلیل ما.
۱۸. جلالی، سید محمدحسین، ۱۳۸۲ش، زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، ترجمه: سید محمدعلی احمدی، تهران، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۹. جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۸ش، دائرة المعارف تشیع، تهران، بنیاد اسلامی طاهر.
۲۰. حسینی، سید نورالدین، بی تا، القرآن والعقل، تهران، مؤسسه کوشانی.
۲۱. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۶۲ش، سید شرف الدین عاملی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۲. خادمیان، محمدرضا، ۱۳۹۳ش، صفائی نامه؛ احوال و آثار آیت الله سید مصطفی صفائی خوانساری و پدر بزرگوارش، قم، مؤسسه کتاب شناسی.

۲۳. حسینی، مهدی، ۱۳۷۹ ش، خاطرات محمدمهدی عبدخدائی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۴. خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۹ ش، صحیفه امام، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۵. خیابانی، ملا علی، ۱۳۶۵ ق، کتاب علماء معاصرین، تهران، اسلامیه.
۲۶. رادفر، مجید؛ دکاندار، محمد؛ ملک‌پور، علی، ۱۴۰۱ ش، «تأثیر آراء احمد فرید بر گفتمان غربزدگی و بازگشت به خویشتن»، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره ۱۰، دی‌ماه: ۹۵۱-۹۶۳.
۲۷. ریحان یزدی، علی‌رضا، ۱۳۷۲ ش، آینه دانشوران، تحقیق: باقری بیدهندی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۲۸. زنجانی، سید احمد، ۱۳۹۶ ش، الکلام یجر الکلام، قم، حق‌بین.
۲۹. شرف‌الدین، السید عبدالحسین، ۱۴۳۱ ق، موسوعة الامام السید عبدالحسین شرف‌الدین، تحقیق: مرکز العلوم والثقافة الاسلامیة، بیروت، دار المورخ العربی.
۳۰. شریف رازی، محمد، ۱۳۳۲ ش، آثار الحجة، قم، کتاب‌فروشی برقی.
۳۱. —، ۱۳۵۲ ش، گنجینه دانشمندان، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
۳۲. شریف، احمد، ۱۳۸۲ ش، فروع فقاهت (زندگی نامه آیت‌الله العظمی حاج آقا رضا مدنی کاشانی)، کاشان، مرسل.
۳۳. صدر، سید صدرالدین، ۱۳۸۶ ش، المهدی علیه السلام، به اهتمام: باقر خسروشاهی، قم، بوستان کتاب.
۳۴. عسکری، حسین، ۱۳۹۷، «مجتهد ساعت‌ساز»، روزنامه اطلاعات، سال ۹۲، ش ۲۷۰۱۶، ضمیمه فرهنگی، ش ۳۵۷.
۳۵. غروی اردوبادی، محمدعلی، ۱۴۳۶ ق، موسوعة العلامة الأردوبادی، تحقیق: سید مهدی آل مجدد شیرازی، کربلاء، دار الکفیل.
۳۶. فراهانی، حسن، ۱۳۸۵ ش، روزشمار تاریخ معاصر ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۳۷. فرید، سید حسن، ۱۳۶۲ ش، قانون اساسی اسلام، تهران، فراهانی.

۳۸. قاضی سعید، محمد، ۱۳۷۸ش، تعلیقه بر فوائد الرضویة، حاشیه نویسنده: امام خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۹. کریمی جهرمی، علی، ۱۳۷۲ش، آیت الله مؤسس، قم، دار الحکمة.
۴۰. معصومی، مهدی، ۱۴۰۰ش، مرزبان عقیده وایمان (یادنامه عالم ربانی مرحوم آیت الله حاج شیخ غلامحسین تبریزی)، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
۴۱. مکی، حسین، ۱۳۶۳ش، تاریخ بیست ساله ایران، تهران، نشر ناشر.
۴۲. مولایی، محمدرضا؛ توکلی، یعقوب، ۱۳۹۸، «بهائیان و رضاشاه؛ از تعامل تا گسترش سازمانی (در دوره پهلوی اول)» فصلنامه سیاست، دوره ۴۹، شماره ۳، پاییز: ۸۶۳-۸۷۹.
۴۳. نجف زاده، علی؛ الهی زاده، محمدحسن، ۱۳۹۴، «شیوه های واکنش و مخالفت علمای شیعه با فعالیت های هیئت تبشیری پرس بی تریان در مشهد طی سال های ۱۳۰۱-۱۳۰۹ش»، دو فصلنامه تاریخ و فرهنگ، سال چهل و هفتم، شماره ۹۵، پاییز و زمستان: ۹-۲۸.
۴۴. نجفی، محمدرضا، ۱۴۱۳ق، وقایع الأذهان، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام.

ب. مجله ها و روزنامه ها

۱. سیاست اسلامی، سال ۱، شماره ۱، ۲۰ حمل ۱۳۰۲.
۲. همایون، شماره ۴۷، پنجشنبه ۷ خرداد ۱۳۱۴ش.



Journal of Islamic Propagation

Volume 4 ● No 10 ● Autumn & Winter 2024

Islamic Seminaries and the Approach of Making Civilization

A reflection on a Historical Role

Mostafa Mohseni*

Abstract

The Shia scientific institutions, whose heritage was gathered together in a place called Islamic seminary over time, not only in religious sciences, but also in medicine, astronomy, mathematics and other human and natural sciences, had owned works that were admired in Islamic civilization. The question of this study is the historical role of the seminary in making civilization and its approach. The present article introduces the civilization-building features of the Islamic seminaries via a descriptive-analytical method and is based on the hypothesis that the role of the Islamic seminaries in the dimension of civilization has been able to preserve the basis of Islam and update it to different times and cultures. The findings of the study suggest that the Islamic seminary, which is a legacy of Shia educational institutions, has been able to develop making civilization in various intellectual areas, and finally, with the establishment of the Islamic government, it provides the context for the implementation of Islamic civilization.

Keywords

Civilization-making of Islamic seminaries, Shia Dar al-Ilms, civilizational role of Islamic seminaries, civilization-making of clerics.

* PhD in History of Islamic Culture and Civilization, Professor of Islamic Seminary and University.

حوزه‌های علمیه و رویکرد تمدن‌سازی؛ تأملی در یک نقش تاریخی

مصطفی محسنی*

چکیده

نهادهای علمی شیعی که میراث آنها به‌مرور زمان در جایی به نام حوزه علمیه، یکجا گردآمد، نه تنها در علوم دینی، بلکه در طب، نجوم، ریاضیات و سایر علوم انسانی و طبیعی صاحب‌آثاری شد که در تمدن اسلامی تحسین برانگیز بودند. پرسش این پژوهش، نقش تاریخی حوزه علمیه در تمدن‌سازی و بررسی رویکرد آن است.

نوشتار پیش رو، به روش توصیفی - تحلیلی به معرفی ویژگی‌های تمدن‌ساز حوزه علمیه پرداخته است و بر این فرضیه استوار است که نقش‌آفرینی حوزه‌های علمیه در بُعد تمدنی، توانسته است ضمن حفظ اساس اسلام، آن را مطابق با زمان و فرهنگ‌های مختلف، روزآمد نماید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، حوزه علمیه که میراث‌بر نهادهای آموزشی شیعی است، در عرصه‌های مختلف فکری، توانسته است به تمدن‌سازی پردازد و سرانجام با ایجاد حکومت اسلامی، زمینه اجرای تمدن اسلامی را فراهم نماید.

کلیدواژگان: تمدن‌سازی حوزه‌های علمیه، دارالعلم‌های شیعی، نقش تمدنی حوزه‌های علمیه، تمدن‌سازی حوزویان.^۱

* دکتری تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی: awleya5tan@yahoo.com

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و نکوداشت آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله‌علیه تألیف شده است.

گذری بر نهادهای آموزشی شیعی، پیش از تأسیس حوزه علمیه

در عصر فعالیت بیت الحکمه در قرن چهارم، همچنان علمای شیعه در مساجد به کارهای علمی مشغول بودند؛ برای نمونه، شیخ مفید که در بغداد ساکن بود، در مسجد براثا کرسی درس داشت و با متکلمان و دانشمندان مذاهب مختلف مناظره می‌کرد و حتی با غلبه امرای شیعی آل‌بویه در سال ۳۳۴ قمری نیز این مکان، محلّ اختصاصی دروس شیخ مفید بود (شیخ مفید، تصحیح اعتقادات الإمامیه، ۱۴۱۴ق، ص ۲۲). برخی از دیگر علمای شیعه، چون اجازه تدریس و بیان معارف اهل‌بیت را در مساجد دیگر بغداد نداشتند، به این مسجد پناه می‌آوردند (شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۵۰). پس از به قدرت رسیدن شیعیان در برخی نواحی، دانشگاه یا حوزه‌های علمیه‌ای را به نام «دارالعلم» تأسیس کردند.

دارالعلم در اصطلاح، به مجتمع‌های علمی گفته می‌شود که توسط دولت مردان یا عالمان شیعی تأسیس می‌شد. این دارالعلم‌ها، در قرن چهارم و پنجم و با به قدرت رسیدن دولت‌هایی شیعی آل‌بویه در بغداد، فاطمیان در قاهره و حمدانیان در موصل و حلب، برپا شدند. در این دوران، در شهرهای مختلف، شماری از این مراکز تأسیس شدند که برخی تا قرن پنجم و اوایل قرن ششم فعال بودند (غنیمه، ۱۳۷۲، ص ۹۹). این دو قرن، از حیث تعلیم و تعلم، در بین قرون اسلامی منحصر به فردند و بسیاری از دانشمندان بزرگ دینی، از جمله: شیخ صدوق (۳۰۵-۳۸۱ق)، شیخ مفید (۳۳۶ق یا ۳۳۸ق-۴۱۳ق)، سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶ق)، سید رضی (۳۵۹ق-۴۰۶ق) و شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق) و نیز دانشمندان علوم دیگر، از جمله: زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ق)، ابونصر فارابی (۲۵۹ق-۳۳۹)، ابن‌سینا (۳۷۰ق-۴۲۸ق)، ابوریحان (۳۶۲ق- بعد از سال ۴۴۲ق)، ابوعلی مسکویه (۳۲۰ یا ۳۲۶-۴۲۱ق)، همه متعلق به قرن چهارم و پنجم هستند.

دارالعلم‌ها، نهادهای واسطه‌ای میان بیت الحکمه‌ها و مدارس محسوب می‌شدند. ویژگی‌های آنها باعث شد تا جامعه اسلامی به سوی تکوین دانشگاه اسلامی پیش رود و آنها یکی از مراحل تحول و پیشرفت تمدن اسلامی بودند که مدارس قرن پنجم اهل سنت نیز از آن اقتباس نمودند.

کهن‌ترین دارالعلم، از آن ابوالقاسم جعفر بن محمد بن موصلی (۳۲۴ق) (الدیوه جی، ۱۹۸۲م، ج

۱، ص ۱۹۲) با نام دارالعلم شاپور بن اردشیر بود که از سوی دولتمردان شیعی در سال ۳۸۳ق تأسیس شد (ابن تغری بردی، ۱۳۹۲ق، ج ۴، ص ۱۶۴). در آن زمان که شیعیان در مصر حکومت می‌کردند، دارالعلم حاکم در قاهره در سال ۳۷۷ق قمری دایر بود (ابن عدیم، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۳۷۶). در بغداد نیز دارالعلم دیگری برپاست که ابو منصور کاتب در بغداد در سال ۴۱۰ق، خزانه‌دار آن است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۰۹).

عضدالدوله نیز کتابخانه‌ها، مدارس و بیمارستان‌های متعددی در بغداد و دیگر شهرها احداث کرد. وی درالعلم‌های بزرگی را تأسیس کرد (ر.ک: محمد کریمی زنجانی اصل، کتاب دارالعلم‌های شیعی و نوزایی فرهنگی در جهان اسلام). دارالعلم ابن سوار در بصره و نیز رامهرمز، دارالعلم سید رضی و دارالعلم سید مرتضی، از دیگر دارالعلم‌های شیعی در این قرن است. ابوالعلاء معری، سید مرتضی، فقیه و متکلم امامی و از شخصیت‌های پرنفوذ اجتماعی شیعه در دوره آل‌بویه را عصاره بشر و دارالعلم ایشان را خلاصه (عصاره) دنیا معرفی می‌کند (طبرسی، ۱۳۹۰ش، ج ۲، ۳۲۹-۳۳۴).

با هجرت شیخ طوسی، نجف، حوزه علمیه شیعه نیز از بغداد به این شهر منتقل شد؛ هرچند در ادوار مختلف به تناسب شرایط، علما به حله، جبل عامل، اصفهان و سامرا مهاجرت کردند و حوزه‌ها نیز به این شهرها منتقل شدند.

۱. تأسیس حوزه علمیه قم و نقش آن در تمدن‌سازی نوین اسلامی

با حضور شیخ عبدالکریم حائری در قم، فصل جدیدی در حوزه‌های علمیه شیعی در این شهر آغاز شد که در تمدن‌سازی نقشی بیش از پیش ایفا کرد و این نهاد آموزشی، در عرصه سیاسی و اجتماعی، حضور بسیار فعال‌تری نسبت به گذشته از خود نشان داد.

از آنجا که شاخه حوزه‌های علمیه و عالمان دینی شیعه، طوری است که ناگزیر از حضور در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی هستند، ممکن است بتوان علما و دانشمندان دینی را از نظر ورود حداقلی یا حداکثری در حوزه سیاست، تقسیم‌بندی کرد. بنابراین، اصل دخالت در سیاست توسط آنها، امری است غیرقابل انکار، و کمتر عالمی را می‌توان یافت که به کلی در مورد سیاست زمان خود، بی‌تفاوت باشد.

برخی، سیاست را به معنای تدبیر امور اجتماعی (بصیرت‌منش، ۱۳۷۸ش، ص ۲۴۱) تعریف

کرده‌اند. بنا بر این تعریف و در طول تاریخ، علما یا در عهد حکومت‌های همسو می‌زیستند و یا با حاکمان غیر همسو همزمان بودند. در هر دو صورت اکثر آنها به نوعی، فعالیت سیاسی داشتند و در امور سیاسی نقش‌آفرینی کردند. البته ظهور آل‌بویه وضعیت را تغییر داد و تا اندازه‌ای حکومت همسو با عالمان شیعی بود لذا برخی از مسئولیت‌ها به علمای شیعی واگذار شد. از این میان، شیخ مفید هم مورد احترام خلیفه وقت بود (خطیب بغدادی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۳۱) و هم نزد عضدالدوله دیلمی جایگاه رفیع داشت (خواندمیر، ۱۳۸۰ ش، ج ۲، ص ۳۰۹). شاگردش سید مرتضی، رابطه نزدیکی با امرای آل‌بویه داشت و از سوی خلیفه نیز مناصب ریاست دیوان، امیرالحاجی و نقابت علویان را از آنها پذیرفت (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۵، ص ۱۱۲). برادرش سید رضی نیز با سیاستمداران و دولتمردان مرتبط بود و در سن ۲۱ سالگی، نقابت سادات را عهده‌دار شد (آقابزرگ، ۱۴۳۰ ق، ج ۲، ص ۱۶۴).

در زمان صفویه نیز حضور عالمان برجسته شیعی در امور سیاسی، مبرهن است. شیخ بهائی (اسکندر منشی، ۱۳۵۰ ش، ج ۱، ص ۱۵۶) و علامه مجلسی (طرمی، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۷)، به جایگاه شیخ الاسلامی منصوب شدند. وظایف شیخ الاسلام، دریافت وجوهات شرعی، نظارت بر اجرای احکام مطابق با شرع اسلام، نظارت بر قضات، تعیین ائمه جمعه سراسر کشور، اداره مدارس، مساجد و زیارتگاه‌ها بود (فقهی‌زاده، ۱۳۹۳ ش، ص ۲۵۲؛ زرندی، ۱۳۷۸ ش، ص ۹).

از سوی دیگر، در بیشتر برهه‌های تاریخ اسلام، حاکمان غیر شیعی یا سلاطین شیعی غیر همسو، بر آنها حکمرانی می‌کردند. بزرگان تشیع برای اداره جامعه شیعی، مجبور به تأسیس نهادهایی بودند که در موازات نهادهای مشابه حکومتی قرار داشتند. گاهی به موازات کارگزاران دولتی در شهرهای مختلف، زعیم شیعیان نیز وکیل در همان شهر تعیین می‌کرد. سازمان وکالت که از زمان ائمه اطهار علیهم‌السلام دایر بوده و تا کنون ادامه دارد، به معنای عدم مشروعیت حاکم در امور شرعی است. همچنین، ایجاد ساختاری برای دریافت بیت‌المال به موازات بیت‌المالی که حاکم دریافت می‌کرد، جهت جمع‌آوری وجوهات شیعیان، خود حاکی از عدم قبول تشکیلات حکومتی است.

این نکته نیز حایز اهمیت است که دخالت در سیاست، همیشه ایجابی نیست؛ بلکه در برخی موارد، سلبی است؛ به عبارت دیگر، کار اقبال به سیاست، همیشه با ورود مستقیم در

عرصه سیاست محقق نمی‌شود؛ بلکه در برخی مواقع، کنش سیاسی به اعتبار شرایط تغییر می‌کند؛ چنان‌که شیخ عبدالکریم از حضور در جشن پادشاهی رضا پهلوی خودداری می‌کند و می‌فرماید: «مَنْ بِهِ الْكُفَايَه، موجود است (به اندازه کافی، افراد سرشناس در جلسه حضور دارند) و به وجود من، احتیاجی نیست» (بصیرت‌منش، ۱۳۷۸، ص ۲۴۰)، این خود نوعی موضع‌گیری سیاسی و شانه خالی کردن از همکاری با دولت است.

از نگاه برخی، شاید غیرسیاسی‌ترین مرجع، شیخ عبدالکریم حائری و سیاسی‌ترین مرجع، امام خمینی در دوره معاصر باشند؛ اما این نگاه، رد می‌شود؛ زیرا امام خمینی می‌فرماید: «اگر مرحوم حاج شیخ در حال حاضر بودند، کاری را انجام می‌دادند که من انجام دادم و تأسیس حوزه علمیه در آن روز، از جهت سیاسی، کمتر از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران امروز نبود» (امام خمینی، ۱۳۶۲، ص ۱۷۳). نیز امام در جای دیگری فرمود: «طریقه ما، همان طریقه شیخ است؛ منتهی شیوه برخورد ما با ایشان، به جهت تغییر در اوضاع و احوال زمانه، متفاوت است» (لاجوردی، ۱۳۸۱ ش، ص ۱۶۵).

در تحلیل رفتار شیخ عبدالکریم حائری، یک دیدگاه معتقد است:

در ماجرای کشف حجاب، یکی از روحانیون، نزد مرحوم شیخ عبدالکریم رفته و درباره اوضاع پیش‌آمده پرسش می‌کند؛ مرحوم حائری برای او ماجرای گفت‌وگوی حضرت زهرا علیها السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام را نقل می‌کند که: روزی حضرت زهرا علیها السلام به امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌گویند: چرا برای گرفتن حقت قیام نمی‌کنی؟ در این لحظه، صدای الله اکبر مؤذن بلند می‌شود. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: اگر بخواهیم این ندا خاموش نشود، باید ساکت باشیم. مرحوم حائری درحالی‌که گریه می‌کرد، ادامه داد: من اگر حرفی بزنم، این مرد (رضاخان) با پوتین وارد این صحن و مدرسه می‌شود و همه چیز را خراب می‌کند (بهمنی، ۱۳۸۵ ش، ش ۷۱ و ۷۰).

به نظر امام خمینی: «در بزرگی آیت‌الله حائری، همین مقدار بس که توانست در آن زمان سخت که رضاشاه تصمیم داشت حوزه و روحانیت را نابود کند، حوزه‌ها، بلکه روحانیت را حفظ کند و این امانت را به ما داده است تا ما به دیگران رد کنیم» (ستوده، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۱۶۰). خود رضاشاه هم می‌گوید: «اگر حاج شیخ عبدالکریم نفس می‌کشید، یک کلمه‌ای می‌گفت، فوری ماشین در خانه‌اش حاضر می‌کردم و می‌فرستادمش آنجا که عرب نی می‌انداخت» (شکوری، ۱۳۶۸،

ص ۱۴۶). همچنین، در قضیه کشف حجاب و در پاسخ به نامه شیخ، رضاخان می‌نویسد: «رفتارتان را عوض کنید؛ وگرنه حوزه قم را با خاک یکسان می‌کنم. کشور مجاور ما (ترکیه) کشف حجاب کرده و به اروپا ملحق شده است. ما نیز باید این کار را بکنیم و این تصمیم، هرگز لغو نمی‌شود» (شعبانی، ۱۳۸۰ ش، ص ۵۱).

درایت شیخ عبدالکریم در اداره و نگهداری حوزه علمیه، پهلوی را به ستوه آورد؛ تا جایی که گفت: «تمام علما را از بین بردم، جز این یک نفر (حائری). این را هم اگر برمی‌داشتم، اسلام را برمی‌داشتم» (بصیرت‌منش، ۱۳۷۸، ص ۲۴۷-۲۴۸). از همین روست که تاریخ کمبریج تأسیس حوزه علمیه قم را در تقابل با سیاست‌های رضاخان توصیف می‌کند و آن را مهم‌ترین واکنش علما در مقابل سیاست‌های رضاخانی می‌داند (شیرخانی، ۱۳۸۴ ش، ص ۳۳).

اما هنگامی که شرایط ایجاب کرد، امام خمینی به صورت حداکثری وارد عرصه سیاسی شد و بساط شاهنشاهی را برچید و این، سرآغازی بود برای احیای تمدن اسلامی که از آن با عنوان «تمدن نوین اسلامی» یاد می‌کنند.

ایجاد تمدن نوین اسلامی، از اساسی‌ترین اهداف نظام اسلامی است. بنا بر برخی از آیات و روایات، ایران احیاکننده این تمدن خواهد بود؛ چنان‌که در گذشته نیز به همت ایرانیان، بخش عظیمی از تمدن اسلامی پایه‌ریزی شد و به رشد و شکوفایی رسید. آیات، روایات تفسیری، احادیث مربوطه و برخی از گزارش‌های تاریخی نیز گویای آن است که بر حسب سنت الهی، ایرانیان پرچمدار تمدن نوین اسلامی خواهند بود. ظواهر امر پس از پیروزی انقلاب نیز حاکی از آن است که پیشگویی آیات و روایات، محقق شده است.

بنابراین، امروزه نظام اسلامی ایران که در رأس آن، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای قرار دارد، داعیه تشکیل تمدن نوین اسلامی را دارد. نخستین مرتبه، عبارت «تمدن نوین اسلامی» توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۱ شمسی و در خراسان شمالی بیان شد. بنابراین، نزدیک‌ترین راه برای رسیدن به این تمدن، واکاوی شاخصه‌های مورد نظر مقام معظم رهبری در این زمینه است.

ایشان در جمع جوانان استان خراسان شمالی، اهداف نظام اسلامی را پیشرفت، معنا کرد و این پیشرفت را «تمدن نوین اسلامی» تعبیر نمود و هدف جامعه و ملت ایران و همچنین آرمان انقلاب اسلامی ایران را ایجاد یک تمدن نوین اسلامی معرفی کرد (بیانات رهبری در دیدار جوانان

خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

رویش‌های تمدنی چهل سال اولیه نظام، به خوبی گواه بر آن است که ایران اسلامی، توان تمدن‌سازی دارد. سه کتاب ذیل، به این رویش‌ها پرداخته‌اند:

یک. انقلاب چهل ساله؛ دستاوردها و فرصت‌ها: به قلم حمید خوش‌آینده در سال ۱۳۹۸ شمسی تدوین شده است.

دو. صعود چهل ساله: توسط سید محمدحسین راجی در سال ۱۳۹۷ شمسی به رشته تحریر در آمده است.

سه. انقلاب ۴۰ ساله؛ نگاهی به دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران: نوشته جمعی از نویسندگان که توسط نشر بوستان کتاب قم در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است.

در این کتاب‌ها، دستاوردها و پیشرفت‌های ایران در چهل سال اول انقلاب در زمینه‌های علمی، فرهنگی، تمدنی و مذهبی به صورت مفصل بیان شده است که بیان همه آنها، از رسالت این نوشتار خارج است و خوانندگان گرامی را به مطالعه این کتب ارجاع می‌دهیم.

اما به صورت اجمال، گسترش عدالت اجتماعی، گسترش برخورداری عمومی از امکانات مختلف، به دست آوردن عزت و اقتدار در سطح منطقه و بین‌المللی، پیشرفت‌های زیرساختی در حوزه حمل و نقل و علم و فناوری، پیشرفت‌های صنعتی و انرژی، پیشرفت در معنویت، کرامت یافتن بانوان، آزادی و مردم‌سالاری، در این چهل سال به وضوح قابل رؤیت است (راجی، ۱۳۹۷ش، ص ۵).

در زمینه نظامی، پیشرفت‌های نظام اسلامی قابل انکار نیست. کشوری که ایام جنگ برای وارد کردن سیم خاردار در مزیقه بود، امروزه ادوات نظامی پیشرفته را به کشورهای تراز اول تولیدکننده سلاح صادر می‌کند. کشوری که در زمان رضاشاه حتی نتوانست یک روز در مقابل حمله انگلیس و روسیه دوام بیاورد و تسلیم شد، امروزه وقتی اراده می‌کند بشار اسد باید بماند، درحالی که قدرت‌های بزرگ جهانی در صدد برانداختن رئیس‌جمهور سوریه برمی‌آیند، همگی نشانگر قدرت جمهوری اسلامی ایران و ناکامی دشمنان است. یکی دیگر از مظاهر قدرت این نظام آن است که به محض در افتادن با صدام، او را با چند رشته عملیات از بین بردند. اکنون بیش از چهل سال است که معاندان نظام اسلامی ایران، تمام تلاش خود را می‌کنند که این

انقلاب را براندازند و نسخه‌های مختلف و امتحان‌شده در کشورهای دیگر را در ایران جاری می‌کنند؛ اما هر بار دست از پا کوتاه‌تر برمی‌گردند.

بر اساس همان الگوی فکر سیاسی حوزویان که مایه شکل‌گیری نظام اسلامی شد، امروزه نظام اسلامی بستری را فراهم کرده است که به لحاظ علمی از رتبه پنج در منطقه به رتبه یک ارتقا یافته، و در نانو از رتبه ۵۸ به رتبه ۱۶ در جهان، در بیوشیمی و زیست مولکولی از رتبه ۵۲ به رتبه ۱۷ در جهان، در علوم هوافضا از رتبه ۴۵ به ۱۱ در جهان، در علوم فیزیک از رتبه ۵۶ به ۱۳ در جهان، در ریاضی از رتبه ۴۷ به رتبه ۱۳ در جهان و در همین رشته، به رتبه اول در منطقه غرب آسیا ارتقا یافته است (راجی، ۱۳۹۷ش، ص ۲۱۳-۲۶۹).

پیشرفت‌های فرهنگی حکومت اسلامی

در زمینه فرهنگی نیز که رسالت اصلی حکومت اسلامی است، پیشرفت‌های قابل توجهی به دست آمده است؛ از جمله:

۱. استقبال گسترده از شعائر دینی

استقبال مردم و به‌خصوص جوانان و نوجوانان در مراسم: دعای ندبه، دعای کمیل، دعای توسل، مراسم شب‌های قدر، برپایی گسترده سنت اعتکاف، آغاز سال نو در امکان مقدسه و زیارت بقاع متبرکه، پس از انقلاب فزونی یافته و این استقبال، هر سال رو به ازدیاد گذاشته است (همان، ص ۲۴۱)؛ معنویتی که کاملاً برآمده از فضای پس از انقلاب و با الگوگیری از علما و شهداست. در این باره، رهبر فرزانه انقلاب با مقایسه جوان‌های امروزی و جهان اول انقلاب می‌فرماید: «جوان‌های مؤمن امروز، از لحاظ انگیزه، از جوان اول انقلاب اگر جلوتر نباشند، عقب‌تر نیستند؛ یعنی این. اینها رویش‌های انقلاب‌اند. این، معجزه انقلاب است» (بیانات معظم‌له در دیدار با جمعی از خانواده‌های شهداء، ۱۳۹۷/۸/۲۱).

۲. ریشه‌کنی بی‌سوادی

در سال ۱۳۵۵، یعنی دو سال پیش از انقلاب، میزان جمعیت باسوادان از شش سال به بالا، ۷/۲۸ درصد، یعنی زیر ده درصد بود؛ در حالی که در همین کشور، پس از گذشت بیست سال، یعنی در سال ۱۳۷۵ میزان باسوادان کشور، به هشتاد درصد رسید (خوش‌آینده، ۱۳۹۸ش، ص ۴۰۸).

امروزه در ایران، تنها کسانی سواد ندارند که سنّ بالای شصت سال داشته باشند؛ اینان در زمان طاغوت، جوان بودند و شرایط تحصیل برایشان فراهم نبود و پس از انقلاب، با وجود فراهم بودن بستر آموزشی در مدارس و نهضت سوادآموزی، خود مایل به تحصیل سواد نبوده‌اند.

۳. صدور انقلاب

انقلاب اسلامی ایران که برآمده از فرهنگ اصیل اسلامی بود، علاوه بر آثار داخلی، کارکردهای خارجی بسیاری نیز داشت و دارد. پتر شول لاتور^۱ (۱۹۲۴-۲۰۱۶م) آلمانی، در اعترافی عجیب می‌گوید: به برکت انقلاب اسلامی، جهانیان یافته‌اند که تنها راه سعادت، اسلام است (حاجتی، ۱۳۹۵ش، ص ۶۹). آنتونی گیدنیز (زاده ۱۹۳۸م)، جامعه‌شناس انگلیسی نیز بر آن است که انقلاب اسلامی دنیا را به سمت دینی شدن می‌برد (گیدنیز، ۱۳۷۳ش، ص ۷۵).

در ادامه همین اذعان‌ها، به گفته پروفیسور توشیو کورودا ژاپنی (د ۱۳۹۶ش)، قبل از انقلاب اسلامی ایران، هر کتابی که با عنوان اسلام در ژاپن منتشر می‌شد، تیراژش کمتر از هزار نسخه بود؛ اما بعد از انقلاب، به ۲۰ هزار نسخه هم رسیده است (حاجتی، ۱۳۹۵ش، ص ۶۹). وی از حدود ۳ سال پیش از انقلاب تا زمان پیروزی، در ایران زندگی کرد و با اساتید و شخصیت‌هایی چون شهید مرتضی مطهری و شهید سید محمد بهشتی همراهی، پژوهش و گفت‌وگو داشت. او آثار متعددی (حدود ۲۰ مورد) را مانند نهج البلاغه و بدایة الحکمة علامه طباطبایی^۲ را به ژاپنی ترجمه نموده و آثاری چون ساختار اسلام، اقتصاد اسلامی و... را تألیف کرده است.

تبلیغات برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران در سرتاسر جهان، از دریچه حوزه‌های علمیه خارج از کشور در قالب جامعه المصطفی و سایر نهادهای تبلیغی خارج از کشور، مایه آشنایی و گروش هزاران نفر به اسلام شده است.

بنابراین، از نظر فرهنگی و مذهبی، انقلاب ایران علاوه بر تأثیر داخلی، آثار و برکات خارجی فراوانی داشته است.

۱. Peter Scholl-Latour.

۲. وی به جهت ترجمه ژاپنی کتاب بدایة الحکمة، موفق به کسب جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد.

۴. ممانعت از روند پسرقت مذهبی

جمهوری اسلامی، اگر هیچ کار فرهنگی هم نکرده باشد، جلوگیری از روند ضدّ فرهنگی زمان طاغوت، خود کار بزرگ فرهنگی است که اگر نبود، شیب نزول فرهنگی در ایران معلوم نبود امروزه تا کجا رفته بود؛ زیرا نظریه‌پرداز فرهنگی رضاشاه، یعنی محمدعلی فروغی، بر آن بود که ارزش‌ها و شیوه زندگی آمریکایی‌ها، الگوی آرمانی ایرانیان است (انجمن ایران و آمریکا، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۵)؛ آمریکایی که امروزه خودکشی، سومین عامل مرگ جوانان آن است (راجی، ۱۳۹۷ ش، ص ۲۵۶).

رخدادهای زمان شاه، به حدی از بی‌عفتی رسیده بود که آنتونی پارسونز^۱ (۱۹۲۲-۱۹۹۶م)، دیپلمات انگلیسی که از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ سفیر انگلیس در ایران بود، در مورد جشن هنر سال ۱۳۵۶ در شیراز و صحنه‌های منافعی عفت در آن می‌گوید: «اگر چنین نمایشی (انجام عمل منافعی عفت در صحنه تئاتر)، به طور مثال، در شهر منچستر انگلیس اجرا می‌شد، کارگردان و هنرپیشگان آن جان سالم به در نمی‌بردند» (پارسونز، ۱۳۶۳ ش، ص ۹۱). فحشا تا آنجا پیش رفت که دو پسر از دو ژنرال سرشناس با هم ازدواج کردند؛ کاری که در آن زمان، حتی در بیشتر کشورهای اروپایی غیرقانونی بود (راجی، ۱۳۹۷ ش، ص ۲۵۶). فیلم‌های مبتذل آمریکایی، بیش از ۳ درصد برنامه‌های تلویزیونی و سینمایی ایران را تشکیل می‌داد (روبین، ۱۳۶۳ ش، ص ۱۹۴). از نظر مذهبی نیز بهائیان به ارکان حکومت پهلوی راه یافته بودند و بسیاری از پُست‌های دولتی مهم را اشغال کرده و در روند گرایش به بهائیت، اقدامات مؤثری انجام داده بودند که با پیروزی انقلاب، متوقف شد (اللهیاری، ۱۳۸۷ ش، ص ۳۲).

تصور کنید اگر انقلاب اسلامی ایران پیروز نشده و با این شیب ضدّ فرهنگی، نظام طاغوت ادامه یافته بود، الآن وضعیت جامعه ما در چه مرحله‌ای قرار داشت.

این پیشرفت‌ها در زمینه‌های مختلف، در حالی است که تمام ارباب زر و زور دنیا، از هیچ کوششی برای متوقف کردن ایران در این مسیر کوتاهی نکرده‌اند و تمام تلاش خود را در طول این چهل سال، بر جنگ‌های: نظامی، اقتصادی، تحریمی، فرهنگی و رسانه‌ای علیه ملت و دولت ایران مبذول داشته‌اند. با این حال، چنین پیشرفت‌هایی دیده می‌شود.

1. Sir Anthony Parsons.

آیا اگر این ملت پس از انقلاب به حال خود وا گذاشته می‌شد، هم‌اکنون شاهد پیشرفت‌های چندبرابری نسبت به شرایط کنونی نبودیم؟

آیا اگر همین رشد پیشرفت‌های علمی، فرهنگی، تمدنی و اعتلای مذهبی متوقف نشود، به‌زودی شاهد احیای تمدن نوین اسلامی نخواهیم بود؟ بنابراین، برای رشد بیشتر و تحقق آرمانی‌ترین هدف انقلاب، با توجه به اینکه مقام معظم رهبری پرچم‌دار تمدن نوین اسلامی است، راه رسیدن به تمدن مذکور، عمل به منویات ایشان در این زمینه است. حوزه و وزارت علوم و وزارت آموزش پرورش، باید تمدنی فکر کنند، تمدنی پژوهش کنند و آرمان‌های تمدنی داشته باشند. وظیفه مسئولان ارشد و میانی، وضع و اجرای قوانینی است که مطابق با بیانیه گام دوم باشد. حوزه در سطوح مختلف، اعم از: استاد، طلبه، روحانی، مبلغ و نهادهای مختلف، باید رویکرد تمدنی داشته و کلان‌نگر باشد و هر شخص و نهاد حوزی، جایگاه خود را در تمدن‌سازی بیابد و به فعالیت‌های خویش تراز تمدنی بدهد.

ویژگی‌های نهادهای آموزشی شیعی و علمای آن

۱. فرا دینی بودن

تاریخ اسلام و سیره رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، ویژگی ساختاری علم‌آموزی را پیش چشم ما نهاده است؛ چنان‌که زیدبن ثابت به درخواست رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به آموختن خط و زبان عبری، عبرانی و سریانی پرداخت. پُر واضح است، در بین مسلمانان، معلم عبری‌دان (زبان یهودیان) نبود و زید برای آموختن این زبان‌ها، باید به نزد علمای یهود می‌رفت. از سوی دیگر، دایره آموختن در کلام اهل بیت، منحصر به افراد و طیف خاصی نیست؛ همان‌طور که حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «حکمت و دانش را فرا گیر؛ هر جا که باشد؛ زیرا حکمت، گاهی در سینه منافق است؛ اما در سینه او آرام نمی‌گیرد تا از آن خارج شود و در کنار حکمت‌های دیگر، در سینه مؤمن جای گیرد» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۸۱). آن حضرت در جای دیگر نیز فرموده: «حکمت را از هر که برایت آورد، فراگیر و بنگر که چه گفت و منگر که گوینده، کیست» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۶۱).

بر اساس همین الگوی تربیتی اهل بیت، در دارالعلم‌های شیعی، تنوع مطالب درسی نیز تنها

در تنوع دینی آنها نبود هنگامی که شرایط دایر کردن کرسی درس برای امام صادق علیه السلام پیش آمد، به تربیت صدها شاگرد در علوم مختلف همت گماشت (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۷۹)؛ تا جایی که در برخی موارد، اگر کسی برای مناظره خدمت ایشان می‌رسید، به تناسب علم مراجعه‌کننده، به شاگردان خود در علوم مختلف، از جمله: کلام، لغت و فقه ارجاع می‌داد. ابن خلکان در این باره می‌گوید: امام صادق علیه السلام در برنامه درسش، از فنّ کیمیا که فیزیک و شیمی و مکانیک است، تعلیماتی داشت و در فنّ زجر و فال هم درس می‌داد و شاگرد او در این فن، جابر بن حیان صوفی بوده و کتابی مشتمل بر هزار ورق متضمن رسائل امام صادق که پانصد رساله بوده، نگاشت (ابن خلکان، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۲۷).

این دو امر، در دارالعلم‌های شیعی که حوزه‌های علمیه میراث‌بر آن بودند، در طول تاریخ حاکم بود. در دارالعلم قاهره، با آنکه شیعه اسماعیلیه بودند، گروهی از استادان سنی و شیعه‌مذهب تدریس داشتند و چنان با هم تعامل داشتند که حتی ریاست مؤذنان مسجد جامع، سنی‌مذهب بود (عطیه، ۱۹۴۷م، ص ۱۶۱-۱۶۲). در همان زمان، عضدالدوله بویه، از یک مسیحی نسطوری به نام جبرئیل بن عبیدالله بن بختیشوع بن جرجیس دعوت کرد تا در مراکز علمی منتسب به وی، همکاری کند (ابن ابی‌اصیبه، ۱۹۶۵م، ج ۱، ص ۲۱۱-۲۱۲). دارالعلم شاپورین اردشیر، اگرچه به نام شیعه دایر شده بود، اما در آن همه محققان و استادان، اعم از شیعه و سنی و حتی غیرمسلمان، حضور داشتند (معری، ۱۴۰۴ق، ص ۵۲). در این مرکز علمی، نه تنها صرف، نحو و فقه اللغه، بلکه طب، نجوم، ریاضیات و فلسفه تدریس می‌شد (پرورش، ۱۳۹۲ش، ص ۱۸۲)؛ حتی ابوالعلاء معری که زندیق بود، در آنجا حضور یافته و از این مکان، به بزرگی یاد کرده و از اینکه مدت کمی توانسته در آنجا بماند، اظهار تأسف نمود (معری، ۱۴۱۰ق، ص ۱۲۸).

البته امروزه این ویژگی در حوزه‌ها کمتر دیده می‌شود و در حوزه، بیشتر به تحصیل و تدریس علوم دینی و اخیراً هم علوم طبیعی (طب سنی) بسنده شده است.

۳. استقلال مالی

بیشتر نهادهای آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، تمدنی و حتی بهداشتی، در تمدن اسلامی و به خصوص شیعه، از نظر مالی و اقتصادی، وابسته به حاکمان و سرمایه‌داران نبوده؛ بلکه از طریق سنت حسنه وقف یا وجوهات شرعی اداره می‌شد.

الف. سنت وقف

اداره این مؤسسات آموزشی، عموماً از راه وقف بود؛ برای مثال، دارالعلم شاپوربن اردشیر (۳۳۶-۴۱۶ق)، موقوفه‌هایی با عنوان «دارالأصحاب اللعّب» و «دارالغزل» داشت (همدانی، ۲۰۰۸م، ص ۱۳۵). سید مرتضی، روستایی را وقف دارالعلم خود نمود و هزینه آن را از این روستا تأمین می‌کرد. فاطمیان ضربابخانه، بازار قیساریه الصوف و ساختمان دیگری معروف به «دارالخرق» را وقت دارالعلم خود کردند و از درآمد حاصل این موقوفات، مستمری به نام سنّیه به دانشجویان و طلاب پراخت می‌شد (مقریزی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۵۹). ابن سوار، ابوطاهر احمدبن علی بن عبیدالله بغدادی (۴۱۲-۴۹۶ق) نیز در دارالعلمش حقوق ماهیانه برای دانشجویان در نظر گرفته بود (کریمی زنجانی اصل، ۱۳۸۹ش، ص ۵۷). سید رضی در دارالعلم خود، حجره‌ای به عنوان «خزانه دارالعلم» در نظر گرفت و مایحتاج طلاب، اعم از وسایل و پول را در آن گذاشت و به همه طلاب، کلید این حجره را داد تا خودشان به اندازه نیاز بر دارند (موسوی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۷۵).

وقف، به عنوان بزرگ‌ترین پشتوانه مالی مؤسسات آموزشی و عام المنفعه، همچنان در تمدن اسلامی ادامه یافت. یکی از امرای مغول به نام «غازان خان» که به اسلام گرویده بود، بناهای زیادی در ایران، از جمله آنها مجموعه فرهنگی - آموزشی به نام «ابواب البر» احداث کرد که بعدها از آن به عنوان «شب غازان» یا «شام غازان» یاد می‌کنند (تسوی، ۱۳۸۲ش، ج ۶، ص ۴۲۰۸). این مؤسسه فرهنگی بزرگ، دارای کتابخانه عظیم، بیت قانون، رصدخانه، مدرس علوم دینی و غیردینی، بیمارستان، قسمت مسکونی جهت اسکان طلاب، سادات، اساتید و خدمه بود. تمام این موارد، از موقوفه تأمین می‌شد. توصیف ساختمان اصلی و بناهای اطراف آن، شگفت‌آور است. تنها در یک لوستر، هزار مثقال طلا به کار رفته بود (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۴ش، ص ۳۰۶-۳۰۷)؛ هرچند این بنا امروزه موجود نیست و تنها در محل آن، خیابانی به همین نام در تبریز وجود دارد. عظمت این بنا، از وقف‌نامه موجود آن به دست می‌آید (همان؛ به نقل از: حبیب السیر، ج ۳، ص ۱۰۸). این مجموعه، از عظیم‌ترین بناهای اسلامی تا آن تاریخ در قلمرو اسلامی به شمار می‌آمد. هدف وی از ساخت این بنا، تشبّه به حاکمان اسلامی بود؛ تا پس از مرگ، از وی به نیکی یاد شود (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۴ش، ص ۳۰۵). برادر غازان خان، یعنی اولجایتو (۶۸۰-۷۱۶ق) که مذهب شیعه

دوازده امامی را اختیار کرده بود (جعفریان، ۱۳۸۸ش، ص ۶۹۴) نیز مدرسه علمیه بنا نهاد (حافظ ابرو، ۱۳۵۰ش، ص ۶۹-۶۸).

این رویه، در بسیاری از دولتمردان ادامه داشت. آنها با ساخت مدارس بزرگ علوم دینی و غیره و در نظر گرفتن موقوفات پُردرآمد برای آنها، حوزه‌ها و نهادهای آموزشی را از اتکا به حکومت‌ها و ثروتمندان بی‌نیاز می‌کردند و خرج‌های جاری آنها، از جمله: حقوق اساتید و کارمندان، اداره حوزه و نیز شهریه طلاب و دانشجویان، از این طریق تأمین می‌شد. امثال شیخ مفید، شیخ صدوق، بوعلی سینا و ابوریحان، برای دانشمند شدن، نه تنها از جیب خود خرج نکردند، بلکه به اصطلاح امروزی پول توجیبی نیز گرفتند.

ب. وجوهات شرعیه

وجوهات شرعیه، از جمله: زکات، انفاق، صدقه و خمس، به‌عنوان پشتوانه قوی برای نهادهای آموزشی محسوب می‌شدند. این آموزه که ریشه قرآنی دارد (سوره انفال، آیه ۴۰ و آیات مرتبط با زکات)، حوزه را از حاکمان، بی‌نیاز کرد. در ادامه همین نگاه دینی، پس از آغاز نهضت امام خمینی، یکی از علما به نام آیت‌الله روح‌الله کمالوند، با تصمیم علمای قم با شاه ملاقات کرد. شاه به ایشان گفت: «علمای ما باید شاه‌دوستی را از علمای اهل سنت دیگر کشورها یاد بگیرند.» کمالوند در جواب گفته بود: «آنها مأمورین دولت‌های خود هستند و مانند استانداران و فرمانداران ایران به جهت انجام مأموریت اداری دعا می‌کنند؛ ولی علمای شیعه، در تاریخ هزارساله خود، هیچ‌گاه مأمور حکومت‌ها نبوده و نخواهند بود» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۱۰۳۴۰ و ۵۸۶۸). این صلابت در مقابل شاه، با پشتوانه بی‌نیازی در امور مالی صورت پذیرفت که یکی از منابعش، همان وجوهات شرعیه بود.

نتیجه

نهادهای آموزشی شیعی و حوزه‌های علمیه، تا پیش از دوره قاجار، متولی علوم دینی و غیردینی بودند و در هر دو عرصه، شخصیت‌های بین‌المللی تربیت کردند. مؤمن الطاق، هشام‌بن حکم، شیخ مفید، شیخ طوسی، خواجه نصیر، شیخ بهایی، ملاصدرا و علمای دیگر در علوم دینی و نیز جابر بن حیان، زکریای رازی، ابن سینا، ابوریحان و خواجه نصیر، شیخ بهایی و... از چهره‌های جهانی هستند که در حوزه علمیه تربیت و پرورش یافتند؛ اما با دایر شدن مؤسسات عملی

جدید، از جمله دارالفنون، حوزه‌ها تنها متصدی علوم دینی شدند و علوم دیگر به نهادهای علمی جدید واگذار شد. در این مرحله نیز حوزه‌ها در آنچه رسالتشان بود، سنگ تمام گذشته و چهره‌هایی چون: شیخ عبدالکریم حائری، آیت‌الله بروجردی و امام خمینی را تربیت کردند که در شمار شخصیت‌های جهانی هستند و اگر علوم غیردینی از حوزه‌ها گرفته نمی‌شد، امروزه شاهد پرورش چهره‌های جهانی در این عرصه‌ها نیز بودیم.

نکته دیگری که در رشد و رونق تمدن اسلامی سهم بسزایی داشت، نگاه به سیاست در آموزه‌های شیعی بود. این نگاه، باعث می‌شد کنش سیاسی متناسب با شرایط زمان متفاوت باشد که نمونه بارز آن، شیخ عبدالکریم حائری و امام خمینی هستند. همین آموزه متعالی، باعث شکل گرفتن جمهوری اسلامی شد که در عرصه تمدن‌سازی، قدم‌های بزرگی برداشته و اگر همت فرهیختگان، اساتید، دانشجویان و طلاب و عامه مردم مضاعف گردد، به‌زودی شاهد تمدن نوین اسلامی به رهبری ایران اسلامی خواهیم بود.

منابع

۱. آشتیانی، عباس اقبال، ۱۳۸۴ش، تاریخ مغول، چاپ هشتم، تهران، امیر کبیر.
۲. آقابزرگ طهرانی، ۱۴۳۰ق، طبقات اعلام الشيعة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳. ابن‌ابی‌اصیبه، ۱۹۶۵م، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، بیروت، چاپ نزار رضا.
۴. ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۶۷م، شرح نهج البلاغه، چاپ دوم، مصر، دار احیاء الکتب العربیة.
۵. ابن‌تغری بردی، یوسف، ۱۳۹۲ق، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة، الطبعة الأولى، قاهرة، وزارة الثقافة والارشاد القومي، المؤسسة المصرية العامة.
۶. ابن‌جوزی، عبدالرحمن، ۱۴۱۲ق، المنتظم، محقق: عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت.
۷. ابن‌خلکان، احمد بن محمد، بی‌تا، وفيات الأعیان وأنباء أبناء الزمان، عباس احسان، چاپ اول، بیروت، دار الفکر.
۸. ابن‌عبدالبر، یوسف بن عبدالله، ۱۴۱۲ق، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تصحیح: علی محمد البجاوی، چاپ اول، بیروت، دار الجیل.
۹. ابن‌عدیم، عمر بن احمد، بی‌تا، بغیة الطلب فی تاریخ حلب، زکار سهیل، چاپ اول، بیروت، دار الفکر.

۱۰. ابن‌قتیبه، عبدالله بن مسلم، ۱۴۲۳ق، شعر الشعراء، تحقیق: احمد محمد شاکر، قاهره، انتشارات مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۱۱. اسکندر منشی، ۱۳۵۰ش، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تهران.
۱۲. اللهیاری، احمد، ۱۳۸۷ش، بهائیان در عصر پهلوی، تهران، انتشارات دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیان.
۱۳. امام خمینی، روح‌الله، ۱۳۶۲ش، امام و روحانیت: مجموعه سخنان و دیدگاه‌های امام خمینی درباره روحانیت، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۱۴. انجمن ایران و آمریکا، پاییز ۱۳۸۴ش، فصلنامه مطالعات تاریخی، ش ۹.
۱۵. بصیرت‌منش، حمید، ۱۳۷۸ش، علما و رژیم رضاشاه، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۱۶. بلاذری، ابوالحسن، ۱۳۹۸، فتوح البلدان، تحقیق: رضوان محمد رضوان، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۱۷. بهمنی، محمد، تیر و مرداد ۱۳۸۵، «ماجرای پایان‌ناپذیر کشف حجاب»، ماهنامه دیدار آشنا، ماهنامه فرهنگی، اجتماعی ویژه نوجوانان، پیاپی ۷۰-۷۱.
۱۸. پرورش، محسن و محمدی ذکرالله، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ش، «دارالعلم‌های دوره آل‌بویه و نقش آن در شکوفایی و ارتقای علم و دانش»، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال چهارم، شماره هفتم.
۱۹. تتوی، احمد بن نصرالله، ۱۳۸۲ش، تاریخ الفی، چاپ اول، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
۲۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق: سید مهدی رجایی، چاپ دوم، قم، دار الکتب الإسلامی.
۲۱. جعفریان، رسول، ۱۳۸۸ش، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا دولت صفوی، چاپ سوم، تهران، نشر علم.
۲۲. جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۸ش، ستارگان حرم، قم، زائر.
۲۳. حاجتی، احمد رضا، ۱۳۹۵ش، عصر امام خمینی علیه‌السلام، چاپ ۲۱، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
۲۴. حافظ ابرو، عبدالله، ۱۳۵۰ش، ذیل جامع التواریخ رشیدی، به کوشش: خان‌بابا بیانی، تهران.

۲۵. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۸۰ش، الحیاة، مترجم: احمد آرام، چاپ اول، تهران، دفتر نشر اسلامی.
۲۶. خطیب بغدادی، احمد بن علی، ۱۴۱۷ق، تاریخ بغداد، محقق: مصطفی عطا عبدالقادر، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۲۷. _____، بی تا، تاریخ بغداد، تحقیق: مصطفی القادر عطاء، بی جا، محمد علی بیضون.
۲۸. خواندمیر، غیاث‌الدین، ۱۳۸۰ش، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، تهران، خیام.
۲۹. خوش‌آینده، حمید، ۱۳۹۸ش، انقلاب چهل ساله؛ دستاوردها و فرصت‌ها، چاپ دوم، قم، انتشارات خط مقدم.
۳۰. الدیوه جی، سعید، ۱۹۸۲م، تاریخ الموصل، موصل، دار الکتب للطباعة والنشر.
۳۱. راجی، سید محمد حسین، ۱۳۹۷ش، صعود چهل ساله، آستان قدس.
۳۲. زرنندی، عبدالکریم، ۱۳۷۸ش، «راهر و فیضیه»، دیدار، ش ۸۳۰.
۳۳. روین، باری، ۱۳۶۳ش، جنگ قدرت‌ها در ایران، مترجم: محمود مشرقی، ناشر آشتیانی.
۳۴. سیدرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، نهج البلاغه، مصحح: صبحی صالح، چاپ اول، قم، هجرت.
۳۵. شعبانی، اولیاء، ۱۳۸۰ش، معمار فضیلت؛ ویژه وفات آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، چاپ اول، زیتون، پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۳۶. شکوری، ابوالفضل، ۱۳۶۸ش، «مرجع دوران‌دیش و صبور؛ آیت‌الله حائری، مؤسس حوزه علمیه قم»، تهران، فصلنامه یاد، وابسته به بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی.
۳۷. شیخ طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۲۰ق، فهرست کتب الشیعة وأصولهم وأسماء المصنفین وأصحاب الأصول، محقق: عبدالعزیز طباطبائی، چاپ اول، قم، مکتبة المحقق الطباطبائی.
۳۸. شیخ مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، چاپ اول، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۹. _____، ۱۴۱۴ق، تصحیح اعتقادات الإمامیة، مصحح: حسین درگاهی، چاپ دوم، قم، کنگره شیخ مفید.
۴۰. _____، ۱۴۱۴ق، الرسائل فی الغیبة، تحقیق: علاء جعفری، چاپ دوم، بیروت، دار المفید.

۴۱. شیرخانی، علی و عباس زارع، ۱۳۸۴ش، تحولات حوزه علمی قم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴۲. صدیق، ۱۳۵۴ش، تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر، تهران.
۴۳. طارمی، حسن، ۱۳۸۹ش، علامه مجلسی، تهران، طرح نو.
۴۴. طباح، محمد ارغب، ۱۴۰۸ق، إعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء، چاپ دوم، حلب، دار القلم العربی.
۴۵. طبرسی، احمد بن علی، ۱۳۹۰ش، احتجاج، مشهد، آستان قدس.
۴۶. عطیه، خطاب، ۱۹۴۷م، التعليم في مصر في العصر الفاطمي الأول، قاهره.
۴۷. غنیمه، محمد عبدالرحیم، ۱۳۷۲ش، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه: نورالله کسائی، تهران.
۴۸. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ۱۳۷۵ش، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، چاپ اول، قم، انتشارات رضی.
۴۹. فقهی‌زاده، عبدالهادی، ۱۳۹۳ش، علامه مجلسی و فهم حدیث (مبانی و روش‌های فقه الحدیثی علامه مجلسی در بحار الأنوار)، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب.
۵۰. قفطی، علی بن یوسف، ۱۳۴۷ش، تاریخ الحكماء، ترجمه فارسی از قرن یازدهم هجری، چاپ بهین دارائی، تهران.
۵۱. کرامتی، یونس، ۱۳۸۳ش، مدخل «بیت الحکمة» در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر: سید کاظم موسوی بجنوردی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۵۲. کریمی زنجانی اصل، محمد، ۱۳۸۹ش، دارالعلم‌های شیعی و نوزایی فرهنگی در جهان اسلام، چاپ دوم، تهران، اطلاعات.
۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵ش، اصول کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۵۴. گیدنیز، آنتونی، ۱۳۷۳ش، جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، چاپ اول، تهران، نی.
۵۵. لاجوردی، حبیب، ۱۳۸۱ش، خاطرات دکتر مهدی حائری یزدی، تهران، بی‌نا.
۵۶. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، ۱۹۸۹م، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، تحقیق: شیخ بکری حیانی، تصحیح: شیخ صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۵۷. ستوده، امیررضا و شهرام رجب‌زاده، ۱۳۹۱ش، پابه‌پای آفتاب؛ گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی امام خمینی علیه السلام، تهران، پنجره.

٥٨. مطهری، مرتضی، ١٣٥٧ش، خدمات متقابل ايران و اسلام، انتشارات صدرا.
٥٩. معری، ابوالعلاء، ١٤١٠ق، دیوان سقط الزند، بیروت، دار مكتبة العلمية.
٦٠. _____، ١٤٠٤ق، رسائل ابوالعلاء معری، بیروت، المزرعة بنایة الايمان.
٦١. مقریزی، تقی الدین احمد بن علی، ١٤٢٠ق، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع، تحقیق: محمد عبدالحمید النمیسى، الطبعة الأولى، بیروت، دار الكتب العلمية.
٦٢. _____، ١٤١٨ق، المواعظ والإعتبار بذكر الخطط والآثار، چاپ اول، بیروت، دار الكتب العلمية.
٦٣. موسوی، حسن، ١٣٨١ش، زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد، قم، بوستان کتاب.
٦٤. نجاشی، احمد بن علی، ١٤٠٧ق، فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر بـ رجال النجاشی، قم، چاپ موسی شبیری زنجانی.
٦٥. همدانی، محمد بن عبدالملک، ٢٠٠٨م، قطع تاريخية من كتاب «عنوان السير في محاسن أهل البدو والحضر، أو المعارف المتأخرة»، الطبعة الأولى، تونس، دار الغرب الاسلامی.



Journal of Islamic Propagation

Volume 4 ● No 10 ● Autumn & Winter 2024

The Powerful Religious Speaker, Haj Sheikh Morteza Ansari (1323-1391 AH)

Naserodin Ansari Qomi*

Abstract

Haj Sheikh Morteza Ansari Qomi (1323-1391 A.H.), was considered one of the hardworking propagators of Islam. The late speaker was always the first person, in preaching and religious propagation as well as promoting and publishing hadiths of the Ahl al-Bayt. His will and sound of his minbar and good sermons was published all over Iran and he left good works in most of his propagation trips and his campaigns against Sheikhs, Sufis, Babis, Baha'is and communists. This study aims to identify the method of his propagation and speech and how he dealt with various social and religious thoughts and events. The method is library and field research. The findings suggest that the late speaker started his activities by using tools such as the verses, narratives and news that he had in his mind, with his own sweet taste and enthusiasm, and for forty years, he preached in the summer and winter, in the east, west, north, and south of Iran and al-'Atabāt al-'Aliyāt (holy shrines of Shi'a Imams in Iraq including Najaf, Karbala, Kadhimiya, and Samarra). In any city of Iran, if a wolf opened its mouth to kidnap the youth of Islam, he would pounce on him like a roaring lion, break his teeth and sew his mouth shut. Now, on the 50th anniversary of his death, we have a brief description of his life and services and show a little of his knowledge, commitment and responsibility.

Key words:

Sheikh Morteza Ansari, propagation, method of speaking on minbar, fight against Baha'ism, incident of Faizyeh school, charitable buildings.

* Researcher and professor of higher levels of Qom seminary.

روش‌ها و دغدغه‌های تبلیغی حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ مرتضی انصاری

ناصرالدین انصاری قمی*

چکیده

آقای حاج شیخ مرتضی انصاری قمی (۱۳۲۳-۱۳۹۱ ق)، یکی از مبلغان نستوه دین به شمار می‌رفت. فقید سعید، در وعظ و تبلیغات دینی و ترویج و نشر احادیث اهل بیت علیهم‌السلام، گوی سبقت را از همگان ربود؛ چنان‌که وصیت و صوت منبر و مواعظ حسنه‌اش، به سراسر ایران رسید و در غالب مسافرت‌های تبلیغی خود و مبارزاتش علیه شیخی‌ها و صوفی‌ها و بابی‌ها و بهائی‌ها و کمونیست‌ها، آثار نیکویی از خود به جای گذاشت. هدف از این تحقیق دستیابی به شیوه تبلیغ و خطابه ایشان و نحوه برخوردشان با افکار و رویدادهای گوناگون اجتماعی و دینی است. روش پژوهش کتابخانه‌ای و میدانی است. یافته‌ها نشان می‌دهد آن مرحوم با اسباب و ابزار از آیات و روایات و اخبار که در صندوق سینه‌اش محفوظ داشت، با آن ذوق و سلیقه شیرین و مخصوص به خودش، به راه افتاد و چهل سال تمام، تابستان و زمستان در شرق و غرب و شمال و جنوب ایران و عتبات عالیات به موعظه پرداخت. در هر شهری از شهرهای ایران، اگر گرگی برای ربودن جوانان اسلام، دهان می‌گشود، او مانند شیری خروشان بر وی می‌تاخت، دندانش را می‌شکست و دهانش را می‌دوخت. اینک در پنجاهمین سال وفاتش، گذری کوتاه بر شرح زندگی و خدماتش داریم و اندکی از آگاهی و تعهد و مسئولیت وی را باز می‌نمایانیم.

کلیدواژگان: شیخ مرتضی انصاری، تبلیغ، روش خطابه، مبارزه با بهائیت، واقعه مدرسه فیضیه،

بناهای خیریه.^۱

* پژوهشگر و استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم.

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و نکوداشت آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله‌علیه تالیف شده است.

مقدمه

آقای حاج شیخ مرتضی انصاری قمی، یکی از مبلغان نستوه دین به شمار می‌رفت. فقید سعید، در وعظ و تبلیغات دینی و ترویج و نشر احادیث اهل بیت علیهم‌السلام، گوی سبقت را از همگان ربود؛ چنان‌که وصیت و صوت منبر و مواعظ حسنه‌اش، به سراسر ایران رسید و در غالب مسافرت‌های تبلیغی خود و مبارزاتش علیه شیخی‌ها و صوفی‌ها و بابی‌ها و بهائی‌ها و کمونیست‌ها، آثار نیکویی از خود به جای گذاشت و بسیاری از مردم را به راه دین اسلام کشید و از انحراف نجات داد (شریف رازی، ۱۳۵۲، ص ۳۳۹؛ همو، ۱۳۳۵، ص ۱۴۴).

آن مرحوم با اسباب و ابزار از آیات و روایات و اخبار که در صندوق سینه‌اش محفوظ داشت، با آن ذوق و سلیقه شیرین و مخصوص به خودش، به راه افتاد و چهل سال تمام، تابستان و زمستان در شرق و غرب و شمال و جنوب ایران و عتبات عالیات به موعظه پرداخت. در هر شهری از شهرهای ایران، برای ربودن جوانان اسلام، اگر گرگی خمیازه می‌کشید و دهان می‌گشود، او مانند شیری خروشان بر وی می‌تاخت، دندانش را می‌شکست و دهانش را می‌دوخت. مرحوم آیت‌الله بروجردی می‌فرمود: زبان انصاری و قلم سید شرف‌الدین، هر دو خدمتگزار واقعی اسلام‌اند (مجله معارف جعفری، سال دوازدهم (اسفند ۱۳۵۰/محرّم الحرام ۱۳۹۲ق)، ص ۲۹۱-۲۹۲؛ ر.ک: مجله مکتب اسلام، ش ۱۴۱ (مهرماه ۱۳۵۰)، ص ۱۶؛ روزنامه کیهان، مورخ ۱ شهریور ۱۳۵۰، ص ۳).

اینک در پنجاهمین سال وفاتش، گذری کوتاه بر شرح زندگی و خدماتش داریم و اندکی از آگاهی و تعهد و مسئولیت وی را باز می‌نمایانیم.

تولد و تحصیل

مرحوم شیخ مرتضی انصاری قمی، سال ۱۳۲۳ق در قم، در خانواده‌ای پُرفضیلت که نَسَب به شیخ الطائفه جناب سعدبن عبدالله اشعری قمی، صحابی جلیل امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌بردند، زاده شد (مقدس‌زاده، ۱۳۳۲، ص ۱۵۸؛ شریف رازی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۳۴). پدرش «العبد الصالح العابد المتعهد» (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۶، ص ۲۰)، مرحوم شیخ محمدحسین زاهد، یکی از عباد و زهاد پایین‌شهر قم و از معتمدان و ثقات حضرات آیات: آقا شیخ ابوالقاسم قمی و آقا شیخ مهدی حکمی قمی بوده است. مرحوم انصاری، از اوان تأسیس حوزه علمیه قم در سال

۱۳۴۰ق (۱۳۰۱ش) به تحصیل علوم دینی روی آورد و مقدمات و ادبیات را نزد مرحوم علامه میرزا محمدعلی ادیب تهرانی آموخت و سطوح را در محضر حضرات آیات: میرزا محمد همدانی، آخوند ملا علی همدانی، حاج شیخ محمدعلی حایری قمی و آیت الله حاج سید محمدتقی خوانساری فراگرفت و پس از آن، در سال ۱۳۴۷ق، به درس خارج فقه و اصول آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری حاضر شد و به زودی در زمره یکی از شاگردان مبرز وی درآمد (شریف رازی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۳۴۰؛ مقدس زاده، ۱۳۳۲، ص ۱۵۸؛ شریف رازی، ۱۳۳۵، ج ۲، ص ۱۴۴؛ مجله معارف جعفری، ص ۲۹۱؛ ریحان یزدی، ۱۴۰۸، ص ۳۳۱). وی در آن زمان، جلسات انس و تفریح علمی با حضرات آیات: امام خمینی، سید مرتضی فقیه مبرقععی (حاج داداش)، فاضل قفقازی و جز آنان داشت و هر چند وقت یکبار، در خانه یکدیگر گعده علمی داشتند.

هجرت برای تبلیغ

مرحوم شیخ مرتضی انصاری قمی، از بنیان‌گذاران هجرت برای تبلیغ در ماه مبارک رمضان و ماه محرم به همراه دوستانش مرحوم آیت الله محقق داماد و آیت الله شیخ محمدرضا طبسی بود. آیت الله طبسی می‌گوید:

دهه آخر صفر، من به ساوه رفتم و دوستان هم نقاط دیگر را برای امر تبلیغ انتخاب کردند؛ مثلاً مرحوم آقای سید محمد داماد، آشتیان را و مرحوم آقای انصاری، یزد را انتخاب کردند (مجله حوزه، ش ۳۴).

شریف رازی هم می‌نویسد:

مرحوم آقای انصاری، حسب الامر آیت الله حائری، چندین سال برای اقامه جماعت و ترویج دین به قصبه گرگان - دو فرسخی آشتیان - رفت و مردم آن سامان را با مواعظ و خطابه‌های خود ارشاد نمود و در حقیقت، دین مردم گرگان و آشتیان، تاکنون موهون اقامت چندین ساله وی و زحمات بی دریغ و شبانه‌روزی‌اش بوده است (شریف رازی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۳۴۰؛ مقدس زاده، ۱۳۳۲، ص ۱۵۸).

استاد علامه، مرحوم حجت الاسلام سید عبدالعزیز طباطبایی می‌فرمود:

آقای انصاری در این مدت، نهایت بهره و استفاده را از اوقات خویش بُرد. هم نسلی متدین تربیت کرد و هم دوره کتاب بحار الأنوار - چاپ کمپانی - را به همراه خود بُرد و از ابتدای آن به

انتهاش رفت و از آخر به اولش آمد و همه را دقیق مطالعه کرد و به خاطر سپرد. او به اندازه‌ای در حدیث‌شناسی متبحر و چیره‌دست بود که هر حدیثی را از او می‌پرسیدند، با ذکر دقیق منبع آن - که در چه جلد و چه بابی است؟ - پاسخ می‌داد.^۱

صبیه ایشان می‌گوید:

در خاطر من هست که حاج عمو (شهید آیت‌الله حاج شیخ احمد انصاری) می‌گفت: زمانی به گرگان رفتم. دیدم ایشان بحار و کتاب‌های متعددی را، دور خود چیده بود و برای یک حدیث، چند کتاب و منبع مختلف را می‌دید، با هم تطبیق می‌داد و یادداشت می‌کرد.

پدر در باره احادیث، حساس بود و بسیار وقت می‌گذاشت. می‌گفت: برخی آقایان احادیثی می‌خوانند که صحیح یا قابل اعتماد نیست. اگر با او صمیمی باشم، اشکال حدیث را می‌گویم و اگر صمیمی نباشم، سکوت می‌کنم. بسیار مقید بود که در تفسیر قرآن و بیان احادیث سخنی اشتباه گفته نشود. مطالعه ایشان، بسیار زیاد بود (مجله حریم امام، ش ۵۰۹، مرداد ۱۴۰۱، ص ۸).

زمانی من برای سخنرانی در کنگره میرزای آشتیانی به آشتیان رفتم و پس از اعلام نامم و خاتمه سخنرانی، گروهی از حضار که اهل آشتیان بودند، دور من جمع شدند و از خاطرات پدرانشان در باره مرحوم حاج انصاری سخن گفتند و مرا بسیار احترام نمودند و از بنده می‌خواستند که چند روز را نزدشان بمانم. می‌گفتند: دین ما، مرهون زحمات حاج انصاری است و هنوز در خانه‌های ما، ذکر خیر ایشان جاری است.

بازگشت به قم

مرحوم شیخ مرتضیٰ انصاری قمی، پس از حدود ده سال توقف در آن منطقه، به زادگاهش بازگشت و ارشاد مردم مسلمان را از طریق وعظ و تبلیغ آغاز کرد.

اهمیت و روش خطابه مرحوم انصاری

او خطیبی رشید و سخنوری فصیح و بلیغ و واعظی دلسوز به حال جامعه بود و مودت و محبت و اخلاص وی به ائمه اطهار علیهم‌السلام به حد کمال بود و راوی روایات و محدث احادیث آنان به شمار

۱. نقل شفاهی از نویسنده.

می‌رفت. او مردی روان‌شناس و اغلب مطالب روز را با احادیث و روایات تطبیق و تلفیق می‌کرد و با شیرینی و ملاحظتی که داشت، آنها را به جامعه تفهیم می‌نمود. تخصص وی، بیشتر در نشر احادیث و اخبار بود و مطلبی را که با آیتی از قرآن عنوان می‌کرد، بر طبق آن تا آخر منبر، ده‌ها حدیث و روایت تفسیر می‌نمود و آن را با اشعار و امثال و حکایت‌های دلنشین می‌آمیخت... (انصاری، ۱۳۴۲، ص ۱۳۸). او حافظ بیش از سی هزار حدیث بود (گروه نویسندگان، ۱۳۶۲ تا کنون، ج ۲، ص ۲۰۰) و از این گنجینه گرانبها، در منبرهایش به خوبی استفاده کرد.

آیت‌الله العظمی بروجردی فرموده بود:

زبان انصاری و قلم شرف‌الدین، هر دو خدمتگزار واقعی اسلام‌اند.^۱

امام خمینی فرموده بود:

انصاری، زبان گویای مردم قم است و تنها نیست و همه جمعیت، پشت سر او هستند (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۸۳ (۶ آبان ۱۳۴۱ / مطابق ۲۸ جمادی الأول ۱۳۸۲ق)؛ گروه نویسندگان، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۸۵-۸۶).

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی فرمود:

در یک مجلس، با تسبیح شمردم تا هفتاد حدیث صحیح خواندند. او سری پُرشور و روحیه قوی و پُرصلابت در امر به معروف و نهی از منکر داشت و کسی مانند او را ندیدم.^۲

آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی فرمود:

حاج آقای ما، از منبر آقای انصاری خیلی خوشش می‌آمد و می‌گفت: منبر، جای حدیث و وعظ است و باید افراد را اصلاح کند و جای هنرنمایی نیست و چون منبر ایشان واجد موعظه و حدیث بود، از آن تعریف می‌کرد.

خودم دیدم آقای تربتی، از مرحوم انصاری تبلیغ و تمجید می‌کرد و می‌گفت: ایشان در

انزلی بی‌نمازها را نمازخوان کرده و قماربازها و اهل فحشا را توبه داده است.^۳

۱. به نقل از پدر نویسنده: حاج شیخ محمدعلی انصاری.

۲. نقل شفاهی از نویسنده.

۳. همان.

آیت‌الله مشکینی در خطبه‌های نماز جمعه قم فرمود:

زمانی که ما وارد قم شدیم، آقای انصاری بسیار مشهور بود. او در هر منبرش ده‌ها حدیث می‌خواند، من از صداوسیما می‌خواهم نوارهای ایشان و امثال او را پیدا کنند و برای مردم پخش نمایند. این‌ها به گردن مردم حق دارند. این‌ها بودند که دین مردم را حفظ کردند...^۱

مرحوم آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی فرموده:

آمیرزا علی [مشکینی] به منبر آمیرزا محمدتقی اشراقی کمتر توجه داشت؛ چون آقای اشراقی، کمتر روایات می‌خواند؛ اما بیشتر به پای منبر حاج انصاری می‌رفت. چون ایشان، بیشتر روایات می‌خواند (درازی، ۱۳۹۵، ص ۱۸۶).

آیت‌الله العظمی سبحانی می‌فرمود:

در یک شب اربعین، پای منبر او بودم. او چهل حدیث با لفظ اربعین خواند و همه را توضیح داد. هنر وی، آن بود که آب در دل او تکان نمی‌خورد. برای هر موضوعی، منبری آماده داشت و بیم در دل او ایجاد نمی‌کرد.^۲

آیت‌الله حاج سید محمدجواد علوی بروجردی هم می‌گوید:

آشیخ مرتضی حاج انصاری، از حاج شیخ عبدالکریم اجازه روایت داشتند. ایشان در مسجد ارک منبر می‌رفتند و چنان بیان شیرین و لطیفی داشتند که تمام مسجد و شبستان‌ها و حیاط پُر از جمعیت می‌شد. در منبر گاهی ۴۰-۵۰ تا حدیث می‌خواندند؛ ولی کسی خسته نمی‌شد (آل‌طه، ۱۴۰۰، ص ۱۳۲).

استاد سخن، مرحوم آقای فلسفی، در مراسم ختم وی در حسینیه فاطمیون فرموده بود:

من فکر نمی‌کردم پس از محدث قمی، در جامعه تشیع دیگر محدثی پیدا شود؛ اما دیدم که مرحوم آقای انصاری به‌حق خاتم‌المحدثین است.^۳

آیت‌الله رضا استادی می‌نویسد:

حاج شیخ مرتضی انصاری قمی، متولد ۱۳۲۲ق در قم. از طبقه اول منبری‌های دوران ما بود و در قم و تهران و بسیاری از شهرستان‌ها منبر می‌رفت و منبر او، مورد علاقه همگان بود و

۱. مطابق ۲۰ رجب ۱۴۱۸ق/۳۰ آبان ۱۳۷۶ش.

۲. نقل شفاهی از نویسنده.

۳. به نقل از پدر نویسنده: حاج شیخ محمدعلی انصاری.

خدمات فراوانی داشت. شاید سرّ این محبوبیت، شامل بودن منبرهای او در احادیث اهل بیت و نیز شیرینی بیان او بود. اشعار بسیار مؤثر شیخ بهایی را به‌ویژه برای طلاب و روحانیان [می‌خواند] که ابتدایش این است:

«عابدی در کوه لبنان بُد مقیم
در بن غاری چو اصحاب الرقیم
روی دل از غیر حق بر تافته
گنج عزت را ز عزلت یافته...»

و درس توکل به خدای متعال می‌دهد را گاهی می‌خواند که گویا هنوز صدا و خاطره او در ذهن بنده هست. در سال ۱۳۹۱ قمری از دنیا رفت و در قبرستان شیخان قم، مدفون است (همان، ص ۲۹۷ و ۲۹۸).

واعظ نامی قم، مرحوم حجت‌الاسلام سید ابوالفضل یشربی می‌گوید:

مرحوم حاج انصاری، منبرش منبر حدیثی و بر پایه روایات بود. لذا ایشان در یک موضوع اخلاقی، گاهی روی منبر بیست حدیث می‌خواندند و طلبه‌هایی که پای منبر بودند، آنها را می‌نوشتند. ایشان به هر کجا که می‌رفت، معروف بود که سینما خراب کرد و مسجد ساخت و لذا ید طولایی در این قسمت داشت. مرحوم آقای حاج انصاری، گاهی خیلی طبیعی و گاهی هم با تکیه بر صوت شروع می‌کرد (همان، ص ۱۵۴).

مرحوم استاد دوانی می‌نویسد:

یکی از واعظ مشهور قم، حاج شیخ مرتضی انصاری، معروف به انصاری قمی بود. منبر حاج انصاری، موضوع نداشت؛ اغلب حدیثی را می‌خواند و آن را اساس بحث قرار می‌داد؛ اما رفته‌رفته به جاهای دیگر می‌رفت؛ به طوری که اصل موضوع فراموش می‌شد؛ ولی خمیرمایه منبرش احادیث و اخبار بود؛ هرچند تکرار هم داشت. حاج انصاری، بلندقامت متناسب، عینکی، سفید مهتابی و خوش‌هیكل بود. لطایف او در منبر، معروف بود. هنوز هم بعضی از آنها، سر زبان‌هاست. شنیدم برای چند روز در تهران در محلی به نام «سرای کج» دعوت داشته است. شب اول، بعد از خطبه منبر از حاضران می‌پرسد: اینجا کجاست؟ از پای منبر می‌گویند: سرای کج. حاج انصاری می‌گوید: کی می‌گه کجه؟ و با شلیک خنده حضار، وارد مطلب

می‌شود... یا می‌گفت: طلبه‌ها! پس از تحصیل از قم خارج شوید. بروید برای تبلیغ، در قم نمانید. خدا در آیه «نُفِرَ» می‌فرماید: «فَلْيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ» نه «قُمَّهُمْ»... (دوانی، ۱۳۷۵، ص ۲۲۳).
و در جای دیگر می‌نویسد:

حاج انصاری بعد از اشراقی، واعظ قم بود. منبرش ساده و بسیار مؤثر و سخنانش بی‌پیرایه بود. بیشتر سعی داشت از حدیث استفاده کند. وقتی به نجف آمد و منبر رفت، وعاظ نجف را ملاقات کرد و مورد انتقاد قرار داد که چرا فقط تاریخ می‌گویند و مقتل می‌خوانند؟ ولی از موعظه و امر به معروف و نهی از منکر خبری نیست؛ حال آنکه اساس منبر، اینهاست. اهل منبر نجف به او گفتند: عرب‌ها مانند شما ایرانی‌ها نیستند؛ حال و حوصله پند و اندرز و موعظه ندارند و اگر ما از این راه وارد شویم، اصلاً پای منبر نمی‌نشینند؛ که البته عذر بدتر از گناه بود و می‌شد و می‌شود با برنامه‌ریزی و هماهنگی کامل میان خود اهل منبر، عرب‌ها را هم مانند ایرانی‌ها ساخت (همو، ص ۱۱۰).

مرحوم استاد، شریف رازی هم می‌نویسد:

جناب واعظ دانشمند، آقای حاج شیخ مرتضی انصاری قمی، از وعاظ نامی و مبلغین شایسته حوزه علمیه قم است که در وعظ و تبلیغات دینی و ترویج و نشر احادیث اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ گوی سبقت از همگنان ر بوده و صیت و صوت و منبر و موعظه حسنه‌اش، در بسیاری از بلاد اسلام و شیعه رسیده و در غالب مسافرت‌های تبلیغی‌اش به شهرستان‌های: کرمان و رفسنجان و یزد و کاشان و تهران و همدان و خوزستان و گیلان و سمنان و خراسان، اثرهای نیکویی از خود به جای گذاشته و مردم بسیاری را به راه دین کشیده و از انحراف، نجات داده است. در شهر قم، خدمات شایانی از تعمیر مسجد امام و مسجد جامع و غیره نموده است... (شریف رازی، ۱۳۳۵، ج ۲، ص ۱۴۴).

آیت‌الله سیدعلی اکبر قرشی هم می‌فرمود:

در قم رسم بود که خانم‌ها در کنار مجلس مردانه می‌نشستند و حجاب و پرده‌ای هم در کار نبود. این مرحوم انصاری بود که فرمود برای خانم‌ها جای جداگانه‌ای در نظر گرفتند و آنها را از دید مردان پنهان ساخت.^۱

۱. نقل شفاهی از نویسنده.

مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد روحانی می فرمود:

ایشان سالی در ماه مبارک رمضان شبها در مسجد شیخ انصاری منبر می رفت و آیت الله العظمی خوبی شبها در مسجد خضراء درس می فرمود. ما به ایشان گفتیم: آقا، درس را کمی زودتر تعطیل کنید تا به منبر آقای انصاری هم برسیم. ایشان پرسیدند: مگر آقای انصاری در منبر چه می گوید که شما می خواهید از درس من کم کنید؟ گفتیم: آقا! منبر ایشان، گفتنی نیست، دیدنی است و باید خود ببینید.

ایشان شبی درس را زودتر تعطیل نمود و به مجلس آقای انصاری حاضر شد و از کثرت نقل احادیث در شگفت آمد و فرمود: آری، شما حق دارید. این مجلس، خیلی قابل استفاده است و از آن روز به بعد، هر شب درس را کمی زودتر تعطیل می نمود.^۱

مرحوم استاد، فاضل استرآبادی می نویسد:

مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری که از منبری های معروف قم بود، چند سالی در ماه رمضان در نجف و در مسجد شیخ انصاری منبر می رفت. شیوه منبر او، ایرانی بود. طبع ایرانی ها در تبلیغ، رعایت ادب و نظم و انضباط و تذکر حلال و حرام است. او هم در منبرهای خود، تذکر می داد و مردم را نسبت به حلال و حرام آگاه می کرد، مطالب تاریخی می گفت و نصیحت می کرد. یکی از تذکرات ایشان، همان بحث عرضه گوشت نجس بود. هم تذکر می داد، هم تشویق می کرد و هم سرزنش می نمود. چند شب در این مورد صحبت کرد که چرا گوشت نجس عرضه می کنید؟ با تذکراتی که ایشان داد، چند تن از قصاب های اطراف مسجد قول دادند که دیگر گوشت ها را آب بکشند و گوشت نجس به مردم ندهند. یکی از آنها به نام حاج احمد بود؛ اتفاقاً اینها به قولشان عمل کردند و گاو و گوسفند را در کشتارگاه ها آب می کشیدند و گوشت پاک و تمیز عرضه می کردند. بعضی از آنها به دلیل آنکه مغازه شان هم نجس شده بود، مغازه را تعمیر کردند و هرچه نجس بود، مثل ترازو و ساطور را آب کشیدند... (احمدی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۹).

او خود به پدرم گفته بود:

زمانی در شب های محرم، در تهران پس از نماز مغرب و عشاء، سه مجلس را اداره می کردم. طیب خان [رضایی] پیش من آمد و مرا برای مجلس بارفروشان (میدان شوش) دعوت کرد؛

عذر آوردم و گفتم: طیب خان! من پس از نماز، سه مجلس دارم و دیگر به مجلس شما نمی‌رسم؛ وانگهی ساعت از نیمه شب هم می‌گذرد، من نمی‌آیم. او گفت: آقای انصاری! ما ده بیست نفر بودیم که همه جور کارهای خلاف را انجام می‌دادیم و در اثر منبرهای پارسال شما، از همه آنها دست کشیدیم. حالا می‌خواهی بیا، می‌خواهی نیا؛ ولی من شما را - چه دعوت ما را قبول کنی و چه قبول نکنی - به زور هم که شده می‌آیم و می‌برم. و من هم قبول کردم و فکر می‌کردم که مجلسم بسیار خلوت است؛ اما وقتی رفتم دیدم، مجلس مالا مال از جمعیت است و از بهترین مجالس من در تهران شد.

مبارزه با بهائیت

در دهه بیست و سی، ایران جولانگاه فرقه‌های انحرافی حزب توده و بهائیت شده بود و شهرهای مختلف ایران، به‌ویژه شهرهای شمال (رشت و انزلی) و جنوب (آبادان)، در آتش فساد و بی‌دینی می‌سوخت و در این میان، شهرهای یزد و کرمان و رفسنجان، علاوه بر بهائیت، گرفتار فرقه‌های انحرافی شیخیه و صوفیه هم بود. آیت‌الله العظمی بروجردی، مرحوم انصاری را به عنوان نماینده خویش، رهسپار این شهرها می‌نمود و از او اطفای نایره بی‌دینی را می‌خواست و او هم در طول سال، در این شهرها در حال منبر و سخنرانی بود و هر جا که پا می‌نهاد، موجب عزت اسلام می‌شد.

در کتاب انقلاب اسلامی در رفسنجان چنین آمده است:

در رفسنجان عده‌ای بودند که آشکارا خود را بهائی نمی‌خواندند؛ اما محافل و آیین‌شان به طور مرتب برگزار می‌شد. گسترش فعالیت آنان، موجب شکایت بزرگان شیعی رفسنجان به آیت‌الله بروجردی شد و از ایشان خواستند با اعزام روحانی باسواد و باتقوا، مردم منطقه را روشن سازند تا تحت تأثیر تبلیغات بهائیان و سایر احزاب سیاسی قرار نگیرند. در پی این درخواست، آیت‌الله بروجردی مرحوم حجت‌الاسلام انصاری قمی را برای سخنرانی در ماه محرم به رفسنجان اعزام کردند. واعظ مزبور، در محرم مصادف با مهرماه ۱۳۳۱ ش، با سخنرانی‌های مهیج خود جامعه را آماده قیام علیه بهائیت کرد و این قیام، در روز ۸ مهر به حمله مردم ناراضی به منازل و باغات بهائیان انجامید... ظاهراً شورش علیه بهائیان، به فعالیت‌های مذکور محدود نشد و در روزهای بعد نیز ادامه یافت. در گزارشی فوری به شماره ۵۵۳۵ ب/ و تاریخ ۱۳۳۱/۷/۲۷ از وزیر

دادگستری و رئیس بازرسی کل کشور به وزارت کشور، به‌وضوح درگیری شیعیان و بهائیان تصویر شده است. در این گزارش آمده است:

به طوری که آقای امین دادگاه بخش رفسنجان، تلگرافی گزارش داده [که] عده‌ای در اثر تحریکات، منزلی متعلق به فرقه بهائی را خراب و آتش زده و در اثر تعقیب مرتکبین، اغتشاش توسعه یافته و جمعی محفل شهری بهائی را نیز سوزانده‌اند. به این علت، شهر متشنج شده و قوای انتظامی کافی برای تأمین امنیت محل نمی‌باشد. خواهشمند است دستور فرمائید موضوع را مورد توجه مخصوص قرار داده، از نتیجه تعلیمات صادره بازرسی کل کشور آگاه سازند (همان، سند شماره ۲۹۳ - ۴۷/۱۴۷/۲۷).

گزارش محرمانه رئیس ستاد ارتش «سرلشکر بهارمست»، به وزارت کشور به شماره ۸۴۹۶ تاریخ ۱۳۳۱/۷/۳۰، اشاره صریحی به آقای انصاری واعظ دارد. در قسمتی از این گزارش آمده است:

برابر گزارشی که لشکر کرمان بنا به گزارش معاون شهربانی این استان داده است، بار دیگر تحریکاتی بر ضد بهائی‌ها در رفسنجان آغاز گردیده و می‌خواهند روز اربعین، بی‌نظمی برپا نمایند و بیانات حاج انصاری نام واعظ که خود را فرستاده آیت‌الله بروجردی شناسانده، در پیشامدهای گذشته بی‌اثر نبوده و اکنون هم تحریکات خود را دنبال می‌نماید. گرچه قوای انتظامی بیدار و مراقب است، ولی اگر از سوی آیت‌الله بروجردی یا سایر مقامات این واعظ خوانده شود، بهتر خواهد بود... (منظورالأجداد، ۱۳۷۹، ص ۴۷۲-۴۷۳).

در نامه دکتر مصدق به وزارت کشور نیز آمده است:

... به وسایل مقتضی، آقای حاج انصاری قمی را متوجه سازند که فعلاً وضع کشور بسیار حساس [است] و این نوع اقدامات، عکس‌العمل بسیار نامطلوب خواهد داشت. غرض این است [که] نامبرده را اقناع نموده، به طهران یا محل دیگر مسافرت نماید (همان، ص ۴۷۴).

مرحوم آیت‌الله العظمی منتظری می‌گوید:

زمانی، نجف‌آباد بهایی زیاد داشت و در همان ایام، من برای نماز و تبلیغ دینی می‌رفتم به نجف‌آباد. من از آیت‌الله بروجردی راجع به معاشرت و خرید و فروش و معامله با بهائی‌ها سؤال کردم و ایشان در جواب مرقوم فرمودند: «بسمه تعالی. لازم است مسلمین با این فرقه

معاشرت و مخالطه و معامله را ترک کنند. فقط از مسلمین تقاضا دارم، آرامش و حفظ انتظام را از دست ندهند. حسین الطباطبایی»

بعد برای اینکه نوشته اثر عمیق‌تری در میان مردم بگذارد، آقای حاج انصاری را از قم دعوت کردیم که بیایند نجف‌آباد، چند جلسه صحبت کنند و مقدمه‌چینی کنند بعد حکم و نظریه آیت‌الله بروجردی را برای مردم بخوانند. اعلامیه در سطح شهر پخش شد و تبلیغات زیادی در مساجد و جاهای دیگر انجام گرفت که حاج انصاری برای سخنرانی به نجف‌آباد می‌آید و حکم مهمی هم از آیت‌الله بروجردی به همراه دارد.

جمعیت زیادی پای منبر حاج انصاری می‌آمدند؛ تمام مسجد و صحن و بازار از جمعیت پُر می‌شد. البته حاج انصاری خودش این حکم را نخواند. او منبر رفت و زمینه را فراهم ساخت و آقای حاج شیخ ابوطالب مصطفایی حکم را خواند. با خوانده شدن این حکم، جو گسترده‌ای علیه بهائیت در نجف‌آباد ایجاد شد. آن وقت، کاری که من کردم، این بود که تمام طبقات و اصناف را دعوت کردم و همه علیه بهائیت اعلامیه دادند (منتظری، ۱۳۸۲، خاطرات، ج ۱، ص ۱۷۹).

تبلیغ در بندر انزلی

پدرم، مرحوم حجت‌الاسلام شیخ محمدعلی انصاری، می‌نویسد:

در زمان رضاخان، سوادکوهی و پس از آن، رشت و بندرانزلی، در اثر سیطره حزب توده در آن، مرکز فحشا و منکرات بود و زن و مرد، در انواع مشتهیات نفسانی آزاد بودند. در چنین شرایط سخت که هم مردم بی‌بندوبار و هم حزب توده، قوی [بود] و هم از طرف حکام وقت، کسی را یارای انتقاد و نشر احکام اسلامی نبود، عده‌ای از متدینین بندر به فکر رفته از مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری دعوت کردند که دو ماه محرم و صفر برای تبلیغ به آن شهر برود. چند روز به ماه محرم باقی مانده و من با مرحوم اخوی در منزل نشسته بودم که تلگراف دعوت مجدد و یادآوری و آمادگی اهالی رسید. آن مرحوم که قبلاً قول داده بود و از طرفی، با این شرایط روبه‌رو بود، به فکر فرو رفت که چه کند؟

دیوان حافظ در کنارم بود، گفتم: می‌خواهید تفألی از حافظ تفریحاً بگیریم؟ گفت: بد

نیست. تفألی گرفتم و این شعر آمد:

«دیده ما چون به امید تو دریاست چرا

به تفرج، گذری بر لب دریا نکنی؟

وی آن سال را بدان شهر رفت... یکی از علمای انزلی که شرح تبلیغات ایشان را برایم نقل می‌کرد، گفت: خدا پدر انصاری را بیامرزد. او به شهر ما آمد و ما را از غربت و انزوا بیرون آورد. او آمد و شهر را به یک شهر مذهبی تبدیل کرد و نماز و عبادات را دایر و رایج ساخت (انصاری، ۱۳۴۲، ص ۱۴۲-۱۴۴).

صدیق گرامی، جناب حجت‌الاسلام آقای محمدتقی ادهم‌نژاد، می‌نویسد:

روزی همراه چند نفر از دوستان، محضر آیت‌الله حاج شیخ صادق احسان‌بخش رسیدیم. ایشان در راستای نقش روحانیت در هدایت دینی، خاطره جالبی نقل نمودند:

مردم بندر انزلی از لحاظ دینی، نسبت به دیگر شهرهای گیلان، خیلی ضعیف بودند؛ تا اینکه مرحوم آیت‌الله حاج سید ابوطالب پیشوایی، از شاگردان طراز اول مرحوم نایینی، در بندر انزلی ساکن گردید. او در مسجد جامع به اقامه نماز جماعت پرداخت و از اینکه مردم، مراعات حلال و حرام خداوند نمی‌کردند، علناً غرق در فحشا و شهوات و معاصی و جوانان‌شان گمراه و دارای گرایش‌های الحادی بودند و رغبتی به مساجد و معنویات دینی نداشتند و از جسارت و توهین‌های آنان، به شدت رنج می‌بردند. لذا جهت نجات مردم و جوانان از گمراهی و تباهی و از چنگال توده‌ای‌ها، چاره‌ای اندیشید و دست به دامن خطبای نامدار و واعظان معروف گردید....

سخنرانی‌های حاج انصاری در مسجد جامع انزلی شروع شد و دیری نگذشت که آوازه آن، به گوش مردم خُمام و رشت رسید. اغلب علمای بزرگ گیلان تحصیل کرده نجف بودند و شناختی از حاج انصاری نداشتند. آنان برای استماع سخنان ایشان به انزلی رفتند و حضور مراجع رشت در اجتماع بزرگ مردم انزلی تأثیرگذار بود. الحق والانصاف، حاج انصاری عالمی باسواد و مسلط بر علوم و معارف و فوق‌العاده مهارت در شناخت زمان و مخاطب داشت. او شنوندگان را مسحور بیانات سحرآمیز خود می‌کرد. سخنان ایشان مورد توجه و تحسین علمای بزرگ رشت واقع شد. وقتی ماه رمضان از نیمه گذشت، کم‌کم اثرات سخنان ایشان در مردم هویدا گردید و سیل نامه‌ها به طرف ایشان سرازیر شد. حاج انصاری تا آن زمان، متوجه ارسال نامه‌ها و هدف اصلی مردم نبود؛ تا اینکه در یکی از شب‌های بعد از احیا، بالای منبر فرمود:

آقایان! منظورتان از اینکه نوشتید حمام نداریم و حمام کم است و مردان و زنان در امر حمام مرارت‌ها می‌کشند و نمازشان قضا و روزه‌شان خراب می‌شود، چیست؟ و اصلاً این امور چه ربطی به من دارد؟ چه کاری از من ساخته است؟

بعد از اتمام منبر، مردم دورش حلقه زده و می‌گویند: منظورمان این است تا قبل از آمدن شما، از احکام جنابت و حیض و غسل، از باطل شدن نماز و روزه و... بی‌خبر بودیم. امسال به برکت منابر شما، نسبت به وظایف شرعی خود آگاه شدیم. از جنابعالی خواهش می‌کنیم برای ما حمام بسازید. حمام‌های شهر، کم [است] و جوابگوی مردم نیست. ازدحام جمعیت زنان و مردان، برای حمام رفتن خیلی زیاد است و برای رفع مشکلات ما، باید حمام بسازید.

مرحوم حاج انصاری هم استقبال کردند و با کمک آقایان علمای بزرگ گیلان و قم، چندین باب حمام عمومی مجهز ساختند و در اثر منابر کم‌کم مردم متشرع شدند و معرفت دینی‌شان زیاد گردید. پرداخت وجوهات شرعی که تا آن زمان متداول نبود، شروع شد و امور خیریه رونق گرفت، مدرسه علمیه احداث و مساجد، احیا و آباد گردید.

مردم انزلی سال‌ها میزبان حاج انصاری بودند و از ایشان دعوت می‌کردند و دین‌شان را وامدار آن واعظ نامدار می‌دانند (افق حوزه، ویژه ۵۰ سال وفات معظم‌له).

نقش انصاری در روشنگری غائله انجمن‌های ایالتی و ولایتی

مرحوم آقای حاج انصاری، در دهه ۳۰ و ۴۰، یکی از مشهورترین خطبای نامی کشور و زبان‌گویای مراجع عظام و حوزه علمیه قم بود و نقشی اساسی در هدایت افکار عامه و روشن ساختن مردم داشت. او از زمان آیت‌الله العظمی بروجردی به عنوان نماینده ویژه ایشان، در تمام ایران به منبر می‌رفت و مقاصد و مرام شرع مقدس را ترویج می‌نمود. منبرهای شبانه‌روزی او و مرحوم حاج شیخ عباسعلی اسلامی، در آبادان در ایام خلع ید از انگلیس و ملی شدن صنعت نفت، در سینه تاریخ به یادگار مانده است (دوانی، ۱۳۷۵، ص ۳۰۴ به بعد).

در جریان انجمن‌های ایالتی و ولایتی - در نیمه دوم سال ۱۳۴۱ - انصاری همگام با مراجع عالی قدر تقلید و علمای اعلام به میدان آمد و به عنوان سخنگوی آنان، در مجامع حوزوی و مردمی حضور پیدا کرد و شب و روز سخنرانی نمود و حقایق را روشن ساخت.

مرحوم استاد، علی دوانی، در آن ایام نوشت:

آقای حاج شیخ مرتضی انصاری، واعظ مشهور که مخصوصاً در میان اهالی قم، نفوذ کلام مؤثری دارد، در این ایام در تمام مجالس باصراحت هرچه تمام‌تر، جزئیات مطلب را روشن ساخته و متذکر می‌شدند که: فرقه ضاله بهایی، از این ماجرا سهم بسزایی می‌برد. متوجه باشید اعضای این حزب سیاسی، نضج نگرفته و از اوضاع گل‌آلود ماهی‌نگیرند (دوانی، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۶۸).

سخنرانی‌های پی‌درپی انصاری، ساواک را بر آن داشت تا او را ممنوع‌المنبر سازد؛ اما این ترفند نیز کاری نشد و او به درخواست امام خمینی، منبرهای خود را دنبال کرد. امام در حضور مردم خطاب به او فرمود:

شنیده‌ام دو شب است زبان تو را بسته‌اند. چه می‌شود که اگر دستبند به دست من و شما بزنند و به گوشه زندان بیندازند؛ مگر ما از حسین بن علی و امام سجاد بالاتر هستیم؟ سازمان‌های اداری بایستی به دولت بگویند: انصاری، زبان گویای مردم قم است و تنها نیست و همه جمعیت پشت سر او هستند و حتماً امشب بایستی به منبر بروی و جریان را کاملاً شرح دهی که مردم بیدار شوند (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۸۳ (۶ آبان ۱۳۴۱ مطابق با ۲۸ جمادی‌الأول ۱۳۸۲ق)؛ گروه نویسندگان، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۸۵-۸۶).

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی می‌گوید:

سخنران معروف آن زمان قم، مرحوم حاج انصاری بود که بیش از دیگران به این مسائل می‌پرداخت و لذا مجالس و محافل دینی، بسیار شلوغ بود؛ مخصوصاً مجالسی که حاج انصاری سخنرانی می‌کرد. به هر حال، در آن مقطع، سخنان مرحوم حاج انصاری بسیار مؤثر و مهیج بود و با بیان رسایی که داشت، مسائل را برای مردم تبیین می‌کرد. فکر می‌کنم رژیم بعد از یکی دو هفته، مرحوم انصاری را ممنوع‌المنبر کرد. چون یادم هست، به جلساتی می‌رفتیم که قرار بود حاج انصاری سخنرانی کند؛ ولی افراد دیگری به جای ایشان سخنرانی می‌کردند و می‌گفتند که ایشان را ممنوع‌المنبر کرده‌اند (روحانی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵-۱۳۶).

مرحوم انصاری در آن مقطع، با سخنرانی‌های خویش مردم را روشن می‌کرد و آگاهی می‌بخشید که آقای دوانی یک نمونه از سخنرانی ایشان در حضور مراجع معظم تقلید و ده‌ها هزار نفر در مسجد اعظم در عصر سوم جمادی‌الثانی ۱۳۸۲ق در محکومیت طرح ضدّ اسلامی را در کتاب نهضت روحانیون ایران آورده است (دوانی، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۸۳-۸۶).

واقعۀ مدرسه فیضیه

پس از شکست خفت‌بار رژیم شاه در طرح انجمن‌های ایالتی و ولایتی، شاه به تصویب لوایح ششگانه و فرماند قلابی ۶ بهمن ۱۳۴۱ روی آورد که این بار هم مراجع عالی‌قدر تقلید به همراه حضرت امام خمینی به میدان آمدند و مردم مسلمان و غیور ایران را بر مخالفت و اعتراض علیه آن برانگیختند و موج تظاهرات و اعتراضات در کشور به راه افتاد و به دنبال آن، بسیاری از مساجد و درس‌های حوزه‌های علمیه به تعطیلی کشیده شد و روحانیون و علما به زندان‌ها و سیاه‌چال‌ها روانه شدند و در پی آن، عید نوروز سال ۱۳۴۲، از سوی مراجع تقلید و علمای شهرستان‌ها به عنوان عزا اعلام شد.

با حلول فروردین ۱۳۴۲ که هم‌زمان با ایام شهادت رئیس مذهب شیعه، امام جعفر صادق علیه السلام بود، رژیم شاه برای حمله به حوزه علمیه قم آماده شده بود. در آن روز، میدان آستانه و خیابان‌های اطراف حرم حضرت معصومه علیها السلام آکنده از کماندوها و نیروهای ارتشی بود و کامیون‌های مملو از سرباز مسلح در خیابان‌های قم تردد می‌کردند. در قم یک حکومت نظامی اعلام‌نشده برقرار شده بود.

حجت‌الاسلام سید حمید روحانی در این باره می‌نویسد:

... عصر روز جمعه دوم فروردین (۲۵ شوال ۱۳۸۲ق)، به مناسبت سالروز شهادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، از سوی مرحوم آیت‌الله العظمی گلپایگانی در مدرسه فیضیه مجلس عزاداری برقرار بود. ازدحام جمعیت - که تمام صحن حیاط، بالکن‌های طبقه دوم و شبستان‌های مدرسه آکنده از مردم بود - بسیار زیاد و چشمگیر بود. پس از سخنرانی حجت‌الاسلام حاج سید محمد آل طه، مرحوم آقای انصاری بر فراز منبر قرار گرفت و در باره زندگی امام صادق علیه السلام و کوشش‌های دامنه‌دار آن حضرت در آگاه ساختن مردم به حقایق قرآن و مکتب تشیع و کارشکنی‌های شدید مخالفین و معاندین در مقابل آن حضرت، داد سخن داد. آنگاه از حوزه علمیه قم به عنوان دانشگاه امام صادق و سربازخانه زمان، سخن به میان آورد و رشته سخن را به نقش آن حوزه در حفظ و حراست احکام اسلام و استقلال ایران کشانید که یکبارہ صدای پُر مهیب صلوات در فضای مدرسه پیچید و سخن او را قطع کرد. او بی‌اعتنا به این صلوات بی‌مورد، خواست به سخنان خود ادامه دهد که بار دیگر صدای صلوات، او را از سخن گفتن بازداشت. در این هنگام، آقای سیدرضا موسوی اردستانی - که نزدیک منبر نشسته بود -

مرد نابکاری را دید که مرتب صلوات می فرستد؛ به او حمله کرد و مشت محکمی بر دهان او کوبید که یکباره صدها مشت از چپ و راست به سر و صورت آن سید روحانی فرود آمد و او را به کلی گیج و از خود بی خود ساخت. مردم که متوجه روی دادن حادثه‌ای در پای منبر شده بودند، از هر طرف سر می کشیدند تا ببینند چه خبر است؟ و برخی از جای خود برخاسته، می کشیدند خود را به محل حادثه نزدیک کنند؛ ولی آقای انصاری که سخت کوشش داشت آرامش مجلس به هم نخورد، کوشید با شوخی و بذله‌گویی جریان را به اصطلاح ماست‌مالی نماید. از این روی، مردم را دعوت به آرامش کرد و اظهار داشت: بنشینید؛ چیزی نیست. چند نفر پای منبر ما، سر یک دانه سیگار کشمکش داشتند؛ تمام شد. از آنجا که دریافت تمام افرادی که دور منبرش نشسته و با چشمان شرارت‌بار به او خیره شده‌اند و به گفته خودش عوضی هستند که برای بر هم زدن مجلس و آشوبگری بدانجا آمده‌اند، لحن سخن خود را عوض کرد و با زبان نرم خواست آن دژخیمان وحشی را رام و آرام ساخته و از شرارت باز دارد. از این رو، با لحنی ملایم اظهار داشت:

ما که با کسی سر جنگ نداریم. ما در اینجا جمع شده‌ایم تا برای ششمین پیشوای شیعیان ذکر مصیبتی بکنیم و اگر حرفی می‌زنیم، سخنی می‌گوییم، جز نصیحت مشفقانه منظوری نداریم. ما وظیفه داریم خیر و صلاح ملک و ملت را ... که صدای صلوات بار دیگر طنین افکند و یکی از آنان از منبر بالا آمد تا بلندگو را از جلوی او بکشد. آقای انصاری هم یک پله پایین آمد و بلندگو را از دست او کشید و فریاد برآورد:

آی مردم! آی مسلمان‌هایی که از صدها فرسخ راه به این شهر مقدس آمده‌اید! به شهر و دیار خود که بازگشتید، به همه برسانید که دیگر به روحانیت اجازه ذکر مصیبت برای رئیس مذهب جعفری هم نمی‌دهند....

که بار دیگر صدای صلوات، رشته سخن را از کفش ربود. او که می‌دید به هیچ وجه نمی‌تواند سخن بگوید و اوضاع وخیم‌تر از آن است که فکر می‌کرد، فوراً سر و ته مطلب را هم آورد و از منبر پایین آمد و رفت کنار آیت‌الله گلپایگانی نشست (روحانی، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۳۳۴-۳۳۹).

به نوشته آیت‌الله علی کریمی جهرمی:

... در همین لحظه، صدها کماندوی گارد با دستور سرهنگ مولوی، به مردم و روحانیون حمله‌ور شدند و به قصد کشت، آنان را با سبوعیت و درندگی هرچه تمام‌تر می‌زدند. حمله دژخیمان، با شدت هرچه تمام‌تر تا پاسی از شب ادامه داشت. در حین زد و خورد، بستگان آیت‌الله گلپایگانی و عده‌ای از طلاب خرم‌آبادی و دیگران، معظم‌له و آقای انصاری را به اتاق دوم سمت شرقی مدرسه می‌برند. کماندوها - که از منبرهای آقای حاج انصاری در صبح و عصر در مدرسه حجتیه و فیضیه سخت عصبانی بودند و قصد کشتن او را داشتند - همین که متوجه شدند آیت‌الله گلپایگانی و آقای انصاری در آن اتاق هستند، به آنجا حمله بردند و در و پنجره اتاق را در هم شکستند و خرد کردند و به دنبال آن، وارد اتاق شدند و با محافظین - که شمارشان بیش از پنجاه نفر بود - به زد و خورد پرداختند... (دوانی، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۲۶۵-۲۶۶؛ صابری همدانی، ۱۳۵۸، ص ۷۸-۷۹؛ کریمی جهرمی، ۱۳۷۲، ص ۸۵).

پس از خروج آیت‌الله گلپایگانی و مردم و روحانیون از مدرسه فیضیه، آقای انصاری هم از طریق رودخانه متواری شد و تا مدت ۴۰ روز در تهران و کاشان مخفیانه زندگی می‌کرد.

در یکی از اسناد ساواک کاشان آمده است:

۱. در تاریخ ۴۲/۱/۱۰، آقای انصاری واعظ که از قم فرار کرده بود و در منزل آقای حاج محمد اصفهانی مخفی شده بود، با علمای کاشان تماس گرفت و یکی از وعاظ را به نام آقای رضا گلسرخی تحریک می‌نماید که مطالبی را برای مردم بگوید و نامبرده نیز در مسجد سخنرانی می‌نماید... .

۲. عده‌ای به تحریک آقای انصاری، نیمه‌شب در جلوی مجسمه اعلی حضرت همایونی اجتماع نموده و مجسمه را کثیف می‌نمایند که شهرداری دستور می‌دهد مجسمه را مجدداً رنگ زده و تمیز نمایند (گروه نویسندگان، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۴۸).

صبیه ایشان می‌گوید:

پس از جریان مدرسه فیضیه، ایشان از سوی رژیم بسیار آسیب دید. تقریباً ۴۰ روز در حصر بود و با ما مرتب از شهربانی و نهادهای دیگر تماس می‌گرفتند که شاه شخصاً دستور داده آقای انصاری را دستگیر و محاکمه کنید. آن زمان، سن و سال کمی داشتم؛ اما شنیدم آیت‌الله کمراهی وساطت کرده و بعد از ۴۰ روز، پدر را آزاد کردند. البته ایشان را در ۱۵ خرداد ۴۲، چند روزی دستگیر کردند که طولانی نشد. پدرم روز ۱۵ خرداد در پاساژی در سبزه میدان منبر بود.

زمانی که مردم تظاهرات را شروع کردند و اوضاع شلوغ شد، در پاساژ را پایین کشیدند تا بسته باشد و مأمورین وارد نشوند. مأمورین با تفنگ از جای کلید در، دو نفر را در پای منبر با تیر زدند. پدر بیرون آمده و به منزل یکی از دوستان رفته بود؛ اما مأمورین ایشان را دستگیر کردند. او می‌گفت که: «از من سؤالات زیادی کردند و حدود ۱۰۰ صفحه برای آنها نوشتم.» آن روز، آزاد شده بود. بعداً آقای را در قم پیش پدر فرستادند که شما آزادید در منبر هر چه می‌خواهید علیه رژیم و هرکس دیگر بگویید. آزادی کامل به شما می‌دهیم؛ به شرط آنکه ما هفته‌ای یک بار از تهران مأموری می‌فرستیم و شما اسرار آقایان را به ما بگویید؛ چون آنان به شما اطمینان دارند. پدرم گفته بود: «من یک عمر نوکری امام حسین را کرده‌ام و ضرر و زیانی ندیده‌ام. این آخر عمری بیایم و نوکر شاه باشم؟ بعد، آقایان اسراری ندارند که بگویم. ما فقط قال الصادق و قال الباقر داریم. چیزی نداریم که به شما بگوییم» (مجله حریم امام، ش ۵۰۹، مرداد ۱۴۰۱، ص ۹).

بناهای خیریه

مرحوم حجت‌الاسلام انصاری، در اغلب شهرستان‌های ایران از وادار کردن مردم به ایجاد مساجد و بناهای خیریه، آثار بسیار دارد (گروه نویسندگان، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۰۰). هر محلی که آب‌انبار یا مسجد یا حسینیه نداشت، کافی بود انصاری منبر برود و به همت مردم نیکوکار ساخته می‌شد که از نمونه‌های مشهور آن در قم، تعمیر مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و مسجد جامع می‌باشد.

او هر شب در مسجد امام به منبر می‌رفت و مردم را برای آبادی مسجد تشویق می‌نمود و پس از چند شب، به آجرپزها دستور داد تا هر شب چند ماشین آجر و قزاقی و نظامی در مدخل ورودی مسجد می‌ریختند و در منبر می‌گفت: «هرکس وارد مسجد می‌شود، یک دانه آجر یک ریالی یا یک نظامی سه ریالی با خود بیاورد» و به این ترتیب، شبی چند ماشین مصالح ساختمانی وارد مسجد می‌شد. مسطح کردن کف حیاط مسجد، دیوارچینی دور پشت بام و تعویض درها و پنجره‌های شبستان‌ها، یادگار آن ایام است. در آن زمان، کف مسجد خاکی و پوشیده از بوته‌های خار، و درهای ورودی شبستان‌ها تنگ و باریک و یک‌لنگه بود که با اقدام ایشان و کمک اهل خیر، کف مسجد سنگ‌فرش شد و درها نیز به شکل پهن و چارلنگه‌ای ساخته شد.

پدرم نوشته است:

یکی از محلات قم، به نام محله حاج زینل، بدون مسجد بود. ایشان را دعوت نمودند. وی در منبر پرسید: این کوچه را چه نام است؟ گفتند: کوچه حاج زینل. ایشان گفت: «یا پسران حاج زینل - که ثروتمند محل بودند - نام پدرشان را از این کوچه بردارند، من خودم مسجد را می‌سازم و نام انصاری بر آن می‌گذارم یا حاضر شوند مسجد را به نام پدرشان بسازند»؛ که مسجدی بزرگ ساخته شد و اکنون هم برپاست.

نیز وی زمانی در ماه مبارک رمضان در مسجد ارک [تهران] منبر می‌رفت کثرت جمعیت شرکت‌کننده به حدی بود که مسجد با تمام بزرگی‌اش کوچک می‌نمود. او در منبر گفت: «این درست نیست که خانه خدا (مسجد ارک) کوچک باشد و خانه دولت (وزارت دارایی) بزرگ باشد و با پرورش و پیگیری این موضوع و مکاتبات با نخست‌وزیری، موفق شد تا بخشی از حیاط وزارت دارایی را داخل مسجد ارک بنماید.

در سفرهای خود به بندر انزلی - پس از سقوط رضاخان - موفق شد دو باب حمام و دو مسجد را بنیان نهاد و چندین مسجد متروکه و مخروبه را آباد سازد (انصاری، ۱۳۴۲، ص ۱۴۳-۱۴۴).

آقای حاج حبیب‌الله خان بیگدلی خیاط، والد آیت‌الله استاد حاج شیخ مهدی بیگدلی، به نقل از مرحوم آیت‌الله حاج سید ابوالفضل نبوی قمی می‌گفت:

زمانی، آیت‌الله حاج شیخ علی اصغر صالحی کرمانی مرا به کرمان دعوت نمود. روز جمعه‌ای به من گفت: «می‌خواهید برای تفریح صبح جمعه‌ای برویم بیرون؟» و من جواب مساعد دادم. صبح جمعه‌ای به باغی بزرگ رفتیم و در وسط باغ، با مسجدی زیبا با سرویس‌های بهداشتی پاکیزه روبه‌رو شدیم و از دیدن آن، شگفت‌زده شدم. آقای صالحی فرمود: این مسجد و سرویس، یادگار آقای انصاری است. زمانی، ایشان به کرمان آمده بود و کارگران این باغ، از نبود محل عبادت و نظافت به ایشان گلایه کردند. ایشان پرسید: «این باغ، متعلق به کیست؟» خانمی را نام بردند. ایشان پیغام داد که فردا به صاحب باغ بگویید پای منبر من بیاید. فردا شب بر روی منبر پرسید: «آمده است؟» گفتند: خیر. مدتی به انتظار نشست. پرسید: «آمده است؟» گفتند: بلی آمد. آقای انصاری شروع کرد به خواندن احادیث در فضیلت ساختن مسجد و

بناهای خیریه و عام‌المنفعه. پس از آن، گفت: «خانم ساختی یا بسازم؟» و آن خانم از پشت پرده گفت: «حاج آقا ساختم» و این مسجد، به دست ایشان ساخته شد.

وی در اقدام خداپسندانه دیگرش وصیت کرد تا کتابخانه نفیس خود را (با هزاران جلد کتاب)، در اختیار مرحوم آیت‌الله العظمی خویی قرار دهند و پس از مرگش، بدین وصیت عمل شد و هم‌اینک آن کتاب‌ها در کتابخانه مدینه‌العلم [قم] مورد استفاده طلاب و فضلالی حوزه علمیه قم است.

مبارزه با مظاهر فساد

مرحوم حجت‌الاسلام انصاری، در مبارزه با فساد و منکرات، بسیار می‌کوشید و هر جا قدم می‌نهاد، در اولین مرحله به تبلیغ علیه مظاهر گناه، مانند: رادیو، تلویزیون، سینما و شراب‌فروشی‌ها برمی‌خاست. در یکی از ماه‌های مبارک رمضان که در کاشان منبر می‌رفت، شنید سینمایی در دست ساخت است. از این رو، مردم را تحریک نمود و به سوی آن هجوم بردند و آن را به آتش کشیدند و نام آن محله و خیابان را «سینما سوخته» گذاشتند که تاکنون این نام بر آن مکان - در خیابان ملک‌آباد - اطلاق می‌شود؛ با آنکه به جای سینما، پاساژ ساخته شده است.

همچنین، در اصفهان سینمایی در دست احداث بود. مرحوم آقای انصاری، مردم را به تخریب آن تشویق و تشجیع کرد. مردم نیز آن را خراب نمودند. ایشان از مردم خواست تا آن مکان را خریداری کرده و برای حسینیه وقف نمایند. بلافاصله، مردم متدین، زمین آن را خریدند و به نام حسینیه وقف نمودند و معظم‌له بقیه منبرهای خویش را بدان مکان انتقال داد.

نمونه دیگری که در قم روی داد، به نقل از مرحوم پدرم، این است که:

در زمان متفقین (۱۳۲۲ش)، چند باب مغازه شراب‌فروشی، در خیابان حضرتی - در مجاورت آستانه مقدسه - باز شده و اشاعه فساد می‌نمودند. از طرفی هم بارندگی بسیار کم و خشکسالی سختی شد و اغلب زراعات مردم قم، از آب باز ماند. مردم دو قریه محلات و نیمارود، به پشتیبانی قدرت نخست‌وزیر وقت - صدر الأشراف محلاتی - عهدنامه هزارساله قم را نادیده انگاشته و آب رودخانه را - که قرن‌هاست پنج و شش (یعنی آب رودخانه پنج روز برای اهالی قم، و پنج روز برای اهالی محلات، و یک روز هم برای رفت و آمد آب در نظر گرفته بودند) می‌باشد - به کلی به روی مردم قم بستند. فریاد مردم به گوش دولت - که نخست‌وزیرش مالک

آن قراء بود - فرو نرفت و از این راه، نگرانی شدیدی برای اهل قم ایجاد شد. زارعین به ستوه آمدند و ماشین‌هایی چند تهیه دیدند و با چوب و چماق و تفنگ، بر آن شدند تا به محلات رفته و سدها را بشکنند و آب را به طرف قم جاری نمایند؛ بیم فتنه‌ای بزرگ و کشتاری بسیار می‌رفت.

آقای انصاری در آن زمان بر فراز منبر به آیات مبارکه سوره واقعه: ﴿**اَفْرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ * اَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ اَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ**﴾ و آیات ﴿**اَفْرَأَيْتُمْ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ * اَنْتُمْ اَنْزَلْتُمُوهُ مِنْ الْمَزْنِ اَمْ نَحْنُ الْمَنْزِلُونَ * لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ اَجَاجاً فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ**﴾، استناد کرده و پس از شرح و تفسیر آنها فرمودند:

«مردم چرا جماعت‌ها را به هم می‌زنید؟ اگر می‌خواهید انقلاب کنید که نتیجه بگیرید، پس بریزید شراب‌فروشی‌ها را به هم بزنید که در این شهر دینی و مذهبی، علیه قرآن و مقدسات اشاعه منکرات نکنند. شما در این مغازه‌ها را از خیابان حضرت معصومه ببندید، من از آسمان به شما آب می‌دهم؛ رفتن به محلات و نیماورد و جنگ کردن، لازم نیست.»

صبح روز بعد، جوانان و روحانیون و مردم جمع شدند و با دامن‌های پُر از سنگ و چوب، به طرف مشروب‌فروشی‌ها روان شده زدند و شکستند و سوختند و از آنجا به طرف شهر نورفته و عمده‌فروشی مسکرات و خانه‌های فواحش را به آتش کشیدند. شگفت آنکه در کنار مغازه‌های مشروب‌فروشی، یک دکان نجاری و یک مغازه لباس‌فروشی بود و با اینکه شعله‌های فروزان مشروبات الکلی به آسمان می‌رفت، اما به قدرت الهی، به آن دو مغازه زبانی وارد نیامد. عصر روز بعد، ابرهایی در آسمان پدیدار شد و باران شدید بارید که در رودخانه سیل جاری شد و زراعات و باغاب مشروب‌گردید و نیازی به رفتن به نیماورد نیفتاد (انصاری، ۱۳۴۲، ص ۱۳۱-۱۳۳؛ شریف رازی، ۱۳۳۵، ج ۱، ص ۱۲۱؛ برقی، ۱۳۷۵، ص ۴۱۲).

آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی می‌فرماید:

مدتی در قم خشکسالی شد و باران نیامد و معیشت مردم دچار سختی شده بود. احتمالاً سال قبل از نماز باران، عده‌ای از قمی‌ها طاقتشان طاق شده، تا حدی که سجاده آقای آسید محمدتقی خوانساری را جمع کردند. بعد از این جسارت، مرحوم حاج انصاری که از منبری‌های معروف قم بود و زبان آنها را خوب می‌دانست، بالای منبر به این رفتار قمی‌ها اعتراض کرد و گفت: «شما به جای اینکه سجاده آقایان را این طور جمع کنید و از آنها بخواهید

به فکر مردم باشند، به عوامل این خشکسالی توجه کنید و آنها را از بین ببرید. در قم، مرکز تشیع و حوزه علمیه و جوار حرم حضرت معصومه شما، علناً شراب‌فروشی و فاحشه‌خانه هست. اینها مایه غضب خداست و باید اینها را از بین ببرید.» در آن زمان، در یکی از محلات قم، علناً شراب‌فروشی و فاحشه‌خانه وجود داشت. پس از این سخنرانی حاج انصاری، قمی‌ها به سمت شراب‌فروشی و فاحشه‌خانه حمله‌ور شدند و آنها را تعطیل کردند و به برکت حاج انصاری، از آن به بعد، در قم مرکز علنی فسق و فجور وجود نداشت (شیرازی، ۱۳۹۷، ج ۴، ص ۵۳۰). او همواره بر فراز منبر، از اوضاع بد اجتماع و اقتصاد و فرهنگ مملکت و کارهای دولت انتقاد می‌کرد و حقایق را می‌گفت و چندین بار به کلاتتری احضار شد و برایش پرونده ساختند.

مرحوم پدرم می‌نویسد:

از جمله، در یکی از سال‌ها در ماه رمضان در مسجد ارک تهران منبر می‌رفت. در شب نوزدهم ماه که شب قدر بود، وزرای وقت در کاخ گلستان - مقابل مسجد - مجلس شب‌نشینی و زیبایی اندام تشکیل داده بودند؛ که در آن شب، اشرف پهلوی جایزه ۲۰۰ هزار تومانی را از آن خود کرد. روز بعد که مرحوم انصاری باخبر شد، از شدت خشم چشمانش سرخ و رنگش برافروخته گردید و به منبر رفت و دودمان کثیف پهلوی را به باد انتقاد گرفت و گفت: «یک مشت فاحشه بی‌بندوبار از جان این ملت مسلمان چه می‌خواهند؟ شب قدر، شب ضربت خوردن امیرالمؤمنین، رجال دولت مشغول عیش و نوش و بدمستی اند؟» و تا پایان منبر، با حرارتی هرچه تمام‌تر، درحالی که صدایش علاوه بر مسجد به تمام خیابان‌های اطراف می‌رسید و حدود پنجاه هزار نفر در مسجد و اطرافش اجتماع کرده بودند، این گونه سخن گفت.

مجلس که تمام شد، پلیس شهربانی انصاری را احاطه کردند و به شهربانی بردند. از آن طرف، مردم واقعه را به گوش مرحوم آیت‌الله سید محمد بهبهانی رساندند و او در تماس با رئیس شهربانی، آزادی فوری آقای انصاری را خواستار شد و گفت: آقای انصاری، نماینده آیت‌الله العظمی بروجردی است؛ تا خبر به قم نرسیده، با معذرت‌خواهی ایشان را آزاد سازید. همین طور هم شد (انصاری، ۱۳۴۲، ص ۱۴۰).

ویژگی‌های شخصی

صبیه ایشان، خانم دکتر نصرت انصاری، می‌گوید:

پدرم بسیار رئوف، خوش‌برخورد، خوش‌اخلاق، وارسته و کم‌توجه به امور دنیوی بود. همیشه این سخن، تکیه‌کلام او بود که: «من پیش امام حسین علیه السلام روسفید هستم و هیچ‌وقت به خاطر پول، کاری نکرده‌ام.» پدرم زیاد منبر می‌رفت؛ به‌ویژه در ماه‌های: محرم، صفر و رمضان. از صبح تا شب، بیرون بود و روزانه هشت تا ده سخنرانی داشت؛ اما می‌گفت من در باره پول و مسائل مادی، با کسی صحبت نکردم و جلو هیچ‌کس پاکت را باز نکردم و نگفتم که کم یا زیاد است. به آیت‌الله بروجردی خیلی علاقه داشت و این علاقه، متقابل بود. آیت‌الله بروجردی، به پدر لطف فراوان داشت و در ایام فاطمیه، از ایشان دعوت می‌کرد و به پدرم می‌گفت: «روضه مادرم حضرت زهرا را بخوانید» و از روضه ایشان، بسیار تحت تأثیر قرار می‌گرفت.

حاج آقا در قم خیلی منبر نمی‌رفت و اظهار می‌کرد: «من فقط ایام فاطمیه را برای قمی‌ها کنار گذاشته‌ام. به دلیل اینکه در مساجد منبر می‌روم و مخاطبان بیشتر در حدی هستند که نمی‌شود صحبت‌های سنگین کرد»؛ اما در بیوت مراجع عظام که می‌رفت، نوع منبر فرق می‌کرد. از صفات ایشان این بود که برای اینکه مباحث اثر خوبی روی شنونده داشته باشد، سعی می‌کرد مطلب را در لفافه و با چاشنی طنز بیان کند؛ به‌خصوص برای جوانان سعی می‌کرد به گونه‌ای بگوید که پذیرا باشند و به صورتی نباشد که مطلب خشکی بیان کند. سعی می‌کرد برای اثرگذاری روی مخاطبان، سخنان خود را [با] طنز و بیان شیرین ارائه کند. همیشه پدر را مشغول مطالعه، کتاب به دست و در حال فیش‌نویسی می‌دیدیم؛ به‌خصوص در باره احادیث، حساس بود که با ذکر منبع یادداشت کند و آدرس دقیق حدیث را بیان می‌کرد. حدیث را هم این گونه با جزئیات حفظ می‌کرد تا کسی که می‌خواست به اصل آن رجوع کند، مشکلی نداشته باشد. تا زمانی که در قم بود، غیر از زمان خواب و غذا و مهمانی، همیشه کتاب در دست داشت. شاید در روز ده ساعت یا بیشتر به مطالعه اختصاص می‌داد. زمان‌هایی را که در قم نبود، نمی‌دانم. چون برای تبلیغ زیاد به شهرهای مختلف می‌رفت؛ به‌ویژه آیت‌الله بروجردی در شهرهایی که مشکلی ایجاد می‌شد، ایشان را به عنوان نماینده می‌فرستاد.

زمانی که شهید اشرفی اصفهانی قرار بود به عنوان نماینده آیت‌الله بروجردی به کرمانشاه برود، آیت‌الله بروجردی گفت: شما که به کرمانشاه می‌روید، کسی شما را نمی‌شناسد. به همین دلیل، آقا به پدرم توصیه کردند که همراه شهید اشرفی برود و در سخنرانی‌ها ایشان را معرفی کند. پدرم رفت و یک دهه آنجا سخنرانی داشت. بعد از اینکه آقای اشرفی معرفی شدند، پدرم

به قم بازگشت. آیت‌الله اشرفی می‌گفت: «سخنرانی آقای انصاری در معرفی من، اثر بسیار خوبی داشت.»

برخورد ایشان با خانواده، بسیار عالی بود. با افرادی که به خانه مراجعه می‌کردند، بسیار خوش‌برخورد بود. ویژگی دیگر ایشان، تمیزی ظاهر ایشان بود. هر وقت در را باز می‌کرد، از بوی عطر او که در خانه می‌پیچید، متوجه می‌شدیم ایشان به منزل برگشته است. از صفات ایشان که تا این اواخر ادامه داشت، سحرخیزی و خواندن نماز شب بود. پدرم می‌گفت که: «من در محرم و صفر تا یک نیمه‌شب هم بیرون باشم و بخوابم، ساعت ۳ صبح بدون هیچ زنگ و ساعتی، برای نماز شب بیدار می‌شوم و احتیاجی ندارم کسی من را بیدار کند.» بعد از نماز شب و اقامه نماز صبح و تعقیبات، افراد خانواده را برای نماز صبح بیدار و خودش استراحت می‌کرد. اگر در سفر منزل کسی می‌رفت یا می‌دید اهالی خانه برای نماز صبح بیدار نشده‌اند، به شدت عصبی می‌شد و از آن خانه بیرون می‌رفت و می‌گفت: «کسی که نماز صبح نخواند، به آن خانه نمی‌روم»؛ حتی به افراد خانواده و فرزندان خود می‌گفت: «اگر نماز اول وقت نخوانید، نانم را حرامتان می‌کنم. کسی که در خانه من است، باید نماز را اول وقت بخواند.» بسیار به نماز اول وقت و نماز شب مقید بود. پدرم می‌گفت: من همیشه ماه رجب و شعبان را به روزه ماه رمضان وصل می‌کنم. سه ماهه روزه می‌گرفت. می‌گفت: «هیچ وقت نشد ماه رجب و شعبان، روزه‌دار نباشم.» تا زمانی که سلامتی جسم داشت، سه ماه را پشت سر هم روزه می‌گرفت؛ ولی سال‌های پایانی عمر، دیابت و مشکلات کلیوی داشت و نمی‌توانست روزه بگیرد؛ اما قرآن و دعا و شب‌زنده‌داری وی ادامه داشت. به فرزندان خود، بسیار سفارش عبادات و سهم امام و حلال و حرام را می‌کرد (مجله حریم امام، ش ۵۰۹، مرداد ۱۴۰۱، ص ۸).

تألیفات

از آن مرحوم، یازده دفتر در تبویب احادیث، آیات، روایات و اشعار و مملو از نوادر، تواریخ و مطالب منبری، باقی مانده است که یکی از آنها، تفسیر کامل سوره «والعصر» می‌باشد. خط آن مرحوم، شکسته بوده و خواندنش کمی مشکل است.

در یکی از دفاترش می‌نویسد:

بعضی از بزرگان نقل کرده‌اند که از جمله ختم‌های مجرب، ختم کلمه مبارکه «یا علی» است و کیفیت این ختم، آن است که در مدت ده شب، هر شب و در وقت معین، دو رکعت نماز حاجت گذارد و بعد از نماز، رو به قبله بدون تکلم، یکصد و ده مرتبه «صلوات» که موافق عدد حروف لفظ «علی» است، ذکر کند و بعد از آن، بلافاصله ۱۵۷۰ مرتبه «یا علی» بگوید و بعد حاجت خود را از خدا بخواهد و صد مرتبه صلوات ذکر کند. ان‌شاءالله حاجتش برآورده خواهد شد. مکرر تجربه شده است.

وفات

وی پس از عمری موعظه و ارشاد و پس از پشت سر نهادن یک دوره بیماری، در تاریخ چهارشنبه ۲۷ مردادماه ۱۳۵۰ ش (۲۶ جمادی الثانی ۱۳۹۱ق) (جعفریان، ۱۳۷۵، ج ۹، ص ۴۰۲ (حوادث الایام)؛ روزنامه کیهان، اول شهریور ۱۳۵۰، ص ۳)، در ۶۹ سالگی بدرود حیات گفت.

به دنبال انتشار خبر وفاتش، بسیاری از مردم حق‌شناس قم مغازه‌ها را تعطیل کردند و به خانه‌اش شتافتند و به برادران والا مقامش، حضرات حجج اسلام: حاج شیخ محمدعلی، حاج شیخ احمد و حاج شیخ محمود انصاری، تسلیت گفتند.

پیکر پاکش، صبح روز پنجشنبه ۲۸ مرداد، از مسجد رفعت خیابان صفائیه به سوی حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) با حضور یکپارچه علما و روحانیون و قاطبه اصناف و اهالی قم، تشییع گردید و پس از نماز مرحوم آیت‌الله العظمی گلپایگانی بر آن، در مقابر اشعریین - قبرستان شیخان - روبه‌روی مرقد جناب زکریا بن آدم اشعری به خاک سپرده شد. بعدها نیز برادرانش: حاج شیخ محمدعلی، حاج میرزا ابوالقاسم و حاج شیخ محمود نیز در کنارش مدفون شدند.

گفتنی است که به هنگام تشییع جنازه‌اش، بازار قم قصد تعطیلی داشت و بسیاری از کسبه، کرکره مغازه‌های خود را پایین کشیدند؛ اما چون روز ۲۸ مرداد بود، شهربانی قم با اعزام چندین پلیس به بازار و تهدید بازاریان، آنان را مجبور به باز کردن مغازه‌ها و چراغانی نمودند. همچنین، تشییع جنازه آن مرحوم، باعث شد تا مراسم جشن شاهنشاهی و رژه روز ۲۸ مرداد برهم خورد. سیل جمعیت تشییع‌کننده در چهارراه بیمارستان فاطمی - که جایگاه استقرار مقامات محلی قم

بود. با رژه ارتش و شهربانی و ژاندامری تلاقی کرد و نظم رژه بر هم خورد و مقامات از بالای محل استقرار به پایین آمدند تا مراسم تشییع پایان پذیرد و دیگر نظم هم برقرار نشد و مراسم برهم خورد.

به دنبال خبر وفاتش، مراسم بزرگداشت مقام علمی و عملی اش تا شب چهارم ایشان در سراسر ایران برگزار شد. در قم از سوی آیات عظام: امام خمینی در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام، آقای گلپایگانی در مسجد حسین آباد، آقای نجفی مرعشی در حسینیه معظم له، آقای شریعتمداری در مسجد اعظم، در تهران از سوی آیت الله سید احمد خوانساری در مسجد سید عزیزالله، علما و خطبای تهران در مسجد ارک و حسینیه بنی فاطمه، علمای قمی مقیم تهران در مسجد شیخ عبدالحسین، در مشهد از سوی آیت الله العظمی سید محمدهادی میلانی در مسجد گوهرشاد، در بروجرد از سوی آیت الله شیخ علی محمد بروجردی در مسجد جامع، در شیراز از سوی آیت الله شیخ بهاءالدین محلاتی در مسجد مولا، و نیز در شهرهایی مانند: یزد، کرمان، رفسنجان، رشت، انزلی، اصفهان، گرگان، کاشان، گرکان، آشتیان، نجف و کربلا، مجالس یادبودش برگزار شد.

همچنین، برخی شعرا در رثای وی اشعاری سرودند که یکی از آنها، قصیده ادیب نامی قم، حاج شیخ محمدعلی انصاری است (انصاری، اختران ادب، ج ۲، ص ۵۰۰؛ همو، ۱۳۴۲، ص ۱۴۵-۱۴۶؛ ناصرالدین انصاری، ۱۳۸۵، ص ۱۱۹-۱۲۰):

تا که اسلام خطیبی چو تو را داد ز دست	کمر مجمع روحانی اسلام شکست
سد مستحکم دین رخنه سختی برداشت	قرنها بگذرد این رخنه نیارد کس بست
نه همین کشور اسلامی ایران به عزاست	به غم توست به هر جا که مسلمانی هست
آه که حامل آیات خدا خفت به خاک	وای که راوی اخبار نبی رفت ز دست
اسفا طوطی شکرشکن گلشن علم	سوی فردوس برین زین قفس عاریه رست
رفت آن مرد سخنگوی توانا ز جهان	که دو صد بذله شیرین ز یکی می پیوست
رفت آن عالم ناطق که به نیروی دلیل	بود هر مرتد و بی دین به دَمش عاجز و پست

۱. داماد معظم ایشان، مرحوم آیت الله حاج آقا شهاب اشراقی، این ختم را برگزار کرد.

حامی شرع خدا ناصر دین، انصاری
گرچه از حکم خدای دو جهان نیست گریز
لیک مرگ خطبا مرگ یکی ملت هست
آفرین بر تو که در خدمت اسلام شدی
خیز از جا که رسیده است شب چله تو
نه همین در غمت اخوان تو را سوخت جگر
همچو شهباز ز منبر به سر عرش نشست
هیچ فردی ز بشر از خطر مرگ نرست
رشته ملتی از مرگ خطیبی بگسست
عمر تو هست هزار ار چه شد هفت از شصت
شیعیان خاک مزار از تو به سر کرده ز دست
مسلمین را همگان سوخت جگر دل‌ها خست

منابع

الف. کتاب

۱. آقابزرگ تهرانی، شیخ محمد محسن، ۱۴۰۵ق، الذریعة، چاپ اول، بیروت، دار الاضواء.
۲. آل طه، سید حسین، ۱۴۰۰، تحفة اهل ولاء، چاپ اول، قم، بی‌نا.
۳. احمدی، محمدرضا، ۱۳۸۷، خاطرات آیت‌الله فاضل استرآبادی، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴. انصاری، محمدعلی، ۱۳۴۲ش، دیوان انصاری (مقدمه)، چاپ اول، قم، بی‌نا.
۵. —، بی‌تا، اختران ادب، چاپ اول، قم، بی‌نا.
۶. انصاری، ناصرالدین، ۱۳۸۵، یاد ایام، چاپ اول، قم، برگ رضوان.
۷. برقی، سید حسین، ۱۳۷۵، قم از نظر اجتماعی و اقتصادی، چاپ اول، قم، مؤلف.
۸. جعفریان، رسول (به کوشش)، ۱۳۷۵، میراث اسلامی ایران، چاپ اول، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
۹. خمینی، روح‌الله موسوی، ۱۳۹۲، صحیفه امام، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. درازی، علی، ۱۳۹۵ش، زندگی و مبارزات آیت‌الله مشکینی، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۱. دوانی، علی، ۱۳۶۰ش، نهضت روحانیون ایران، چاپ اول، تهران، بنیاد فرهنگی امام مهدی علیه السلام.
۱۲. —، ۱۳۷۵ش، نقد عمر، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۳. روحانی، حسن، ۱۳۹۲، خاطرات، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۴. روحانی، سید حمید، ۱۳۵۹، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، چاپ اول، تهران، راه امام.
۱۵. ریحان یزدی، سید علیرضا، ۱۴۰۸ق، آینه دانشوران، تعلیقات و اضافات: ناصر باقری بیدهندی، چاپ اول، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
۱۶. شبیری زنجانی، سید موسی، ۱۳۹۷، جرعه‌ای از دریا، جلد ۴، چاپ اول، قم، مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه.
۱۷. شریف رازی، محمد، ۱۳۳۵ش، آثار الحجة، چاپ اول، قم، انتشارات نوین.
۱۸. _____، ۱۳۵۲ش، گنجینه دانشمندان، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامیة.
۱۹. صابری همدانی، احمد، ۱۳۵۸، از فیضیه ۴۲ تا فیضیه ۵۷، چاپ اول، قم، مؤلف.
۲۰. صفری، حسین، ۱۳۸۹، انقلاب اسلامی در رفسنجان، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۱. کریمی جهرمی، علی، ۱۳۷۲، خورشید آسمان فقاہت و مرجعیت، چاپ اول، قم، دار القرآن کریم.
۲۲. گروه نویسندگان، ۱۳۶۲ تا کنون، دائرة المعارف تشیع، چاپ اول، تهران، بنیاد اسلامی طاهر.
۲۳. گروه نویسندگان، ۱۳۸۴ش، امام خمینی در آینه اسناد، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۴. مقدس‌زاده، سید محمد، ۱۳۳۲ش، رجال قم، چاپ اول، قم، بی‌نا.
۲۵. منتظری، حسینعلی، ۱۳۸۲، خاطرات، چاپ دفتر معظم‌له.
۲۶. منظور الأجداد، محمدحسین، ۱۳۷۹، مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست، چاپ اول، تهران، شیرازه.

ب. نشریات

۱. روزنامه کیهان، مورخ ۱ شهریور ۱۳۵۰ش.
۲. مجله حریم امام، شماره ۵۰۹، مرداد ۱۴۰۱ش.
۳. مجله حوزه، شماره ۳۴، بهمن و اسفند.
۴. مجله معارف جعفری، سال دوازدهم، اسفند ۱۳۵۰ش / محرم الحرام ۱۳۹۲ق.
۵. مجله مکتب اسلام، شماره ۱۴۱، مهرماه ۱۳۵۰ش.
۶. هفته‌نامه افق حوزه.